



فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

شماره پیاپی ۲۶

سال هفتم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱

شاپا: ۸۲۵۶-۱۷۳۵

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: محمد مطهری فر

کارشناسان اجرایی: عباسعلی بهاری و مهین زرنگ

مدیر داخلی: محمد حسین جعفری

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب احمدی
۲. دکتر هادی پورشفاهی
۳. دکتر محمدتقی راشد محصل
۴. دکتر محمدرضا راشد محصل
۵. دکتر غلامعلی سرمد
۶. دکتر مفید شاطری
۷. دکتر غلامحسین شکوهی
۸. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۹. دکتر محمدصادق فرید
۱۰. پروفسور احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر جواد میکائیکی
۱۲. دکتر محمد همایون سپهر
- دانشیار جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد علوم تربیتی دانشگاه تهران
- استادیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استادیار جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- دانشیار تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

مترجم و ویراستار انگلیسی: اکبر آذرکمند

ویراستار ادبی: سید نورالله نصراللهی

لیتوگرافی و چاپ: واصف

صفحه آرا: انتشارات فکربرگر

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶۱-۴۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶۱-۴۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

پست الکترونیک: Daftarehnashriyeh@yahoo.com - Ershad.shora@yaoo.com

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--------------------------------|--|
| ۱. دکتر محسن آیتی | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| ۲. دکتر اقدس اصغری | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند |
| ۳. دکتر هادی پورشافعی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۴. دکتر محسن خورشیدزاده | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۵. دکتر مفید شاطری | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۶. دکتر علی عسگری | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۷. دکتر طاهره عظیم زاده طهرانی | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد |
| ۸. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۹. دکتر محمود فال سلیمان | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۰. دکتر کلثوم قربانی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۱. دکتر ابراهیم محمدی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۲. دکتر جواد میکائیکی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۳. دکتر حامد نوروزی | استادیار دانشگاه بیرجند |



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ: ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، مقاله های نوشته شده در موضوع فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و مباحث نزدیک به این موضوع ها را که در حیطه ی استان خراسان باشد و با توجه به نکات زیر تهیه شده باشند منتشر می کند.

۱. ساختار مقاله از روش علمی شناخته شده ای پیروی نموده و دارای چکیده، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه گیری و منابع و مآخذ استاندارد گونه باشد.
۲. روش تحقیق شامل موضوع، اهداف، فرضیه یا پرسش های تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن در بخش مقدماتی ارائه شده باشد.
۳. چکیده مقاله در محیط Microsoft Word 2003 و بر روی کاغذ A4 نوشته شده باشد. حجم مقاله بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه باشد.
۴. چکیده فارسی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ واژه و چکیده انگلیسی بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ واژه، همراه متن مقاله باشد.
۵. معادل انگلیسی اسامی غیر فارسی، اصطلاحات و مفاهیم غیر رایج، با علامت شماره گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.
۶. جداول، نمودارها، نقشه ها و عکس ها، همراه با شماره و عنوان گویا در پایان مقاله آورده شود و در متن مقاله، به شماره و عنوان آنها اشاره شود.
۷. ارجاعات و منابع مورد استفاده در محل مربوطه در داخل متن با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون پرانتز آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).
۸. فهرست منابع و مآخذ در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی باشد.
مثال برای استناد به کتاب:
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). از سیر تا پیاز. تهران: نشر علم.
مثال برای استناد به مقاله:

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذری بر جغرافیای تاریخی قهستان". فرهنگ خراسان جنوبی، سال اول، شماره ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

مثال برای استناد به پایان نامه:

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۹. مشخصات شناسنامه‌ای، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته

مربوطه، شغل، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، پست الکترونیکی)، شماره تلفن

یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه اول مقاله درج گردد.

۱۰. مقاله ارسالی نباید در مجلات دیگر چاپ شده باشد و یا همزمان برای چاپ به سایر

مجلات ارسال شود.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورتی

که با خط مشی فصلنامه تطابق داشته باشد، به منظور ارزیابی برای حداقل دو نفر از داوران

صاحب نظر ارسال خواهد شد.

مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر

می‌شوند.

فهرست مطالب

تأثیر شاهنامه بر خاوران نامه

محمد بهنام فر، مجید خسروی ۷

خاوران نامه‌ی ابن حسام خوسفی در گستره‌ی حماسه‌های دینی و تاریخی

فاطمه بیدختی، مرادعلی واعظی ۳۷

ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون و رابطه‌ی آن با جو توسعه منابع انسانی از دیدگاه کارکنان دانشگاه بیرجند

هادی پورشافعی، علی عسگری، فاطمه نیازی ۵۹

مقایسه فرهنگ آموزش و یادگیری در دو نسل اعضای هیأت علمی دانشگاه بیرجند از منظر نقش استاد

صدیقه خوش دامن، محسن آیتی ۸۵

اثرات اقتصادی تعاونی‌های تولید کشاورزی بر خانوارهای روستایی (مورد: تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان بیرجند)

مفید شاطری، محمد حجتی پور، بهناز نجاتی، عالیہ دزگی ۱۰۹

بررسی نقش گردشگری در توسعه روستایی با استفاده از مدل SWOT، مورد مطالعه: روستای خور شهرستان خوسف

محمود مرادی، سمیه خاتمی ۱۲۹

بررسی روند ساخت خط تلگراف مشهد- بیرجند - سیستان و مشکلات آن در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۳ هجری قمری

علی نجف زاده، محمدحسن الهی زاده ۱۴۹



تأثیر شاهنامه بر خاوران نامه

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۸

محمد بهنام فر^۱

مجید خسروی^۲

چکیده

شاهنامه‌ی فردوسی پرمایه‌ترین دفتر شعر فارسی و مهم‌ترین سند عظمت و فصاحت فرهنگ و زبان پارسی است که داستان‌های ملی و مآثر تاریخی قوم ایرانی در آن به بهترین وجه نموده شده است. خاوران‌نامه‌ی ابن حسام نیز از بهترین نمونه‌های حماسه‌ی دینی و نشانگر تثبیت مذهب شیعه در بین ایرانیان است. ابن حسام در سرودن خاوران‌نامه از جنبه‌های مختلف به شدت تحت تأثیر فردوسی بوده و شاهکار استاد توس را به عنوان الگو، مد نظر داشته است. لذا نگارندگان کوشیده‌اند در این مقاله به شیوه‌ی توصیفی و تطبیقی و به روش تحلیل متن، تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه را در زمینه‌های مختلف نشان دهند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که این تأثیرپذیری‌ها به صورت آشکار و نهان در جای‌جای خاوران‌نامه به چشم می‌خورد؛ از انتخاب وزن و بحر گرفته تا تأثیرپذیری واژگانی، تضمین برخی از مضامین و ابیات شاهنامه، شباهت در شخصیت‌های داستان، شباهت در توصیف میدان‌های جنگ و نبردهای تن به تن، خوارق عادات، جدال حق و باطل، متأثر بودن از آثار باستانی پیشین، جنگ با دیوان و اژدها و ساحران و

واژگان کلیدی: فردوسی، شاهنامه، ابن حسام، خاوران‌نامه، حماسه‌های ملی، حماسه‌های دینی، نقد نفوذ.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند. m_behnamfar@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند. m.khosravi1366@yahoo.com

مقدمه

پیش از پرداختن به موضوع اصلی، آوردن توضیحاتی در نوع ادبی حماسه ناگزیر می‌نماید: عهد اسلامی، دوره‌ی اوج و رواج شاهنامه سرایی از قبیل شاهنامه‌ی مسعودی مروزی، گشتاسپ نامه‌ی دقیقی و شاهنامه‌ی فردوسی است. منظومه‌های حماسی به دو قسم منظومه‌های حماسی طبیعی و منظومه‌های حماسی مصنوعی و این دو نیز زیرعنوان حماسه‌های اساطیری و پهلوانی و منظومه‌های حماسی تاریخی، تقسیم‌بندی می‌شوند. حماسه‌های اساطیری و پهلوانی، همان است که به ایام پیش از تاریخ با موضوع‌های مهم فلسفی و مذهبی مربوط است، مانند منظومه‌ی ایاتکار زیران و قسمت بزرگی از شاهنامه‌ی فردوسی و حماسه‌های کهنی همچون گرشاسپ‌نامه و... از نمونه‌های منظومه‌های حماسی تاریخی می‌توان از گاهنامه‌ها^۱ اثر انیوس^۲ و کم‌دی الهی^۳، انه‌اید^۴ اثر ویرژیل^۵، ظفرنامه‌ی حمدالله مستوفی و شهنشاهنامه و... نام برد. اما آنچه تحت عنوان حماسه‌ی دینی از آن یاد می‌کنند، درحقیقت زیر مجموعه‌ای از منظومه‌های حماسی تاریخی است که در آن، حقایق تاریخی با آمیزه‌ای از نمادهای افسانه‌ای، کل منظومه را تشکیل می‌دهد؛ مانند خاوران‌نامه‌ی ابن حسام، حمله‌ی حیدری باذل، حمله‌ی راجی، خداوندنامه‌ی صبا و... (صفا، ۱۳۵۲: ۵-۸).

خاوران‌نامه از حماسه‌های دینی قدیم شیعه است که موضوع اصلی آن، سفرها و حملات علی(ع) است به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و ابوالمحسن و جنگ با قباد، پادشاه خاور زمین و امرای دیگری مانند تهماسب‌شاه و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع (همان: ۳۷۷).

ابن حسام در ادب فارسی جایگاه والایی دارد و در تمام قالب‌های شعری به طبع آزمایی پرداخته است. او شاعری بسیار توانا بود و زمانی که هنوز شیعه به عنوان مذهب رسمی اعلام نشده بود، ارادت خاصی به اهل بیت نشان داد و همین امر برای وی فضلی جداگانه

-
1. Annals
 2. Ennius
 3. Divine Comedy
 4. Eneide
 5. Virgil

به شمار می‌آید. ابن‌حسام در خاوران‌نامه، به حقیقت، خود را وامدار فردوسی می‌داند و همچون استادش معتقد است که با این مثنوی همواره نامش زنده خواهد بود:

نمیرد دل پاک ابن‌حسام که زنده است او را بدین نامه نام

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۳۱۵).

همچنان‌که فردوسی در شاهنامه گفته است:

از این پس نمیرم که من زنده‌ام که تخم سخن من پراکنده‌ام

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۳۶۷)

ابن‌حسام همچنین در قصیده‌ای که به مطلع زیر سروده است:

عمر بشد در طلب جاه و مال هیچ نشد حاصلت الا خیال

می‌گوید:

من کیم از دایره شاعران نقطه موهوم برون از خیال

نقطه من خال جمال سخن بر رخ خوبان چه ظریفست خال

کعبه من دیر و لیکن حرام گفته من سحر و لیکن حلال

از چمن روضه فردوسیم برگ گلی داد سحرگه شمال

(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۲۶۸)

در بیت آخر، ظاهراً منظورش از "برگ گل" همان منظومه‌ی خاوران‌نامه است (همان: هجده) که بیانگر تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه است.

شادروان دکتر ذبیح‌الله صفا (۱۳۵۲: ۷) در کتاب حماسه‌سرایی در ایران، خاوران‌نامه را جزو منظومه‌های حماسی دینی نام می‌برد که خود زیرمجموعه‌ی منظومه‌های حماسی تاریخی است و می‌نویسد: «ممکن است موضوع حماسه‌ی تاریخی، زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به‌وجود آمده باشد. این منظومه‌ها که بر اثر استادی و همچنین اعتقاد دینی شدید گویندگان آنها ممکن است گاه بسیار دل‌انگیر و زیبا باشد، نیز اغلب دارای بسیاری از خصایص منظومه‌های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملل نام برده شود. من این‌گونه منظومه‌های حماسی را که اتفاقاً در زبان فارسی نمونه‌های بسیاری

مانند خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام و حمله‌ی حیدری باذل و کتاب حمله‌ی راجی و خداوندنامه‌ی صبا و اردیبهشت‌نامه‌ی سروش و جز اینها دارد منظومه‌ی حماسی دینی می‌نامم». برخی دیگر از محققان، منظومه‌هایی نظیر خاوران‌نامه را حماسه‌ی دینی شفاهی نامیده‌اند زیرا این‌گونه کتاب‌ها دربردارنده‌ی افسانه‌هایی درباره‌ی بزرگان دین هستند که رنگ احساس و اعتقاد مردم را با خود دارند و منعکس‌کننده‌ی ایمان و اندیشه‌ی ساده و صمیمی نقل‌کنندگان و راویان آنها می‌باشند (بیهقی، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

برخی معتقدند که شاهنامه و خاوران‌نامه، دو جلوه از هویت ملی ایرانیان هستند و این مدعا را این‌گونه توجیه می‌کنند: «با توجه به پیشینه‌ی اجتماعی و فرهنگی ایران، دوستی و ارادت به اهل بیت و بالاخص علی(ع) به تدریج بنا به دلایل تاریخی و اجتماعی به صورت عنصری فرهنگی و ملی در می‌آید و گویی وارد ضمیر ناخودآگاه قوم ایرانی می‌شود و در قرن نهم ابن‌حسام زبان مردم می‌شود و با سرودن خاوران‌نامه، هویت ملی ایرانیان را با تأکید بر عنصری مذهبی که اینک صبغه‌ی ملی گرفته است به گونه‌ای دیگر احیا و معرفی می‌کند، لذا نه تنها هیچ‌گونه تعارض و تقابلی بین اندیشه‌های فردوسی و ابن‌حسام وجود ندارد بلکه هر دو در یک راستا و با یک هدف سروده شده‌اند و مکمل یکدیگرند و نظر کسانی که خاوران‌نامه را گواه اسلامی شدن حماسه‌ی ملی و ایرانی تصور کرده‌اند نادرست است و باید آن را دلیل بر رواج و مقبولیت تشیع در بین ایرانیان بدانیم، یعنی عنصری مذهبی با پذیرش عامه‌ی مردم ایران به عنصری ملی مبدل گردیده است» (بهنام فر، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۷۹).

دکتر یاحقی (۱۳۷۸: ۸)، خاوران‌نامه را در میان حماسه‌های دینی به مثابه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی در میان حماسه‌های ملی ارزیابی کرده است.

دکتر ناصح (۱۳۷۸: ۱۳۲) نیز درباره‌ی تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه می‌گوید: «این اثر اعجاب‌آور - شاهنامه - موجب پیدا شدن یک نهضت مهم ادبی در ایران گردید و آن خلق آثار مهم حماسی دیگر بود در زمینه‌های دین و مذهب و اخلاق و عرفان و در لباس تاریخ و حکایت و افسانه و روایت، و اما در بین حماسه‌های مذهبی که به تقلید شاهنامه‌ی فردوسی به‌وجود آمد و خوش درخشید، یکی همین حماسه‌ی ابن‌حسام خوشفی است که

مشمتمل بر ۲۲۵۰۰ بیت است در بحر متقارب و بر وزن شاهنامه‌ی فردوسی و به همان سبک و سیاق که در قرن نهم هجری سروده شده است».

حمیدالله مرادی در مقدمه‌ی کتابش تحت عنوان تازیان‌نامه‌ی پارسی به نقل از یحیی ذکاء این‌گونه می‌نویسد: «خاوران‌نامه‌ی او آخرین تقلید مهم و قابل‌ذکری است که از شاهنامه‌ی فردوسی به عمل آمده است» (ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۲).

و نیز دکتر عباس خائفی (۱۳۸۰: ۵۳) می‌گوید: «ابن حسام اولین شاعری است که مثنوی حماسی خود را به پیروی از شاهنامه‌ی فردوسی در شرح دلاوری‌ها، جنگ‌ها و فضائل حضرت علی(ع) سرود که بعداً مورد تقلید دیگران قرار گرفت».

البته صاحب‌نظرانی هم اعتقاد بر این دارند که خاوران‌نامه، یک منقبت‌نامه‌ی اعتقادی تبلیغی است نه یک حماسه‌ی مذهبی که هم منشأ وجود کتاب‌هایی چون حمله‌ی حیدری و راجی و غیر آن بوده و هم ادامه‌ی طبیعی مبارزات فرهنگی شعوبیه و مذهبی فرقه‌های مختلف شیعه با مخالفان و معاندان است (راشد محصل، ۱۳۷۸: ۶۷).

در این مقاله سعی بر این است که به شیوه‌ی توصیفی و تطبیقی و به روش تحلیل متن، تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه، نشان داده شود. اینک با بررسی مشابتهای این دو اثر، تأثیر شاهنامه بر خاوران‌نامه را در زمینه‌های مختلف، تبیین و تحلیل می‌نماییم.

۱- اعتقاد و ارادت ابن‌حسام به فردوسی

قراین فراوان حاکی از آن است که ابن‌حسام از ابتدا تا انتها، شاهنامه را الگوی کار خویش قرار داده و به فردوسی و شاهکارش از سر اعتقاد و ارادت نگریسته است چنان‌که در جایی می‌گوید:

و دیگر که فردوسی پاک زاد	که رحمت بر آن تربت پاک باد
بپرداخت آن نامه نامدار	وز او ماند تا جاودان یادگار
سخن را بلندی ز گفتار اوست	سخن را شعار اندر اشعار اوست
بر او ختم شد گفتن مثنوی	از او به نگوید کسی پهلوی
ز توحید و اوصاف تمثال و پند	به یک بند کامد خدا را پسند

چو بگذاشت جان قالب خاک را ببخشید فردوسی پاک را
به فردوس مأوای او ساز کرد به یک بیت او را سرافراز کرد
جهان را بلندی و پستی تویی همه نیستند آنچه هستی تویی

(ابن حسام، ۱۳۷۶: ۳۲).

در جایی دیگر ابن حسام در خاوران‌نامه از خوابی سخن می‌گوید که فردوسی را در باغی چون بهشت ملاقات می‌کند و پس از این دیدار است که طبع او شکوفا و قلبش مخزن گنج اسرار الهی می‌گردد. جریان خواب از این قرار است که در شبی بهاری، ابن حسام سرایی خرم چون باغ بهشت به خواب می‌بیند که فردوسی به پای گل و نارون در درون گلشن می‌چمد. ابن حسام نزدیک فردوسی می‌رود و او را تنگ در آغوش می‌گیرد و می‌گوید:

بدو گفتم ای اوستاد سخن بدادی به شهنامه داد سخن
زبان تو آب زلال است و بس بیان تو سحر حلال است و بس
دلت مخزن گنج دانشوری است تو را در سخن پایه برتری است
دمت تازه دارد خرد را روان سخن در زبان تو آب روان
لبت در سخن گفتن مثنوی پدید آورد معجز عیسوی
زبان به گفتن چو فرمان دهد چو باد مسیحا دمت جان دهد
به باغ سخن چون تو بلبل نخاست به هر نغمه صد گونه دستان تو راست
نسیم از تو یابد بهار سخن تویی آب در جویبار سخن

(ابن حسام، ۱۳۷۸: ۴۹).

پس از او می‌خواهد که به سبب اشتیاق دیرینه او را در آغوش بگیرد و سینه بر سینه‌اش بگذارد:

برم بر بر خویش لختی بمال که در سینه توست عقد لال
زمانی بنه سینه بر سینه‌ام تو دانی که مشتاق دیرینه‌ام
صفایی ده از سینه صافیم زلف تو هست این قدر کافیم

(همانجا)

ابن حسام دمی چند در آغوش فردوسی آرام می‌گیرد و استاد توس با گفتارش خاطر او را شاد می‌کند و سحرگاه که از خواب بیدار می‌شود خیال شبانه همواره در چشم اوست:

سحرگاه ز خواب اندر آمد سرم	خیال شبانه به چشم اندرم
دلم مخزن گنج اسرار گشت	خرد را سر خفته بیدار گشت
ز پستی بلندی گرفت اخترم	جوان شد به پیرانه سر خاطرم

(همانجا)

در این ابیات آنچه از زبان ابن حسام برداشت می‌شود از این قرار است:

۱- فردوسی الهام بخش ابن حسام در انجام رسالت فرهنگی او بوده است. وی معتقد است که هر آنچه کرده است و دارد نتیجه‌ی آن خواب شگفت است:

همان شب یکی خواب دیدم شگفت چه گل‌ها کز آن خواب بر من شکفت

(همان: ۴۸)

۲- فردوسی با کار بزرگی که کرد جاودانه و بهشتی شده است:

خرامان به پای گل نارون همی گفت فردوسی اندر چمن ...

(همانجا)

۳- اقرار به استادی و بلندپایگی فردوسی در سخنوری:

دلت مخزن گنج دانشوری است تو را در سخن پایه برتری است

۴- ارادت قلبی ابن حسام به فردوسی و اشتیاق دیرینه به دیدن او:

زمانی بنه سینه بر سینه‌ام تو دانی که مشتاق دیرینه‌ام

۵- فردوسی مایه بیداری خرد و روان ابن حسام شده و از آن پس اختر او رو به بلندی

گذاشته و دلش مخزن گنج اسرار گردیده است:

دلم مخزن گنج اسرار گشت خرد را سر خفته بیدار گشت

ز پستی بلندی گرفت اخترم جوان شد به پیرانه سر خاطرم

۶- از همه مهمتر ابن حسام می‌خواهد بگوید که من این کار را به درخواست فردوسی

انجام داده‌ام و اگر او هم امروز زنده بود همین کار را می‌کرد.

شایان ذکر است که این اعتقاد و ارادت ابن حسام به فردوسی، در زندگی و خصوصیات

اخلاقی و شخصیتی او نیز تأثیر گذاشته است. فردوسی و ابن حسام در این زمینه شباهت‌های زیادی دارند. هر دو انسان‌های آزاده و وارسته‌ای هستند که از کدّ یمین و عرق جبین کفاف زندگی را فراهم می‌کرده‌اند و جز به ضرورت، بر درِ ارباب بی‌مروت دنیا نمی‌رفته‌اند و هر دو نقد عمر را بر سر رسالت فرهنگی خود گذاشته‌اند و در پیرانه سر به تنگدستی و مستمندی افتاده‌اند (احمدی بیرجندی، ۱۳۷۸: ۳۵).

۲- اخذ کلمات و ترکیبات و تضمین برخی از مصاریع و ابیات شاهنامه

ابن حسام در گزینش کلمات و ترکیبات، به شدت متأثر از حکیم توس بوده است به طوری که در جای جای خاوران‌نامه، مصاریع و ابیاتی به چشم می‌خورد که دقیقاً برگرفته از شاهنامه است. اینک برای اثبات مدعای خویش هر مورد را به طور جداگانه بررسی می‌کنیم.

۱-۲ - اقتباس کلمات و ترکیبات شاهنامه

زبان ابن حسام در خاوران‌نامه بسیار نزدیک به زبان فردوسی است؛ البته باید اذعان کرد که فردوسی شاعری است که سبک کاملاً شخصی دارد و در یک داوری دقیق، تمایزات غیر قابل کتمان و قوت کلام او با همتایان هم‌عصرش آشکارا به چشم می‌خورد و زبان و کلمات برآمده از ذهن تیزبین او هیچ‌گاه به تصرف دیگری در نمی‌آید و به گونه‌ی شگفت‌آوری، زنده و ملموس است. فردوسی به علت ضرورت زمانی و جو اختناق حاکم در زمان خود، به اجبار برای بیان مسائل روز، زبان کنایه و اسطوره‌ای انتخاب کرده است؛ در حالی که محتوای مورد بحث او مسائل جاری زمان است. بدین اعتبار، فردوسی از معدود افرادی است که توان به تصویر کشیدن جنایات قدرت سیاسی زمان خویش را داشته است. با وجود این، ابن حسام برای تثبیت مذهب شیعه، زمانی که بین شیعه و سنی نزاع و درگیری بود، اقدام به سرودن مثنوی خاوران‌نامه کرد و علی‌رغم تغییراتی که در سطح زبانی آثار قرن نهم در مقایسه با قرن چهارم ایجاد شده بود، او در گزینش کلمات و ترکیبات دقیقاً شاهنامه را مد نظر قرار داده و از حکیم توس متأثر شده است. البته این امری طبیعی است چون «زبان منظومه‌های دینی فارسی، همه تقلید از زبان شاهنامه‌اند» (خالقی مطلق،

۱۳۸۶: ۲۱). دکتر سید محمد دامادی (۱۳۸۰: ۷۴) درباره‌ی زبان ابن حسام می‌نویسد: «زبان شعر او در عین برخورداری از قدرت و مهارت در سخنوری، از استیلا و تسلط بر فرهنگ شاعری و سنت‌های ادبی و بهره‌یابی از تجارب شاعران فارسی زبان پیش از وی حکایت می‌کند»

هرچند ابن حسام در استواری و انسجام و تنوع واژگان به پای حکیم توس نمی‌رسد اما الحق با خواندن ابیاتی از آثار ابن حسام، باید به بایستگی شعر و شایستگی شاعر در پیروی از استاد مسلم خود، فردوسی، معترف بود. ابن حسام گاه در توصیف میدان‌های جنگ و نبردهای تن به تن، کلمات و ترکیباتی را برمی‌گزیند که دقیقاً برگرفته از شاهنامه است مثلاً:

ز سَم ستوران در آن پهن دشت زمین شش شد و آسمان گشت هشت
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

ز سَم ستوران در آن مرغزار ز هامون به گردون برآمد غبار
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۷۳)

یا

برآمد دم بوق و آوای کوس زمین آهنین شد هوا آبنوس
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۱۵)

برآمد دم و ناله بوق و کوس ز گرد سیه شد هوا آبنوس
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۷۸)

سپاهی بکردار مور و ملخ نبد دشت پیدا نه کوه و نه شخ
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۱)

ز بس کشته افکنده بر کوه و شخ نبد بر زمین جای پای ملخ
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

۲-۲ - تضمین مصاریع و ابیات شاهنامه

ابن حسام در بسیاری از موارد گاه یک مصراع و گاه یک بیت کامل از فردوسی را در لابلای اشعارش می‌آورد که نشان‌دهنده‌ی این است که او با دیدی مثبت به شاهنامه نگاه می‌کرده و پیوسته آن را به عنوان الگو مد نظر داشته است. اگرچه برخی از ابیات بالا که به عنوان نمونه برای اخذ کلمات و ترکیبات شاهنامه ذکر کردیم، می‌تواند شاهی برای این بخش نیز باشد اما برای آشنایی بیشتر با تأثیرپذیری ابن حسام از فردوسی، ذکر شواهدی دیگر از تضمین مصاریع و ابیات شاهنامه خالی از لطف نمی‌نماید:

زمین را ببوسید و بردش نماز همی بود پیشش زمانی دراز
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۳۵۴)

زمین را ببوسید و بردش نماز ستودن گرفتش زمانی دراز
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

یا

جهان را بلندی و پستی تویی همه نیستند آنچه هستی تویی
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

جهان را بلندی و پستی تویی همه نیستند آنچه هستی تویی
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۶۵)

همچنین نمونه‌های زیر:

ز بس ناله کوس با کَرَنای همی کس ندانست سر را زیبای
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۳۵۸)

ز بس ناله کوس با کَرَنای هراسنده را لرزه بر دست و پای
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۳۹)

ز گرد سواران هوا بست میغ چو برق درخشنده پولاد تیغ
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

ز گرد سواران هوا بست میغ چو ژاله بیارید از آن میغ تیغ
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۱۵)

یکی تیرباران بکردند سخت
چو باد خزان بر جهد بر درخت
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴۰۸)

یکی تیرباران بکردند سخت
که خورشید را تیره شد روی بخت
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۳۲)

۳- شباهت در توصیف میدان‌های جنگ و نبردهای تن به تن

فضای حماسی و توصیف صحنه‌های جنگ و نبردهای تن به تن در شاهنامه و خاوران نامه با هم شباهت‌های زیادی دارند؛ فردوسی نبرد منوچهر با تور را این گونه توصیف می‌کند:

سپیده چو از تیره شب بردمید	میان شب تیره اندر خمید
منوچهر برخاست از قلبگاه	ابا جوشن و تیغ و رومی کلاه
زمین شد بکردار کشتی برآب	تو گفתי سوی غرق دارد شتاب
بزد مهره بر کوهه ژنده پیل	زمین جنب جنبان چو دریای نیل...
ز گرد سواران هوا بست میغ	چو برق درخشنده پولاد تیغ
برآورد شاه از کمینگاه سر	نبد تور را از دو رویه گذر
عنان را بیچید و برگاشت روی	برآمد ز لشکر یکی های و هوی ...
یکی نیزه انداخت بر پشت او	نگونسار شد خنجر از مشت او
ز زین بر گرفتش بکردار باد	بزد بر زمین داد مردی بداد
سرش را همانکه ز تن دور کرد	دد و دام را از تنش سور کرد

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۱)

و ابن حسام در کین‌خواهی قطار از ابوالمحجن و کشته شدن هلال می‌گوید:

بیاراست قطار جنگی سپاه	برآمد خروش سواران به ماه
ز گرد سواران فروزنده تیغ	تو گفתי همی آتش افروخت میغ
هماواز گشته به هم زیر و بم	دم نای بر بسته بر نای دم
نخستین که آمد بدان پهن دشت	به آوردگه گرد میدان بگشت
سرافراز ابوالمحجن گرد بود	که نزدیک او مهتران خرد بود ...

دلیری هلال هبیره به نام	برآهیخت تیغ نبرد از نیام
چو تنگ اندر آمد به میدان هلال	برآورد شمشیر و بگشاد بال ...
دل پهلوان گشت بر وی درشت	سنان راست کرد و خم آورد پشت ...
به روی اندر آوردش از پشت زین	سوی آسمان برد و زد بر زمین
سیه گشت تابیده بدر هلال	گرفت آفتابش نشان زوال

(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۷۷-۷۸)

پیدااست که ابن حسام در ایجاد حال و هوای حماسی و توصیف نبردهای تن به تن تا چه اندازه از فردوسی متأثر بوده است.

۴- تأثیرپذیری بلاغی و ادبی

اشتراکات فردوسی و ابن حسام در زمینه‌ی بلاغی و ادبی غیرقابل انکار است. شاهنامه، کتابی ارزشمند در قالب مثنوی و بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور می‌باشد. سراینده‌ی این اثر از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و سایر صنایع لفظی و معنوی تا جایی استفاده می‌کند که زبانش را بیاراید، ولی مانع دریافت مخاطب نشود. شفیع کدکنی (۱۳۸۶: ۴۴۰) معتقد است: «فردوسی می‌کوشد که تصویر را وسیله‌ای قرار دهد برای القای حالت‌ها و نمایش لحظه‌ها و جوانب گوناگون طبیعت و زندگی، آن‌گونه که در متن واقعه جریان دارد، از این رو، مسأله‌ی تزام تصویرها - که در شعر این دوره از بیماری‌های عمومی شعر است - در شاهنامه به هیچ روی دیده نمی‌شود». آرایه‌های ادبی در شاهنامه در خدمت هدف بنیادی تری هستند و فردوسی آن‌ها را به‌عنوان ابزار در خدمت گرفته نه این که شعرش در خدمت صنایع ادبی باشد. از نظر رسایی و شیوایی، شعر کمتر شاعری به فردوسی می‌رسد و این مسأله از قدرت او و بی‌مانندی اثرش حکایت دارد. اما اگر بخواهیم ارزش ادبی شعر فردوسی را تقسیم کنیم شاید بتوان گفت نیمی از ارزش بلاغی و ادبی کار فردوسی به خاطر توصیفات و تصویر سازی‌های بی‌نظیر اوست. او در توصیف صحنه‌ها و مناظر هیچ نکته‌ای از دقایق بلاغت را فرو نگذاشته است.

حال، مهم‌ترین ویژگی مثنوی خاوران‌نامه - در بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور

– که آن را از حیث ادبی بی‌بدیل و اعجاب‌انگیز و در میان آثار شعری، ماندگار می‌نماید؛ توصیف طبیعت و صحنه‌های رزمی و بویژه بزمی آن است. آنجا که شاعر در جای جای منظومه‌اش از فنون ویژه‌ی ادبی همچون مبالغه و اغراق و دیگر صنایع ادبی بهره می‌برد، به راستی که شکوه و جلال شاهنامه‌ی حکیم توس را فرا یاد می‌آورد. اگر به چند بیت زیر از ابن‌حسام در توصیف شب دقت شود، بی‌گمان مدعا با حجتی روشن پذیرفته خواهد شد:

خجسته شبی از شبان بهار	معنبرتر از زلف مشکین یار
تهی کرده این خرگه مشک رنگ	ز ترکان چینی سیاهان زنگ
سیاهی زده بر سپیدی رقم	بریده سر روز شب چون قلم

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۹۹)

یا

شبى بود برسان دریای قیر نه خورشید پیدا نه بهرام و تیر
(همان: ۱۱۰)

که بسیار مانده است به سخن فردوسی در توصیف شب:

شبى چون شبه روی شسته به قیر	نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر
سپاه شب تیره بر دشت و راغ	یکی فرش گسترده از پر زاغ
نموده ز هر سو بچشم اهرمن	چو مار سیه باز کرده دهن...

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴۳۳)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ابن‌حسام در بکارگیری تشبیه، اسناد مجازی، اضافه‌ی تشبیهی و از همه مهم‌تر، اغراق و مبالغه در آفرینش این تصویر، به شدت تحت تأثیر فردوسی بوده است. تحلیل و بررسی برخی از برجسته‌ترین آرایه‌ها و صورخیال مشترک این دو اثر، تأثیرپذیری ابن‌حسام از فردوسی را در این زمینه روشن‌تر خواهد کرد:

۴-۱ – تشبیه

در یک اثر حماسی همچون شاهنامه، اغراق شاعرانه جای دیگر آرایه‌ها و صنایع ادبی را می‌گیرد و شاعر کمتر به دیگر آرایه‌ها می‌پردازد اما درباره‌ی تشبیه باید گفت از آنجا

که فردوسی به خوبی دریافته که تشبیه، حادثه را محدود و کوچک می‌نماید، کمتر از این عنصرخیال بهره برده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۷). البته همین تشبیهات کم او ساده، طبیعی، ملموس و حسی و در نوع خود بی‌نظیر است. چند نمونه:

ز گرد سواران هوا بست میغ چو برق درخشنده پولاد تیغ

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

یکی دختری دید برسان ماه فروهشته از چرخ دلوی بچاه

(همان: ۸۸۰)

ابن‌حسام نیز به تبع فردوسی همواره این مسأله را مد نظر داشته است اما در مواردی که او با تشبیه تصویرسازی می‌کند، تشبیهاتش چه در رزم و چه در بزم همچون تشبیهات فردوسی ساده، طبیعی و ملموس است. مثلاً:

ز گرد سواران هوا بست میغ چو ژاله ببارید از آن میغ تیغ

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۲۱۵)

بر آن تخت بر، دختری همچو ماه به پیش اندرون ایستاده سپاه

(همان: ۱۸۵)

۲-۴ - اسناد مجازی

شفیعی‌کدکنی (۱۳۸۶: ۴۵۰-۴۵۲) بحث اسنادهای مجازی را وسیع‌ترین حوزه‌ی تصاویر شاهنامه می‌داند و معتقد است که حرکت و جنبشی که در اسنادهای مجازی فردوسی وجود دارد به هیچ روی قابل قیاس با تصاویر تشبیهی یا استعاری رایج در شعر دیگران نیست... و تصاویری که فردوسی با نیروی اسناد مجازی می‌سازد چندان وسیع است که عناصر سازنده‌ی آن، همه جا ابر است و آفتاب و دریا و سپهر و ستاره و زمین و او هیچ‌گاه در ساخت این تصاویر خود را متوجه جزئیات و ریزه‌کاری‌های کوچک نمی‌کند... و هیچ‌گاه از عناصر انتزاعی و مجرد در اجزای تصویری شعر او نشانی نیست... و این از مؤثرترین نکته‌ها در تشخیص کار اوست. دو مثال زیر به خوبی تبحر فردوسی در ساخت تصاویر به کمک اسناد مجازی را نشان می‌دهد:

چو خورشید بر تخت زرین نشست شب تیره رخسار خود را ببست ...
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۶۴۲)

زمین گشت جنبان چو ابر سیاه تو گفستی همی برنتابد سپاه
(همان: ۵۶۳)

و ابن حسام نیز هرچند در ساخت تصاویر به کمک اسناد مجازی، به پای حکیم توس نمی‌رسد اما در این زمینه متأثر از فردوسی، تصاویر زیبایی ساخته است که همچون تصاویر فردوسی خالی از عناصر انتزاعی و مجرد است. مثلاً:

چو خورشید بر رخسار گلگون نشست ز دست شب تیره در خون نشست ...
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

زمین گشت جنبان هوا شد بنفش ز چندان سواران و چندان درفش
(همان: ۱۰۶)

۴-۳ - کنایه

ادبیات و بویژه شعر، هنجارشکنی در گفتگوی عامیانه است؛ بدین معنی که شاعر مطالب خود را به صورت مستقیم باز نمی‌گوید بلکه با شیوه‌های بیانی در آن پیچ و تاب می‌اندازد و همین شیوه، ادبیات را جذاب کرده است؛ کنایه یکی از شیوه‌های غیرمستقیم و پیچ‌دار بیان و یکی از ابزارهای مخیل ساختن کلام است. فردوسی از کنایه تا جایی استفاده می‌کند که زبانش را بیاراید ولی مانع دریافت مخاطب نشود. او کمتر در کاربرد این عنصر بیانی خود را به تکلف انداخته است. چند نمونه:

عنان را بپیچید سوی فرود دلش پر ز کین و سرش پر ز دود
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۳۲۳)

دواسبه فرستاده آمد بری چو باد خزان بهنگام دی
(همان: ۱۰۲۹)

ابن حسام نیز در کاربرد کنایه چندان خود را به تکلف نینداخته و کنایه‌های او نسبتاً ساده و قابل فهم است. چند نمونه:

کمر بند جادو گرفت و ربود عنان را ز میدان بپیچید زود
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۶۶)

فرستاده از مرز خاور سپاه دواسبه روان شد به فرمان شاه
(همان: ۱۵۰)

۴-۴ - اغراق

فردوسی صناعی را بیشتر به کار برده است که مناسب اثر حماسی‌اش باشد و با جرأت می‌توان گفت که اغراق برجسته‌ترین و بهترین صنعتی است که فردوسی آن را به زیباترین شکل ممکن به کار برده است. شفیعی کدکنی (۱۳۸۶: ۴۵۰)، استفاده‌ی شاعر از عناصر هستی را رمز برتری اغراق‌های فردوسی در مقابل اغراق‌های دیگر شاعران می‌داند، عناصری از قبیل کوه، دشت، ابر، دریا، خورشید، ماه و ... که در آثار دیگر شاعران کمتر به چشم می‌خورد. مثلاً:

سپاهی بکردار مور و ملخ نبذ دشت پیدا نه کوه و نه شخ
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۱)

ز گرد سواران هوا بست میغ چو برق درخشنده پولاد تیغ
(همان: ۵۱)

و چند نمونه از خاوران‌نامه که مشابهت‌های فردوسی و ابن‌حسام را در کاربرد اغراق به خوبی نشان می‌دهد:

ز بس کشته افکنده بر کوه و شخ نبذ بر زمین جای پای ملخ
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

ز گرد سواران هوا بست میغ چو ژاله ببارید از آن میغ تیغ
(همان: ۲۱۵)

با توجه به این موارد، به جرأت می‌توان ادعا کرد که ابن‌حسام در زمینه‌ی بلاغی و ادبی نیز پیوسته به شاهنامه نظر داشته است.

۵- اشتراک در هدف و رسالت فرهنگی

هدف فردوسی و ابن‌حسام از سرودن شاهنامه و خاوران‌نامه، احیای هویت ملی و فرهنگی ایرانیان بوده است. به عبارت دیگر، خاوران‌نامه ادامه‌ی همان راه و رسالتی است که قرن‌ها قبل، فردوسی آغاز کرده بود و ابن‌حسام در قرن نهم همان کاری را در احیای هویت فرهنگی ایرانیان کرد که فردوسی در قرن چهارم؛ زیرا در قرن نهم گرایش‌های شیعی به اوج خود رسیده بود و نیاز باطنی مردم ایران و علاقه شدید آنها به امام علی (ع) سبب شد که وجود مبارک آن حضرت که جنبه‌ای اسطوره‌ای و افسانه‌ای پیدا کرده بود، صبغه‌ی ملی بگیرد و به عنوان انسان آرمانی فرهنگ ایرانی در کنار رستم که نماد ملیت ما بود^۱ نه در مقابل آن، قرار گیرد. لذا همان‌گونه که فردوسی بنا را بر احیای حماسه‌ی ملی ایرانیان می‌گذارد ولی در عین حال ارادت تام خود را به اهل بیت پیامبر (ص) و علی (ع) در جای‌جای شاهنامه باز می‌گوید، ابن‌حسام هم در شرایطی متفاوت، بنایش را بر حماسه‌ای دینی می‌گذارد که در آن، فردوسی و رستم جایگاه والایی دارند و این یعنی تلفیق عناصر فرهنگ ایرانی و اسلامی، مخصوصاً مذهب تشیع؛ که هر کدام به منزله‌ی دو روی یک سکه‌اند و فرهنگ ملی ما را در چهره‌ی دو قهرمان آرمانی و ملی می‌نمایانند. لذا نباید تصور کرد که هویت ملی چیزی جدا از مذهب و یا در تقابل مذهب تشیع است، بلکه هویت ملی اعم از عناصر مذهبی و غیرمذهبی است؛ بدین معنا که وقتی عناصر مذهبی مشخصه‌ی فرهنگی یک ملت شدند، از عناصر ملی به حساب می‌آیند، چنانکه بسیاری از عناصر مذهبی میترائیسیم و زردشتی که زمانی جزو اساطیر مذهبی بوده‌اند امروزه به عناصر ملی فرهنگ ایرانی تبدیل شده‌اند. از این‌رو، در خاوران‌نامه نیز امام علی (ع) که نماد مذهب تشیع است بعد از مقبولیت عام در بین ایرانیان، به صورت نماد ملی و انسان آرمانی در می‌آید.

اهمیت این مطلب به حدی است که حتی فردوسی این‌گونه از سر اخلاص و ارادت درباره‌ی امیرالمؤمنین داد سخن می‌دهد:

حکیم این جهان را چو دریا نهاد	برانگیخته موج از او تند باد
چو هفتاد کشتی بر او ساخته	همه بادبان‌ها برافراخته

یکی پهن کشتی به سان عروس	بیاراسته همچو چشم خروس
محمد بدو اندرون با علی	همان اهل بیت نبی و ولی ...
اگر چشم داری به دیگر سرای	به نزد نبی و علی گیر جای
گرت زین بد آید گناه من است	چنین است و این دین و راه من است
بر این زادم و هم بر این بگذرم	چنان دان که خاک پی حیدرم

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴)

خلاصه اینکه خاوران‌نامه و شاهنامه هر دو با یک هدف و در یک مسیر حرکت می‌کنند و آن احیای هویت ملی و فرهنگی و هویت‌بخشی به ایرانیان است.

۶- ورود شخصیت‌های شاهنامه به خاوران‌نامه

در باب شخصیت‌های خاوران‌نامه باید گفت که برخی مانند مالک اشتر، ابوالمحجن، عمرو بن معدی کرب و عمر بن امیه، واقعیت تاریخی دارند که دلآوری‌هایشان در غزوات صدر اسلام، ورد زبان‌ها و آشنای گوش‌هاست و پاره‌ای دیگر از شخصیت‌های داستانی همچون عملاق، قرطاس و عبدوی صرفاً ساخته‌ی ذهن شاعر است و تنها باید از دید حماسی بدان‌ها نگریست. اما گروه سوم، شخصیت‌هایی هستند که مستقیماً از شاهنامه به خاوران‌نامه راه یافته‌اند که ابن‌حسام گاه برای ذکر مثال و تشبیه و تأیید مطلب خود و گاه به عنوان شخصیتی مستقل در داستان‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند از جمله رستم، اسفندیار، بیژن، جمشید، بهمن، زال، سام، ضحاک، کاوس، کیخسرو، کیقباد، گسته‌م، گودرز، گیو، منوچهر و... . این مطلب نشان‌دهنده‌ی این است که ابن‌حسام با شاهنامه آشنایی زیادی داشته و داستان‌های شاهنامه را به خوبی در خدمت پروژه‌ی مذهبی و معنوی خودش به کار گرفته است. به‌عنوان نمونه او در فرجامین سخن داستان کشته شدن قطار در بیان عبرت و اعتبار چنین می‌گوید:

به دولت رسد مرد فرمان‌پذیر	اگر دولت هست فرمان‌پذیر...
جهان تا پدر را نکشت ای پسر	پسر چون نشیند به جای پدر؟
چو شاه کهنسال شد نو رسید	ز کیخسرو افسر به خسرو رسید

قباد اندر او کیقبادی نیافت	منوچهر تا از جهان رخ نتافت
کجا پر شود کاس کاووس کی؟	تهی جام جم تا نگردد ز می
که کاووس را کاسه پر شد ز خاک	بیا تا ببینی به زیر مگاک
چه خسرو چه کیخسرو و قیقباد	زمانه چو دست ستم برگشاد

(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۸۷-۸۸)

و در جایی دیگر:

کجا شد فریدون و ضحاک و جم؟	کجا رستم و بیژن و گسته‌م؟
سکندر کجا رفت و دارا کجاست؟	یکی زان همه آشکارا کجاست؟

(همان: ۲۵۷)

گاهی شخصیت‌های شاهنامه بدون تغییر کارکرد، در خاوران نامه راه پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، ابن حسام چهره‌های مثبت و منفی‌ای که از شاهنامه گرفته بدون اینکه تغییری در ماهیت و کارکرد آن‌ها ایجاد کند، آن‌ها را در لابلای داستان‌هایش به خدمت گرفته و مضمون مورد نظرش را بیان کرده است. شاهد بارز این مورد، شخصیت رستم است. رستم معروف‌ترین شخصیت شاهنامه است که صحنه‌های حماسی بسیاری در شاهنامه آفریده است؛ از آن جمله می‌توان به فتح دژ سپندکوه، نجات دادن کیکاووس و سایر پهلوانان در بند دیو سپید مازندران با گذشتن از هفت‌خوان، نجات کاووس از بند شاه هاماوران، بزرگ کردن سیاوش پسر کاووس، کشتن سودابه همسر کیکاووس به خونخواهی سیاوش، حمله به توران به خونخواهی سیاوش، نجات بیژن پسر گیو از چاه افراسیاب و پرورش بهمن پسر اسفندیار اشاره کرد. خلاصه اینکه رستم بزرگ‌ترین قهرمان حماسه‌ی ملی ایران و نماد پهلوان آرمانی ایران و مظهر همه نیرومندی‌ها و دلاوری‌ها و جوانمردی‌ها و در یک کلام، همه‌ی فضائل والای انسانی است. نکته در این جاست که هر جا ابن حسام نام رستم را می‌آورد در واقع هدفش بیان دلاوری و پهلوانی اوست. گاه این مطلب را مستقیم و گاهی غیرمستقیم بیان می‌کند. به عنوان مثال، ابن حسام در خاوران نامه از کوهی با این مشخصات سخن می‌گوید بی‌نام و نشان، جایگاه دیوان و غولان، صعب‌العبور، به زیر آتش و به زبر زمهریر و نام این کوه، کوه بلور است که فقط علی (ع) - قهرمان و شخصیت اول

خاوران نامه - می تواند به آنجا برود و تاکنون نیز کسی به این کوه گذر نکرده است؛ کوهی که علی(ع) در ابتدای امر از آن شگفت زده می شود:

به کوه اندرون ماند حیدر شگفت برآورد دست و دعا کرد و گفت
که یا رب کسی پیش از این روزگار گذر کرده باشد بدین کوهسار؟

(همان: ۱۹۰)

در اینجا ابن حسام با ظرافت خاصی برای نشان دادن عظمت و اهمیت کار حضرت در نظر مخاطب، شخصیت رستم را با همان کارکردی که در شاهنامه داشته، وارد داستان می کند و در ادامه ی ابیات مذکور چنین می گوید:

یکی پیشتر زین بسی روزگار رسیده است رستم بدین کوهسار

(همانجا)

شاعر می گوید این کوهی است که فقط رستم توانسته است به آن گذر کند نه کسی دیگر. مخاطب در اینجا با شناختی که از رستم دارد، عظمت و شگفتی واقعه را به خوبی درک می کند. ابن حسام می تواند به جای رستم، شخصیت دیگری را انتخاب کند اما گزینش شخصیت رستم توسط ابن حسام، از روی شناخت و آگاهی او نسبت به شاهنامه و بویژه رستم بوده است نه به صورت تصادفی و اتفاقی.

این امر در مورد دیگر شخصیت های شاهنامه - البته کمی ضعیف تر - نیز صادق است. به عنوان مثال، جمشید، شخصیتی است که در خاوران نامه بارها نام او به چشم می خورد. اگرچه شخصیت جمشیدشاه در خاوران نامه با جمشید، پادشاه اسطوره ای شاهنامه در برخی موارد با یکدیگر تفاوت هایی دارند اما ابن حسام در بیشتر مواردی که نام جمشید را می آورد به گونه ای جمشید شاهنامه را برای مخاطب تداعی می کند؛ زیرا همان طور که در سطور قبلی گفته شد ابن حسام تحت تأثیر شاهنامه، این شخصیت ها را وارد داستان هایش کرده؛ پس طبیعی است که این شخصیت ها با کم ترین تغییر به خاوران نامه راه یافته اند. به عنوان نمونه، در هر دو اثر جمشید، پادشاه است:

... گرنامه جمشید فرزند او کمر بست یکدل پر از پند او
برآمد بر آن تخت فرخ پدر به رسم کیان بر سرش تاج زر

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۲)

... برابر یکی تخت بسته بلور تو گفתי همی تابد از چرخ، هور
نشسته بر آن تخت جمشیدشاه به سر بر نهاده کیانی کلاه
(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

و یا در هر دو اثر، جمشید دارای دختر (دخترانی) زیبارو می‌باشد:
...دو پاکیزه از خانه‌ی جمشید برون آوریدند لرزان چو بید
که جمشید را هر دو دختر بدند سر بانوان را چو افسر بدند
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸)

...گلش چهره و نام گلچهر بود پری را بر آن ماه‌رخ مهر بود
سر بانوان دخت جمشیدشاه خداوند شمشیر و تخت و کلاه
(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۱۸)

باید اذعان کرد که وجود چنین مشابهت‌های جزئی در شخصیت‌های شاهنامه و خاوران‌نامه، نتیجه‌ی تأثیرپذیری بیش از حد ابن‌حسام از شاهنامه است.
ابن‌حسام شخصیت‌های شاهنامه را در موارد مختلف دیگری نیز به صورت پراکنده به خدمت می‌گیرد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

اسفندیار (اسپندیار)

شخصیت معروف شاهنامه است که ابن‌حسام در مقام تشبیه، نام او را به وام می‌گیرد:
بغ‌رید بهمن چو ابر سیاه به گرز گران کرد مالک نگاه
به بهمن درآمد چو اسپندیار بدو گفت باش ای نبرده سوار
(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۴۴)

بهمن

در شاهنامه، بهمن پسر اسفندیار، از پادشاهان کیانی است که پس از گشتاسپ، شاه ایران شد. در خاوران‌نامه، بهمن یکی از شخصیت‌های مستقل است که ابن‌حسام تحت تأثیر شاهنامه او را وارد داستان‌هایش کرده است:

یکی خاوری بود بهمن به نام دلاور سواری به مردی تمام
به بازوی مردی و شیرافکنی شکستی سپاهی به تنها تنی
(همان، ۱۴۳)

زال (زال داستان)

این شخصیت در خاوران‌نامه چهره‌ای فریبنده و حيله‌گر دارد. ابن‌حسام در انتخاب این شخصیت، گوشه‌چشمی به زال، پدر رستم دارد. همان‌طور که زال در شاهنامه بیشتر با داستان - به معنی حيله و نیرنگ - همراه است و معمولاً با ترفند و حيله به استقبال مشکلات می‌رود، زال در خاوران‌نامه نیز دارای چنین ویژگی‌هایی می‌باشد:

چو آواز حیدر به مالک رسید	بر آواز او نعره‌ای برکشید
به فریاد گفت ای جهان پهلوان	به فریاد مالک برس گر توان
گرفتار گشتم به داستان زال	به افسون جادوی شوریده‌حال...
به مالک چنین پاسخ آورد زال	که پذیرفت خورشید عمرش زوال
به داستان بر او دست بیرون کنم	گر او فیلسوف است افسون کنم...

(همان: ۲۵۴)

گیو، سام و گودرز

در شاهنامه گیو، پهلوان ایرانی پسر گودرز و پدر بیژن است و سام، پسر نریمان و پدر زال و در دوره‌ی فریدون و منوچهر، پهلوان ایرانیان است و گودرز، پهلوان ایرانی، پسر کشواد و شاه اصفهان است. ابن‌حسام این سه شخصیت را از شاهنامه می‌گیرد و آن‌ها را به عنوان سه فرزند از فرزندان صدگانه‌ی صلصال قرار می‌دهد. فرزندی که هریک سردار لشکر و حاکم یکی از نواحی سرزمین قام‌اند:

جهانجوی را صد پسر بیش بود	از آن ده کمر بسته در پیش بود
نود زن به هر مرز و هر کشوری	جداگانه هر یک سرلشکری
چو سربال و شهبال خنجرگذار	چو نوراین و گیو و سام سوار
چو گودرز و نوزاد و چون قهرمان	تهمتن که بود اژدهای دمان...

(همان: ۲۷۳)

در مجموع باید گفت از آنجا که شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان، مقوله‌ای بسیار مهم و اساسی است، ابن‌حسام هنرمندانه برخی از شخصیت‌های جذاب، عمیق و ماندگار شاهنامه را به وام گرفته و داستان‌های خود را با گزینش این شخصیت‌ها، قوی و

مستحکم گردانیده است. انتخاب شخصیت‌های شاهنامه - نه آثار حماسی دیگر - توسط ابن حسام نیز مهر تأییدی بر تأثیرپذیری شدید ابن حسام از فردوسی است.

۷- بن‌مایه‌ی اصلی مشترک (جدال حق و باطل)

مهم‌ترین نکته که در همه‌ی آثار حماسی کم و بیش به یک صورت جریان دارد، نبرد و جدال و جنگ و پیکار است، ستیز با تباهی‌ها و ناروایی‌ها به منظور رعایت نام و ننگ. در سرتاسر شاهنامه جنگ میان حق و باطل، روشنی و تاریکی و یزدان و اهریمن است. به عنوان نمونه، می‌توان به داستان ضحاک و فریدون اشاره کرد. فریدون نماد حق و ضحاک نماد باطل است که در نهایت فریدون بر ضحاک غلبه می‌کند:

ببردند ضحاک را بسته خوار	بپشت هیونی برافکنده زار ...
بکوه اندرون تنگ جایش گزید	نگه کرد غاری بنش ناپدید
بیآورد مسمارهای گران	بجایی که مغزش نبود اندران ...
ببستش بران گونه آویخته	و زو خون دل بر زمین ریخته
ازو نام ضحاک چون خاک شد	جهان از بد او همه پاک شد
گسسته شد از خویش و پیوند او	بمانده بدان گونه در بند او

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۳۰)

در خاوران‌نامه نیز مضمون اصلی، جدال حق و باطل است که حضرت علی(ع) و مالک نماد حق و پادشاهانی همچون قباد، تهماسب‌شاه، جمشیدشاه، صلصال و... نماد باطل هستند و در نهایت نتیجه‌ی این جدال‌ها پیروزی حق است بر باطل. به‌عنوان مثال، علی(ع) در نبرد با جمشیدشاه بر او پیروز می‌شود و سرزمین خاور مسخر او می‌گردد. ابن حسام صحنه‌ی ورود حضرت به شهر و شکست جمشیدشاه را این‌گونه توصیف می‌کند:

به شهر اندر آمد به کردار شیر	ز مردم تهی گشت بالا و زیر ...
شهنشاه خاور بپرداخت جای	رها کرد بنگاه و پرده سرای
گریزان شد از کشور و بوم خویش	چو برگشته دید اختر شوم خویش
به شهر اندر آمد علی با سپاه	نشست از بر تخت جمشیدشاه

همه شهر خاور مسلمان شدند بر او یک به یک آفرین خوان شدند
(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۷۱)

۸- خوارق عادات

خوارق عادات در میان پهلوانان بسیار است. توانایی رستم تا حدی است که درختی را مانند علفی از زمین می‌کند و نرّه‌گوری را بر آن کباب می‌کند، اما درخت عظیم و نرّه‌گور بزرگ در دست توانای او از پر مرغی هم کمتر است:

چو آتش پراکنده شد پیلتن درختی بجست از در — بازن
یکی نرّه‌گوری بزد بر درخت که در چنگ او پزّ مرغی نسخت

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۷۳)

ابن حسام نیز در داستان نبرد صلصال با حضرت علی(ع) زور بازوی علی(ع) را از زبان خود حضرت، توصیف می‌کند آنجا که صلصال از زور بازوی حضرت در شگفت می‌ماند و حضرت از توانایی‌های خود از جمله کندن در قلعه‌ی خیبر می‌گوید:

به صلصال حیدر نگه کرد و گفت که از من چنین ها نباشد شگفت
چه دیوان که من کشته‌ام روز کین چه گردان که افکنده‌ام من ز زین
بکندم در حصن خیبر ز جای به بازوی خویش و به نام خدای

(ابن حسام، ۱۳۸۲: ۲۸۹)

۹- تأثیرپذیری از آثار باستانی پیشین

در موقعی که فردوسی حدود سی و پنج تا چهل سال داشته است درصدد برآمده شاهنامه‌ای را که در عهد جوانی او به حمایت و با پشتیبانی مالی همشهریش، ابومنصور پسر عبدالرزاق به نثر فارسی تهیه شده بود، به نظم درآورد؛ در همین زمان شاعری جوان که هم‌عصر فردوسی و تخلصش دقیقی بوده است، به نظم آن دست می‌زند، اما عمر این شاعر مجال ادامه‌ی کار را به او نمی‌دهد و فردوسی آن را به پایان می‌رساند (مینوی، ۱۳۷۲: ۵۶). حکیم توس در لابلای اشعار خود از این کتاب -شاهنامه‌ی منثور

ابومنصوری- با عنوان های "گفته‌ی باستان"، "نامه‌ی باستان" و... یاد می‌کند، که ظاهراً منبع اصلی او در سرودن شاهنامه بوده است:

ز گفتار دهقان یکی داستان بپیوندم از گفته‌ی باستان

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۷۲)

سرآرم من این نامه‌ی باستان بگیتی بمانم یکی داستان

(همان: ۷۵۸)

فردوسی همچنین در ذکر داستان‌هایش از افرادی با عنوان "دهقان" یاد می‌کند:

ز گفتار دهقان کنون داستان تو برخوان و برگوی با راستان

(همان: ۲۰۱)

... چو باشی بدین گفته همداستان که دهقان همی گوید از باستان

(همان: ۳۹۰)

ابن حسام نیز متأثر از آثار باستانی پیشین است. او علاوه بر تأثیرپذیری از شاهنامه -که موضوع اصلی این مقاله می‌باشد- در بیان قصص و روایات و اخبار، از خردمندی تازی نژاد نقل مطلب می‌کند بدین ترتیب:

خردمند دانای تازی نژاد ز تازی زبانان چنین کرد یاد

(ابن حسام، ۱۳۷۶: ۳۶)

و یا از دفتر باستان روایتی می‌آورد:

چنین خواندم از دفتر باستان روایت کند راوی داستان

(همان: ۲۴۱)

یا

گزارش چنین کرد دهقان پیر سخن دان چنین زد رقم بر حریر

(همان: ۴۹۴)

۱۰- عشق به مثابه‌ی چاشنی حماسه

درست است که شاهنامه به موضوع حماسه اختصاص دارد ولی به این معنی نیست که

چیزی به غیر از حماسه در آن نباشد. داستان‌های عاشقانه‌ی بی‌نظیری مثل زال و رودابه^۱ در شاهنامه وجود دارد. در این داستان، زال سنت‌های حاکم بر جامعه را می‌شکند و بر خلاف همه‌ی قهرمانان حرکت می‌کند و به نوعی می‌توان گفت حماسه را تبدیل به یک رمان عاشقانه می‌کند. این موضوع در مثنوی خاوران‌نامه نیز صادق است. آنجا که مالک، اسیر گلرخ، دختر جمشیدشاه می‌شود و در نهایت، گلرخ را به نکاح مالک در می‌آورند.^۲ با خواندن کامل این دو داستان، موضوع به خوبی برای خوانندگان روشن می‌شود.

۱۱- جنگ با دیوان و اژدها و ساحران

فردوسی صحنه‌های زیادی از نبرد پهلوانان-به ویژه رستم- با دیوان و اژدها و ساحران را بازگو می‌کند، به عنوان مثال، نبرد رستم و اکوان دیو را این‌گونه توصیف می‌کند:

تهدمتن چو بشنید گفتار دیو	برآورد چون شیر جنگی غریو
ز فتراک بگشاد پیچان کمند	بیفکند و آمد میانش به بند
بپیچید بر زین و گرز گران	برآهیخت چون پتک آهنگران
بزد بر سر دیو چون پیل مست	سر و مغزش از گرز او گشت پست

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۴۳۲)

و ابن‌حسام نیز نبرد حضرت علی(ع) با اژدها را این‌گونه بیان می‌کند که بسیار مانده است به توصیف فردوسی از نبرد رستم و اکوان دیو:

... ز کوه اندر آمد یکی اژدها	که ابلیس را ز او نبودی رها
چو حیدر بدان اژدها بنگرید	ز سر تا به پایش سراسر بدید
کشید از میان دشنه‌ی آبگون	شد اندر سر اژدها آب خون
برآویخت آن مار با او به هم	همی خواست کاو را بسوزد به دم
یکی تیغ حیدر بزد بر سرش	به یک زخم دو نیمه شد پیکرش

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۹۲)

موارد یاد شده، مهم‌ترین مشترکات شاهنامه و خاوران‌نامه بود؛ البته موارد بی‌شمار

۱. ر. ک. به: فردوسی، ۱۳۸۷: ۵۶ - ۱۰۲.

۲. ر. ک. به: ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۱۶ - ۱۲۱.

دیگری هم از این قبیل می‌توان یافت که ذکر همه‌ی آنها از حوصله‌ی این مقاله خارج است.

با توجه به آنچه گفته شد نقش بی‌همتای فردوسی در سرودن خاوران‌نامه و نادرستی سخنان کسانی که خاوران‌نامه را در تقابل با شاهنامه قرار می‌دهند و شاهنامه را مغ‌نامه و کفرنامه می‌نامند^۱ و فردوسی را به الحاد و بی‌دینی و زنده کردن آیین مجوس متهم می‌گردانند؛ مشخص می‌گردد.

در پایان، پس از بررسی مشترکات شاهنامه و خاوران‌نامه در زمینه‌های مختلف، می‌توان با جرأت نظر کسانی را که به ابن‌حسام لقب فردوسی ثانی داده‌اند (اته، ۱۳۵۶: ۵۶۰) تأیید کرد.

نتیجه

با توجه به بررسی انجام شده باید گفت ابن‌حسام در سرودن خاوران‌نامه به شدت تحت تأثیر حکیم توس بوده است. از آنجا که فردوسی رسالت بزرگ خود - احیای فرهنگ ملی - را با سرودن شاهنامه با موفقیت به انجام رسانید؛ ابن‌حسام متأثر از شاهنامه، اقدام به سرودن خاوران‌نامه کرد که این تأثیرپذیری‌ها در جای‌جای اثرش پیداست؛ از انتخاب وزن و بحر گرفته تا تأثیرپذیری واژگانی و ادبی، تضمین برخی از مصاریع و ابیات شاهنامه، شباهت در شخصیت‌های داستان، شباهت در توصیف میدان‌های جنگ و نبردهای تن به تن، خوارق عادات، جدال حق و باطل، متأثر بودن از آثار باستانی پیشین، جنگ با دیوان و اژدها و ساحران و موارد دیگری که در همین مقاله به آن اشاره گردید. لذا با توجه به شباهت‌های این دو اثر در زمینه‌های مختلف باید گفت که هر چند نمی‌توان فردوسی و ابن‌حسام را هم‌سنگ یکدیگر پنداشت اما شاهکار فردوسی در سرودن خاوران‌نامه بیشترین نقش را داشته و قراین متعدد حاکی از آن است که ابن‌حسام از ابتدا تا انتها شاهنامه را همچون الگویی همواره مد نظر داشته و توانسته است در قرن نهم متناسب با نیاز فرهنگی زمان، حماسه‌ای دینی در ادامه‌ی راه و رسالتی که قبل از فردوسی آغاز شده بود و با

فردوسی راهی مشخص در نمایش جلوه‌های فرهنگی و ملی یافت، به فرهنگ و ادب ایران زمین تقدیم نماید.

منابع و مأخذ:

۱. آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). "مردم کدام شاهنامه و فردوسی را می‌پسندیدند؟". *پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، سال چهل و پنجم، شماره‌ی چهارم (بهار): ۷۸-۵۹.
۲. ابن‌حسام خوسفی، محمد (۱۳۶۶). *دیوان ابن‌حسام خوسفی*. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: اداره‌ی کل حج و امور خیریه‌ی استان خراسان.
۳. ----- (۱۳۷۶). "خاوران‌نامه (نیمه‌ی اول)". *تصحیح حیدرعلی خوش‌کنار*. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. ----- (۱۳۷۸). "خاوران‌نامه (نیمه‌ی دوم)". *تصحیح حمیدالله مرادی*. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. ----- (۱۳۸۲). *تازیان‌نامه‌ی پارسی (خلاصه‌ی خاوران‌نامه)*. *تصحیح حمیدالله مرادی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. اته، هرمان (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه‌ی صادق رضا زاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۸). "دیدگاه‌های اخلاقی و اجتماعی محمد بن حسام خوسفی در منظومه‌ی خاوران‌نامه". *خراسان پژوهی (فصلنامه‌ی مرکز خراسان شناسی)*، سال دوم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۴ (پاییز و زمستان): ۴۷-۳۳.
۸. بهنام فر، محمد (۱۳۸۸). "شاهنامه و خاوران‌نامه دو جلوه از هویت ملی ایران". *فصلنامه‌ی پاژ (ویژه‌نامه‌ی فردوسی)*، سال دوم، شماره‌ی سوم و چهارم، پیاپی ۷ و ۸ (پاییز و زمستان): ۱۷۷-۱۹۱.

۹. بیهقی، حسینعلی (۱۳۷۸). "حماسه‌های دینی شفاهی در ادب عامه". خراسان پژوهی (فصلنامه‌ی مرکز خراسان شناسی)، سال دوم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۴ (پاییز و زمستان): ۱۷۱-۱۸۱.
۱۰. خائفی، عباس (۱۳۸۰). "واقعیت و اسطوره در شعر ابن‌حسام خوسفی". مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند (ویژه‌ی ابن‌حسام خوسفی)، سال اول، شماره‌ی اول (بهار): ۵۱-۵۷.
۱۱. خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶). حماسه، پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۲. دامادی، محمد (۱۳۸۰). "ویژگی‌های شاخص در شعر ابن‌حسام خوسفی و نقش فرهنگی وی در تشکیل حکومت شیعی". مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند (ویژه‌ی ابن‌حسام خوسفی)، سال اول، شماره اول (بهار): ۷۳-۷۹.
۱۳. راشدمحصل، محمدرضا (۱۳۷۸). "خاوران‌نامه یک حماسه دینی تاریخی یا یک منقبت نامه اعتقادی تبلیغی". خراسان پژوهی (فصلنامه‌ی مرکز خراسان شناسی)، سال دوم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۴ (پاییز و زمستان): ۴۷-۶۹.
۱۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
۱۵. صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲). حماسه سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
۱۶. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۱۷. مینوی، مجتبی (۱۳۷۲). فردوسی و شعر او. تهران: توس.
۱۸. ناصح، محمدمهدی (۱۳۷۸). "خاوران‌نامه، نوشاروی جان بخش ابن‌حسام خوسفی". خراسان پژوهی (فصلنامه‌ی مرکز خراسان شناسی)، سال دوم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۴ (پاییز و زمستان): ۱۲۹-۱۴۷.
۱۹. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۸). "شناخت مفاخر، شناخت خراسان". خراسان پژوهی (فصلنامه‌ی مرکز خراسان شناسی)، سال دوم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۴ (پاییز و زمستان): ۵-۹.

خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی در گستره‌ی حماسه‌های دینی و تاریخی

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۶

فاطمه بیدختی^۱

مرادعلی واعظی^۲

چکیده

حماسه یکی از انواع ادبی است؛ تعریف و ویژگی‌های خاص دارد و از دیدگاه‌های مختلف به انواعی چند تقسیم شده است. بر طبق یکی از تقسیم‌بندی‌ها، حماسه‌های تاریخی و دینی از انواع حماسه‌اند. این حماسه‌ها مولود طبیعی شرایط اجتماعی و فکری حاکم بر دوره‌های خاص تاریخی هستند. در این مقاله ضمن معرفی اجمالی حماسه‌های تاریخی و دینی، با محوریت خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی که از موفق‌ترین حماسه‌های دینی است، به تبیین ویژگی‌های حماسه‌های دینی پرداخته شده است و با تطبیق ویژگی‌های ساختاری خاوران‌نامه با ویژگی‌هایی که برای حماسه برشمرده‌اند، بر اهمیت جایگاه ادبی این حماسه‌ی بزرگ دینی، در گستره‌ی حماسه‌های دینی و تاریخی تأکید شده است.

واژگان کلیدی: حماسه، حماسه‌ی تاریخی، حماسه‌ی دینی، خاوران‌نامه، ابن‌حسام

خوسفی.

fbidokhti@yahoo.com

۱. مدرس دانشگاه فرهنگیان امام سجاد (ع) بیرجند. نویسنده مسؤول.

۲. استادیار گروه ادبیات دانشگاه بیرجند

مقدمه

اغلب، شنیدن واژه‌ی "حماسه"، کتاب‌هایی از نوع شاهنامه‌ی فردوسی را در اذهان تداعی می‌کند و پذیرفتن این که کتاب‌هایی چون "خاوران نامه" هم زیر مجموعه‌ی نوع ادبی - حماسی است، برای بسیاری از افراد دشوار است؛ چراکه شخصیت محوری این گونه آثار شخصیتی واقعی، تاریخی و دینی است. لذا در این مقاله، سعی بر این است که در وهله‌ی اول حماسه‌ی دینی تبیین شود، سپس به شیوه‌ی تحلیل محتوا و از طریق تطبیق ویژگی‌های حماسه با خاوران‌نامه، جایگاه حماسی این اثر، بهتر روشن شود. ابتدا به تعریف کوتاهی از حماسه و انواع آن می‌پردازیم تا زمینه‌ای شود برای پاسخ گفتن به مسأله اصلی این تحقیق.

حماسه در لغت به معنای دلآوری و شجاعت است و از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی است. «در اصطلاح، نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد» (صفا، ۱۳۶۹: ۳).

در حماسه، تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته است. اما همان‌طور که فردوسی در این ابیات می‌گوید، خواننده باید از سطح افسانه‌ای آن بگذرد و به ژرف ساخت و حقیقت آن برسد:

تو این را دروغ و فسانه مدان	به یک سان روش در زمانه مدان
از او هرچه اندر خورد با خرد	دیگر بر ره رمز معنی برد

(فردوسی، ۱۳۶۹: ۹)

برای حماسه ویژگی‌هایی برشمرده‌اند و حماسه را از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند؛^۱ از یک دیدگاه حماسه‌ها را به دو دسته‌ی طبیعی و مصنوع تقسیم می‌کنند و از چشم اندازی دیگر، به حماسه‌های اساطیری و پهلوانی، حماسه‌های عرفانی و حماسه‌های دینی تقسیم کرده‌اند (شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۲-۵۴) که حماسه دینی از نوع حماسه‌ی مصنوع شمرده می‌شود.

۱. ر.ک. به: کتاب‌های انواع ادبی؛ مثلاً انواع ادبی سیروس شمیسا، انواع ادبی حسین رزمجو، انواع ادبی محمد عبادیان و نیز حماسه سرایی در ایران ذبیح الله صفا.

در اینجا توضیح این نکته ضروری است که حماسه در هر صورت، چه فلسفی باشد چه عرفانی و چه اساطیری، باید همواره در بافتی از شهسواری‌ها و بهادری‌ها و خطر کردن‌ها ارائه شود. به عبارت دیگر، دل به دریا زدن‌ها و تن به خطر سپردن‌ها، مشخصه اصلی حماسه است.

از دیگر خصوصیات کلی حماسه می‌توان به شکل‌گیری آن بعد از یک دوره نقل شفاهی، مبهم بودن زمان و مکان در اثر، تعلق زمان حماسه به لحظات تکوین یک جامعه و مبارزه برای آن و وجود یک هسته‌ی تاریخی که با لعاب پر رنگ افسانه و اسطوره پوشیده می‌شود، اشاره کرد. در ایران حماسه‌های طبیعی به صورت روایات شفاهی از گذشته‌های دور بین مردم رواج داشت؛ خدای‌نامک‌ها و شاهنامه‌های منثور؛ بعدها این روایات، به ضرورت تاریخ به صورت مکتوب درآمد.

قرن چهارم و پنجم دوران سرودن حماسه‌های ملی است چون «ملیت ایرانی در معرض خطر بوده؛ مثلاً فردوسی با پدید آوردن شاهنامه قومیت ایرانی را تثبیت کرده است (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۶۴).

حماسه‌ی تاریخی

از هجوم مغول به ایران (۶۱۶ ق.) تا ایلغارهای تیمور، دورانی پر آشوب و ویرانگر در تاریخ ایران اتفاق افتاد؛ ایرانیان در این دوران بیش از تمام تاریخ گذشته خود، رنج بردند و بسیاری از آثار نامطلوب سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این دوران، در ناخودآگاه جمعی آنان، اثری عمیق و جانکاه به جای گذاشت ... تفکر صوفیانه که از اولین نتایج نومیدی‌های مردم در روزگار مغول بود، رواج یافت... و همه این مسائل با از دست رفتن استقلال و وحدت ملی ایران که با شکست غرور و امید به آینده، بدبینی و ضعف و از بین رفتن اعتماد به نفس ملی همراه بود و...، سبب شد که شعر حماسی نیز کاملاً رنگ باخته و متروک گردد و با حمله مغول یکباره به دست نیستی سپرده شود و طبعاً از اوایل قرن هفتم تا روی کار آمدن صفویان در آغاز قرن دهم هجری، حماسه‌ی ملی بزرگی پدید نیاید و داستان‌های حماسی مصنوعی تاریخی و دینی، جای حماسه‌های ملی و طبیعی

را بگیرد. در هیچ یک از این حماسه‌ها، سخنی از عظمت ایران و پهلوانان ایرانی نیست. و برعکس حماسه‌های کهن، اغلب بیگانگان و حتی خونریزانی چون چنگیز و تیمور در این حماسه‌ها وصف و ستوده می‌شوند. از این قبیل منظومه‌ها که از قرن هفتم تا قرن دهم هجری سروده شده‌اند، می‌توان از این آثار نام برد: شاهنامه‌ی هاتفی، شهنشاه‌نامه‌ی قاسمی، جنگنامه‌ی کشم، جرون‌نامه، شهنشاه‌نامه سلجوق‌نامه، ظفرنامه، شهنشاه‌نامه تبریزی، غازان‌نامه، کرت‌نامه، سام‌نامه‌ی سیفی، سام‌نامه‌ی خواجه، زرتشت‌نامه، اسکندرنامه، ظفر نامه‌ی یزدی، بهمن‌نامه، تمرنامه، شاهرخ‌نامه؛ همه‌ی این حماسه‌ها در بحر متقارب سروده شده‌اند و تاریخی هستند (رستگار فسایی، ۱۳۸۷: ۷-۸).

حماسه‌ی دینی

ممکن است موضوع حماسه‌ی تاریخی، زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به‌وجود آمده باشد. این منظومه‌ها که بر اثر استادی و همچنین اعتقاد شدید دینی گویندگان آن، ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشد، نیز اغلب دارای بسیاری از خصایص منظومه‌های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملل نام برده شود. این حماسه‌ها در فارسی نمونه‌های بسیار دارد که آن را منظومه‌های "حماسی دینی" می‌نامیم (صفا، ۱۳۶۹: ۷) این نوع حماسه مربوط به زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی است» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۵۸).

حماسه‌های دینی، یادگار مجاهدت گروهی برای حفظ دین و نبرد با معاندان و برانداختن آداب و رسومی است که خلاف عقاید دینی تشخیص داده می‌شود. نخستین حماسه‌ی بازمانده از این دست در ایران، یادگار زیریران^۱ است؛ این حماسه در واقع مربوط به دوران آغازین دین زرتشت است (ثعالبی مرغنی، ۱۳۷۲: ۱۷۰). در تاریخ شعر فارسی، اشعار دینی از شاعرانی مانند کسائی مروزی و ناصر خسرو آغاز شد و بعداً به‌وسیله شاعران شیعی مذهبی از قبیل قوامی رازی، شاعر قرن ششم هجری؛ ابن حسام خوسفی، شاعر

۱. متنی حماسی به زبان پهلوی است و شرح وصف نبرد ایران با خیوان (Hyaina)، برای پاسبانی از دین زردشت است. این داستان را دقیقی به شعر در آورده و فردوسی هم آن را در شاهنامه گنجانده است.

قرن نهم؛ و محتشم کاشانی، شاعر قرن دهم تکمیل شد. پس از آن در تمام دوره صفویه و قاجاریه ادامه یافت. این اشعار که حماسه‌های دینی را هم باید در شمار آن‌ها دانست، معمولاً در ذکر مناقب یا مصائب اولیای دین و پیشروان تشیع سروده شده است. رواج این نوع شعر در دوره صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، از هر دوره‌ی دیگر بیشتر بوده و در دوره قاجاری نیز از رواج نیفتاد (صفا، ۱۳۸۹: ۸۹).

همین نوع حماسه یا مفاخره مذهبی است که در نهایت منجر به پدید آمدن گروهی به نام "مناقبیان" یا مناقب خوانان شد که به ذکر بزرگی و علو مقام پیشوایان خود، به ویژه در شیعه می‌پرداختند. همراه این مناقب، حکایاتی هم نقل می‌شد که در آن‌ها از شجاعت‌های علی بن ابی‌طالب (ع) سخن می‌رفت. این کار مقدمه ایجاد داستان‌های قهرمانی و منظومه‌های حماسی دینی درباره‌ی جنگ‌های علی بن ابیطالب (ع) و اولاد او شده و از این راه چند منظومه بدیع در ادبیات فارسی به وجود آمده که همگی در بحر متقارب است. مانند "خاوران‌نامه" ابن‌حسام و "حملة حیدری" باذل و "حملة حیدری" راجی کرمانی و "خداوندنامه" فتحعلی خان صبای کاشانی و "اردیبهشت‌نامه" سروش اصفهانی و چند منظومه دیگر (همان: ۸۹). صاحب قران‌نامه، مختارنامه، شاهنامه‌ی حیرتی، غزوانه‌ی اسیری، دلگشانا، جنگ‌نامه، داستان علی اکبر (همان: ۳۹۰-۳۷۹)

در باب امام اول شیعیان، میان شیعه، به تدریج داستان‌هایی پدید آمده که بعضی از آن‌ها مبنی بر حوادث تاریخی، برخی از این داستان‌ها به کلی دور از حقیقت تاریخی و افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران و بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت به حضرت علی (ع) و در آمدن او در صف پهلوانان ملی به‌وجود آمده است.

اخیراً شفیع کدکنی، کتابی تحت عنوان "علی‌نامه" را که عکس یک نسخه خطی است، منتشر کرده‌اند؛ ایشان عقیده دارد که «این منظومه، علی‌التحقیق، نخستین تجربه‌ی شعر حماسی شیعی اثناعشری در تاریخ ادب فارسی است» (ربیع، ۱۳۸۸: سی و چهار)؛ «این منظومه در بحر متقارب سروده شده و تمام آن در مناقب و جنگ‌های امام علی بن ابی‌طالب (ع) با ناکشین و قاسطین است و یکسره در خدمت اعتقادات شیعی. این منظومه در سال ۴۸۲ق. به احتمال قریب به یقین در ناحیه ی بیهق منظوم شده است» (همان: ۴۸۲).

یازده). منظومه‌ای با این حجم آن هم در قرن پنجم (بیست سال قبل از سرودن گرشاسب نامه) از نظر تاریخ شعر شیعی و حماسه‌های شیعی نیز دارای اهمیت است» (همان: شانزده) مردم با توجه به عشق و علاقه شدیدی که به مقام شامخ حضرت علی (ع) داشته‌اند، افسانه‌های زیادی درست کرده‌اند که با واقعیت‌های تاریخی همخوانی ندارد و بیشتر برگرفته از روحیه شخصی افراد بوده که به صورت روحیه جمعی درآمده است. یعنی افسانه و واقعیت به هم آمیخته شده است و نشان از روح جمعی یک امت دارد. اصولاً «ما در حماسه با توصیف واقع‌گرایانه سر و کار نداریم؛ زیرا واقعیت حماسه، مصالح بی‌زمان و بی‌مکان است. تنها عنصر واقع‌گرایانه در حماسه خاستگاه اجتماعی شاعر و بینش اوست که در رویدادها به گونه‌ی غیر مستقیم یا به تلویح نقش می‌بندد» (عبادیان، ۱۳۷۹: ۴۵). این گونه حکایت‌ها، بازگوکننده این است که اسطوره و افسانه می‌تواند از منطق زمان و مکان خارج باشد. به عبارت دیگر، افسانه و اسطوره بی‌مکان و بی‌زمان است؛ مثلاً در خاوران‌نامه مواجهه حضرت علی (ع) با قباد و تهماسب، حکایت از زمان شکنی دارد، زیرا این دو شخصیت در زمان آن حضرت نمی‌زیستند و حضور حضرت علی (ع) در سرزمین‌های خاور (ایران، هند و...)، حکایت از بی‌مکانی است (خائفی، ۱۳۸۰: ۵۳-۵۴).

تأثیرگذاری ابن‌حسام به عنوان یک شاعر آیینی

ابن‌حسام خوسفی شاعری آیینی است؛ وی دیوان اشعاری دارد که در بخش دوم آن قصائد غرایی در نعت پیامبر اکرم (ص) و منقبت مولای متقیان علی (ع) و بیان فضایل ائمه اطهار سروده و شرح مصائبی است که بر آن بزرگواران رفته است. این بخش، شامل ۳۸۳۳ بیت است. در میان شاعرانی که به نشر فضایل و ترسیم سیمای درخشان مولا علی (ع) از بعد شجاعت، عدالت، سخاوت، ایثار و گذشت، علم، آگاهی، زهد و تقوا پرداخته‌اند و بر خلاف شاعران مداح، انتظار کوچک‌ترین صله مادی نداشته‌اند، چهره ابن‌حسام، این فرزانه زاهد، که بیشترین بخش آثارش را به مدح علی (ع) و خاندان پاکش اختصاص داده، تالگو خاصی دارد. دفاع او از حقانیت مولا و فرزندان بزرگوارش تا آنجا بود که معاندان و دشمنانش، نسبت کفر به او دادند. شاعر، خود در قصیده‌ای، به این موضوع اشاره دارد:

گر نعت اهل بیت کفر است کافر
هم آسمان گواه برین قول هم زمین
نسبت به کفر می‌کنم خصم خاکسار
حاشا چه کفر؟ کفر کدام و کدام دین؟!
آری حسود طعنه اگر می‌زند چه سود
بی نشتر مگس نبود نوش انگبین
(ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۵۶)

علاوه بر دیوان اشعار، وی کتاب خاوران‌نامه را سروده است که یکی از قدیم‌ترین حماسه‌های شیعی است که حدود ۲۲۵۰۰ بیت است و در خصوص جنگ‌های حضرت علی (ع) سروده شده است (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۲۰). «موضوع اصلی آن، سفرها و حملات علی (ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و ابوالمحجن و جنگ با قباد پادشاه خاورزمین و امرای دیگری مانند تهماسب شاه و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع. ناظم کتاب مدعی است که موضوع منظومه خود را از یک کتاب تازی انتخاب کرده است و خود مستقیماً دخالتی نداشته است» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

خاوران‌نامه ابن‌حسام از بهترین نمونه‌های حماسی دینی است و به سبب سرودن این منظومه، وی را "فردوسی ثانی" لقب داده‌اند. زیرا اندیشه تابناک و اعتقاد راسخ او، سخن فردوسی بزرگ را فرا یاد می‌آورد، آن‌جا که به دلیل اظهار تولی به مقام شامخ اهل بیت، مورد آزار و اذیت فردی همچون سلطان محمود غزنوی واقع می‌شود:

منم بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی
گرت زین بد آید گناه من است چنین است آیین و راه من است
برین زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

(فردوسی، ۱۳۶۹: ۴۴)

در این کتاب، موضوعاتی همچون مناقب، مرثی، ذکر سجایای اخلاقی پیامبر (ص) و معصومین (ع) گرامی داشت علم و عمل، نکوهش ریا و سالوس، بی اعتباری دنیا، عبرت از مرگ و ... آمده است.

پس از ابن‌حسام، مثنوی خاوران‌نامه مورد تقلید دیگران قرار گرفت؛ یکی به دلیل فضل تقدم او در توصیف جنگ‌های حضرت علی (ع) است، دیگر بازه‌ی زمانی قرن نهم است که گرایشات شیعی در آن رو به فزونی بود. عامل دیگر زیبایی بیان و ویژگی‌های بلاغی اثر

اوست^۱. از جمله مثنوی‌های مورد تقلید خاوران نامه می‌توان به این آثار اشاره کرد: حمله حیدری: راجع به زندگانی محمد بن عبدالله (ص) و علی بن ابی طالب (ع) است. ناظم اصلی حمله حیدری میرزا محمدرفعی خان باذل پسر میرزا محمد است (صفا، ۱۳۸۹: ۳۸۰).

صاحبقران نامه: که درباره سرگذشت سیدالشهدا حمزه بن عبدالمطلب عموی پیامبر در دربار انوشیروان و عشق او با دختر پادشاه ایران و جنگ‌های وی با شاهان توران و هند و ممالک فرنگ است که به تقلید از شاهنامه فردوسی است و در سال ۱۰۷۳ق. به نظم درآمده و ناظم آن معلوم نیست. مختارنامه: از شاعری به نام عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون درباره غزوات مختاربن ابی عبید ثقفی. شاهنامه حیرتی: در ذکر غزوات رسول و ائمه اطهار (ع).

غزوانه اسیری: منظومه‌ای به بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی در شرح غزوات حضرت رسول اکرم (ص) است.

در این منظومه‌های حماسی دینی بعضی از حالات و بزرگواری‌ها و شجاعت‌ها و دلیری‌های حضرت علی (ع) آمده است که بیشتر آنها روایت‌های شفاهی بوده که با افسانه و اسطوره و تاریخ آمیخته شده است و حتی زمینه‌هایی از تفکر فرهنگ عامه در آنها دیده می‌شود که سراینده‌گان آن، با مهارت و استادی این موضوع‌ها را به تصویر کشیده‌اند و این نگاه، نشان از توانایی، ابتکار و تیزهوشی شاعران آن بوده است که با اعتقادی راسخ و بیانی شیوا، به رشادت‌های حضرت علی (ع) و یاران باوفایش، جدا از صورت شکوهمند واقعیت تاریخی، در قالب اسطوره‌ای اشاره می‌کنند.

حمله: آغاز آن با مکالمه رسول خدا (ص) با فاطمه بنت اسد و تولد حضرت علی (ع) در بیت‌المقدس [کعبه] و بیان بعضی از حالات پیامبر و ازدواج او با خدیجه و بعثت به رسالت است (همان: ۳۸۵). ناظم کتاب یکی از شعرای قرن سیزدهم هجری به نام "ملا بمانعلی" متخلص به راجی از مردم کرمان است. اثر وی از لحاظ استحکام الفاظ و زیبایی قوی‌تر و استوارتر از "حمله حیدری" باذل است. در این کتاب نیز اسطوره و واقعیت به هم آمیخته

۱. بیان علل این تأثیرگذاری بحث‌های مفصلی را می‌طلبد که خود می‌تواند موضوع یک مقاله شود.

شده و بعضی از تصورات ملی ایرانیان در آن اثر کرده است همانند داستان دیوی که به خدمت پیامبر (ص) آمده و قبول دین اسلام کرده است.

خداوند نامه: ملک الشعرا فتحعلی خان صبای کاشانی آن را سرود؛ وی پس از نعت پیامبر (ص) به ستایش امام اول شیعیان پرداخته و نمونه‌هایی از شجاعت، علم، حلم، سخاوت، ایثار، فداکاری و دیگر فضایل گوناگون آن امام همام را ستوده است.

جنگ‌نامه: از شاعری متخلص به آتشی که جنگ علی (ع) در بئر‌العلم با جنیان و داستان جنگ حیدرکرار با ذوالخمار و با دیگر دشمنان که همه دارای جنبه حماسی و دینی است اما از نظر ارزش و اعتبار ادبی نازل و سست است.

با بررسی این منظومه‌های مذهبی، چنین دریافت می‌شود که مدار سخنان سرایندگان آن اگر چه بیشتر بر دین و ارزش‌های اخلاقی است، اما محور دین‌مداری آنان مولا علی (ع) و وصف آن بزرگوار و نکوهش معاندان ایشان است و تعهد و تقید به مذهب و دورنمایی از روح تعبد و پای‌بندی به دین و مذهب و ارزش‌های اخلاقی است.

هرمان اته^۱، حس روزافزون تشیع ایرانی را سبب روی آوردن اخلاف فردوسی به سرودن حماسه‌ی مذهبی به‌ویژه در مدح حضرت علی (ع) می‌داند؛ وی معتقد است که «مقدمتاً در سال ۸۳۰ ق. ابن‌حسام خاوران‌نامه را به نظم کشید» (اته، ۱۳۵۶: ۵۹). «رواج این نوع شعر در دوره‌ی صفویه که عهد تقویت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، از هر دوره‌ی دیگر بیشتر بوده و در دوره‌ی قاجاریه هم از رواج نیفتاده» (صفا، ۱۳۶۹: ۸۹).

خاوران‌نامه

کتاب خاوران‌نامه، که به "خاورنامه" نیز شهرت دارد، در یکی از نسخه‌های خطی، بعد از ذکر مقدمه، در آغاز داستان با عنوان "کتابت خاورنامه" آمده است. در عین حال، ناظم آن در پایان کتاب از آن چنین یاد می‌کند:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه‌ی تازیان پارسی
مر این نامه را خاوران‌نامه نام نهادم بدان گه که کردم تمام

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۳۱۵)

یان ریپکا^۱، محقق نامی، حماسه‌های تقلید شده از فردوسی را به دو بخش حماسه‌های پهلوانی، مانند گرشاسب‌نامه‌ی اسدی و حماسه‌های نیمه تاریخی، دینی و تاریخی تقسیم نموده است و اظهار می‌دارد: «آخرین سالک این طریق ابن‌حسام خوسفی سراینده‌ی خاوران‌نامه است که در آن، چون پیروزی تشیع صفوی در پیش بود، سنت حماسی دست‌خوش تشیع می‌گردیده و امام علی -علیه السلام- جانشین پهلوانان اصلی می‌شود» (ریپکا، ۱۳۵۶: ۲۶۴).

خاوران‌نامه حدود ۲۲۵۰۰ بیت دارد و در خصوص جنگ‌های حضرت علی -علیه السلام- و یاران آن حضرت، در خاورزمین سروده شده است (احمدی بیرجندی، ۱۳۶۴: ۲۰). چون مالک اشتر، ابوالمحجن، عمرو بن معدی کرب، عمرو بن امیّه با قبادشاه خاوران و با امرای بت‌پرست دیگر مانند تهماسب‌شاه و صلصال‌شاه برای اشاعه‌ی اسلام و برانداختن کفر در خاورزمین (خوش کنار، ۱۳۸۸: ۱۸).

ابن‌حسام مدعی است که موضوع و مأخذ منظومه‌ی خود را از یک کتاب تازی برگزیده است. ذکر این نکته لازم است که محتوای بیش‌تر کتب حماسی (ملی، تاریخی، دینی) ایرانی مبتنی بر یک متن اصلی بوده است و سازندگان آن در نقل مستقیم یا جعل روایات دخالتی نداشته‌اند (صفا، ۱۳۸۹: ۳۷۷). از آنجا که تا کنون از متن تازی خاوران‌نامه اثری در دست نیست، به نظر می‌آید که دلایلی چند باعث این ادعا بوده است: الف) تقلید از فردوسی که در جای‌جای شاهنامه متذکر می‌شود که شاهنامه از روی یک متن باستانی سروده شده است. ب) تبرئه‌ی خود از خلق منظومه‌ای که مشتمل بر رویدادهای غیر واقعی است. پ) عشق شدید او به اهل بیت که انگیزه‌ی اصلی سرودن چنین منظومه‌ای بوده است و توجیه این کار برای خوانندگانی که بی‌خبر از ویژگی‌های حماسه‌ی مصنوع، این داستان را بی‌اساس و نوعی دروغ بستن به پیامبر و امام (ع) و کاری خلاف شرع خواهند شمرد.

به‌طور کلی خاوران‌نامه روایتگر داستان‌هایی است خیالی، اگرچه تمام این داستان‌ها به یک امر حقیقی و شخصیت واقعی، که وجود مقدس حضرت علی -علیه السلام- است،

برمی‌گردد لیکن هیچ‌گاه برای قهرمان اصلی این داستان چنین صحنه‌ها و حوادثی، که تاریخ گواه آن باشد، پیش نیامده و این‌چنین جنگ‌هایی برای آن حضرت روی نداده است؛ اگر خواننده با دید تاریخی محض به این اثر بنگرد آن را مستند نخواهد یافت و باید توجهش به مفهوم خاص حماسه‌ی مصنوع باشد؛ یعنی آن‌چه در سایه تاریکی‌های ذهن یک داستان‌پرداز، به گونه‌ای که مطلوب و مقصود اوست، پدید می‌آید. حماسه از این جهت، به نوعی به خواب و رؤیا شباهت دارد که غلبه‌ی شور و شوق بر آن حاکم است و رنگ اغراق بر آن غلبه دارد. بنابراین، ارزش کتاب خاوران‌نامه از جنبه‌ی ادبی و حماسی مطرح است نه از جنبه‌های دیگر.

چنان‌که گذشت، سرزمین‌های موردنظر در خاوران‌نامه نیز ناشناخته بوده و شاهانی که در آن مکان‌ها حکومت می‌کرده‌اند، اشخاصی هستند کاملاً ساختگی و مجعول و حتی اسامی آن‌ها به گونه‌ای انتخاب شده است که به هیچ زبان و ملیتی شباهت ندارد و تاکنون معلوم نشده که این "دانای تازی‌سرای" کیست و کجاست؟

چنین گفت دانای تازی‌سرای که چون حیدر آن شاه کشور گشای

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۱۲)

در خاوران‌نامه، تخیل و رویکرد فرازمانی و فرامکانی و فراشخصیتی آن به تاریخ، به عنوان نکته‌ی اساسی در نقل داستان مورد توجه شاعر است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۸۱). علاوه بر شخصیت‌های موجود در داستان، که نام آن‌ها در تاریخ ثبت شده است، مانند مالک اشتر، ابوالمحجن، عمرو بن معدی‌کرب و عمرو بن امیّه، افرادی نیز مانند رعد، عمار، سهامه بن ربیع، عملاق، قرطاس، عبدوی و نیز مکان‌هایی خیالی، چون حصن ضمان و حصن ظفر وجود دارد؛ افرادی چون عمروبن امیّه (عیار معروف تازی) در بسیاری از صحنه‌ها حضور دارد. از جایی که وی وارد صحنه‌ای می‌شود، بیش‌تر سخن از شبروی‌ها و عیاری‌های شگفت‌انگیز وی می‌رود. عمروبن امیّه هر لحظه به شکلی درمی‌آید، به زبان‌های گوناگون سخن می‌گوید، هر کس را که بخواهد از پهلوانان دشمن یا پادشاهان آنان را بی‌هوش می‌کند و شبانگه سر و رویش را می‌تراشد و از هر در و دیوار و مکانی که بخواهد داخل یا خارج می‌شود، هیچ بارویی - هر قدر هم بلند باشد - در برابر چابکی و گریزپایی وی

نمی‌تواند مانعی باشد، هرچه را می‌خواهد با بی‌پروایی می‌رباید. از سر جمشیدشاه (یکی از پادشاهان خاور) تاج را می‌رباید و کسی را یارای برابری و پایداری در مقابل او نیست. همه‌ی لشکریان را تار و مار می‌کند و سرانجام جمشیدشاه ناگزیر به وی باج می‌دهد تا از جانب سرش در امان باشد.

هم‌چنان خیال‌پردازی‌ها در داستان اوج می‌گیرد. در بعضی صحنه‌ها دیو و جادو افزوده می‌شود و قلعه‌های طلسم شده و دست‌های جادویی دیده می‌شود. چاه‌هایی که بن آن‌ها ناپیداست و در برخی از آن‌ها هنگامی که به چاه می‌رسند، شهری، که کرانه‌ی آن ناپیداست، ظاهر می‌شود و... همه‌ی این‌ها از رهگذر ویژگی‌های نوع ادبی حماسه قابل توجیه است.

ابن حسام، اگرچه در گزینش کلمات و ترکیبات و وصف صحنه‌های رزمی به پای فردوسی نمی‌رسد و سخنش فحامت و استواری سخنان فردوسی را ندارد، ولی در توصیف مناظر طبیعی و مجالس بزمی، استادی و مهارت خاصی از خود نشان می‌دهد. به همین سبب، بزمی بودن او نسبت به حماسی بودن او نمود بیش‌تری دارد. او خود در چند جا از خاورنامه، از پیشوای خود ابوالقاسم فردوسی توسی، یاد می‌کند و به استادی و فضل تقدم و تقدم فضل او اعتراف دارد:

بدو گفتم ای اوستاد سخن	بدادی به شهنامه داد سخن
زبان تو آب زلال است و بس	بیان تو سحر حلال است و بس
دلت مخزن گنج دانشوری است	تو را در سخن پایه‌ی برتری است...

(ابن‌حسام، ۱۳۸۲: ۲۰۰)

او، چون فردوسی در پایان هر داستان، چند بیتي در ناهم‌واری دنیا بیان می‌دارد:

بیا ای گزارنده‌ی سرگذشت	کجایی که عمر از چهل در گذشت
تو پیری و چندین جوان می‌رود	تو آهسته و کاروان می‌رود

(همان: ۱۵۳)

ابن حسام، به سبب اعتقاد راستین خود به اسلام و قرآن و انس زیادی که هم از جهت تلاوت و هم کتابت، به کتاب خدا داشته، از آیات زیادی در خاوران‌نامه استفاده نموده و

هم‌چنین تا حدی از قصص روایات و تلمیحات اسلامی سود جسته است. ابن‌حسام این اثر را در سال ۸۳۰ ق. به پایان برده است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه‌ی تازیان پارسی
مر این نامه را خاوران‌نامه نام نهادم بدان گه که کردم تمام

(همان: ۳۱۵)

ویژگی‌های حماسه در خاوران‌نامه

سیروس شمیسا در کتاب "انواع ادبی" بیست و سه ویژگی برای هر اثر حماسی بر می‌شمارد؛ این ویژگی‌ها بیشتر حماسه‌های طبیعی را در بر می‌گیرد؛ اما از آن‌جا که حماسه‌های دینی هم زیر مجموعه‌ی ادبیات حماسی است، در این‌جا نگاهی می‌اندازیم به خاوران‌نامه‌ی ابن‌حسام خوسفی به‌عنوان یک نمونه‌ی اعلاء از حماسه‌های دینی تا آن را از این نظر محک بزنیم.

- آثار حماسی متضمن جنگاوری و شهنشاهی است: این حماسه روایتگر جنگ‌های خیالی حضرت علی (ع) و دیگران است که دلاورانه بر سپاه دشمن می‌تازند و پیروزمندانه جنگ را به پایان می‌برند.

- در حماسه، حیوانات نقش‌های بزرگی دارند و نمی‌توان آن‌ها را جانوران معمولی به حساب آورد. وقتی حضرت علی (ع) بعد از غلبه بر شاه قهرمان، با کشتی به قصد خاوران به پیش می‌روند،

دهم روز دریا چو آمد به جوش	بر آورد دلدل ز کشتی خروش
بمالید گوش و بر افراشت دم	چپ و راست کشتی همی زد به سم
همی کوفت کشتی به دست و به پای	خروشنده چون اسب جنگ آزمای
فرو ماند مالک ز دلدل شگفت	به سوی سپهد نگه کرد و گفت
که دلدل چرا می‌نگیرد قرار	چه می‌بیند آیا در این رودبار
علی گفت کاری فتاده است سخت	ندانم که بر چیست فرجام بخت
مرا این نشان نیک ناید به فال	زمانه نگرده مگر بد سگال (۲۰۱)

- قهرمان حماسه، جانور مهیب یا هیولایی را می‌کشد در مسیر راه، حضرت با لشکر دیو و پری و اژدها مواجه می‌شوند و اژدها را که «سه میل از سر کوه بگرفته بود» می‌کشند (۱۹۱).

- نیروهای ماوراءالطبیعه در حماسه نقش دارند. قهرمان با خدایان مربوط است و با او سخن می‌گوید. در حماسه‌های دینی چون قهرمان صبغه‌ی مذهبی دارد، در مواقع زیادی به مناجات می‌پردازد؛ مثلاً مناجات حضرت علی (ع) در ساحل زمین (۲۰۹).
در مواجهه با دیوان و جادوان، سرانجام حضرت به اشاره‌ی هاتف غیبی "آیت ستر" بر خود می‌خواند و آن سیاهی و آشوب به خاموشی می‌گراید و تاریکی به روشنایی بدل می‌شود (۱۹۰ و ۱۹۱).

وقتی حضرت می‌خواهند بند یک موجود پنهان در صندوق را بگشایند، هاتف غیبی ایشان را از این کار باز می‌دارد.

دل پهلوان شد بر او دردمند	همی‌خواست کاو را گشاید ز بند
یکی هاتف آواز داد از هوا	که او را گشادن نباشد روا
یکی دیو جادو بدو اندر است	مر او را نه اندر خور است (۱۹۳ و ۱۹۴)
خود شاعر نیز در جای‌جای کتاب به مناجات و موعظه می‌پردازد (۱۲۶).	

وقتی لشکر حضرت علی (ع) در برابر لشکر خاوران صف‌آرایی می‌کند و دو سپاه رو در رو می‌شوند، حضرت محمد (ص) در حالی که نگران حضرت علی (ع) هستند، به مسجد می‌آیند که در این هنگام جبرئیل نازل می‌شود و به پیغمبر می‌گوید ناراحت نباش؛ اگر می‌خواهی حضرت علی را در خاورزمین در حال رزم ببینی، به ایوان مسجد بیا و

حجایی که بد در زمین بر گرفت	نهاد گمان از یقین بر گرفت
نبی تا به خاور زمین بنگرید	همه دیدنی‌ها سراسر بدید (۱۴۶ و ۱۴۷)

سپس پیامبر از شادی فریاد می‌کشند و می‌گویند از این سپاه گران نترسید و همه را از دم تیغ بگذرانید، یاران در خاوران صدای پیامبر را شنیدند و گمان کردند که ایشان در جنگ حضور دارد؛ با جدیت کوشیدند و به پیروزی رسیدند.

- قهرمان حماسه، جانور مهیب یا هیولایی را می‌کشد: در مسیر راه، حضرت با لشکر

دیو و پری و اژدها مواجه می‌شوند و اژدها را که «سهمی لا ز سرکوه بگرفته بود» می‌کشند. (۱۹۱)

- در حماسه با گیاهان عجیبی که خواص دارویی دارند، مواجهیم: در خاوران‌نامه از گیاهان مقدس صحبتی نمی‌شود.

- هرمان حماسه موجودی مافوق طبیعی است و گاهی از خدازادگان است و به هر حال مایه‌های الهی و فوق انسانی دارد: قهرمان خاوران‌نامه هم حضرت علی(ع) هستند که جنبه‌ی الهی دارند و امام اول شیعیان و ولی الله هستند.

- نیروهای متافیزیکی در حماسه نقش دارند. قهرمان با خدایان مربوط است و با او سخن می‌گوید:

- در حماسه‌های دینی چون قهرمان صبغه‌ی مذهبی دارد، در مواقع زیادی به مناجات می‌پردازد؛ مثلاً مناجات حضرت علی در ساحل زمین (۲۰۹).

- گاهی گروهی از خدایان طرفدار یک قهرمان و گروهی طرفدار قهرمان دیگرند. در این حماسه جنگ‌ها در حقیقت تقابل ایمان و کفر است پس خداوند یکتا از ایمان؛ یعنی جانب حضرت علی (ع) طرفداری می‌کند و کافران نیز به خدایان خود می‌نازند. پهلوان ساحلی در جواب علی (ع) که او را به اسلام می‌خواند، می‌گوید:

که من سبید و شصت دارم خدای بسند این خدایان مرا رهنمای (۲۲۹)

- ایزد بانویی یا زنی عاشق قهرمان حماسه می‌شود اما قهرمان به عشق او وقعی نمی‌نهد. قهرمان حماسه‌ی دینی، به خاطر تقدسی که دارد از چنین عشق‌هایی مبرا است چرا که لازمه‌ی این عشق‌ها در حماسه‌های غیر دینی تعقیب و گریزهای عاشقانه و روابط عاشقانه‌ای است که از منظر دین گناه‌آلود است و با متانت قهرمان دینی در تعارض است و این ویژگی از موارد تفاوت و افتراق حماسه دینی از دیگر حماسه‌هاست. در خاوران‌نامه نیز ابن‌حسام چنین عشقی برای حضرت علی (ع) که قهرمان اصلی داستان هستند، رقم نزده است. اگر چه او نیز با اقتدا به حماسه‌های دیگر، برای مالک در جایگاه یکی از پهلوانان این حماسه، پای عشق را به معرکه می‌کشد؛ گلرخ، دختر جمشید، به همراه دختران دیگر در مسیر مالک قرار می‌گیرد و

نگه کرد مالک به آوای او بدان خوبی و مهر و بالای او
 به گیسوی او مبتلا شد دلش گرفتار دام بلا شد دلش
 ...ز بازوی شیران ندیدی نهیب ببردت به چشم آهوپی دلفریب
 ...چو زور آورد دست غوغای عشق بگردد سر عقل در پای عشق (۱۱۸)

اما در این جا هم باز این دختر است که عاشق می شود و با تعریف از او در حضور پدرش، مالک را به دربار می کشاند و در پی آن جنگ مالک با رقیبان و بالاخره ازدواج بر طبق آیین شاهان و

به دل گفت چون شاه مردان علی بدین کشور آید به روشن دلی
 به آیین اسلام پیغمبری ببندد نکاح ز ناشوهری (۱۲۰)

- قهرمان حماسه قهرمانی قومی، ملی و نژادی است. این مورد نیز از موارد افتراق حماسه‌ی دینی است؛ قهرمان این حماسه جنبه‌ی ملی و قومی و نژادی ندارد اما حضرت علی (ع)، پس از شبیخون بر دشمن ناشناخته، در نقش فرستاده‌ی حیدر، به دربار تهماسب می‌آید و از خاورزمین به عنوان کشور خود یاد می‌کند با این استدلال که او کشور را از جمشید گرفته و تلویحاً تهماسب را متجاوز می‌داند:

همی گویدت حیدر نامدار که تهماسب را تیره شد روزگار
 چرا کرد خاورزمین را خراب همانا نداند درنگ از شتاب
 مرا با تو از بن نبذ رأی جنگ شتاب از تو آمد به جای درنگ
 به خاورزمین آمدم با سپاه گرفتم سر تخت جمشیدشاه
 چرا آمدی سوی آن انجمن به تاراج دادی همه شهر من (۲۱۲)

در جای دیگر پیر مرد خاورانی تهماسب را از کفار می‌داند و آمدن علی (ع) را غنیمت می‌شمارد:

بگفت ای سپهبد به فریاد رس که در مرز خاور نماند هیچکس (۲۳)
 و از سعد وقاص چنین دفاع می‌کند:
 بسی کرد سعد دلاور نبرد هم آخر گرفتار گشت او به درد (۲۰۳)

- قلمرو قهرمان همه‌ی آفاق است؛ در این حماسه هم علاوه بر این که فاصله‌ی حجاز

تا خاوران زیاد است، چون حضرت علی (ع) شخصیت مذهبی هستند طبعاً به فرقه و جا و مکان و محدوده‌ای خاص تعلق ندارند و همه‌ی جهان قلمرو امر و نهی ایشان است.

- اعمال قهرمان حماسه، خارق‌العاده و غیر طبیعی است و به هر حال با منطق متعارف قابل سنجش نیست. علی (ع) وقتی به ساحل زمین می‌رسد؛ دردمندانه از کشته شدن یارانش به مناجات می‌پردازد و ناگهان

یکی نعره‌ای از جگر بر کشید	شب تیره صور قیامت دمید
سیه شد نیوشنده را مغز و هوش	فلک را تو گفتی که کر گشت گوش
ده اندر ده از هر طرف جانور	بمردند پاک اندر آن بوم و بر
تبه گشت از آن کافران سی هزار	ز آواز آن گرد خنجر گذار (۲۰۹)

قلعه‌ی "آهن ربای" از قلعه‌های قدیمی و ساخته‌ی حضرت سلیمان (ع) بود و در این دژ، چهارصد بت زرین وجود داشت و دیو عجیبی که از دیوان بندی حضرت سلیمان بود بر آن دژ تسلط داشت. حضرت علی (ع) پس از چند بار حمله نتوانسته بود بر آن دست یابد؛ و سرانجام مأیوس شدند و گریستند تا این که پیامبر اسلام با الهامات غیبی از حال حضرت با خبر شدند و نوشته‌ای با قلم عنبرآگین خود مزین به "انا فتحنا"، به امیرالمؤمنین ارسال فرمودند و حضرت آن را بر تیر بست و به قلعه پرتاب کردند که طلسم آن دژ با این تیر گشوده شد (ابن حسام، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

- قهرمان حماسه در هر بخش از زندگی خود با یک ضد قهرمان مواجه است. در این حماسه هم حضرت با ضد قهرمانان چندی روبروست از جمله قطار، خاوران، تهماسب، صلصال.

- قهرمان حماسه به سفرهای دور و دراز و مخاطره آمیز می‌رود. قهرمانان این حماسه هم مسیر دور و مخاطره‌آمیز عربستان تا خاوران را می‌پیمایند و در مسیر با حوادث خطرناک روبرو می‌شوند.

- قهرمان حماسه اعمال بزرگی انجام می‌دهد که اهمیت ملی یا معنوی یا حکمی دارد. اعمال بزرگ قهرمانان این حماسه، همه جنبه‌ی معنوی دارد و این جنگ‌ها برای مسلمان کردن مردم است، حضرت (علی) خطاب به پهلوان ساحلی می‌گویند:

اگر زان که خواهی رهایی ز من
بگو آفریننده‌ی من یکی است
و او چنین پاسخ می‌دهد:

نیچم ز تهماسب و آیین او
که من سیصد و شصت دارم خدای
همچنین در پایان جنگ با تهماسب:

علی گفت هر کو مسلمان شود
همه کارش از من به سامان شود
سر و مالش این جا بماند به جای
سر افراز باشد به دیگر سرای
همه شهر ساحل مسلمان شدند
ز کار گذشته پشیمان شدند (۲۴۲)

- یکی از صحنه‌های مهیج حماسه، نبرد تن به تن قهرمان با خصم اصلی (ضد قهرمان) و عوامل اوست؛ نبرد رو در روی حضرت علی (ع) با تهماسب که تنها خود را هم‌اورد ایشان می‌داند، نمونه‌ای از نبرد تن به تن قهرمان با ضد قهرمان است.

- در جنگ‌های حماسی مخصوصاً در نبردهای تن به تن، از انواع و اقسام سلاح استفاده می‌شود. جنگاوران در خاوران‌نامه همچون پهلوانان شاهنامه، از انواع سلاح و لباس‌های جنگ استفاده می‌کنند؛ ترک پولاد، مغفر، افسر، چرم پلنگان، جامه‌ی کرگدن و

ز تیر و کمان و کمند و عمود
سلیحی که شایسته‌ی جنگ بود (۲۸۹)

- یکی از ابزارهای جنگ فریب است. فریب‌کاری در ساحت قهرمان اصلی شخصیت علی (ع) راه ندارد؛ اما مالک اشتر در رقابت عشقی خود، به فریب هم متوسل می‌شود و خودش را بازرگانی به نام "هامان" معرفی می‌کند و با تکیه به عشق دختر و علاقه‌ی خود جمشیدشاه به عنوان خواستار دختر پادشاه و در مقام فرماندهی لشکر خاوران در آن سرزمین اقامت می‌کند (۱۱۹).

- از آن‌جا که قهرمان حماسه، بعد از انسان خدا^۱، مرگ او نباید در انتظار عموم باشد. این حماسه با بازگشت پیروزمندانه‌ی حضرت علی (ع) به یثرب به پایان می‌رسد و در آن سخنی از مرگ قهرمان نیست.

۱. انسانی خارق العاده با ویژگی‌های فرا انسانی و خداگونه

- در حماسه سخن از آینده‌نگری و پیش‌گویی است. بعد از شکست صلصالیان، صلصال قصد کرد حضرت علی (ع) را ببیند؛ آنگاه کوشیار، وزیر صلصال، خطاب به او می‌گوید:

چنین یاد دارم ز گفتار دال	ز تاریخ شاهان دیرینه سال
که مردی بدین مرز راند سپاه	سرافراز و بیدار و لشکر پناه
ز خاک عرب باشد او را سرشت	به هم بر زند ملت زردهشت
ز تیغش جهان گرد آتش زده	نه آتش بماند نه آتشکده (۲۸۱)

در جایی دیگر حضرت علی (ع)، رسول اکرم (ص) را خواب می‌بیند و با سخنان ایشان از حال سپاه با خبر می‌شوند (۱۸۶).

- در حماسه سخن از دیوان، غولان؛ جادوان و جادویی است؛ بر قلعه‌ی "آهن ربای" دیوی تسلط داشت (۱۷۲).

در جای دیگر حضرت با دیوان و جادوان مواجه می‌شوند (۱۹۰ و ۱۹۱).

در غاری مالک با دیوان گلاویز می‌شود:

بزد مالک آن گرز را بر سرش	به زخمی فرو شد همه پیکرش
بر و پیکر دیو با پیل مست	بدان گرز پولاد بر هم شکست (۱۱۲)

- در برخی از حماسه‌ها، شاعر با یکی از الهگان شعر ارتباط می‌یابد و از او سؤال می‌کند. در این جا سخن از الهه‌ی شعر نیست اما ابن‌حسام، فردوسی را خواب می‌بیند که خدای شعر است:

بدو گفتم ای اوستاد سخن	بدادی به شهنامه داد سخن
زبان تو آب زلال است و بس	بیان تو سحر حلال است و بس
... برم بر بر خویش لختی بمال	که در سینه‌ی توست عقد هلال
... دمی چند بودم در آغوش او	برم بر بر و دوش بر دوش او
به گفتارها خاطر م شاد کرد	ز یادم برفت آنچه او یاد کرد
... دلم مخزن گنج اسرار گشت	خرد را سر خفته بیدار گشت (۲۰۰)

شاعر در جای دیگر هم راهنمای حضرت خضر (ع) را باعث روانی طبع خود می‌داند:

مرا خضر تا راهنمایی نکرد	دلم در سخن پادشاهی نکرد
--------------------------	-------------------------

گر از جام خضرم نبودی شراب سخن بر زبانم نرفتی چو آب (۳۱۷)

- در حماسه با عینیت و سادگی و عظمت مواجه ایم. در این حماسه نیز با عظمت و متانت و اقتدار علی (ع) و پیروزمندی قهرمانان دیگر آن مواجه هستیم و صحنه‌های نبرد و حوادث و رویدادها بسیار خوب توصیف شده‌اند، عینیت دارند و ساده و روشنند.

- حماسه دارای سبکی عالی، معنایی جدی و الفاظی سنگین و فاخر است و اسم‌ها قدیمی و مطمئن و رعب انگیزند. خاوران‌نامه را یکی از موفق‌ترین نمونه‌های حماسه‌ی منظوم می‌دانند که شباهت‌های زبانی بسیاری با شاهنامه دارد چه از حیث واژگان و ترکیبات، و چه از نظر نحو و معانی و بیان و حتی اسلوب پند و اندرز دادن بعد از وقایع بزرگ و جنگ‌ها. به‌عنوان مثال بنگرید به ابیاتی چند از آغاز کتاب:

نخستین بدین نامه‌ی دلگشای	سخن نقش بستم به نام خدای
خداوند هوش و خداوند جان	خداوند بخششده‌ی مهربان
یگانه خداوند بالا و پست	گواه بوده بر هستیش هر چه هست
سپهر و زمین و زمان آفرین	دل و دانش و عقل و جان آفرین (۴۳)

نتیجه

حماسه یا طبیعی و ملی است و یا مصنوع؛ مثلاً حماسه‌ی تاریخی یا دینی. می‌گویند حماسه‌ی ملی، زمانی به‌وجود می‌آید که ملتی پای در راه ملت شدن می‌گذارد و در راه حصول تمدن گام می‌نهد. در مورد دلیل ایجاد حماسه‌های دینی هم همین امر به گونه‌ای دیگر پیش می‌آید؛ یعنی زمانی که شرایط اجتماعی به نحوی رقم می‌خورد که یک دین و یا یک مذهب قدم در راه انسجام و کسب قدرت و گسترش بیشتر می‌گذارد، حماسه‌های دینی رواج می‌یابند؛ به هر حال حماسه از هر نوعی که باشد، بازتاب شرایط اجتماعی و توصیفگر تاریخ، فرهنگ و آیین سرزمین ایران است و صحنه‌های دلاوری و رزم‌ها و شادی‌های مردانی را نشان می‌دهد که هر یک نماد و سنبل از ویژگی‌های برترند.

این که در برهه‌هایی از تاریخ ایران، شاعران به سرودن حماسه‌های تاریخی پرداخته‌اند و حتی بیگانگان را ستوده‌اند و ایشان را قهرمان حماسه‌ی خود قرار داده‌اند، شاید ریشه در این واقعیت تاریخی داشته باشد که ایرانیان با تکیه بر تمدن بزرگ دیرین خود، با شگردهای

مبارزاتی خاص خود، همواره ملل مغلوب را به رنگ خود درآورده‌اند و آنان را آن‌چنان در تمدن و فرهنگ خود استحاله کرده‌اند که کم‌کم به یک هم‌میهن و هم‌مذهب بدل شده‌اند تا آن‌جا که بیگانگان قبلی چنان خودی شده‌اند که خود مدافع فرهنگ ایران و پاسدار زبان ما و مشوق شاعران و هنرمندان ما شده‌اند و حتی گاه در صدد برآمده‌اند که نسب خود را به گونه‌ای به سلسله‌های ایرانی پیشین برسانند؛ به همین سبب، در ذهن شاعران به حدی خودی می‌شده‌اند که آن‌ها را قهرمان حماسه‌ی ملی خود قرار می‌داده‌اند. علاقه به اهل بیت که در برابر تهاجم عربی و تبعیض‌های نژادی خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، پناهگاه روحی ملت ایران بودند، مردم ایران را بر آن داشت تا در کنار قهرمان اسطوره‌ای و ملی خود، برترین مردان عالم؛ یعنی پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) و دلاوران سپاه اسلام را هرگز فراموش نکنند و در حماسه‌های دینی آنان را بستایند و در عالم خیال به ایران بیاورند تا اینان نیز هم‌چون پهلوانان کهن به پاک کردن این سرزمین از پلیدی و بدی و ویژگی‌های اهریمنی دست گشایند. و این چیزی است که در خاوران‌نامه به خوبی دیده می‌شود؛ زیرا با توجه به ویژگی‌هایی که در متن ذکر شد، خاوران‌نامه یکی از بهترین نمونه‌های حماسه‌ی دینی است که بر بقیه‌ی حماسه‌های دینی - به جز علی‌نامه - فضل تقدم دارد و نیز سرمشق خوبی برای آن‌ها بوده است. او حتی علت سرودن این کتاب را برخوردار شدن از عطای رسول (ص) می‌داند:

سخن ختم شد بر سخای رسول	نیم نا امید از عطای رسول
چو هر بی‌نوایی از او با نواست	مرا گر ثوابی رسد هم رواست (۲۱۳)

منابع و مأخذ

۱. ابن‌حسام خوشفی، محمد بن حسام الدین (۱۳۶۶). *دیوان/ابن‌حسام خوشفی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲. ----- (۱۳۸۲). *تازیان‌نامه پارسی*. تصحیح حمیدالله مرادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. اته، هرمان (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه‌ی صادق رضازاده‌ی شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۴. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۶۴). "ابن حسام خوسفی، شاعری حق شناس اما ناشناخته". *کیهان فرهنگی*، شماره ی ۱۹ (پاییز): ۲۰-۱۹.
۵. ثعالبی مرغنی، حسین بن محمد (۱۳۷۲). *غرر/السير*. ترجمه محمد روحانی. مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. خائفی، عباس (۱۳۸۰). "واقعیت و اسطوره در شعر ابن حسام خوسفی". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند*، شماره ی ۱ (بهار): ۵۱-۵۶.
۷. خوش‌کنار، حیدرعلی (۱۳۸۸). "خاوران‌نامه برترین حماسه‌ی دینی". *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره ی ۸۹ (بهار): ۱۶-۱۹.
۸. ربیع، (۱۳۸۸). *علی‌نامه*. با مقدمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۹. رزمجو، حسین (۱۳۷۰). *انواع ادبی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۷). "حماسه‌سرایی در ایران پس از حمله‌ی مغول تا ظهور صفویان". *نشریه‌ی تاریخ آیین‌های میراث*، شماره ی ۴۱ (تابستان): ۵-۲۲.
۱۱. ریپکا، یان (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه‌ی عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). *انواع ادبی*. تهران: فردوس.
۱۴. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *گنج سخن*. تهران: ققنوس.
۱۵. ----- (۱۳۸۹). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
۱۶. عبادیان، محمد (۱۳۷۹). *انواع ادبی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷). *سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*. تهران: نشر جامی.
۱۸. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). *شاهنامه‌ی فردوسی*، ج ۱. به تصحیح ژول مول. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون و رابطه‌ی آن با جو توسعه

منابع انسانی از دیدگاه کارکنان دانشگاه بیرجند

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۵

هادی پورشافعی^۱

علی عسگری^۲

فاطمه نیازی^۳

چکیده

امروزه توسعه منابع انسانی مهمترین هدف سازمان‌ها است و استقرار زمینه‌ی مناسب برای چنین توسعه‌ای در اولویت قرار دارد. در بسترسازی این توسعه عوامل گوناگون نقش دارند که از آن جمله فرهنگ سازمانی است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین فرهنگ سازمانی و جو توسعه منابع انسانی از دیدگاه کارکنان دانشگاه بیرجند انجام شده که به هشت فرضیه پاسخ‌دهی می‌شود. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کارکنان دانشگاه بیرجند بوده که در مجموع ۱۳۰ نفر به شیوه تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه فرهنگ سازمانی دنیسون گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی از جمله آزمون پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که در مجموع میانگین ابعاد فرهنگ سازمانی به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است. نتایج همبستگی نیز دلالت بر آن دارد که بین فرهنگ سازمانی و جو توسعه منابع انسانی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون پژوهش نیز نشان داد که در بین ابعاد مشارکت، سازگاری، انطباق‌پذیری و مأموریت، بعد مأموریت بهترین شاخص پیش‌بینی کننده جو توسعه منابع انسانی دانشگاه

۱. استادیار دانشگاه بیرجند. نویسنده مسؤول. hpourshafei@birjand.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه بیرجند.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه بیرجند.

است. این امر دلالت بر این دارد که اگر سازمان مسیر آینده‌اش روشن باشد، جو سازمان در زمینه توسعه منابع انسانی مطلوب‌تر می‌شود. بر این اساس، به مدیران دانشگاه پیشنهاد می‌شود که اقدامات را بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی انجام دهند و همچنین کارکنان را نیز از برنامه‌ها و اهداف دانشگاه و راه‌های تحقق آن مطلع کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ سازمانی، جو توسعه منابع انسانی، مدل دنیسون.

مقدمه

امروزه نظر به اهمیت منابع انسانی در حفظ و توسعه سازمان‌ها، راهبردهای نوین و اثربخشی برای ایجاد انگیزه، رفتارهای مطلوب، دستیابی به اهداف سازمانی و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، مورد استفاده مدیران بخصوص مدیران ارشد سازمانی قرار گرفته است. یکی از این راهبردها، ایجاد فرهنگ مطلوب سازمانی و نیز ایجاد جوی مناسب در جهت رشد انگیزه و ارتقای منابع انسانی در سازمان است. "جو" به معنی اطراف و آنچه که بر چیزی دیگر احاطه دارد، اطلاق می‌شود. در حوزه سازمانی، جو سازمانی^۱، ادراک کارکنان از فضای حاکم بر سازمان است. مفهوم جو، اولین بار در سال ۱۹۵۰ برای توصیف محیط کاری افراد به کار برده شده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۷۰). جو، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عواملی است که به‌وسیله کارکنان درباره سازمان‌شان ادراک می‌شود و عاملی جهت تکوین و تکامل اعمال و رفتارشان تلقی می‌گردد (گودرزی و گمینیان، ۱۳۸۱: ۴۱) در واقع فضا و جو سازمانی یک ویژگی ذهنی است که دارای اثر بسیار جدی و واقعی بر افرادی است که در سازمان زندگی و کار می‌کنند (طوسی، ۱۳۸۰: ۱۸۲). جو سازمانی، یکی از عوامل مهمی است که با تأثیر بر روابط کارکنان مجموعه حالات، خصوصیات، یا ویژگی‌های حاکم محیط سازمان را در بر می‌گیرد. جو مطلوب در هر سازمان می‌تواند موجبات رشد و شکوفایی سازمان، بروز خصایصی چون خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری و بویژه توسعه منابع انسانی^۲ را فراهم سازد.

-
1. Climate
 2. Organizational climat
 3. Human resource develoment

اما واژه گسترده تر از جو، فرهنگ سازمانی^۱ است. هر دو این اصطلاح، بر کیفیات داخلی سازمان و روابط درون سازمانی دلالت دارند. البته امروزه در پرتو پیشرفت علم سازمان و مدیریت و نظریه‌پردازی‌ها، مفاهیم فرهنگ، محیط و جو از یکدیگر متمایز شده‌اند و مفهوم جو به عنوان انعکاسی از فرهنگ سازمانی تعریف شده است (نورایی و امیرتاش، ۱۳۸۷: ۲۵).

منابع انسانی سازمان در پرتو جو و فرهنگ سازمانی، فعالیت می‌کنند که نیازمند مدیریت صحیح است. توسعه منابع انسانی به معنی ارتقای توانمندی و ظرفیت نیروی انسانی است که موجب رشد مداوم و پیوسته توسعه و بهبود ابعاد مختلف و همه جانبه فرد را در بر دارد (شریعت‌زاده و چیذری، ۱۳۸۳: ۳۸). نادلر^۲ به عنوان پیش‌گام نظریات توسعه منابع انسانی، توسعه منابع انسانی را «تجارب یادگیری سازمان یافته‌ای که بوسیله کارفرمایان در یک دوره زمانی خاص به منظور بهبود عملکرد و رشد فردی ارائه می‌شود، تعریف کرده است» (تونکه نژاد و داوری، ۱۳۸۸: ۴۴). با توسعه منابع انسانی، کارکنان به یکی از سرمایه‌های فکری، عاطفی، اجتماعی یا جهانی تبدیل شده و سازمان نیز بدنبال توسعه منابع انسانی خود، به توسعه پایدار، مزیت رقابتی و موفقیت نائل می‌گردد (ابیلی و موفقی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). علاوه بر آن، در عصر نوین سازمانی، مشتری‌مداری و توجه به نیازهای مشتری مهم تلقی می‌شود. مشتری‌مداری یا تمرکز بر مشتری، روشی است که در آن نخست به نیازهای مشتری توجه می‌شود و سپس در صدد تأمین این نیازها برمی‌آیند به گونه‌ای که نتیجه نهایی، رضایت مشتری و برآوردن انتظارات او باشد (دادخواه، ۱۳۸۸: ۲۴).

در نتیجه پاسخگویی به مشتری و فعالیت در عصر رقابت در گروه توسعه منابع انسانی است. توسعه می‌تواند به عنوان قابلیت‌های در حال رشد تصور شود که از الزامات مورد نیاز برای شغل فعلی فراتر است و تلاش‌هایی را برای بهبود توانایی کارمند جهت اداره و انجام انواع تکالیف و وظایف‌ها ارائه می‌کند. توسعه برای سازمان‌ها و کارکنان، منفعت‌هایی را در پی دارد. کارکنان و مدیرانی که تجربیات و توانایی‌های مناسب دارند، توانایی سازمان را برای

1. Organizational culture

2. Nadler

رقابت و سازگاری با محیط رقابتی در حال تغییر افزایش می‌دهند (متیس و جکسون^۱، ۱۳۸۸: ۴۳۱). توسعه منابع انسانی با تغییر در مهارت‌ها، دانش‌ها، نگرش و رفتار کارکنان به عنوان مهمترین عنصر سازمانی تشخیص داده شده است، به‌طوری‌که در سطح جهان توجه خاصی به این مقوله مبذول گشته و سازمان‌های موفق متوجه شده‌اند که چنان‌چه در زمینه توسعه منابع انسانی سازمان پیشرفت کنند و نظام‌های نیروی انسانی و آموزشی خود را بهبود بخشند، کارایی، اثربخشی و بهره‌وری سازمانی، تأمین خواهد شد (ابیلی و عالیخانی، ۱۳۸۲: ۵۴). آموزش به معنای سرمایه‌گذاری بر کارکنان به منظور قادر ساختن آن‌ها برای عملکرد بهتر و قدرت استفاده بهتر از توانایی‌های طبیعی آنان می‌باشد (دیسنز و رایبیز^۲، ۱۳۸۸: ۶۷). تحقق این امر نیازمند وجود جوی مناسب و مساعد در محیط سازمان است که ایجاد آن نیز با عناصر متعددی رابطه دارد که از آن جمله جو توسعه منابع انسانی است. جو توسعه منابع انسانی، عناصری که خارج و داخل از سازمان قرار دارند و به طور بالقوه بر توسعه منابع انسانی سازمان تأثیر می‌گذارند، تعریف شده است (رنگریز و عظیمی، ۱۳۸۵: ۲۱).

از جمله این عناصر که ممکن است با آن رابطه داشته باشد، فرهنگ سازمانی است. پیشینه فرهنگ سازمانی به پیدایش اولیه سازمان‌ها برمی‌گردد، هر سازمانی به محض بوجود آمدن در درون خود فرهنگی را بارور می‌کند که محصول و نتیجه روابط متقابل یا تعاملاتی است که بین تعصبات و اصول مورد قبول بنیان‌گذاران و آنچه اعضای سازمان در بدو ورود به سازمان می‌آموزند و نیز آن‌چه بعداً خواهند آموخت برقرار می‌گردد (واعظی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۶).

فرهنگ سازمانی، مفهومی است که به‌تازگی در علم مدیریت و در قلمرو رشد سازمانی راه یافته است و از منظر دیدگاه‌های گوناگون تعاریف متعددی از این واژه شده است از جمله شاین^۳ که عمده مطالعات وی در مورد فرهنگ بوده، آن را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ^۴، مجموعه‌ای است از اصول اساسی و راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات جهانی

-
1. Metis and Jakson
 2. Disns and Rabbins
 3. Edgard H.Schein
 4. Culture

تطابق بیرونی و انسجام درونی که این مفروضات و اصول اساسی در طول زمان تکامل می‌یابند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (شنايدر و بارسو^۱، ۱۳۸۲: ۳۱). لوییس^۲ نیز که دانشمندی بنام در قلمرو فرهنگ سازمانی است، آن را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ سازمانی مجموعه‌ای از دریافته‌ها و تفاهم‌های مشترک برای سازمان دادن کنش‌ها است، که زبان و دیگر محمل‌های نمادی را برای بیان این تفاهم‌های مشترک به کار می‌گیرد» (طوسی، ۱۳۸۰: ۲۱۳). فرهنگ سازمانی یک دسته از ارزش‌هاست که مورد پذیرش و تأیید اعضای یک سازمان قرار گرفته و به آنان کمک می‌کند تا نسبت به اقداماتی که قابل قبول تلقی می‌شوند و اقداماتی که غیر قابل قبول به حساب می‌آیند، شناخت پیدا کنند، اغلب این ارزش‌ها از طریق داستان‌ها و سایر ابزارهای نمادین منتقل می‌شوند (مورهد^۳، ۱۳۷۴: ۵۳۵). آثار و پیامدهای فرهنگ سازمانی متعدد است، فرهنگ سازمانی هویت دهنده، موجب تعهد گروهی، ثبات نظام اجتماعی سازمان و باعث شکل‌دهی رفتار کارکنان می‌شود (علی احمدی و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۲).

در بررسی پیشینه تحقیق، علاوه بر ارائه تعاریف متعدد درباره فرهنگ، طرح‌ها و نگرش‌های گوناگونی هم درباره آن تدوین شده است. با استفاده از این طرح‌ها، تحقیقات زیادی در رابطه با سنجش، بررسی و تحلیل فرهنگ انجام داده‌اند. در عین حال از جدیدترین و در عین حال کامل‌ترین این طرح‌ها، طرحی است که توسط دنیسون^۴ ارائه شده است. دنیسون در طرح خود درباره ابعاد فرهنگ سازمان‌ها، چهار محور اصلی، شامل ابعاد درگیر شدن در کار^۵ یا مشارکت، یکپارچگی^۶، سازگاری^۷ و مأموریت^۸ را در نظر می‌گیرد. این چهار ویژگی در قالب عبارت‌هایی از مجموعه فعالیت‌های مدیریت بیان می‌شود (منوریان و قربانی و شریفی، ۱۳۸۷: ۹۵). درگیر شدن در کار، موجب ایجاد حس مالکیت،

-
1. Schneieder & barsoux
 2. Lewis
 3. Morhed
 4. Denison
 5. Invoivement
 6. Consistency
 7. Adaptability
 8. Mission

مسئولیت و تعهد در کارکنان می‌شود. یکپارچگی، مبین ارزش‌ها و سیستم‌هایی است که یک فرهنگ قوی را تشکیل می‌دهد. در نتیجه یک فرهنگ با ثبات، هماهنگ و منسجم گرایش بالایی به اثربخشی دارد. سازگاری، عبارت است از توجه به شرایط محیط کاری در فعالیت‌ها که دربردارنده نظامی از هنجارها و اعتقاداتی است که بقا و رشد و توسعه سازمان را در پی دارد و مأموریت ناظر بر تعریف و تعیین جهت‌گیری‌های طولانی مدت برای سازمان است. در فرهنگ سازگار، اعضای سازمان به‌طور گسترده‌ای عقاید و ارزش‌های یکسانی دارند که به آن‌ها کمک می‌کند تا با رسیدن به یک احساس مشترک، در انجام فعالیت‌های سازمانی، با هم هماهنگ شوند، از این رو سازگاری در سازمان نقش عمده‌ای در عملکرد سازمان دارد (Zhang and pan, 2009: 46). مأموریت یک سازمان اهداف سازمان را تعریف کرده و جهت‌های روشن و اهداف مشترکی برای اعضای سازمان بوجود می‌آورد، به‌طوری که بر استحکام و جهت‌گیری سازمان تأکید می‌کند و به سازمان کمک می‌کند تا بخوبی با اطراف و محیط پیرامونش رابطه برقرار کند (Fazli and, 2012: 125). (Alishahi).

محققان حوزه فرهنگ با استفاده از طرح‌هایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد عنوان نموده‌اند که فرهنگ سازمانی مبانی فرهنگی، راهبردی، هدف‌ها و روش کار سازمان را معین می‌سازد، به سازمان‌ها قدرت می‌بخشد و بر نگرش رفتار فردی، انگیزه و رضایت شغلی و سطح تعهد نیروی انسانی، طراحی ساختار سازمانی، هدف‌گذاری، تدوین و اجرای خط مشی، راهبردها و غیره تأثیر می‌گذارد و با تغییر الگوی تعامل می‌تواند زمینه مناسب برای پیشرفت همه جانبه سازمان، از جمله ایجاد شرایطی برای استقرار توسعه منابع انسانی در سازمان فراهم سازد (دانش فرد و شهابی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴).

به دلیل این مهم، توجه اکثر پژوهشگران به مطالعه و تحقیق درباره آن جلب شده است، به طوری که برخی محققین به بررسی و سنجش ابعاد فرهنگ سازمانی در سازمان‌های مختلف پرداخته‌اند. از جمله برخی محققین به بررسی و سنجش ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون در سازمان‌های مختلف پرداخته‌اند. از جمله رحیم‌نیا و علیزاده (۱۳۸۸) تحقیقی در دانشگاه با عنوان «بررسی ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل

دنیسون از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد» انجام داده و به این نتیجه رسیدند که بعد "انطباق‌پذیری" بیشترین و بعد "مشارکت" و "سازگاری" کمترین امتیاز را به دست آورده‌اند. همچنین در بین شاخص‌های دوازده‌گانه، شاخص‌های "تغییرپذیری" و "چشم‌انداز" در حد بالایی قرار گرفته‌اند و برخی شاخص‌ها مانند "هماهنگی" و "تیم-سازی" کمترین امتیاز را به دست آورده‌اند. ایران‌زاده و محمودی‌اشان (۱۳۸۹) نیز برای بررسی فرهنگ سازمانی یک سازمان صنعتی مدل دنیسون را به کار بردند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد این سازمان در هر چهار بعد مشارکت، انطباق‌پذیری، یکپارچگی و مأموریت در حد متوسط و بالاتر از متوسط قرار دارد. این سازمان بهترین وضعیت را در متغیرهای "مشارکت" و "سازگاری" به دست آورده است. با وجود این، در برخی شاخص‌ها از جمله "هماهنگی"، "اهداف و مقاصد"، "مشارکت محوری" و "توسعه قابلیت‌ها" نیازمند بهبود است و در طیف منعطف ثابت این سازمان بیشتر به سمت ثابت و در بعد تمرکز خارجی و داخلی بیشتر به تمرکز داخلی تمایل دارد.

برخی دیگر از محققان علاوه بر بررسی وضعیت فرهنگ سازمان، رابطه آن را نیز با سایر متغیرهای مرتبط مورد سنجش قرار دادند. از جمله دنیسون و همکاران در پژوهشی، یافته‌های خود را در زمینه رابطه بین مدل فرهنگ سازمانی خود و مقیاس‌های عملکرد سازمانی آوردند. این مطالعه در بین ۱۵۵ سازمان از صنایع مختلفی چون، داروسازی، مخابرات، مراقبت‌های بهداشتی، حمل و نقل و ... در کشورهای مختلفی مانند آمریکا، استرالیا، هند، ژاپن، فرانسه، آلمان و ... انجام شده است و نتایج آن نشان داد که بعد مأموریت بیشترین رابطه و بعد سازگاری کمترین رابطه را با مقیاس‌های عملکرد سازمان‌ها دارد (Denison and etal, 2006).

کوفی در پژوهش خود رابطه بین فرهنگ سازمانی و عملکرد سازمان‌های ساختمان‌سازی بخش دولتی در هنگ‌کنگ را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید از بین ابعاد فرهنگ سازمانی مدل دنیسون، بعد "انطباق‌پذیری" بیشترین رابطه، "مأموریت" رابطه متوسط و "سازگاری" کمترین رابطه را با عملکرد سازمان دارد (Coffy, 2003).
بیلماز و ارگان در تحقیقی تأثیر ابعاد مدل فرهنگ سازمانی دنیسون را بر عملکرد

سازمان‌ها مورد مطالعه قرار دادند و نشان دادند که بعد "انطباق‌پذیری" بیشترین امتیاز و بعد "سازگاری" کمترین امتیاز را به‌دست آورده است. در این تحقیق مشخص شد که بعد "مأموریت" بیشترین تأثیر را بر افزایش عملکرد سازمان‌های مورد مطالعه دارد (2008 Yilmaz and Ergan).

ابیلی و عالیخانی (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان بررسی عملکرد سیستم توسعه منابع انسانی در دانشکده‌های علوم رفتاری و اجتماعی دانشگاه تهران، به بررسی جنبه‌هایی از توسعه منابع انسانی که با استفاده از شاخص‌های آموزش، چرخش شغلی، کارراهه‌شغلی و ارزشیابی عملکرد سنجیده شده است، یافته‌های پژوهش نشان داد که وضعیت توسعه کارکنان بخش خدمات آموزشی این دانشکده‌ها وضعیت نامطلوبی است و با اهداف و رویکردهای توسعه منابع انسانی بسیار فاصله دارد.

با توجه به نتایج پیشینه تحقیق، اغلب اعتقاد بر این است رفتار سازمانی فرد از فرهنگ حاکم بر سازمان تأثیر می‌پذیرد و از آنجایی که مدیران باید در حفظ و توسعه نیروی انسانی به عنوان منابع ارزشمند سازمان عنایت ویژه‌ای نمایند، باید فرهنگ را به عنوان پایه‌ای برای تشخیص و حل مسائل و پرورش و بهبود رویه‌ها یا سیاست‌های جدید درک نمایند. لذا شناخت و بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و جو توسعه منابع انسانی سازمان به‌منظور ایجاد محیطی مساعد برای توسعه منابع انسانی، می‌بایست به‌عنوان یک ضرورت مهم در اولویت‌های فعالیت‌های مدیران سازمان‌ها قرار گیرد. به همین دلیل، فرهنگ سازمانی طیف وسیعی از تحقیقات مدیریتی را به خود اختصاص داده است؛ ولی با این وجود تا آنجا که محقق بررسی نموده، تحقیقی در رابطه فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی^۱ صورت نگرفته است. بنابراین پرسش اصلی که در این تحقیق مطرح می‌شود این است که ابعاد فرهنگ سازمانی در دانشگاه بر اساس مدل دنیسون چگونه است و چه رابطه‌ای بین ابعاد فرهنگ سازمانی و جو توسعه منابع انسانی دانشگاه بیرجند وجود دارد؟ بر این اساس، هشت فرضیه مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی مشخص دانشگاه بیرجند به استثنای اعضای هیأت علمی که در سال ۱۳۹۱ در دانشکده‌ها و سازمان مرکزی این دانشگاه مشغول به فعالیت بوده‌اند را در بر می‌گیرد که تعداد آن‌ها جمعاً ۲۰۸ نفر بودند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده و حجم نمونه لازم برای طرح تحقیق با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie and Morgan, 1970) ۱۳۶ نفر برآورد شد. به منظور گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه فرهنگ سازمانی فی و دنیسون (Fey and Denison, 2000). و جو توسعه منابع انسانی متعلق به سلطانی (۱۳۸۷) استفاده شد. از بین پرسشنامه‌های توزیع شده ۱۳۰ نسخه برگشت داده شد که تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای این تعداد انجام گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی در قالب جداول فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی شامل میانگن و انحراف معیار استفاده گردیده است. در این پژوهش، حد متوسط، یعنی میانگین نظری مقدار ۳ در نظر گرفته شده که با میانگین به دست آمده (میانگین تجربی) مقایسه شده است. هم‌چنین به منظور تحلیل استنباطی داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون از نوع گام به گام استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌ها و نتایج تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی آورده شده است. ابتدا اطلاعات جمعیت شناختی شامل بررسی توصیفی مربوط به گروه نمونه بر مبنای واحد خدمت، سابقه خدمت و میزان تحصیلات ارائه شده، سپس نتایج تحلیل استنباطی داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. اطلاعات جمعیت شناختی نمونه‌ی پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱). اطلاعات جمعیت شناختی نمونه‌ی پژوهش

واحد / سابقه / سطح تحصیل	فراوانی	درصد
واحد محل خدمت	آموزشی	۴۵
	پژوهشی	۱۵
	فرهنگی	۳۱
	اداری و مالی	۲۴
	سایر	۱۴
	نامشخص	۱
	کل	۱۳۰
سابقه‌ی خدمت	کمتر از ۱۰ سال	۵۷
	۱۱ تا ۲۰ سال	۴۱
	بیشتر از ۲۱	۲۷
	نامشخص	۵
	کل	۱۳۰
میزان تحصیلات	دیپلم و فوق‌دیپلم	۴۷
	لیسانس	۶۲
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۹
	نامشخص	۲
	کل	۱۳۰

جدول فوق نشان می‌دهد در بین افراد کل نمونه‌ی پژوهش به ترتیب براساس واحد محل خدمت، بیشترین افراد از واحد آموزشی (٪۳۴/۶) و کمترین آنان در سایر واحدها (٪۱۰/۸) مشغول به کار بودند. در مورد سابقه‌ی خدمت نیز نتایج پژوهش نشان داد بیشترین افراد اعضای نمونه (٪۴۳/۸) دارای سنوات خدمت کمتر از ۱۰ سال دارند و کمترین افراد گروه نمونه (٪۲۰/۸) دارای سنوات خدمت بیشتر از ۲۱ سال دارند.

فرضیه اول پژوهش: ابعاد فرهنگ سازمانی مشارکت، سازگاری، انطباق‌پذیری و مأموریت کارکنان دانشگاه، به طور معنی‌داری از حد متوسط بالاتر است.

برای پاسخ‌دهی به این فرضیه در جدول (۲) نتایج مقایسه‌ی میانگین‌های ابعاد جو توسعه منابع انسانی دانشگاه ارائه شده است.

جدول (۲) نتایج مقایسه‌ی میانگین‌های ابعاد فرهنگ سازمانی دانشگاه

مؤلفه ها	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
مشارکت	۳/۵۲	۱۰/۱۶۲	۱۲۹	۰/۰۰۱
سازگاری	۳/۵۳	۱۱/۰۹۵	۱۲۹	۰/۰۰۱
انطباق پذیری	۳/۴۹	۹/۵۵۸	۱۲۹	۰/۰۰۱
مأموریت	۳/۳۸	۷/۱۳۲	۱۲۹	۰/۰۰۱
فرهنگ سازمان	۳/۴۹	۱۰/۰۱۹	۱۲۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد با توجه به نتایج آزمون t و سطح معناداری ($p=0/001$)، میانگین ابعاد فرهنگ سازمانی در هر یک از ابعاد مشارکت، سازگاری، انطباق‌پذیری و مأموریت به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است، بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. فرضیه دوم پژوهش: جو توسعه منابع انسانی کارکنان دانشگاه به طور معنی داری از حد متوسط بالاتر است.

برای پاسخ‌دهی به این فرضیه در جدول (۳) نتایج مقایسه‌ی میانگین‌های ابعاد جو توسعه منابع انسانی دانشگاه ارائه شده است.

جدول (۳) نتایج مقایسه‌ی میانگین‌های ابعاد جو توسعه منابع انسانی دانشگاه

مؤلفه ها	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
روابط انسانی	۳/۴۲	۷/۰۸	۱۲۹	۰/۰۰۱
آموزش‌دهی	۳/۵۳	۱۰/۷۲	۱۲۹	۰/۰۰۱
پاداش‌دهی	۳/۳۱	۵/۰۲	۱۲۹	۰/۰۰۱
ارزیابی عملکرد	۳/۴۰	۶/۸۴	۱۲۹	۰/۰۰۱
جو توسعه منابع انسانی	۳/۵۰	۹/۸۵	۱۲۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد با توجه به نتایج آزمون t و سطح معناداری ($p=0/001$)، میانگین جو توسعه منابع انسانی دانشگاه به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش: بین ابعاد فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی دانشگاه رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه‌های سوم تا هفتم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴) نتایج ضریب همبستگی متغیرهای ابعاد فرهنگ سازمانی دانشگاه و جو

توسعه منابع انسانی

متغیر	فرهنگ سازمانی	جو توسعه منابع انسانی	مشارکت	سازگاری	انطباق پذیری	مأموریت
فرهنگ سازمانی	۱					
جو توسعه منابع انسانی	0.57**	۱				
مشارکت	0.74**	0.48**	۱			
سازگاری	0.73**	0.55**	0.55**	۱		
انطباق پذیری	0.62**	0.41**	0.50**	0.53**	۱	
مأموریت	0.75**	0.55**	0.51**	0.58**	0.50**	۱

**معناداری در سطح ۰/۰۱ * معناداری در سطح ۰/۰۵

براساس نتایج جدول (۴)، همبستگی بین ابعاد فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است ($p=0/001$)، بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین بعد مشارکت و جو توسعه منابع انسانی برابر ($r=0/57$) می‌باشد و همبستگی از نوع مثبت است. در نتیجه با افزایش فرهنگ سازمانی دانشگاه، جو توسعه منابع انسانی بهبود خواهد یافت.

فرضیه چهارم پژوهش: بین بعد مشارکت و جو توسعه منابع انسانی دانشگاه رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول (۴)، همبستگی بین بعد درگیر شدن در کار با جو توسعه منابع انسانی به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است ($p=0/001$)، بنابراین فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین بعد مشارکت و جو توسعه منابع

انسانی برابر ($r=0/48$) می‌باشد و همبستگی از نوع مثبت است. در نتیجه با افزایش میزان درگیری در کار، جو سازمان در زمینه پرورش کارکنان مطلوب‌تر می‌شود.

فرضیه پنجم پژوهش: بین بعد سازگاری و جو توسعه منابع انسانی دانشگاه رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

براساس نتایج جدول (۴)، همبستگی بین بعد سازگاری با جو توسعه منابع انسانی به لحاظ آماری در سطح $0/001$ معنادار است ($p=0/001$)، بنابراین فرضیه پنجم تحقیق تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین بعد سازگاری و جو توسعه منابع انسانی برابر $0/55$ ($r=$) می‌باشد و همبستگی از نوع مثبت است. در نتیجه با افزایش میزان سازگاری جو سازمان در زمینه پرورش کارکنان مطلوب‌تر می‌شود.

فرضیه ششم پژوهش: بین بعد انطباق‌پذیری و جو توسعه منابع انسانی دانشگاه رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

براساس نتایج جدول (۴)، همبستگی بین بعد انطباق‌پذیری با جو توسعه منابع انسانی به لحاظ آماری در سطح $0/001$ معنادار است ($p=0/001$)، بنابراین فرضیه ششم تحقیق تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین بعد انطباق‌پذیری و جو توسعه منابع انسانی برابر $0/41$ ($r=0/41$) می‌باشد و همبستگی از نوع مثبت است. در نتیجه با افزایش میزان انطباق‌پذیری، جو سازمان در زمینه پرورش کارکنان مطلوب‌تر می‌شود.

فرضیه هفتم پژوهش: بین بعد مأموریت و جو توسعه منابع انسانی دانشگاه رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

براساس نتایج جدول (۴)، همبستگی بین بعد مأموریت با جو توسعه منابع انسانی به لحاظ آماری در سطح $0/001$ معنادار است ($p=0/001$)، بنابراین فرضیه هفتم تحقیق تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین بعد مأموریت و جو توسعه منابع انسانی برابر $0/55$ ($r=$) می‌باشد. همبستگی از نوع مثبت است. در نتیجه با افزایش میزان درک از مأموریت و رسالت دانشگاه، جو سازمان در زمینه پرورش کارکنان مطلوب‌تر می‌شود.

فرضیه هشتم پژوهش: ابعاد فرهنگ سازمانی (مشارکت، سازگاری، انطباق‌پذیری و مأموریت) می‌تواند جو توسعه منابع انسانی دانشگاه را پیش‌بینی کند.

به منظور آزمون روابط بین متغیرها، از ضریب همبستگی و برای مشخص شدن اینکه هر یک از ابعاد چهارگانه فرهنگ سازمانی تا چه اندازه توان و قدرت پیش بینی جو توسعه منابع انسانی را دارد، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است که در جداول (۵)، (۶) و (۷) نتایج خلاصه‌ی مدل، واریانس و ضرایب رگرسیون بین ابعاد فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی ارائه شده است.

جدول (۵) خلاصه‌ی مدل رگرسیون بین ابعاد فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	برآورد خطای انحراف معیار
۱	۰/۶۳۷	۰/۴۰۶	۰/۳۸۷	۰/۵۴

براساس جدول فوق، ۴۰٪ تغییرات جو توسعه منابع انسانی با ابعاد فرهنگ سازمانی تبیین شده است.

جدول (۶) نتایج تحلیل واریانس بین ابعاد فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی

مدل	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۸/۰۴۴	۴	۴/۵۱۱	۲۱/۳۲۰	۰/۰۰۱
باقیمانده	۲۶/۴۴۸	۱۲۵	۰/۲۱۲		
کل	۴۴/۴۹۲	۱۲۹			

براساس جدول فوق، به طور کلی مدل ابعاد فرهنگ سازمان با توجه به $F=۲۱/۳۲۰$ و

$P=۰/۰۰۱$ مدل قابل قبولی می‌باشد.

جدول (۷) نتایج ضرایب رگرسیون بین ابعاد فرهنگ سازمانی با جو توسعه منابع انسانی

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد شده	مقدار t	سطح معناداری
	بتا	خطای انحراف معیار	بتا		
مشارکت	۰/۱۶۳	۰/۰۸۹	۰/۱۶۳	۱/۸۳۵	۰/۰۶۹
سازگاری	۰/۲۹۷	۰/۱۰۲	۰/۲۷۶	۲/۹۱۶	۰/۰۰۴
انطباق‌پذیری	۰/۰۴۵	۰/۰۸۷	۰/۰۴۵	۰/۵۱۶	۰/۶۰۷
مأموریت	۰/۲۶۹	۰/۰۸۷	۰/۲۸۱	۳/۱۰۱	۰/۰۰۲

براساس جدول فوق، در بین ابعاد فرهنگ سازمانی فقط ابعاد مأموریت با توجه به مقادیر $t=3/101$ و $P=0/002$ و مقدار $B=0/28$ و همچنین بعد سازگاری با توجه به مقادیر $t=2/916$ و $p=0/004$ و $B=0/27$ قادر به پیش‌بینی جو توسعه منابع انسانی می‌باشد. دو بعد انطباق‌پذیری با توجه به مقادیر $t=0/516$ و $P=0/607$ و همچنین بعد مشارکت با توجه به مقادیر $t=1/835$ و $P=0/060$ قادر به پیش‌بینی جو توسعه منابع انسانی دانشگاه نیستند.

بحث و نتیجه

براساس فرضیه اول پژوهش، نتایج نشان داد میانگین فرهنگ سازمانی دانشگاه در هر یک از ابعاد مشارکت، سازگاری، یکپارچگی و مأموریت به طور معنی‌داری از حد متوسط بالاتر است. مبانی نظری پژوهش مؤید این مطلب است که اولین گام برای رشد سازمان، شناخت فرهنگ سازمانی است که این امر برای شناسایی و تجزیه و تحلیل پدیده‌های سازمانی امری ضروری است و به مدیران در تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت کمک کرده و موجب بهبود عملکرد سازمان می‌شود. نتایج این پژوهش را می‌توان با نتایج تحقیقات ایران‌زاده و محمودی‌اشان (۱۳۸۹)، برای‌مارنانی و دیگران (۱۳۸۸)، رحیم‌نیا و علیزاده (۱۳۸۸)، اردلان و دیگران (۱۳۸۷) و رجب‌بیگی و دیگران (۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد. میانگین‌های به‌دست آمده از نتایج نشان داد که ابعاد فرهنگ سازمانی مورد مطالعه، به طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط قرار دارد. اما باید تلاش بیشتری برای ارتقای ابعاد فرهنگ سازمانی انجام شود. به دلیل پیچیدگی و چند بعدی بودن فرهنگ، تلاش‌های مداوم برای ارتقا و توسعه فرهنگ سازمانی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا، مدیران سازمان بایستی با راه‌کارهایی برای توسعه ابعاد فرهنگ سازمانی کوشش و جدیت نمایند. از طرفی با توجه به پویایی و انعطاف‌پذیری فرهنگ سازمانی و نیز جو منابع انسانی، نیاز به مدیریت فرهنگ و نیز شناخت کیفیت جو، مبنی بر ادراکی که کارکنان دارند، در عرصه سازمان و مدیریت سازمان، احساس می‌شود.

براساس فرضیه دوم پژوهش، نتایج نشان داد میانگین جو توسعه منابع انسانی دانشگاه،

به‌طور معنی‌داری از حد متوسط بالاتر است. البته به جهت نسبی بودن این مفاهیم، تلاش برای ارتقای آن مهم است. مبانی نظری پژوهش مؤید این مطلب است که حضور سازمان‌ها در عرصه رقابتی امروز، ضرورت توسعه منابع انسانی سازمان‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. توسعه منابع انسانی با تغییر در مهارت‌ها، دانش‌ها و رفتار کارکنان، کارایی، اثربخشی و در نتیجه بهره‌وری سازمانی را افزایش می‌دهد و از آنجایی که فعالیت‌های منابع انسانی سازمان ماهیتاً پویا، پیچیده و متنوع می‌باشند، بررسی جو توسعه منابع انسانی برای شناسایی و تجزیه و تحلیل پدیده‌های توسعه منابع انسانی امری ضروری است و به مدیران در تعیین موقعیت‌هایی که تحقق هر چه بیشتر اهداف منابع انسانی را ممکن می‌سازد، کمک کرده و موجبات توفیق بیشتر سازمان را فراهم می‌آورد.

به‌علاوه جو توسعه منابع انسانی دربردارنده روابط انسانی نیز می‌باشد. به‌طور کلی روابط انسانی مطلوب آن است که اختلافات نژادی، اخلاقی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی مطرح نیست بلکه احترام گذاشتن به شخصیت فرد و محترم شمردن ارزش‌های انسانی افراد اهمیت دارد (نصر، عابدی و شریفیان، ۱۳۸۶). روابط انسانی رضایت بخش، به درک متقابل احساسات، عواطف و ادراکات کارکنان، مثبت‌اندیشی و توجه به نیازهای یکدیگر اشاره می‌کند که نتیجه آن احساس خشنودی، صمیمیت و سودمندی هر یک از طرفین است (فرح بخش، ۱۳۸۸: ۹). روابط انسانی، زمینه‌های انگیزش و رشد فرد را در سازمان فراهم ساخته و همین احساس رشد، سبب رضایت و خشنودی افراد می‌شود. تمام این حالات، زمینه‌ساز بهبود و ارتقای روحیه می‌گردد و میل به زیستن و کار و تلاش در سازمان را افزایش می‌دهد و در نهایت، ارتقای روحیه به مسئولیت‌پذیری، مشارکت و فعالیت ثمربخش فرد در راه انجام دادن وظایف و دست یافتن به اهداف سازمان، منجر می‌شود (امینی، رضاپور و ناصح، ۱۳۸۷).

براساس فرضیه سوم پژوهش، نتایج تحقیق دلالت بر آن دارد که بین ابعاد فرهنگ سازمانی و جو توسعه منابع انسانی کارکنان دانشگاه بیرجند رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معناست که از آنجایی که فرهنگ به عنوان نظام اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و الگوهای اساسی رفتاری است که عموماً افراد در سازمان پایبند آن هستند تعریف می‌شود،

با ارتقای ویژگی‌های فرهنگ سازمانی می‌توان بر بهبود جو توسعه منابع انسانی دانشگاه، افزود. می‌توان این نتیجه به‌دست آمده را با نتایج بدست آمده از تحقیقات کوفی (2003 Coffy)، در هنک‌کنگ، فی و دنیسون (Fey and Denison, 2000) در روسیه، اردلان و همکاران (۱۳۸۷) در ایران، مشابهت داد. نتایج این تحقیقات همگی بر وجود ارتباط آماری مثبت بین این مدل از فرهنگ سازمانی و شاخص‌های مختلف عملکرد و اثربخشی، تأکید دارند و بیانگر این موضوع هستند که علی‌رغم تفاوت فرهنگی میان ملل مختلف، فرهنگ سازمانی به عنوان یک عامل اثربخش می‌تواند در بین سازمان‌ها و در نقاط مختلف جهان، عمل کند.

یافته‌های به‌دست آمده از تأیید فرض چهارم، نشانگر رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت و جو توسعه منابع انسانی است. این امر بدان معناست که هر چقدر میزان مشارکت در سازمان بالاتر باشد بستر توسعه منابع انسانی مطلوب‌تر می‌شود. مشارکت فرایندی است که از طریق آن به کارکنان اجازه داده می‌شود که درباره کارشان تأثیر و نفوذ داشته باشند. به عبارت دیگر مشارکت حالت و وضعیتی است که تحت آن، افراد با اختیارات بیشتر، کار و وظیفه خود را بهتر انجام می‌دهند (والایی‌شریف، ۱۳۸۴: ۷۱). یعنی هرچه در دانشگاه تفویض اختیار و ارائه فرصت‌های تصمیم‌گیری به کارکنان بیشتر باشد و آن‌ها را برای انجام کار گروهی و تیمی مورد تشویق قرار دهد و همواره بر روی افزایش مهارت‌ها و توانایی‌های کارکنان‌شان سرمایه‌گذاری کنند، تعهد سازمان به توسعه مناسب بوده و جو در زمینه پرورش منابع انسانی مطلوب‌تر می‌شود. به اعتقاد مک لگان و نل^۱ (۱۳۸۰: ۱۷) گذر از شیوه‌ای تحکمی و ورود به شیوه مشارکتی اداره امور در محیط کار ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، از این جهت که مسائل محیط کار بسیار پیچیده‌تر و به هم وابسته‌تر از آن هستند که توسط افراد معدودی از مدیران قابل حل باشد.

یافته‌های به‌دست آمده از فرضیه پنجم نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین سازگاری و جو توسعه منابع انسانی وجود دارد. این امر بیانگر این است که هر چه سازمان سازگارتر باشد، سبب می‌شود رفتار اعضای سازمان ریشه در ارزش‌های بنیادینی داشته

باشد که این خود سبب می‌شود که کمتر اختلاف، تعارض و تضاد متوجه روابط اعضا با یکدیگر و با بخش‌های گوناگون سازمان شود. در این صورت، افراد بهتر می‌توانند در بخش‌های گوناگون سازمان با هم همکاری داشته باشند و کارکنان در مسیر تحقق اهداف، قاطعانه و با نگاهی مثبت به آینده و به کنترل امور پرداخته و سعی در یافتن راه‌حلهایی برای ایجاد توافق و پیوستگی در حل تضادها می‌کنند. در چنین سازمانی شرایط توسعه کارکنان بیشتر فراهم است و سازمان بهتر در مسیر توسعه منابع انسانی قرار می‌گیرد و طرفین اعم از سازمان و کارکنان، نفعی دوجانبه خواهند نمود.

نتایج فرض هفتم دلالت بر این دارد که اگر مسیر آینده سازمان روشن باشد، جو سازمان در زمینه توسعه منابع انسانی مطلوب‌تر می‌شود. به این معناست که اگر سازمان بداند به کجا می‌رود، این فعالیت‌ها برای چیست، اهداف و مسیر تحقق این فعالیت‌ها کدامند، وظیفه هر کس در هر سمت و جایگاهی که قرار دارد و در سطح فردی، گروهی و در نگاه کل سازمان در ارتباط با فعالیت‌های دیگران چیست؟ با کاهش ابهام در مسیرهای کاری، جو توسعه منابع انسانی در سازمان بهبود می‌یابد.

نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه هشتم نشان داد که بعد "مأموریت" با مقادیر $t=3/101$ و $P=0/002$ و مقدار $B=0/28$ و "سازگاری" با مقدار $t=0/916$ و $B=29$ در مقایسه با دیگر ابعاد فرهنگ سازمانی، پیش‌بین بهتری برای جو توسعه منابع انسانی دانشگاه است. همان طور که قبلاً اشاره شد سازگاری، عبارت است از توجه به الزامات محیط کاری در فعالیت‌ها که دربردارنده نظامی از هنجارها و اعتقاداتی است که بقا و رشد و توسعه سازمان را در پی دارد و مأموریت ناظر بر تعریف و تعیین جهت‌گیری‌های طولانی مدت برای سازمان است. در دانشگاه مورد مطالعه، با توجه به نتایج به‌دست آمده، بعد سازگاری در حد بالایی است. یعنی نظام، توانسته است هنجارها و اعتقادات مشترکی را بوجود آورد.

در بعد مأموریت، با توجه به مأموریت‌گرا شدن دانشگاه در قالب برنامه‌ای پنج ساله توسعه دانشگاه، نشان می‌دهد که چشم‌انداز سازمان و تدوین مأموریت‌های آن، با مشخص کردن اهداف سازمان و راه‌های رسیدن به آن‌ها را معین کرده که یکی از پیامدهای آن کاهش ابهامات در برنامه‌های آتی است. در صورتی که این ابهامات باقی بماند و

مأموریت‌ها مشخص نشود، سبب پیچیده شدن امور و نوعی بلا تکلیفی در سازمان خواهد شد. نبود برنامه مشخص که نتیجه عدم تعیین مأموریت‌ها است می‌تواند پیامدهای منفی برای کارکنان داشته باشد. این ابهامات سبب می‌شود انجام وظایف به دلیل نبود رویکرد مشخص به خوبی انجام نشود. از طرفی باعث می‌شود برخی کارکنان در سازمان، زیر بار فشار سنگین کارها باشند که این فشارهای کاری می‌تواند، آنان را دچار فرسودگی شغلی کند. علاوه بر آن، ابهام در فعالیت‌ها، مدیران را در ارزیابی عملکرد کارکنان سازمان دچار مشکل می‌نماید و از آنجایی که یکی از کاربردهای نتایج ارزیابی عملکرد در سازمان، تعیین نیازهای آموزشی کارکنان است، توجه به این نیازها، موجب تقویت سطح کاری کارکنان از طریق دریافت پاداش‌ها، خواهد شد و این به نوبه خود، سطح انگیزشی آنان را ارتقاء و از فرسودگی شغلی خواهد کاست.

دریافت پاداش از سازمان به خاطر کار و فعالیت یکی از منطقی‌ترین اصولی است که در هر سازمانی رعایت می‌شود و در هر جامعه‌ای نیز مورد قبول می‌باشد. شاید مهمترین نقشی که نظام پاداش می‌تواند در سازمان ایفا کند؛ تأثیر بالقوه‌ای است که انتظار دریافت پاداش در عملکرد کارکنان می‌گذارد. چنانچه کارکنان سازمان عقیده داشته باشند که عملکرد بهتر منجر به دریافت پاداش می‌شود، امید به دریافت پاداش، نقش مثبتی در عملکرد بهتر و مؤثرتر آن‌ها خواهد داشت (قاسمی، ۱۳۸۲: ۴۹۵). به عبارت دیگر چنانچه مدیریت، سیستم پاداشی طراحی کند که از دید کارکنان به عنوان پرداخت به ازای عملکرد خوب در نظر گرفته شود، در این صورت پاداش‌ها در صورت تناسب، عملکرد خوب را تقویت و تشویق خواهد کرد (رابینز، ۱۳۸۴: ۲۳۱). ارزشیابی می‌تواند با آگاه نمودن کارکنان از عملکردشان این فرصت را برای آن‌ها فراهم کرده که با تلاش در جهت جایگزین ساختن رفتارهای مناسب و حذف رفتارهای منفی و غیر اثربخش کارایی افراد را افزایش داده و در این صورت می‌توان گفت ارزیابی عملکرد به عنوان یک ابزار توسعه‌ای مفید و سودمند عمل کرده و به توسعه منابع انسانی در سازمان منجر می‌شود (سیدجوادین، ۱۳۸۳: ۳۲۸). البته از این جهت مشکلاتی وجود دارد. از یک طرف، آموزش اثربخش، در سازمان صورت نمی‌گیرد و از طرف دیگر، از کارکنان وظیفه شناس و دارای

عملکرد مناسب هم تقدیر نمی‌شود و به مرور زمان بروز چنین رفتارهایی در سازمان کاهش می‌یابد. چنین مسائلی سبب می‌شود که جو پرورش منابع انسانی تضعیف شده و تعهدی نسبت به توسعه در سازمان کمتر وجود داشته باشد. کاتر^۱ (۱۳۸۲: ۱۲۳) در کتاب رهبری تحول در بیان اشتباهات هشت‌گانه، موضوع عدم انتقال کافی چشم‌انداز و دست کم گرفتن قدرت آن به طور مفصل بحث نموده است. وی بر این باور است که چشم‌انداز و برنامه‌های ناشی از آن ضمن آن که باید خلق و ایجاد شود، مهم‌تر آن است که به کارکنان انتقال یابد. این انتقال، ضمن کاهش برخی ابهامات موجب تسریع فعالیت‌ها و انگیزه در کارکنان خواهد شد و احساس تعهد آنان را رشد خواهد داد.

با توجه به نتیجه این تحقیق می‌توان اظهار نمود که چنانچه مدیران و مسؤولان دانشگاه تعهدی نسبت به توسعه کارکنان را دارند، لازم است چشم‌انداز سازمان، اهداف و راه‌های رسیدن به اهداف را مشخص کرده و وظیفه هر واحد، بخش و حتی هر فرد به طور واضح و در ارتباط با هم تعیین شود تا با کاهش ابهام در مسیرهای کاری، جو سازمان در زمینه توسعه منابع انسانی و کارکنان بهبود یابد. می‌توان نتیجه بدست آمده را با نتایج تحقیقات اردلان و دیگران (۱۳۸۷)، ییلماز و ارگان (Yilmaz and Ergan, 2008)، فی و دنیسون (Fey and Denison, 2000)، یول موجب و شکیل احمد (Ul, 20011)، (mujeeb and Shakil Ahmad) مشابهت داد. نتایج این تحقیقات، نشان داده است که با مشخص کردن برنامه کاری و حد وظایف افراد و واحدهای کاری در سازمان، انگیزه کار بیشتر شده و آنان در جهت اهداف سازمان، بیشتر تلاش خواهند نمود. هم چنین در این تحقیقات مشخص شد که بعد "مأموریت" بیشترین تأثیر را بر افزایش عملکرد سازمان‌های مورد مطالعه داشته است که با نتایج این تحقیق، هم سو است.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش از آنجا که فرهنگ سازمانی و نیز جو توسعه منابع انسانی خصلت پویا و انعطاف‌پذیری دارد، مدیران باید به‌طور مستمر کارکنان سازمان را از چشم‌انداز، اهداف، برنامه‌های دانشگاه و راه‌های تحقق آن، مطلع کنند. هم چنین پیشنهاد می‌شود برای رسیدن به وضعیت بهتر و در جهت مأموریت‌گرایی

دانشگاه، مدیران برنامه‌ها را قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه دانشگاه که حاصل برنامه ریزی راهبردی است را عملیاتی نمایند. توجه به برنامه محوری در راستای مأموریت‌های دانشگاه، می‌تواند تحولات زیادی در پی داشته باشد. برای پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود، در خصوص زیرمقیاس‌ها یا زیرمؤلفه‌های هر یک از ابعاد چهارگانه مدل دنیسون نیز تحقیقاتی در سازمان‌های مختلف به عمل آورند.

منابع و مآخذ

۱. ابیلی، خدایار؛ عالیخانی، فرح (۱۳۸۲). "بررسی عملکرد سیستم توسعه منابع انسانی در دانشکده‌های علوم رفتاری و اجتماعی دانشگاه تهران". *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال سی و دوم، شماره ۲ (پائیز و زمستان): ۵۷-۷۶.
۲. ابیلی، خدایار؛ موفقی، حسن (۱۳۸۹). *مدیریت منابع انسانی*. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۳. اردلان، محمدرضا؛ سلیمی، قربانعلی؛ رجائی‌پور، سعید؛ مولوی، حسین (۱۳۸۷). "بررسی رابطه یگانگی فرد- سازمان با فرهنگ سازمانی در دانشگاه‌های دولتی غرب کشور (دانشگاه همدان، کرمانشاه و کردستان)". *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال چهارده، شماره ۴۷ (بهار): ۹۳-۱۳۱.
۴. امینی، محمد؛ رضاپور، غلامرضا؛ ناصح، جواد (۱۳۸۷). "بررسی تجربی شیوه‌های مؤثر بر بهبود و توسعه روابط انسانی در میان کارکنان مدارس شهرستان کاشان". *فصلنامه تعلیم و تربیت*، دوره جدید، شماره ۹۵ (پاییز): ۱۶۳-۱۸۶.
۵. ایران‌زاده، سلیمان؛ محمودی‌اشان، محسن (۱۳۸۹). "شناخت فرهنگ سازمانی براساس مدل دنیسون (مورد مطالعه: شرکت صنعتی پلی ناز)". *فرا سوی مدیریت*، دوره چهارم، شماره ۱۵ (زمستان): ۵۳-۷۶.
۶. براتی‌مارنانی، احمد؛ قادری، اعظم؛ گودرزی، محمدرضا؛ صادقی، احمد (۱۳۸۸). "بررسی فرهنگ سازمانی بیمارستان شهید هاشمی نژاد تهران بر اساس مدل دنیسون". *مدیریت سلامت*. جلد ۱۳، شماره ۴۰ (تابستان): ۶۳-۷۲.

۷. تونکه نژاد، ماندنی؛ داوری، علی (۱۳۸۸). "توسعه منابع انسانی رویکرد جامعه شناختی سازمان". *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، سال اول، شماره ۳ (تابستان): ۵۱-۸۰.
۸. دادخواه، محمدرضا (۱۳۸۸). *مشتري‌مداری*. تهران: شهرآشوب.
۹. دانش‌فرد، کرم‌ا...؛ شهابی‌نیا، سعید (۱۳۸۹). "بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و استقرار مدیریت دانش (مطالعه موردی: شرکت توزیع برق معاونت اجرایی شمال شرق تهران)". *فصلنامه مدیریت*، دوره هفتم، شماره ۱۷ (بهار): ۱-۱۰.
۱۰. دیسنزو، دیوید؛ رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۸). *مبانی مدیریت منابع انسانی*. ترجمه میرعلی سید نقوی و سیامک یعقوبی. تهران: مه‌کامه.
۱۱. رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۴). *مدیریت رفتار سازمانی*. ترجمه فرزاد امیدواران. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۱۲. رحیم‌نیا، فریبرز؛ علیزاده، مسعود (۱۳۸۸). "بررسی ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد". *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، دوره دهم، شماره ۳۵ (تابستان): ۱۴۷-۱۶۹.
۱۳. رنگریز، حسن؛ عظیمی، نازگل (۱۳۸۵). *منابع انسانی در هزاره سوم*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۴. رجب‌بیگی، مجتبی؛ درویش، حسن؛ سعیدعصر، میترا؛ فتحی، فرهاد (۱۳۸۷). "بررسی فرهنگ سازمانی در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور". *پژوهش و سازندگی در منابع طبیعی*، سال چهارم، شماره ۴۴ (زمستان): ۱۵۲-۱۶۱.
۱۵. سلطانی، ایرج (۱۳۸۷). *ابزارهای خود ارزیابی و بهبود در مدیریت منابع انسانی*. تهران: ارکان دانش.
۱۶. سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۸۳). *مبانی مدیریت منابع انسانی*. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۱۷. شریعت‌زاده، مهدی؛ چیذری، محمد (۱۳۸۳). "ویژگی‌های نیروی انسانی توسعه یافته". *فصلنامه رهیافت*، شماره ۳۲ (بهار و تابستان): ۶۵-۷۶.

۱۸. شنایدر، سوزان سی؛ بارسو، ژان لویی (۱۳۸۲). مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها. ترجمه محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۹. طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰). *بالندگی سازمانی*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۰. علی احمدی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۳). *شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت آن*. تهران: ارکان دانش.
۲۱. قاسمی، بهروز (۱۳۸۲). *تئوری‌های رفتار سازمانی*. تهران: هیأت.
۲۲. فرح بخش، سعید (۱۳۸۸). *مدیریت روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی*. تهران: آییژ.
۲۳. کاتر، جان (۱۳۸۲). *رهبری تحول*. ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی و مینو سلسله. تهران: وزارت نیرو، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
۲۴. گودرزی، اکرم؛ گمینیان، وجیهه (۱۳۸۱). *اصول، مبانی و نظریه‌های جو سازمانی*. اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.
۲۵. متیس، رابرت ال؛ جکسون، جان (۱۳۸۸). *مدیریت منابع انسانی*. ترجمه ناصر میرسپاسی، مهدی علیزاده، محمد فیضی و اسماعیل قادری. تهران: میر.
۲۶. مک لگان، پاتریشیا؛ نل، کریستو (۱۳۸۰). *عصر مشارکت*. ترجمه مصطفی اسلامی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۷. منوریان، عباس؛ قربانی، محمدحسین؛ شریفی، مسلم (۱۳۸۷). *فرهنگ سازمانی با تکیه بر مدل دنیسون*. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۲۸. مورهد، گریفین (۱۳۷۴). *رفتار سازمانی*. ترجمه مهدی الوانی، غلامرضا معمارزاده. تهران: مروارید.
۲۹. موسوی، ستاره؛ شریف، مصطفی؛ رجایی‌پور، سعید؛ عشوریون، وحید (۱۳۹۰). "رابطه بین پذیرش نوآوری برنامه درسی و بعدهای جو سازمانی". *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت. جلد ۱۱، شماره ۹ (زمستان): ۴۶۶-۴۷۸.
۳۰. نصر، احمدرضا؛ عابدی، لطفعلی؛ شریفیان، فریدون (۱۳۸۶). "نقش روابط انسانی در

- اثر بخشی تدریس اعضای هیأت علمی دانشگاه با تأکید بر دلالت های تربیت اسلامی". *مجله علوم/ اجتماعی و انسانی/ دانشگاه شیراز*، سال بیست و ششم، شماره ۵۲ (پاییز): ۱۶۵-۱۹۲.
۳۱. نورایی، طهمورث؛ امیر تاش، علی محمد (۱۳۸۷). "ارتباط بین فلسفه آموزشی مدیران و جو سازمانی در دانشکده ها و گروه های تربیت بدنی". *پژوهش در علوم ورزشی*، دوره ۱۹، شماره ۶ (بهار و تابستان): ۵۵-۶۹.
۳۲. واعظی، مظفرالدین؛ مهدیون، روح الله؛ نقوی قره بلاغ، حسین؛ شعبانی، علی (۱۳۸۷). "مروری بر فرهنگ سازمانی، ابعاد و کاربردهای تحقیقات". *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال سوم، شماره ۲۵ و ۲۶ (بهار): ۳۹-۶۷.
۳۳. والایی شریف، حمید (۱۳۸۴). *مدیریت مشارکتی، راهبردی مؤثر در اداره امور سازمان*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
34. Coffy, v. (2003). "The organization culture and effectiveness of companies involoved inpublic sector Hosing construction in Hong kong". 23 *international conference*, [on-line]. Available: [http:// www. psdas.gov.hk/October 2003, Hong kong/paper-vaughan-coffey](http://www.psdas.gov.hk/October 2003, Hong kong/paper-vaughan-coffey).
35. Denison, D; Janaovics, J.; Young, J.; Cho, H. J. (2006). "Diagnosing organizational cultures: validating a model and method". [on-Line]. Available. [http:// www. Googelscholar.com](http://www.Googelscholar.com).
36. Fey, C.; Denison, D. R. (2000). "Organizational culture and effectiveness: the case of foreign Firims in Russia". Sse/ efi working paper series in Bussiness administvation No. 2000:4. SSE/Efl Working Paper Series in Business Administration.
37. Safar Fazli, S.; Ayden Alishahi, A. (2012). "Investigating the relationship between organizational factors (culture, structure,

- strategy) and performance through knowledge management". *American Journal of scientific research*. [on-line]. Available: <http://www.Eurojournals.Com/ajsr.htm.Issue44>, pp: 116-130.
38. Krejcie, R. V.; Morgan, D. W. (1970). Determining sample size research activities. *Educational and Psychological Measurement*. [on-Line]. Available. <http://www.olagroup.Com/Display.Asp?Page...sample>.
39. Ul mujeeb, E.; Shakil Ahmad, M. (2011). "Impact of Organizational culture on performance Management Practices in Pakistan". *International management Review*. Vol. 7, No. 2. pp: 52-56
40. Yilmaz, c.; Ergun, E. (2008). "Organization culture and firm effectiveness: an examination of relative effects of culture traits and the balanced culture hypothesis in an emerging economy". *Journal of world business*, Vol. 43, issue.3. pp: 290-306.
41. Zhang, Y. Li; Pan, F. (2009). "The relationship between organizational culture and government performance based dineson model". *Asian social science*, Vol. 5, No. 11. [on-line]. Available: <http://www.Ccsenet.Org/journal.Html>. [131-137 19.12.2011].

مقایسه فرهنگ آموزش و یادگیری در دو نسل اعضای هیأت علمی

دانشگاه بیرجند از منظر نقش استاد

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۰

صدیقه خوش‌دامن^۱

محسن آیتی^۲

چکیده

نگاه فرهنگی به مطالعات آموزش عالی از جمله منظره‌هایی است که اخیراً مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته، و موجب تولد فصل جدیدی از مطالعات بر محور فرهنگ دانشگاهی گردیده است. فرهنگ آموزش و یادگیری، وجهی از این مطالعات است که فرهنگ جاری در آموزش عالی را از منظر باورها و اعتقادات اعضای هیأت علمی به فرایند یاددهی - یادگیری مورد شناسایی قرار می‌دهد. ارتباط متقابل فرهنگ و آموزش موجب می‌شود فرهنگ بتواند در بستر زمان حرکت کند و از نسلی به نسل بعد منتقل شود. در جریان این انتقال و در بستر حرکت‌های فرهنگی ممکن است ارزش‌ها و هنجارها دستخوش تغییر و تحول شوند و موجب تفاوت بین نسل‌ها گردند به گونه‌ای که سخن از تحولات بین نسلی به میان بیاید. بدین ترتیب، مطالعه‌ی فرهنگ آموزش و یادگیری در بین دو نسل اعضاء هیأت علمی توجیه‌پذیر و بلکه ضرورت می‌یابد. در راستای شناسایی فرهنگ مذکور و از منظر "نقش استاد" به عنوان یکی از مؤلفه‌های آموزش و یادگیری، این دو پرسش مطرح گردید که، رسالت خود را به عنوان استاد دانشگاه در چه می‌بینید؟ روابط خود با دانشجویان را چگونه توصیف می‌کنید؟ در این راستا، با استفاده از رویکرد کیفی (روش مردم‌نگاری) و بر اساس نمونه‌گیری هدفمند، ادراکات ۲۶ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه بیرجند شناسایی شد. داده‌ها از طریق ابزار مصاحبه عمیق نیمه

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه بیرجند. نویسنده مسؤول

sedighekhoshdaman@yahoo.com

mayati@birjand.ac.ir

۲. دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند.

ساختار یافته جمع‌آوری و با استفاده از روش کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بودند که اعضای هیأت علمی دو نسل دارای ادراکات متفاوتی نسبت به "وظایف استاد" و "روابط استاد - دانشجو" می‌باشند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ آموزش و یادگیری، مردم‌نگاری.

مقدمه

مفهوم "فرهنگ" از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر قدم به حوزه تعلیم و تربیت به صورتی عام و آموزش و یادگیری به گونه‌ای خاص نهاده است. مبنای مطالعه ارتباط فرهنگ آموزش و یادگیری، برگرفته از رشته انسان‌شناسی (با شیوه مردم‌نگاری)^۱ و رشته مطالعات اجتماعی - فرهنگی برخاسته از نظریه ویگوتسکی^۲ است. ویگوتسکی در اوایل دهه ۱۹۲۰، در پاسخ به مطالعه برنامه‌ای پیازه در ارائه قالب‌ها و مراحل استدلال و تفکر، اظهار داشت موضع مطالعات یادگیری باید در زمینه تاریخی و فرهنگی یادگیرنده باشد نه در حوزه جهان طبیعی او (Kumpulainen & Renshaw, 2007: 111)، زیرا فرهنگ و شناخت، فعالیت‌های پویایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا نمود. به عقیده وی حیات ذهنی افراد به وسیله فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که در آن مشارکت می‌جویند. بنابراین بافت اجتماعی نقش مهمی در یادگیری دارد (سیف، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

پژوهش‌های مردم‌نگاران در حوزه یادگیری نیز در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، و از زمانی آغاز شد که این پژوهشگران رویکرد خود از فردگرایی و تبیین نشانه شناختی موفقیت و شکست یادگیری به شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان خانه و محیط آموزشی تغییر دادند و فرهنگ را به عنوان متغیر مستقل مؤثر بر یادگیری مورد شناسایی قرار دادند. فرهنگ در این دیدگاه یک منبع واقع شدنی از دانش و تجربه بود که یادگیرندگان برای درک جهان اجتماعی و مادی خود و مشارکت در این جهان آن را بکار می‌بردند. در همین

1. Ethnographic

2. Vygotsky

زمینه مطالعات اوگبو^۱ (۱۹۸۳)، هیث^۲ (۱۹۸۳) و فیلیپس^۳ (۱۹۸۳) نیز نشان دادند که، فرهنگ و یادگیری از یکدیگر جدا نیستند. مطالعه یادگیری، تأکید بر تجارب و ادراکات اعضای جامعه و فرایندهای تعاملی ایجاد کننده و نگهدارنده این تجارب و ادراکات است به گونه‌ای که یادگیری فرایند فرهنگ‌آموزی در تجارب متنوع اجتماعی دانسته می‌شود (Kumpulainen & Renshaw, 2007: 110- 111).

همزمان با حوزه انسان‌شناسی در دهه ۱۹۸۰، در حوزه روانشناسی فرهنگی نیز نظریه "شناخت موقعیتی"^۴ به عنوان واکنشی به نظریه پردازش اطلاعات پا به عرصه ظهور نهاد. طرفداران این نظریه، که نخستین بار توسط ژین لیو^۵ بدین نام خوانده شد نیز بر این عقیده‌اند که یادگیری در خلأ و به دور از تعاملات اجتماعی شکل نمی‌گیرد، بلکه تابعی است از فعالیت، بافت (محیط و جهان) و فرهنگ (صفایی موحد، ۱۳۹۱: ۹۱). این گروه از روانشناسان معتقدند دانش همچون ماده‌ای نیست که بتوان آن را در نقطه‌ای تولید کرد، سپس بسته‌بندی نمود و آن را برای ارائه به نقطه‌ای دیگر انتقال داد، بلکه از تعامل بین فرد و فرهنگ است که دانش شکل گرفته و معنا می‌یابد (Seely Brown, 1989: 35).

علاوه بر حوزه‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی و گسترش شواهد تأثیر فرهنگ بر یادگیری در دهه ۱۹۹۰-۱۹۸۰، این مبحث به حوزه تعلیم و تربیت هم کشانده شد و موجب گردید متخصصان تعلیم و تربیت نظیر کول^۶ (۱۹۷۴)، ورچ^۷ (۱۹۸۵) و برورن^۸ (۱۹۸۴)، فرایند یادگیری را به عنوان کارآموزی فرهنگی در تجارب اجتماعی؛ تفکر را به عنوان فرایند محاوره‌ای تسهیل شده از طریق ابزارهای فرهنگی و فرایندهای اجتماعی و فرهنگ را به عنوان شیوه مشترک زندگی در اجتماعاتی که از طریق بکارگیری ابزارهای فرهنگی، فناوری‌ها، مصنوعات و مفاهیم به طور مستمر بازسازی می‌شود، تلقی کنند

-
1. Ogbu
 2. Heath
 3. Philips
 4. Situated cognition
 5. Jean lave
 6. Cole
 7. Wertsch
 8. Bruner

(Kumpulainen & Renshaw, 2007: 110-112)

برونر (۱۹۹۶، نقل در فاضلی، ۱۳۹۰: ۳۹) بیشتر از هر صاحب‌نظر دیگری در حوزه تعلیم و تربیت به تأثیر فرهنگ بر آموزش و یادگیری پرداخت. برونر بر این نکته تأکید می‌کند که یادگیری و اندیشیدن همواره در موقعیت‌های فرهنگی قرار گرفته است و همواره بر استفاده از منابع فرهنگی متکی است. از این‌رو، یادگیری تابع فرصت‌ها و امکان‌هایی است که موقعیت‌های فرهنگی برای ما فراهم می‌سازند. موقعیت‌های فرهنگی انباشته از معانی هستند و معانی در یک فرایند مستمر تأویل و تفسیر واقعیت‌ها در ذهن آدمی بوجود می‌آیند. بر همین اساس است که او معتقد است برای تجزیه و تحلیل آموزش در بستر فرهنگ و تبیین فرهنگ آموزش و یادگیری باید دو رویکرد درباره ذهن انسان و طرز عمل آن را از یکدیگر جدا بدانیم؛

الف) رویکرد محاسباتی

ب) رویکرد فرهنگی.

طبق رویکرد محاسباتی به آموزش و یادگیری، یادگیری همان پردازش اطلاعات در ذهن است در حالی که در رویکرد فرهنگی مناسبات فرهنگی هر جامعه و به قول برونر داستان‌های فرهنگی زمینه تفسیر و فهم پیچیدگی‌های جامعه را فراهم می‌کنند و موجب یادگیری می‌شوند (سرکارآرانی، ۱۳۸۹: ۱۲). دیدگاهی که برونر انتخاب و به نحو دقیق به تشریح آن می‌پردازد فرهنگ‌گرایی است، زیرا رویکردها و روش‌های آموزشی و تربیتی، بدون توجه به موقعیت فرهنگی و اجتماعی در عمل ناکارآمدی‌هایی را برای نظام آموزشی به بار می‌آورد. در واقع، باید بر این نکته اذعان نمود که نظریه‌های آموزش و یادگیری، مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه‌های غالب در هر جامعه می‌گیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آن‌ها به بار می‌نشینند. بنابراین میزان اثربخشی نظریه‌های آموزش و یادگیری، تنها با بررسی آن‌ها در بستر فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ای که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرند امکان‌پذیر می‌باشد (فاضلی، ۱۳۹۰: ۳۸).

بیان مسأله

جوامع و گروه‌های مختلف اجتماعی آداب و رسوم، عقاید، افکار، ارزش‌ها و شیوه‌های خاصی از زندگی دارند که اصطلاحاً فرهنگ نامیده می‌شود. طبق اولین تعریف تقریباً جامع از فرهنگ که توسط تیلور^۱ (۱۸۷۱، نقل در تقوی، ۱۳۸۵: ۲۵) ارائه گردید، فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و اعتقادات، آداب و رسوم و سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه اخذ می‌کند و از نسلی به نسل بعد انتقال می‌دهد.

هر سازمانی فرهنگ خاص خود را دارد، و دانشگاه به عنوان یکی از اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مراکز تربیت انسانی نیز، همچون دیگر سازمان‌ها دارای فرهنگ خاص خود است (احمدی، سعادت‌مند و لیث صفار، ۱۳۸۹: ۱۰). فرهنگ حاکم بر دانشگاه موجب می‌شود رابطه بین اهالی جامعه علمی صرفاً یک رابطه ذهنی و فنی نباشد بلکه نوعی رابطه نمادین، هنجاری، وجودی و ارتباطی باشد که موجب شکل‌گیری سنت‌های معناداری می‌شود. سنت‌هایی که ریشه در حس‌های مشترک و الگوهای زیست شده تعاملی دارند و فرهنگ دانشگاهی^۲ را بوجود می‌آورند (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

فرهنگ دانشگاهی دارای مؤلفه‌ها و زیرفرهنگ‌هایی است که فرهنگ آموزش و یادگیری از آن جمله است. فرهنگ آموزش و یادگیری شامل باورها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که در مورد آموزش و یادگیری وجود دارد و دارای ابعاد متعددی است که برخی از آن‌ها مربوط به اهداف آموزش (یادگیری مادام‌العمر/ تقویت نگرش نمره گرایی)، موقعیت آموزش (پژوهش محور/ آموزش محور)، محور آموزش (استاد محور/ دانشجو محور) تلقی از علم و آموزش (ستایش‌گرایانه/ توسعه طلبانه، مدرک سالاری/ مدرک گرایی، فرایند و امری تعاملی/ مقوله‌ای شناختی و نوعی محصول)، روش آموزش (مشارکتی/ غیر مشارکتی یادگیری منفعل، ایستا و اقتدار گرایانه/ یادگیری فعال، باز اندیشانه، تفکر انتقادی و آموزش خلاقیت/ یادگیری طوطی وار و حفظ کردن)، نقش استاد (روابط اقتدار گرایانه بین استاد و دانشجو/ استاد به عنوان تسهیل کننده دانش) شیوه‌ها و اسلوب فکری

1. Taylor

2. Academic culture

دانشجویان (عدم اعتماد به نفس در بیان عقاید، ضعف روحیه همکاری، ضعف روحیه پرسشگری، فقدان انگیزه دانشجویان برای تلاش و سخت کوشی در راه علم) می‌باشد (بقائی سرابی و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

آموزش و یادگیری در فرایندی از مناسبات اجتماعی پیچیده که تجلی باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و کیفیت رفتار انسان‌هاست، شکل می‌گیرد. بنابراین کیفیت فرایند آموزش و یادگیری به قابلیت فرهنگ‌های یادگیری و کیفیت تقاضای اجتماعی برای آموزش وابسته است (سرکارآرانی، ۱۳۸۹: ۱۱). از این‌رو، ارتباط فرهنگ و آموزش یک ارتباط دو سویه، است زیرا اولاً ماهیت فرهنگ ایجاب می‌کند که قابل یاددهی - یادگیری باشد و ثانیاً ماهیت آموزش ایجاب می‌کند که فعالیتی فرهنگی محسوب شود (خاکباز، ۱۳۸۹: ۲۹). در واقع، فرهنگ امری است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌یابی، از نسلی به نسل بعد آموزش داده می‌شود. اکتسابی بودن فرهنگ، آن را به امری آموزشی تبدیل می‌کند و از این راه پیوندی ناگسستنی بین آموزش و فرهنگ ایجاد می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۰: ۳۳). ماهیت آموزشی فرهنگ موجب می‌شود فرهنگ بتواند در بستر زمان حرکت کند و از نسلی به نسل بعد منتقل شود. در جریان این انتقال و در بستر حرکت‌های فرهنگی، ممکن است ارزش‌ها و هنجارها دستخوش تغییر و تحول شوند و موجب تفاوت بین نسل‌ها گردند به گونه‌ای که سخن از تحولات بین نسلی به میان بیاید. بدین ترتیب مطالعه‌ی فرهنگ آموزش و یادگیری در بین دو نسل اعضاء هیأت علمی دانشگاه توجیه‌پذیر و بلکه ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر، با در نظر داشتن این اصل که اساسی‌ترین عامل برای ایجاد شرایط مطلوب به منظور تحقق هدف‌های آموزشی و موفقیت در فرایند یاددهی - یادگیری، ایمان به "رسالت استاد" و تأثیرگذاری بر فراگیران است (Gillespie, 2005). نقل در هرنندی‌زاده، نعیمی و پزشکی راد، ۱۳۸۹: ۴۲) لذا در پژوهش حاضر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به دو نسل اعضاء هیأت علمی دانشگاه بیرجند از منظر نقش استاد، به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ آموزش و یادگیری، مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفت. در راستای شناسایی فرهنگ مذکور، این پرسش مطرح گردید که، آیا تفاوتی بین اعضاء هیأت علمی باسابقه و تازه استخدام در فرهنگ آموزش و یادگیری با تأکید بر نقش استاد

وجود دارد یا خیر؟ در واقع در این پژوهش تلاش گردید، با در نظر داشتن بافت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه بیرجند که در آن فرایند یاددهی - یادگیری روی می‌دهد بدین پرسش پاسخ داده شود که، آیا دیدگاه و نوع نگاه اعضای هیأت علمی باسابقه و تازه استخدام نسبت به نقش استاد و نوع روابط ایشان با دانشجویان تفاوت وجود دارد یا خیر؟

پیشینه پژوهش

مقوله‌ی فرهنگ آموزش و یادگیری در تحلیل فرهنگ دانشگاهی از جمله مقوله‌هایی است که کمتر مورد توجه این حوزه مطالعاتی قرار گرفته است. متأسفانه در مطالعات داخلی، تاکنون مطالعه جامعی در این زمینه صورت نگرفته و در مطالعات صورت گرفته نیز، از این مقوله به صورت کلی در عناوین پژوهش‌ها و یا به عنوان یک ویژگی عام در آموزش عالی بهره جسته‌اند. با این وجود، این‌گونه مطالعات را نیز می‌توان به عنوان قدم نخست در بیان و تشریح فرهنگ آموزش و یادگیری بسیار راه‌گشا قلمداد نمود. در همین زمینه، می‌توان به پژوهشی تطبیقی که به نقش فرهنگ در تفاوت میان دانشگاه‌های ایران و بریتانیا از منظر آموزش و یادگیری پرداخته شده است اشاره نمود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۵). در این پژوهش، محقق براساس تجربه زیسته خود و شیوه خود مردم‌نگاری، به بیان تفاوت فرهنگ آموزش و یادگیری ایران و بریتانیا اشاره می‌کند و به ذکر هشت تفاوت آشکار میان فرهنگ آموزش و یادگیری این دو کشور می‌پردازد. براساس نتایج پژوهش، فرهنگ آموزش و یادگیری در ایران واجد ویژگی‌هایی به شرح زیر است:

- فرایند آموزش "استاد - محور" است.

- آموزش و پژوهش "دولت/ نخبه محور" است و رشته‌ها و دوره‌ها بر مبنای برنامه‌ریزی متمرکز دولت و نخبگان و به شیوه مکانیکی و "بالا به پایین" تعیین می‌شوند.

- آموزش در ایران اقتدارگرایانه، غیرمشارکتی، تک‌صدایی و یادگیری منفعل، ایستا و غیربازتابی است.

- در نظام دانشگاهی ایران، دانشجو و علایق و فردیت او نقش ثانویه در آموزش دارند.

- در نظام معرفت شناختی دانشگاه ایرانی، علم نوعی "محصول" و مقوله‌ای "شناختی"

تلقی می‌شود که می‌توان آن را مانند کالا وارد کرد و مانند کالا مبادله و مصرف نمود.

- تفکر علمی در ایران عمدتاً "توضیحی" و "ستایش‌گرایانه" است و آموزش عالی ایران کمتر اجازه رشد اندیشه انتقادی و تحلیلی را به عضو اجتماع علمی و دانشگاهی می‌دهد.

- در ایران "تفکیک نهادی" بین نهادهای سیاست، دولت، فرهنگ، آموزش و دانشگاه مشخص نیست.

یافته‌های پژوهش مهram و دیگران (۱۳۸۶) نیز نشان می‌دهند که مواردی چون ارزش هویت دینی، ملی، علمی، امید به آینده، خویش‌داری و مسؤولیت‌پذیری در دانشجویان کاهش یافته و مواردی چون هویت اعتیادپذیر، به کارگیری قواعد بازی، تقلب، بی‌پروایی در مواجهه با جنس مخالف در آنان رشد داشته است. این پژوهشگران معتقدند بر خلاف آنچه که از تحصیل در نظام دانشگاهی به عنوان مرکزی در جهت تعلیم و تربیت انتظار می‌رود، دانشجویان به عنوان محصولات نظام از ارزش‌های والای مورد انتظار فاصله گرفته و تغییرات قابل توجهی می‌یابند. این وضعیت می‌تواند ریشه در مؤلفه‌های مختلف نظام دانشگاهی اعم از استاد، روش تدریس، شیوهی ارزشیابی، زمان‌بندی، محتوای ارائه شده، مکان تدریس، گروه دانشجویان، و وسایل و منابع آموزشی داشته باشد. تأکید استادان و تمرکز بیشتر سؤالاتِ آزمون‌ها بر قوه حافظه، استیلای سخنرانی و منفعل بودن دانشجویان به عنوان کسانی که نقش اصلی یادگیری را بر عهده دارند، کاهش شدید انگیزه تحصیل به علت مأیوس شدن دانشجویان از کسب شغل و درآمد مناسب پس از تحصیل، انتظار غیرواقعی برخی استادان از دانشجویان و افراط و تفریط در آن، انعطاف استادان و عدول از ملاک‌های بایسته ارزشیابی در نمره‌دهی و قضاوت، و عدم وجود روحیه نقد و سطحی‌نگری به تکالیف، از جمله عوامل مؤثری قلمداد می‌شوند که قابلیت کاوش بیشتر به عنوان موارد اثرگذار بر کاهش جنبه‌های بایسته هویت علمی را دارا هستند.

در واقع، بررسی پیشینه‌هایی از این دست نشان می‌دهند که نوعی خودآگاهی انتقادی نسبت به آموزش عالی و ابعاد مختلف فرهنگ دانشگاهی در ایران در حال شکل گرفتن است، زیرا نگاه گذشته در ایران به مسائل آموزش عالی و دانشگاه‌ها عمدتاً نگاهی کمی‌گرا و کلی بود که در آن تأکید بسیاری بر وجوه مادی و سخت‌افزاری دانشگاه مانند فضای

کالبدی، امکانات و بودجه می‌گردید و بالعکس، وجوه نمادی و غیرمادی ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و به طور کلی نظام معنایی مغفول می‌ماند و طی آن سازوکارهای درونی و طرز عمل کنشگران دانشگاهی (دانشجو، استاد و کارمندان اداری دانشگاه) کمتر دیده می‌شد. در چنین وضعیتی بحث رویکردها و روش‌های آموزش و یادگیری - یاددهی نیز اساساً جایگاهی در گفتمان دانشگاه نداشتند و در صورت مطرح شدن نیز به مقولات و امور مادی، کمی، سخت‌افزارانه و اداری محدود می‌شدند. اما اکنون در پرتو رویکرد فرهنگی به دانشگاه و آموزش، می‌توان شاهد توجه هر چه بیشتر به این جنبه از نهاد دانشگاه گردید (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش مردم‌نگاری صورت پذیرفته است، زیرا رویکرد کیفی مستلزم نوعی نگاه امیک^۱ (نگاه درون) به پدیده‌های مورد نظر است و موجب می‌گردد پژوهشگر با استفاده از مقولات فکری گروه مورد تحقیق، به توصیف نگرش و رفتارهای آن گروه بپردازد (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۶). از سوی دیگر، اگر چه این رویکرد دارای ابعاد و گرایش‌های (پدیدارشناسی، نظریه‌مبنایی، مردم‌نگاری، مطالعه موردی و شرح حال نویسی) متعدد و متنوعی است که نشانه‌ای از انعطاف‌پذیری این رویکرد پژوهشی است، اما جهت‌شناسایی پدیده پیچیده‌ای مانند فرهنگ، هیچ سنت پژوهشی به قوت مردم‌نگاری نیست، زیرا جهت‌گیری کل‌نگر آن، پژوهشگران را قادر می‌سازد عناصر مختلف فرهنگ را مورد شناسایی قرار دهند و با واردکردن آن عناصر در الگوهای منسجم فرهنگی، به توصیف و تفسیر آن فرهنگ بپردازند (گال، بورگ و کال، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

مردم‌نگاری بدن‌بال کشف الگوهای فرهنگی موجود در رفتار آدمی است. بر این اساس، مردم‌نگاران به بررسی اعضای یک فرهنگ می‌پردازند تا معین کنند چگونه رفتار اعضای یک فرهنگ نشان‌دهنده ارزش‌ها، عقاید، آداب، امور ممنوع (محرمات) و سایر جنبه‌هایی است که معمولاً در فرهنگ آن‌ها دیده می‌شود (Aldiabat & Navenec, 2011: 3).

از این رو باید گفت که، فرهنگ مفهوم محوری پژوهش‌های مردم‌نگارانه است و در بسیاری از تحقیقات مربوط به فرهنگ، استفاده از این شیوه مشاهده می‌گردد.

بدین ترتیب، این پژوهش با الهام از رویکرد کیفی و شیوه مردم‌نگاری صورت گرفته و داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته جمع‌آوری، و با استفاده از روش کدگذاری در دو مرحله (کدگذاری باز و محوری) مورد تحلیل واقع گردیده است (کدگذاری، روش مقوله‌بندی سه سطحی است که توسط گلیرز و استراوس^۱ به منظور تحلیل داده روایی ابداع شده است). در این پژوهش، کدگذاری تا سطح دوم این روش و به صورت زیر انجام شده است:

- انجام مصاحبه و پیاده نمودن مصاحبه‌ها روی کاغذ.
 - کدگذاری باز (شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه).
 - کدگذاری محوری (شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیرطبقات و تشکیل طبقات نهایی).
- پس از انجام مراحل بالا و در نهایت امر، سعی بر آن گردید که توصیف فرهنگی از مقوله مورد نظر (نقش استاد) ارائه گردد.

گروه هدف

جامعه این پژوهش، شامل کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه سراسری بیرجند (۱۰۴ نفر) می‌باشند. با توجه به این که هدف پژوهش حاضر مقایسه فرهنگ آموزش و یادگیری میان دو نسل اعضای هیأت علمی (هیأت علمی باسابقه و تازه استخدام شده) از منظر نقش استاد بود و نیاز به آن داشت که سابقه این افراد بدست آید و با مراجعه به دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه، اسامی این افراد استخراج گردید. باید گفت در این پژوهش اعضای هیأت علمی که دارای سابقه تدریس ۲۰ سال به بالا بودند به عنوان اعضای هیأت علمی باسابقه در نظر گرفته شدند و اعضای هیأت علمی که دارای سابقه تدریس ۵ سال به پایین

بودند به عنوان اعضای هیأت علمی تازه کار انتخاب گردیدند (باسابقه‌ترین عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند دارای سابقه تدریس ۳۰ سال و کم سابقه‌ترین عضو هیأت علمی این دانشگاه دارای سابقه تدریس یک ترم یا یک سال بود). سپس به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۲۶ نفر (۱۴ نفر هیأت علمی باسابقه و ۱۲ نفر هیأت علمی تازه استخدام شده) از اعضای هیأت علمی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند.

اعتبار داده‌ها

برای حصول اطمینان از اعتبار داده‌ها و نتایج، اقدامات ذیل صورت گرفت:

- جهت کسب اطمینان از اعتبار کدگذاری‌ها، مقولات تشکیل شده و نامگذاری شده از اجتماع کدگذاران استفاده گردید و با اعمال برخی از نظرات و کسب اجماع، مقولات نهایی شکل گرفت.
- مقولات نهایی با برخی اطلاع‌رسان‌های پژوهش در میان گذاشته شد. نظرات این افراد نشان داد که مقولات شکل گرفته و نتایج استخراج شده انعکاسی نسبتاً صحیح از دیدگاه‌های آن‌ها می‌باشد.
- تطابق یافته‌های پژوهش حاضر، نشان از آن دارد که بسیاری یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط فاضلی (۱۳۸۲)، مهرام و دیگران (۱۳۸۶) و سرکارآرانی (۱۳۹۰) مطابقت دارد.

یافته‌ها

در امر آموزش نه تنها نحوه تدریس، بلکه شیوه رفتار اساتید نیز، در جلب نظر دانشجویان مؤثر است. بر این اساس، ایمان به رسالت استاد و برقراری ارتباط مؤثر با فراگیران از جمله گام‌های موفقیت در تدریس است (سعیدی، واحدیان و پیروی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). در این راستا، می‌توان به مهارت‌های فنی، ادراکی و انسانی مطرح شده از سوی هرسی و بلانچارد^۱ (نقل در علاقه‌بند، ۱۳۷۷: ۱۵) اشاره داشت. آنان معتقدند اگر استاد

به عنوان مدیر در نظر گرفته شود، روابط انسانی از مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز اوست. حتی شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که در مؤسسات آموزشی مهارت‌های انسانی در مقایسه با مهارت‌های فنی و ادراکی در بُعد وسیع‌تری مطرح می‌شود. علت این امر آن است که وجود تعاملات انسانی زیاد، قدرت فرد در برقراری روابط انسانی به سایر زمینه‌های مدیریتی را گسترش می‌دهد. از این‌رو، مدرس باید به اهمیت روابط متقابل خود با دانشجویان توجه داشته باشد و فعالیت‌هایی را که در بهبود و ارتقاء سطح تعاملات او با دانشجویان مؤثر است مورد نظر قرار دهد. اهمیت روابط انسانی بدین خاطر است که افراد کلاس، در طی روز، ساعت‌های زیادی را در کنار مدرس به سر می‌برند. به این دلیل اساتید در قبال آنچه برای فراگیران اتفاق می‌افتد مسئول‌اند و باید توانایی مهارت‌های ارتباطی مؤثر با فراگیران را در خود پرورش دهند. در این راستا، سعی بر آن گردید که طی مصاحبه به بررسی رسالت استاد و روابط با دانشجویان در قالب دو سؤال به صورت زیر پرداخته شود:

۱- رسالت خود را به عنوان معلم یا استاد دانشگاه در چه می‌بینید؟

۲- روابط خود با دانشجویان را چگونه توصیف می‌کنید؟ در چه چارچوبی انجام می‌شود یا از چه کیفیتی برخوردار است؟ چه قوانینی (بیان شده یا نشده) بر آن حاکم است؟ پاسخ‌های بدست آمده از این دو سؤال را می‌توان در قالب کد محوری نقش استاد همراه با زیر مقوله‌های آن به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

۱- وظایف استاد

۲- روابط استاد - دانشجو

وظایف استاد

بررسی پاسخ‌های بدست آمده نشان می‌دهند که وظایف آموزشی، تربیتی و پژوهشی از مواردی است که اعضای هیأت علمی دو نسل بدان اشاره داشتند. نکته قابل تأمل این است که اکثر مصاحبه‌شوندگان با مبنا قرار دادن نقطه‌نهایی آموزش (اهداف آموزش) به بیان رسالت‌شان در مقام یک استاد پرداختند. در این زمینه می‌توان به پاسخ مصاحبه‌شونده شماره (۲۲) با ۲۳ سال سابقه تدریس اشاره داشت، ایشان با اعتقاد به هم جهت

بودن رسالت استاد با اهداف آموزش معتقد بودند:

«رسالت یک استاد متناسب با اهداف مد نظر است. اگر گفته می‌شود نقطه نهایی آموزش فرهیختگی است، استاد هم باید در جهت فرهیختگی حرکت کند. ضمن این‌که انتقال مفهوم می‌دهد، جزوه طراحی می‌کند، آزمون اجرا می‌کند و وظایف مربوط به آموزش و یادگیری را انجام می‌دهد. این آموزش و یادگیری باید سمت و سوی فرهیختگی داشته باشد، زیرا آموزش یک ابزار است نه هدف».

بیان پاسخ مذکور، باز نمودی از شیوه صحیح آموزش و یادگیری است که در آن هدف‌ها تعیین کننده‌ی تمام جزئیات برنامه‌های آموزشی هستند. اگر هدف‌های تدریس به روشنی مشخص شده باشند، رسالت استاد و دانشجو مشخص می‌شود و می‌توانند تصمیم‌گیری کنند که برای رسیدن به آن هدف‌ها چه فعالیت یا فعالیت‌هایی را انجام دهند. بدین جهت اساتید باید انواع فعالیت‌ها و تجارب یادگیری را بر پایه هدف‌های مشخص، تهیه، تدوین و سازماندهی کنند (ملکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۳). بر این اساس، اعضای هیأت علمی با سابقه نیز، با مبنا قرار دادن اهداف مورد نظر (تأکید بر اهداف پرورشی) رسالت خویش در مقام استاد را، بدین صورت بیان نمودند:

«رسالت من بیشتر توجه به اهداف تربیتی و بالا بردن شعور اجتماعی دانشجویان است. هر چند توجه به جنبه‌های آموزشی مهم است، اما عیبش این است که ابعاد آموزشی بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود. بر این اساس توجه به جنبه‌های پرورشی و تربیتی در رأس اهداف مورد نظر قرار دارد».

استاد دیگری، با ۲۱ سال سابقه تدریس در ضرورت پرداختن به "مسائل تربیتی" فراگیران معتقد بودند که:

«رسالت اساتید طبق آموزه‌های دینی و کتاب‌های تعلیم و تربیت تعریف شده است و همه اساتید نسبت به این آموزه‌ها آگاه هستند. در کشورهای غربی توجه به بعد تربیتی و اخلاقی دانشجویان از اهمیت چندانی برخوردار نیست، اما در کشوری اسلامی مثل ایران، اساتید نباید نسبت به مسائل اخلاقی و پرورش شخصیت دانشجویان بی‌تفاوت باشند. چون بی‌توجهی به این مسائل، نظام آموزش و تعلیم و تربیت را دچار خدشه می‌کند».

شواهد مذکور نشان می‌دهند که اعضای هیأت علمی باسابقه رسالت خویش را، توجه به جنبه‌های "تربیتی" و "پرورش شخصیت" فراگیران می‌دانند، و تأثیرگذاری اساتید در این زمینه را فراتر از تأثیر پدر و مادر می‌دانند. یکی از اساتید (۲۲ سال سابقه تدریس)، در این زمینه اظهار داشتند:

«وظیفه استاد این است که ابعاد اخلاقی - اجتماعی را به دانشجو تذکر دهد. در بسیاری از موارد صحبت‌های اساتید حتی تأثیرش از صحبت‌های پدر و مادر برای دانشجویان بیشتر است. به طور مثال، در چند مورد صحبت‌های من آن‌چنان تأثیری در دانشجویها داشته است که باعث شده دانشجو تغییر جهت دهد و به موفقیت برسد».

با این وجود بررسی پاسخ‌های بدست آمده حاکی از آنند که اعضای هیأت علمی باسابقه بعضاً، اشاراتی به دیگر رسالت‌ها (از جمله رسالت آموزشی، فرهنگی و پژوهشی) داشته‌اند.

«فکر می‌کنم مطابق با رویکرد علمی و تخصصی که جزء اولین و اصلی‌ترین رسالت اساتید هست و باید دانشجو را مطابق با تخصص خاص تربیت کنند، در کنارش رسالت فرهنگی هم مهم است. اگر این رسالت‌ها بر هم منطبق و همسو باشند طبیعتاً تعلیم و تربیت موفقیت‌آمیز است، ولی اگر در دو جهت مخالف مسائل فرهنگی و مسائل تخصصی را دنبال کنند منجر به تردید فکری خواهد شد که طبیعتاً این تردیدها، آموزش را دچار اختلال می‌کند».

آنچه تاکنون بیان گردید نشان از آن داشت که اعضای هیأت علمی باسابقه در بیان رسالت خویش همسو و هم جهت با اهداف مورد نظر بیشتر بر بُعد "تربیتی" و "پرورش شخصیت" فراگیران تأکید دارند و دیگر رسالت‌ها با تأکید کمتری همراه گردیده، و بالعکس "وظایف آموزشی" از جمله رسالت‌هایی است که تازه استخدام‌ها بدان تأکید دارند. در همین زمینه یکی از اساتید با ۱ سال سابقه تدریس معتقد بودند:

«نقش و وظیفه اساتید در نهاد آموزشی دانشگاه تعریف شده است. به عنوان نمونه، در سطح لیسانس اساتید موظف هستند که حداقل چند هزار آیتم تاریخی و در واقع محفوظات را به دانشجو آموزش بدهند و فراتر از این برای اساتید در دوره لیسانس تعریف نشده است. بیشتر سعی بر این است که سیستم آموزشی به درستی اعمال شود».

استادی دیگری، با ۵ سال سابقه تدریس علاوه بر در نظر داشتن رسالت آموزشی، عمل نمودن در چارچوب این وظایف را نیز مهم دانستند و معتقد بودند:

«مهمترین رسالت یک استاد دانشگاه این است که در چارچوب وظایف تعریف شده عمل نماید، زیرا عدول از وظایف موجب هرج و مرج و بی‌سر و سامانی می‌شود. بنابراین رسالت اصلی من آموزش است. اگر آموزش بصورت صحیح و دقیق انجام پذیرد بالطبع بسیاری ایده‌هایی که قرار بوده در قالب حرف بیان کنیم در قالب عمل خود به خود با تأثیر و عمق بیشتر انجام شده است».

هر چند شواهد مذکور نشان از تأکید اعضای هیأت علمی تازه استخدام بر "رسالت آموزشی" دارد، اما بررسی پاسخ‌ها نشان می‌دهند که تازه استخدام‌ها در پاره‌ای موارد اشاراتی به سایر رسالت‌ها از جمله "رسالت‌های پرورشی" داشتند. در این زمینه، یکی از اساتید تازه استخدام، علی‌رغم تأکید بر وظایف آموزشی معتقد بودند:

«تقریباً ۸۰ درصد رسالت استاد، وظایف آموزشی است. بخش دیگر از رسالت استاد توجه به بعد تربیتی دانشجویهاست و بخشی دیگر که اتفاقاً مهم و اساسی است مشاوره و راهنمایی فرهنگی است. در این زمینه روابط دانشجو با استاد باید به گونه‌ای باشد که دانشجو به راحتی درد و دل کند و بتواند مسائل و مشکلاتش را برای استاد بازگو کند و این احساس راحتی بویژه برای دانشجویانی که از شهرستان هستند بسیار مهم است».

تأکید بیشتر بر "وظایف تربیتی" از سوی یکی دیگر از اساتید تازه استخدام، بدین گونه مطرح گردید:

«استاد در هر رشته‌ای تنها وظیفه‌اش تدریس نیست بلکه تربیت هم در راستای وظایف یک استاد است. دانشجو باید در تمام زمینه‌ها رشد کند و این وظیفه استاد است که به تمام جنبه‌های علمی و تربیتی دانشجو توجه کند. توجه به بعد تربیتی دانشجویها در برخی رشته‌ها مثل الهیات و معارف به خاطر ماهیت رشته زیاد است ولی توجه به این بعد در رشته‌هایی مثل ریاضی و فنی هم که ماهیت رشته ایجاب نمی‌کند مهم است».

در مجموع تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آنند که اعضای هیأت علمی براساس تصورشان از نقطه نهایی آموزش و یادگیری، یا به عبارت بهتر "اهداف آموزش" به بیان

رسالت خویش پرداختند. بر این اساس، اعضای هیأت علمی باسابقه بیش از هر رسالتی به انجام "وظایف پرورشی" اشاره داشتند و بالعکس تازه استخدام‌ها، بیشتر بر "وظایف آموزشی" تأکید داشتند. بهترین شاهد اثبات این ادعا، پاسخ مطرح شده توسط مصاحبه شونده شماره (۲۱) با ۳ سال سابقه تدریس از دانشکده علوم تربیتی است که اظهار داشتند:

«رسالت اصلی یک استاد، آموزش است. سعی بر این است که در چارچوب وظایف آموزشی عمل شود. این که چه سرفصل‌ها و واحدهایی باید تدریس شود، نحوه برگزاری آزمون‌ها، استاندارد بودن سؤالات آزمون، ... و کلاً مباحث مربوط به آموزش را سعی بر این هست که وفادار باشم و ...».

روابط استاد - دانشجو

آموزش مؤثر به استفاده صحیح از مهارت‌های ارتباطی بستگی دارد. اساتید با استفاده از دانسته‌های خود و بکارگیری مهارت‌های تدریس، موجب یادگیری فراگیران می‌شوند. خصوصیات یک استاد است که می‌تواند موجب تسهیل فرآیند آموزش شده و حتی نقص کتب درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباطی مطلوب به محیطی غیرفعال و غیرجذاب تبدیل نماید. از این‌رو، یکی از شاخص‌های مهم تدریس اثربخش توانایی برقراری ارتباط مؤثر است و طبعاً می‌تواند تابعی از ویژگی‌های شخصیتی و علمی استاد باشد (حائری‌زاده و نوغابی و میرانوری، ۱۳۸۸: ۳۲). بر این اساس، بررسی پاسخ‌های بدست آمده نشان از آن دارند که اعضای هیأت علمی باسابقه و تازه استخدام در بیان روابط استاد - دانشجو به موارد زیر اشاره داشتند:

تبیین حد و مرز روابط استاد - دانشجو

استاد به‌عنوان یک الگوی رفتار برای دانشجو

تبیین حد و مرز روابط استاد - دانشجو

پاسخ‌های بدست آمده نشان می‌دهند که اعضای هیأت علمی دو نسل ضمن توجه به

روابط انسانی با فراگیران معتقدند که این روابط باید در چارچوب ضوابط و مقرراتی صورت گیرد که منجر به خدشه دار شدن مقام استاد و موقعیت دانشجو نشود. در این زمینه، یکی از اعضای هیأت علمی باسابقه معتقد بودند:

«معتقدم باید حریم بین استاد و دانشجو حفظ شود به گونه‌ای که حد اعتدال رعایت شود. روابط نه خیلی سخت‌گیرانه باشد و نه رها شدن که دانشجو هر گونه که خواست عمل کند».

استاد باسابقه دیگری، با اعتقاد به روابط توأم با اقتدار فراتر از محدوده کلاس معتقد بودند:

«فاصله بین استاد و دانشجو باید حفظ شود. در عین این که ارتباط نزدیکی بین استاد و دانشجو برقرار است ولی دانشجو باید از جایگاه خودش مطلع باشد و حدود را رعایت کند. رابطه استاد و شاگردی خارج از کلاس هم باید کاملاً حفظ شود».

در همین راستا، اعضای هیأت علمی تازه استخدام نیز، در تشریح نوع رابطه خود با فراگیران، اظهاراتی بدین صورت مطرح نموده‌اند. یکی از اساتید تازه استخدام، ضمن تأکید بر روابط توأم با اقتدار و عدم تفکیک روابط داخل و خارج کلاس معتقد بودند:

«روابطم با دانشجویها خارج از کلاس و داخل کلاس زیاد تفاوتی نمی‌کند. ولی همیشه سعی بر این هست که حد اعتدال رعایت شود. یعنی خط قرمزی هست که ارتباط استاد و شاگردی باید حفظ شود. البته دانشجویها هم این خط قرمزها را رعایت می‌کنند و اطلاع دارند که تا چه حد با استاد راحت و صمیمی باشند».

روابط توأم با اقتدار و عدم تفکیک روابط، توسط یکی دیگر از اساتید تازه استخدام، به صراحت مورد بررسی قرار گرفت.

«محدودیت خاصی در رابطه‌های داخل و خارج از کلاس برای دانشجو قائل نیستم. سرکلاس با دانشجو راحت هستم و دانشجویها اجازه اظهار نظر دارند. ولی در رشته ما (تاریخ) به خاطر ماهیت رشته و ارتباطش با مسائل سیاسی سعی بر این هست که نه زیاد به دانشجویها نزدیک شویم و نه زیاد از دانشجو فاصله بگیریم».

استاد دیگری با ۱ سال سابقه تدریس، با اعتقاد به قرار دادن "روابط غیررسمی" در

چارچوبی مشخص معتقد بودند:

«موقع تدریس و حین آموزش، رفتارم کاملاً جدی و رسمی است البته نه خشک. اما خارج از کلاس رابطه‌ام با دانشجویها غیررسمی است. من خارج از کلاس بعضی مسائل شخصی را پیگیری می‌کنم و دانشجویها هم استقبال می‌کنند و مسائل و مشکلات شان را مطرح می‌کنند ضمن اینکه چنین رابطه‌ای دارم کاملاً خودم را از ورود به حریم خصوصی و این‌که اجازه بدهم دانشجوی با من رابطه شخصی داشته بر حذر می‌دارم معتقدم حتی روابط غیر رسمی ما با دانشجویها هم باید در چارچوب باشد».

در یک نگاه کلی، هر چند بررسی پاسخ‌ها نشان دهنده اعتقاد اعضای هیأت علمی دو نسل به برقراری روابط توأم با اقتدارند، اما در تحلیل دقیق‌تر پاسخ‌ها به نظر می‌رسد اعضای هیأت علمی باسابقه تأکید بیشتری بر این نوع روابط دارند. بهترین شاهد اثبات این ادعا پاسخ مطرح شده توسط مصاحبه شونده شماره (۶) با ۲۱ سال سابقه تدریس است که معتقد بودند:

«سعی می‌کنم روابط داخل و خارج از کلاس با دانشجویها یکسان باشد. ضمن این‌که برای دانشجو شخصیت قائل هستم سعی بر آن است که حدود تا حد امکان رعایت شود. بالاخره لباس ما لباس استادی است و لباس دانشجو لباس شاگردی است. سعی می‌کنم جایگاه استاد - شاگردی خدشه‌دار نشود. چون اگر جایگاه فراموش شود من فکر می‌کنم تعلیم و تربیت صورت نمی‌گیرد. استاد جدی گرفته نمی‌شود و اهداف آموزشی در حقیقت نمی‌تواند تحقق پیدا کند».

استاد به عنوان الگوی رفتار دانشجو

دانشجو همواره به استاد به دیده یک واقعیت می‌نگرد و بر آن است که دریابد که او چگونه می‌اندیشد، چگونه احساس می‌کند و چگونه رفتار می‌کند. در واقع، آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی استاد، شیوه استدلال و اندیشه او و بالاخره روابط اجتماعی استاد می‌تواند الگو و سرمشقی برای فراگیران باشد (محسنی، ۱۳۸۶: ۴۹). بر این اساس، بررسی پاسخ‌های بدست آمده نشان می‌دهند که اعضای هیأت علمی باسابقه تمایل بیشتری به الگو قرارداده شدن توسط دانشجویان از خود نشان می‌دهند و این در حالی است که هیچ یک

از اعضای تازه استخدام نسبت به این مقوله تمایلی نشان نداده‌اند. در همین زمینه، یکی از اساتید باسابقه معتقد بودند:

«نقش استاد بسیار تعیین کننده و مهم است. استاد در تمام مسایل علمی - اخلاقی نقشی تعیین کننده دارد و می تواند به عنوان الگو مطرح شود. استاد به عنوان یک الگو، می تواند هم بصورت جاذب عمل نماید و هم دافع».

استاد باسابقه (۳۰ سال) دیگری، الگو بودن خویش به لحاظ معنوی را مهم دانستند و معتقد بودند:

«استاد باید دارای ارزش ها و رسالت معنوی باشد و بتواند به عنوان الگوی دانشجویان قرار بگیرد (یعنی حرف و عملش یکی باشد). دانشجو اگر احساس کند که استاد حرف و عملش یکی نیست به حرف های استاد چندان اهمیت نمی دهد. استاد باید به لحاظ وجدان کاری، رعایت ارزش های معنوی و ... برای دانشجوها الگو باشد.

هم عقیده با ایشان، یکی دیگر از اساتید باسابقه، با اعتقاد به کم رنگ شدن معنویت در جامعه امروز اشاره داشتند:

«سعی می کنم رفتارهای درست داشته باشم تا دانشجو از من الگوبرداری کند. الگوسازی نسبت به سابق بسیار کمتر شده است. در گذشته بیشتر معنویت و منش انسانی الگو بود در صورتی که الان مادی گری حاکم شده است. بدین جهت تلاش بر این است که در جنبه های معنوی الگو باشم».

بررسی داده های حاصل از مصاحبه نشان از آن دارد که اعضای هیأت علمی باسابقه، سعی بر آن دارند که نه تنها به عنوان متخصص مسائل علمی و آموزشی، بلکه الگو و راهنمای فراگیران و مشاور و مشکل گشای دانش پژوهان در عرصه علم و دانش و در مجموع زندگی به شمار آیند. ریشه این امر را می توان در اعتقاد به رسالت پرورشی و توجه بر بعد تربیتی فراگیران از سوی اعضای هیأت علمی این نسل (باسابقه) دانست.

در یک جمع بندی کلی از نقش استاد باید گفت: اگر اعضای هیأت علمی باسابقه بیشتر بر انجام رسالت های "تربیتی و پرورشی" تأکید داشتند، بالعکس تازه استخدام ها کسانی بودند که بیشتر بر "وظایف آموزشی" اشاره داشتند. اگر وجود روابط توأم با اقتدار از سوی

اعضای هیأت علمی دو نسل مورد توجه واقع گردید، اما این باسابقه‌ها بودند که بر این‌گونه روابط تأکید داشتند و در نهایت این باسابقه‌ها بودند که سعی بر آن داشتند که به عنوان الگو و سرمشق مورد نظر فراگیران‌شان قرار بگیرند.

بحث و نتیجه

آموزش‌های دانشگاهی بالاترین سطح آموزشی در هر کشوری محسوب می‌شوند که به موازات توسعه کمی، باید در جهت ارتقای توسعه کیفی نیز گام‌های اساسی بردارند. اگر چه شرایط و امکانات آموزشی یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت جریان یادگیری‌اند، اما نیروی انسانی و به‌ویژه اساتید در این میان، نقش و جایگاه ویژه‌ای را ایفا می‌کنند، زیرا ویژگی و خصوصیات اساتید می‌تواند موجب تسهیل فرآیند آموزش شده و حتی نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کنند یا بر عکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیطی غیرفعال و غیرجذاب تبدیل نمایند. از اینرو، می‌توان بر نقش و جایگاه ممتازی که این قشر از جامعه دانشگاهی در فرایند یاددهی - یادگیری دارند اذعان نمود (عابدینی، کمال زاده و عابدینی، ۱۳۸۹: ۲۴۱).

بر این اساس، پژوهش حاضر نیز با استفاده از رویکرد کیفی و شیوه مردم‌نگاری، به منظور واکاوی نقش استاد به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ آموزش و یادگیری شکل گرفت. داده‌ها و بررسی‌های تجربی ارائه شده نشان‌دهنده آن بودند که اگر اعضای هیأت علمی باسابقه، بیشتر بر انجام رسالت‌های معنوی و توجه به جنبه‌های شخصیتی فراگیران تأکید داشتند، بالعکس تازه استخدام‌ها کسانی بودند که بیشتر بر وظایف آموزشی اشاره داشتند. اگر وجود روابط مقتدرانه از سوی اعضای هیأت علمی دو نسل مورد توجه واقع گردید اما این باسابقه‌ها بودند که بیشترین تأکید را بر این‌گونه روابط داشتند و در نهایت این باسابقه‌ها بودند که سعی بر آن داشتند که به عنوان الگو و سرمشق مورد نظر فراگیران‌شان قرار بگیرند.

با توجه به یافته‌های مذکور و از منظر اعتقادات و باور اعضای هیأت علمی باسابقه،

سوابق مربوط به بررسی نقش استاد و رابطه استاد - دانشجو نیز حاکی از آن است که در کنار رسالت علمی و آموزشی، توجه به جنبه‌های تربیتی و تکوین شخصیت و ویژگی‌های انسانی فراگیران از سوی اساتید نیز، از اهمیت والایی برخوردار است (نصر، عابدی و شرفیان، ۱۳۸۶: ۱۸۵). تلاش جهت برقراری روابط انسانی و پرورش شخصیت فراگیران از سوی اساتید، تأثیر مستقیمی بر رشد فکری و توانایی‌های دانشجویان دارد و می‌تواند احساس خودمختاری و هدفمندی را در آن‌ها تقویت کند و در نهایت منجر به بهبود موفقیت تحصیلی دانشجویان و نیز تقویت انگیزه‌های تحصیلی و شغلی در آنان شود. علاوه بر این، نوع روابط استاد - دانشجو قضاوت آنان را در رابطه با تدریس او تحت تأثیر قرار می‌دهد. دانشجویان خود را بیشتر متعهد به اساتیدی می‌دانند که آنان را می‌شناسند و با آنان احساس همدلی بیشتری می‌کنند. همین امر، موجب می‌گردد که دانشجویان قضاوت‌های مثبت‌تری درباره عملکرد این قبیل اساتید و شیوه تدریس آنان داشته باشند (حائری‌زاده، نوغابی و میرانوری، ۱۳۸۸: ۳۳). البته نکته اساسی در این میان آن است که هم‌زمان با شکل‌گیری روابط انسانی میان استاد و دانشجو، هنجارها و الزام‌هایی برای دو سوی رابطه به وجود می‌آید که کمک می‌کنند دو سوی رابطه خواسته‌های خود را تعدیل، و در عین برقراری روابط توأم با صمیمیت و احترام، حد و مرز روابط را نیز رعایت نمایند و همین امر خود، موجب افزایش رضایت از تحصیل استاد و دانشجو می‌گردد (1997 Schugurensky, نقل در حائری‌زاده، نوغابی و میرانوری: ۱۳۸۸: ۳۳).

بر اساس یافته‌ها و با توجه به تفاوت دو نسل، پیشنهاد می‌گردد که اعضای هیأت علمی با سابقه و تازه استخدام نسبت به برقراری روابط اجتماعی با فراگیران در سطحی فراتر از محدوده کلاس اقدام نمایند، زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهند که اغلب بهترین تجربه‌های یادگیری از طریق مباحثه با استاد و در خارج از محدوده کلاس شکل گرفته است (همانجا). از سوی دیگر پیشنهاد می‌گردد که در قالب کارگاه‌های آموزشی، فن بیان و رعایت مهارت‌های تدریس، استفاده از فنون ارتباطی مناسب و چگونگی برقراری روابط اجتماعی با فراگیران به اعضای هیأت علمی دو نسل آموزش داده شود و توجه اعضای هیأت علمی تازه استخدام به جنبه‌های تربیتی و پرورش شخصیت فراگیران در کنار رسالت آموزشی، بیشتر جلب شود.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، غلامرضا؛ سعادتمند، زهره؛ و لیث صفار، زهرا (۱۳۸۹). "ارتباط ادراکات دانشجویان از فرهنگ سازمانی دانشگاه با پیشرفت تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان". *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، سال دوم، شماره ۴ (تابستان): ۲۲-۹.
۲. بقائی سرابی، علی؛ اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۸۸). "عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت دانشگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی". *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۳ (زمستان): ۱۷۵-۲۰۲.
۳. تقوی، رضا (۱۳۸۵). *تأملات فرهنگی*. تهران: نخیل.
۴. حائری زاده، علی؛ نوغانی، محسن؛ میر انوری، علیرضا (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر روابط اجتماعی استاد - دانشجو بر موفقیت تحصیلی دانشجویان". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۵۸ (بهار): ۲۷ - ۵۱.
۵. خاکباز، عظیمه (۱۳۸۹). شناسایی چارچوبی برای مطالعه فرهنگ رشته‌ای در آموزش عالی از طریق بررسی و مقایسه دو رشته علوم ریاضی و علوم تربیتی. طرح پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی تهران. [چاپ نشده].
۶. سرکارآرانی، محمد رضا (۱۳۸۹). *فرهنگ آموزش و یادگیری: پژوهشی مردم‌نگارانه با رویکردی تربیتی*. تهران: مدرسه.
۷. سعیدی، معصومه؛ واحدیان، محمد؛ پیروی، رویا (۱۳۹۰). "رابطه استاد و دانشجو از دیدگاه دانشجویان دانشکده‌های علوم پیراپزشکی و بهداشت مشهد". *صبح دانشگاه*، یازدهمین سمینار دانش و تندرستی ۲۸ و ۲۹ آذر ماه. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی شاهرود.
۸. سیف، علی اکبر (۱۳۷۹). *روانشناسی پرورشی: روانشناسی آموزش و یادگیری*. تهران: آگاه.
۹. صفایی موحد، سعید (۱۳۹۱). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. تهران: آیش.
۱۰. عابدینی، سمیره؛ کمال زاده، حسام‌الدین؛ عابدینی، صدیقه (۱۳۸۹). "معیارهای یک

- استاد خوب دانشگاهی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان". *مجله پزشکی هرمزگان*. سال چهاردهم، شماره سوم (پائیز): ۲۴۱ - ۲۴۵.
۱۱. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۷). *مدیریت رفتار سازمانی*. تهران: امیر کبیر.
۱۲. فاضلی، نعمت‌ا... (۱۳۸۲). "بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا: مطالعه ای انسان شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران". *فصلنامه انسان شناسی*، سال یکم، شماره ۳ (تابستان): ۹۳ - ۱۳۲.
۱۳. ----- (۱۳۹۰). *مردم نگاری آموزش*. تهران: نشر علمی.
۱۴. ----- (۱۳۹۱). *علوم انسانی و اجتماعی در ایران چالش‌ها، تحولات و راهبردها*. تهران: طیف نگار.
۱۵. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). *دانشگاه و آموزش عالی*. تهران: نی.
۱۶. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ کال، جویس (۱۳۸۳). *روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ج ۱. مترجمان احمدرضا نصر و دیگران. تهران: سمت.
۱۷. محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). "مسأله روابط استاد - دانشجو". *فصلنامه مسائل ایران*، سال پنجم، شماره ۳ (پاییز): ۴۸ - ۵۳.
۱۸. محمدی، بیوک (۱۳۹۰). *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. ملکی، حسن، و دیگران (۱۳۹۰). "نقش آموزش عالی در یادگیری مادام العمر". *فصلنامه راهبردهای آموزشی*، سال چهارم، شماره ۲ (بهار): ۹۱ - ۹۴.
۲۰. مهران، بهروز، و دیگران (۱۳۸۶). "نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در هویت علمی دانشجویان"، *مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد*. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، شماره ۳ (پائیز): ۲۹-۳.
۲۱. نصر، احمد رضا؛ عابدی، لطفعلی؛ شرفیان، فریدون (۱۳۸۶). "نقش روابط انسانی در اثربخشی تدریس اعضای هیأت علمی دانشگاه با تأکید بر دلالت‌های تربیت اسلامی". *ویژه نامه علوم تربیتی*، سال بیست و ششم، شماره ۳ (پائیز): ۱۶۵ - ۱۹۱.
۲۲. نعیمی، امیر؛ هرندی‌زاده، الهه؛ پزشکی‌راد، غلامرضا (۱۳۸۹). "بررسی خصوصیات

استاد از نظر دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۸ (بهار): ۴۱ - ۵۵.

23. Aldiabat ,Khaloud&Navence,Carol - Lynne (2011).
 "Clarification of the Blurred Boundaries between Grounded Theory and Ethnography: Differences and Similarities". *Turkish Online Journal of Qualitative Inquiry*, Vol. 2, No. 3. p: 1-13.
24. Kumpulainen, K. & Renshaw, P. (2007). "Cultures of learning". *International Journal of Educational Research*, Vol. 46, No. 4. p:109-115.
25. Seely Brown, John (1989). "Situated Cognition and the culture of learning. *Education Researcher*, Vol. 18, No. 1. p: 32-42.

اثرات اقتصادی تعاونی‌های تولید کشاورزی بر خانوارهای روستایی (مورد: تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان بیرجند)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۹

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱

مفید شاطری^۱

محمد حجتی پور^۲

بهناز نجاتی^۳

عالیه دزگی^۴

چکیده

اقتصاد روستاهای ایران در پیوند عمیق با بخش کشاورزی قرار دارد. در راستای ارتقاء بهره‌وری و بازده تولید، اصلاح نظام‌های بهره‌برداری سنتی و ترویج تعاونی‌های تولید، یکی از عمده راهبردهایی بوده که تاکنون در کشور و از جمله استان خراسان جنوبی به کار بسته شده است. در تحقیق حاضر تلاش شده تا به بررسی و واکاوی اثرات اقتصادی تعاونی‌های تولید کشاورزی بر مناطق روستایی شهرستان بیرجند پرداخته شود. این تحقیق به لحاظ روش‌شناسی از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه مشتمل بر اعضای پنج تعاونی تولید کشاورزی در شهرستان بیرجند بوده که از میان آن‌ها تعداد ۲۹۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای جهت پرسش‌گری تعیین و انتخاب گردید. نتایج نشان داد که در بخش تولید به همراه گسترش سطح زیرکشت محصولاتی نظیر گندم، جو، ذرت و یونجه، هزینه‌ها نیز کاهش داشته است. به علاوه شاخص‌هایی همچون درآمد، پس‌انداز، اشتغال و رفاه خانوارهای عضو تعاونی تولید کشاورزی نسبت به گذشته افزایش یافته است.

واژگان کلیدی: توسعه کشاورزی، نظام بهره‌برداری، تعاونی تولید روستایی، بیرجند.

۱. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند. نویسنده مسؤول. mshateri@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی.

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی.

مقدمه

در ایران جمعیت قابل توجهی از مردم در مناطق روستایی زندگی می کنند که معشیت و زندگی شان وابسته به کشاورزی است. این بخش اقتصادی نه تنها در ایران بلکه تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه بخش اعظم اقتصاد را تشکیل می دهد به گونه ای که سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی به کمک آن انجام می شود و علاوه بر این که اشتغال بخشی از جمعیت کشورها را تأمین می سازد، مواد غذایی تمامی ساکنین را نیز فراهم می آورد (کوهن، ۱۳۷۹: ۴). در کشور ما بخش کشاورزی یکی از مهم ترین و توانا ترین بخش های سه گانه اقتصادی کشور است که با حدود ۴/۵ میلیون نفر بهره بردار، حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۵ درصد اشتغال و ۲۵ درصد ارزش صادرات غیر نفتی کشور را به خود اختصاص داده و نقش محوری و تعیین کننده ای در اقتصاد ملی ایفا می نماید (پاک نژاد، ۱۳۸۶: ۱۱).

علی رغم نقش ویژه کشاورزی در ساختار اقتصاد کشور و هم چنین پیوند بنیادی آن با حیات بخشی از جمعیت سرزمینی که عمدتاً در روستاها ساکن هستند، این بخش با نارسایی ها و چالش های عدیده ای مواجه است که در دهه های اخیر سبب ناکارآمد سازی تولید و فضای اقتصاد کشاورزی در کشور گردیده است. از مسائل بنیادی مربوط به حوزه کشاورزی می توان به تقطیع اراضی و پراکنده بودن آن، استفاده از ابزار سنتی در فرآیند تولید، بهره وری پایین عوامل تولید و سیر قهقرایی رکود در آن اشاره کرد. به لحاظ تاریخی آغاز مشکلات و یا به عبارت بهتر شدت گیری رکود در بخش کشاورزی را می توان مقارن با انجام اصلاحات ارضی دهه ۴۰ شمسی قرن حاضر دانست و از حیث فنی تغییر نظام ارباب رعیتی سرآغاز روند عکس توسعه در بخش کشاورزی است. در واقع، اصلاحات ارضی از یک سو با برهم پاشیدن نظام خاص حاکم بر جریان تولید در بخش کشاورزی که برگرفته از تجربه ای چند صد ساله و عجین با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه بوده و از سوی دیگر، عدم جایگزینی نظام مناسب زمینه های رکود روزافزون این بخش را فراهم ساخت.

با در نظر گرفتن تجربیات موفق تعاونی های سنتی در ایران نظیر صحرا، بنه و حراثه، و

کارکرد نظام تعاونی که سبب اشتغال زودبازده و رونق سطح اشتغال، ترویج و تشویق سرمایه گذاری‌ها، تجمع مقدورات مالی اندک قشرهای متوسط و ضعیف جامعه، افزایش تولید ناخالص داخلی، ارتقاء بهره‌وری، جلوگیری از اضمحلال پیوندهای اجتماعی، تعدیل فقر، محرومیت‌زدایی، جلوگیری از افزایش شکاف عمیق و اختلاف شدید بین اقشار مختلف جامعه یا به عبارت بهتر، منجر به ایجاد عدالت اجتماعی نسبی و توزیع بهتر و مناسب‌تر ثروت در جامعه می‌شود (رسولی، ۱۳۸۶: ۲۰؛ مؤمنی، ۱۳۸۶: ۶۴؛ هودر، ۱۳۸۵: ۵)، برای کاهش آثار نامطلوب اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۹ با تصویب قانون تعاونی کردن تولید، شرکت‌های تعاونی روستایی تشکیل شد (بذرافشان و حاتم، ۱۳۸۹: ۴) و تلاش تمام این تعاونی‌های مدرن بهبود اوضاع کشاورزان و بخش کشاورزی بوده است. در طی دهه‌های گذشته تعاونی‌های تولید کشاورزی متعددی در کشور پا گرفته است و در سال‌های اخیر، کشاورزان بسیاری به منظور بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی خود به عضویت این تعاونی‌ها درآمده‌اند. استان خراسان جنوبی به عنوان یکی از مناطق مهم شرقی کشور که بر اساس آمار ۱۳۸۵ در حدود بیش از ۶۰ درصد جمعیت کل استان را مناطق روستایی در خود جای داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) دارای ۳۰ تعاونی فعال تولید در بخش کشاورزی بوده که از ۱۱ هزار و ۶۵۰ نفر عضو برخوردار است. تعداد روستاهای تحت پوشش این تعاونی‌ها، ۲۷۶ آبادی است و سطحی حدود ۱۰۸ هزار هکتار از اراضی کشاورزان را به خود اختصاص داده است. اهداف و کارکردهای عمده این تعاونی‌ها، تهیه و توزیع نهاده‌های کشاورزی، ارائه خدمات ماشینی کردن، ارائه خدمات فنی کشاورزی و انجام بیمه اجتماعی روستاییان ذکر شده است (سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی، ۱۳۹۰).

مجموع تعاونی‌های تولید کشاورزی استان خراسان جنوبی، تعداد پنج تعاونی در شهرستان بیرجند فعال می‌باشد. در تحقیق حاضر سعی بر این بوده تا به بررسی اثرات اقتصادی تعاونی‌های تولید کشاورزی بر مناطق روستایی این شهرستان پرداخته شود. از آن‌جا که روستائیان بخش اعظمی از جمعیت منطقه را در بر می‌گیرند و از طرفی نیز در قانون برنامه پنجم توسعه نیز بر گسترش تعاونی‌های تولید برای توسعه بخش کشاورزی تأکید گردیده است، انجام این قبیل پژوهش‌ها اهمیتی مضاعف پیدا می‌نماید.

مبانی نظری

شرایط اقتصادی - اجتماعی پیدایش نهضت جهانی تعاون

برای آشنایی با زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پیدایش اولین شرکت تعاونی کشورهای اروپایی در قرن نوزدهم به طور مختصر اشاره می‌شود:

وقوع انقلاب صنعتی و گسترش بهره‌برداری از ماشین و سایر اختراعات علمی و فنی موجب تحولات و دگرگونی‌های وسیع و شگرف در اوضاع اقتصادی و روابط اجتماعی کشورهای غرب اروپا گردید. توسعه واحدهای صنعتی، جایگزینی نیروی ماشین به جای انسان، تعطیلی کارگاه‌های خانگی، بیکاری و آوارگی صاحبان حرف و صنایع دستی، مهاجرت وسیع نیروی کار از روستاها و مزارع به شهرها و واحدهای صنعتی، موجبات گسترش نابرابری اقتصادی و اجتماعی، گرانی قیمت مواد مصرفی و افزایش فقر، بیکاری و فلاکت طبقات کم درآمد را فراهم نمود. شرایط بحرانی، اندیشمندان و صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی را بر آن داشت تا نظرات و راه‌حل‌های اصلاحی برای بهبود وضعیت اقشار کم درآمد و سعادت آحاد جامعه ارائه نمایند. یکی از این اندیشمندان رابرت اوئن^۱ (۱۷۷۱-۱۸۵۸) انگلیسی بود که با مطالعه وضع زندگی کارگران کارخانه‌اش نظریه شرکت‌های تعاونی را ارائه داد و برای تحقق آرمان‌های نوآوارانه خود به آمریکا رفت و دهکده تعاونی را ایجاد نمود. اما این اقدام وی که بر اساس اندیشه‌های آرمان‌گرایانه و حتی خیالی وی تأسیس گردیده بود با موفقیت همراه نگردید و علی‌رغم تلاش‌های مستمر دهکده تعاونی به تعطیلی انجامید. اما افکار و آرمان او از چنان جاذبه قوی برخوردار بود که منشأ شکل‌گیری نهضت تعاون در اغلب کشورهای غرب اروپا گردید. تعاونی راچدیل^۲ که از موفقیت‌آمیزترین این تلاش‌ها بود حاصل تلاش ۲۸ کارگر ساده اما روشنفکر بافندگی بود که با سرمایه اندک اما همت بلند خود پایه‌گذار مبانی اساسی یک نهضت اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان گردید (جعفرزاده، ۱۳۸۷: ۹).

1. Robert Owen

2. Rachdyl

نظریات تعاونی

بحث علمی تعاون به صورت امروزی را چند تن از دانشمندان قرون ۱۸ و ۱۹ اروپا بنیان نهاده‌اند. در زیر خلاصه‌ای از نظریات آنان بیان شده است:

۱. کلود هانری سن سیمون^۱ (۱۸۲۵-۱۷۶۰): او خوشبختی جامعه بشری را در همکاری و تعاون جستجو نموده و عقیده داشت هرگاه پایه تعاون و همکاری سست شود بشریت به انحطاط کشیده خواهد شد. وی با نظام سرمایه‌داری مخالف بود چرا که عقیده داشت موجبات مفاسد اجتماعی را فراهم می‌آورد. موافق حمایت دولت از تعاونی‌ها بود و او به کارگران و کشاورزان اهمیت زیادی می‌داد و عقیده داشت چون ثروت را تولید می‌کند لایق در دست گرفتن امور مملکت نیز می‌باشند (طالب‌بیگی، ۱۳۵۰: ۲۶).

۲. رابرتاون^۲ (۱۸۵۸-۱۷۷۱): زمان حیاتش هم‌زمان با انقلاب صنعتی در انگلستان بوده است و چون رنج طبقه کارگر را می‌دید بعدها به خاطر رفاه حال افراد محروم، با طبقات مرفه و ثروتمند در مبارزه و به شدت در عقاید خویش معتقد به دگر یاری افراد بود. طرفدار سازمان‌دهی اعضا در گروه‌هایی بود که کلیه وسایل تولید برای رفاه اعضا گروه در اختیار داشته باشند و به‌طور مشترک از آن‌ها استفاده نمایند (لطیفیان، ۱۳۸۵: ۶۴). وی کوشید مقدمات تشکیل جامعه‌های تعاونی را تحت عنوان دهکده‌های تعاونی فراهم آورد. در آن دهکده‌ها کلیه فعالیت‌های اقتصادی اعم از تولید صنعتی و کشاورزی و مصرف براساس مبادله انجام می‌گرفت. هم‌چنین موافق با کمک و حمایت دولت از شرکت‌های تعاونی بود ولی با نظام سرمایه‌داری به این علت که به فقر بیش‌تر فقیران می‌انجامید به مخالفت برخاست و طرفدار تولید محدود و توزیع صحیح بود. وی از بنیان تشکیل سازمان‌های تعاونی عصر جدید می‌باشد.

۳. شارل فوریه^۳: فوریه نیز از بنیان فکر ایجاد تعاونی‌های تولید می‌باشد. او اعتقاد داشت برای ساختن جامعه‌ای که فاقد واسطه و مبری از عملیات نامشروع اقتصادی باشد باید طبقات گوناگون اجتماعی مانند کارگران، کشاورزان و پیشه‌وران زندگی اقتصادی

1. Claude Henry Saint-Simon

2. Rabrtavn

3. Charles Fourier

خود را به وسیله سازمان‌های تعاونی و همکاری در یک واحد اشتراکی متمرکز کنند. برای حذف واسطه، همکاری شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف را توصیه نموده، معتقد است که باید میزان تولید را با توجه به نیاز مصرف‌کنندگان معین کرد. طرح فوریه با اینکه در امریکا، فرانسه و هلند مورد آزمایش قرار گرفت ولی به دلایلی از قبیل عدم مدیریت و عدم دقت در انتخاب افراد با شکست مواجه شد. عده‌ای طرح فوریه را تخیلی می‌دانند (نظام شهیدی، ۱۳۸۰: ۷).

۴. ژرژ فوکه^۱ (۱۹۵۳ - ۱۸۷۳)

فوکه تعاونی را یک واحد اقتصادی دانسته و عقیده داشت که برای تشکیل آن، عامل اصلی وجود یک انگیزه اقتصادی است. او آن دسته از شرکت‌های تعاونی را اصیل می‌دانست که براساس عضویت اختیاری به وجود آمده باشند و دولت یا شهرداری‌ها آن‌ها را تشکیل نداده باشند. او با دخالت دولت در تعاونی‌ها مخالف بوده و به استقلال داخلی تعاونی‌ها اعتقاد دارد. او می‌نویسد: دولت و شرکت‌های تعاونی نمی‌وانند با هم سازش داشته باشند. زیرا هر یک تابع اصول و مقررات ویژه‌ای هستند که در جهت مخالف یکدیگر سیر می‌کنند. در نظام دولتی اقتضا می‌نماید که همه چیز تابع رأس باشد، یعنی حکومت رأس بر قاعده وجود دارد و در این میان، افراد به حساب نمی‌آیند. در حالی که در تعاونی عکس نظام دولتی عمل می‌شود. به عبارت دیگر، اگر جامعه را به صورت هرمی در نظر بگیریم دولت در رأس آن به مردم که در قاعده قرار گرفته‌اند، حکومت می‌کند. در حالی که اصول حکومت شرکت‌های تعاونی درست عکس این بوده و رأس باید از قاعده تبعیت نماید (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲: ۴۰).

تعاونی تولید روستایی در ایران

کلانتری و شعبانعلی قمی (۱۳۸۴: ۹۷) در کتاب جامعه شناسی روستایی، نظام بهره برداری را این چنین تعریف نموده است: نظام بهره‌برداری عبارت است از رویه‌های حقوقی و عرفی در فراهم آوردن و تلفیق عوامل تولید (فناوری و سازمان کار) و مناسبات اجتماعی

معین برای تولید یک یا چند فرآورده و عرضه آن. این عوامل با درجات متفاوتی با یکدیگر تلفیق شده و در نتیجه نوع خاصی از نظام بهره‌برداری را تشکیل می‌دهند که مقیاس خاص خود را دارد.

نظام‌های بهره‌برداری در ایران انواع مختلف دارند که تعاونی‌ها یکی از آنها هستند. نظام‌های بهره‌برداری تعاونی از تنوع و سابقه طولانی در کشور ما برخوردار است. این نظام در حال حاضر شامل تعاونی تولید روستایی، تعاونی‌های مشاع، تعاونی‌های تولید کشاورزی و... می‌باشند که با توجه به موضوع پژوهش و با در نظر گرفتن نوع نظام‌های بهره‌برداری موجود در محدوده مورد مطالعه، به بررسی تعاونی تولید روستایی پرداخته شده است.

به طور کلی تعاونی‌ها مبتنی بر ارزش‌های اجتماع، خودیاری، مسئولیت‌پذیری متقابل، کیفیت، عدالت، خدمت و پایمردی می‌باشند. این شرکت‌ها در تمامی فعالیت‌هایشان صداقت، درست‌کاری و مسئولیت‌پذیری را مدنظر قرار می‌دهند (دیویس، ۱۳۸۱: ۳۵). در باب تعاون و تعاونی‌ها از سوی صاحب‌نظران در دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف علوم اجتماعی، تعاریف متعددی عنوان شده است که در زیر به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

تعاونی به معنی همکاری به منظور تأمین سعادت یا منافع متقابل است (آبوتر، ۱۳۴۸: ۶۵).

تعاون در حقیقت بیش از کار و زندگی مشترک می‌باشد. می‌توان آن را "واکنش متقابل" نامید که به خاطر یک هدف و یک علت - علتی که همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد - انجام می‌شود (بوگاردوس، ۱۳۵۲: ۲۵).

سابقه نظام بهره‌برداری تعاونی در ایران از قدمت بسیار طولانی برخوردار است زیرا اشکال سنتی آن نظیر بنه، صحرا، حراثه، پاگاو و غیره در مناطق مختلف کشور وجود داشته است. پس از اصلاحات ارضی، در دهه ۱۳۴۰ و تقسیم ارضی نظام سنتی ارباب و رعیتی متکی بر یک نظام مدیریت یکپارچه و متوازن بوده باعث نابودی این شیوه نظام بهره‌برداری تعاونی در کشور گردید (طالشی، ۱۳۸۳: ۶۷۲). در سال ۱۳۵۰ توسط حکومت وقت به منظور جلوگیری از قطعه‌قطعه شدن اراضی و یکپارچه ماندن زمین‌های زراعی، تعاونی‌های تولیدی روستایی به اجرا درآمدند. دولت به منظور بالا بردن میزان عملکرد

در واحد سطح و کشت یکپارچه با حفظ مالکیت فردی دهقانان بر روی قطعات متعلق به خود و پیشبرد برنامه‌های زراعی و استفاده هرچه صحیح‌تر از منابع آب و خاک موجود و بالاخره افزایش درآمد زارعان، تعاونی‌های تولید روستایی را ایجاد کرد (حسینی ابری، ۱۳۸۳: ۲۹۸).

از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ جمعاً ۳۹ تعاونی تولید روستایی با عضویت ۱۱۲۰۰ خانوار زارع که میزان اراضی حوزه عمل آن شرکت‌ها حدود ۵۷۴۰۲ هکتار و مقدار اراضی زیرکشت شرکت‌ها حدود ۳۲۰۰۰ هکتار بود تشکیل شد (آسایش، ۱۳۸۴: ۱۰۵) با پیروزی انقلاب اسلامی، قریب نیمی از شرکت‌های تعاونی تولید روستائی (۱۹ شرکت) با ایجاد تغییرات اساسی در شیوه فعالیت، حیات شرکت را استمرار بخشیدند (کلانتری و شعبانعلی فمی، ۱۳۸۴: ۴۱۰).

هدف از تشکیل تعاونی‌های تولید روستایی طبق ماده یک قانون مربوطه، یکپارچه کردن قطعات اراضی مزروعی داوطلب عضو شرکت‌های تعاونی روستائی در هر یک از دهات حوزه عمل آن شرکت‌ها، جهت امکان حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک، از طریق تأسیس شبکه‌های نوین آبیاری، تسطیح اراضی مزروعی، احداث راه‌های ارتباطی و استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی می‌باشد. شایان ذکر است بسط و توسعه اشتغال مولد یکی از وظایف و اهداف عمده تعاونی‌ها است (حیدری ساریان، ۱۳۸۵: ۲۶۳).

پیشینه تحقیق

نجفی (۱۳۵۷) مقاله‌ای با عنوان "بررسی تأسیس شرکت‌های تعاونی تولید در شهرستان ممسنی استان فارس" انجام داده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که تشکیل شرکت تعاونی باعث افزایش درآمد اعضا، افزایش میانگین سطح زیرکشت و افزایش عملکرد محصولات اصلی شده است.

روحانی (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان "بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان همدان" به این نتیجه رسیده است که تعاونی‌های تولید روستایی در امر یکپارچه سازی اراضی و تغییر نظام بهره‌برداری و انجام فعالیت‌های گروهی ناموفق بوده

اند، ولی در توسعه ماشینی کردن، بهبود روش‌های آبیاری، افزایش بهره‌وری، رواج بذر اصلاح شده و بهبود روش‌های بهره‌برداری به موفقیت نسبی دست یافته‌اند. همچنین وی مشکل عمده شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را عدم سودآوری فعالیت‌های اقتصادی آنان دانسته است.

طاهرخانی و حیدری ساریان (۱۳۸۳) مقاله‌ای تحت عنوان "نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: مشکین‌شهر" انجام داده‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که عضویت در تعاونی‌های تولیدی به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان و در نهایت به بهبود وضعیت توسعه مناطق روستایی این شهرستان انجامیده است.

از دیگر پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر می‌توان به:

انوشیروانی و طه (۱۳۷۲) "شرکت‌های تعاونی تولید روستایی: مروری در پیشینه و نگاهی به مسایل و مشکلات"، عربی (۱۳۷۷) "شرکتهای تعاونی تولید به عنوان راهبرد توسعه روستایی در ایران"، پزشکی راد و کیانی مهر (۱۳۸۰) "نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در بهبود وضعیت فنی اقتصادی کشاورزان گندم کار شهرستان سبزوار"، صدیقی و درویشی نیا (۱۳۸۱) "بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران از دیدگاه اعضا" اشاره نمود.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در تنظیم چارچوب نظری تحقیق از مطالعات اسنادی استفاده گردید و به منظور جمع‌آوری داده‌های میدانی از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته و مشاهدات میدانی استفاده شد. روایی ابزار گردآوری داده به کمک دانش و تجارب اساتید و متخصصین این حوزه ارزیابی گردید و ضریب پایایی آن نیز با روش تصنیف ۰/۸۷۴ به دست آمده است که در سطح قابل قبولی می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در محیط نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

جامعه تحقیق مشتمل بر اعضای شرکت تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان بیرجند

به نام‌های مالک اشتر، بهین کشت قهستان، طلایه‌داران کویر، سبزآفرینان و فارم صنعت شرق بوده است که از میان اعضای آن، حجم نمونه‌ای برابر ۲۹۶ نفر به کمک فرمول کوکران تعیین و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با جمعیت هر تعاونی، تعداد افراد مورد پرسشگری مشخص و در مرحله بعد با انجام نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسشنامه‌های مورد نیاز تکمیل گردید.

یافته‌های تحقیق

۱- خصوصیات جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه

به لحاظ جنسیتی ۷۲ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۲۸ درصد آنان زن بوده‌اند (جدول ۱). متوسط سن افراد ۴۸ سال بوده است. بررسی وضعیت سواد پاسخ‌گویان نشان داد (جدول ۲) ۳۵ درصد آنان بیسواد، ۳۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۶ درصد سیکل، ۹ درصد دیپلم، ۵ درصد فوق دیپلم و ۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر از آن بوده‌اند. بدین‌سان می‌توان گفت میزان سواد اعضای شرکت‌های تعاونی‌های تولید کشاورزی در سطح پایینی قرار دارد که بر اساس مطالعات گذشته (طاهرخانی و حیدری‌ساربان، ۱۳۸۳) این گونه برداشت می‌شود که مانعی جدی بر سر راه برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای شرکت به منظور همسوسازی اعضا باشد.

جدول ۱- ساختار جنسیتی پاسخ‌گویان

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۲۱۲	۷۲
زن	۸۴	۲۸
جمع	۲۹۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۲- سطح تحصيلات پاسخ‌گویان

مقطع تحصیلی	بیسواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	جمع
فراوانی	۱۰۴	۹۸	۴۷	۲۶	۱۵	۶	۲۹۶
درصد	۳۵	۳۳	۱۶	۹	۵	۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۲- اثرات اقتصادی شرکت تعاونی تولید کشاورزی در سطح تولید

بررسی‌ها نشان داد با برپایی شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی در محدوده مورد مطالعه (جدول ۳) سطح زیر کشت تمامی محصولات افزایش داشته است به گونه‌ای که سطح زیرکشت محصول گندم نسبت به گذشته ۱/۸۵ هکتار، جو ۱/۶۹ هکتار، پنبه ۰/۳۷ هکتار، ذرت ۱/۱۵ هکتار، یونجه ۱/۱۴ هکتار و پسته ۰/۰۳ هکتار افزایش یافته است. در واقع، از آن جا که برخی از بهره‌برداران زراعی در گذشته از کهولت سن برخوردار بوده‌اند و برخی دیگر نیز میزان زمین زراعی آن‌ها به جهت کم صرفه بودن، کاشت نداشته است، با اضافه شدن آن بر اراضی تحت استفاده تعاونی‌ها، سطح زیر کشت محصولات نیز افزایش یافته است.

جدول ۳- سطح زیرکشت محصولات کشاورزی پس از برپایی شرکت‌های تعاونی تولید

گونه	میانگین (هکتار)	انحراف استاندارد
افزایش سطح زیر کشت محصول گندم	۱/۸۵	۰/۴۶
افزایش سطح زیر کشت محصول جو	۱/۶۹	۰/۴۷
افزایش سطح زیر کشت محصول پنبه	۰/۳۷	۰/۵۷
افزایش سطح زیر کشت محصول ذرت	۱/۱۵	۰/۴۴
افزایش سطح زیر کشت محصول یونجه	۱/۱۴	۰/۴۲
افزایش سطح زیر کشت محصول پسته	۰/۰۳	۰/۱۸

منبع: یافته‌های تحقیق

یکی از عمده چالش‌های کشاورزی در چارچوب نظام سنتی تولید، بالا بودن هزینه‌ها و

بهره‌وری پایین عوامل تولید می‌باشد که یکی از عمده اهداف تعاونی‌های تولید کشاورزی، حل این معضل می‌باشد. ارزیابی انجام گرفته نشان داد (جدول ۴) میزان اثرگذاری شرکت‌های تعاونی در کاهش هزینه در مرحله کاشت محصولات متوسط ۲/۸۵، مرحله داشت کم ۲/۴۲ و در مرحله برداشت نیز متوسط ۲/۸۹ بوده است. از این رو بیشترین تأثیر برپایی تعاونی‌های تولید کشاورزی در بخش هزینه‌ها بر مرحله برداشت بوده است. در واقع، از آن جا که در نظام سنتی تولید تمامی مراحل اعم از مرحله برداشت توسط نیروی‌های انسانی صورت می‌گرفته است، هم اکنون با نظام جدید تولید و استفاده از ابزارهای جدید (نظیر کمباین)، سهم هزینه‌ای مرحله برداشت به واسطه کم‌تر شدن حضور نیروی انسانی کاهش یافته است.

جدول ۴- میزان اثرگذاری شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی در کاهش هزینه‌های تولید

گوپه	میانگین رتبهای	انحراف استاندارد
اثر شرکت تعاونی بر کاهش هزینه‌های تولید در مرحله کاشت	۲/۸۵	۰/۹۹۴
اثر شرکت تعاونی بر کاهش هزینه‌های تولید در مرحله داشت	۲/۴۲	۰/۹۹۸
اثر شرکت تعاونی بر کاهش هزینه‌های تولید در مرحله برداشت	۲/۸۹	۱/۰۸۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۳- اثرات اقتصادی شرکت تعاونی تولید کشاورزی در سطح خانوارهای روستایی

مطالعه میزان اثرات اقتصادی شرکت‌های تعاونی تولید در بخش کشاورزی شهرستان بیرجند نشان داد (جدول ۵) بیشترین تأثیر راه‌اندازی و اقدام به فعالیت این شرکت‌ها در فضاهای روستایی با میانگین ۳/۲۵ بر سطح درآمدی خانوار کشاورز بوده است. در مراتب بعدی سطح اثرگذاری شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی بر پس‌انداز خانوارهای عضو ۲/۹۶، بر افزایش توان خانوارها برای سرمایه‌گذاری در سایر امور تولیدی ۲/۸۴، بر افزایش کار در مرحله برداشت ۲/۸۱، بر افزایش کار در مرحله داشت ۲/۷۵، بر افزایش اشتغال کلی خانوار ۲/۶۰، بر افزایش خرید وسایل نقلیه ۲/۲۹، بر افزایش کار در مرحله کاشت ۲/۲۵، بر افزایش رفاه خانوار ۲/۲۴، بر افزایش خرید وسایل منزل ۲/۱۵ و در نهایت

میزان اثرگذاری شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی بر افزایش خرید کالاهای مصرفی و ضروری خانوار ۱/۶۶ بوده است. در مجموع روند اثرگذاری شرکت‌های مورد مطالعه بر خانوارهای کشاورز در شهرستان بیرجند می‌توان این گونه نتیجه گرفت که این شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی، درآمد بیشتری را عاید خانوارها می‌سازد که در پی آن هم میزان پس‌انداز افزایش یافته و هم زمینه و فرصت سرمایه‌گذاری در سایر فعالیت‌های اقتصادی خارج از بخش کشاورزی برای خانوار فراهم می‌گردد. به عبارتی، بستر جهت تنوع اشتغال در فضاهای روستایی که یکی از اصول مهم توسعه آن به شمار می‌آید، فراهم می‌گردد و ضمن این که در خود بخش کشاورزی نیز تعدد فرصت‌های شغلی (البته با رویکرد تخصصی‌گرایی) پدید می‌آید.

جدول ۵- میزان اثرگذاری شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی شهرستان بیرجند بر شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی

گویه	میانگین رتبه‌های	انحراف از معیار
اثر شرکت تعاونی بر افزایش درآمد	۳/۲۵	۱/۲۹
اثر شرکت تعاونی بر افزایش پس‌انداز	۲/۹۶	۱/۰۷
اثر شرکت تعاونی بر افزایش کار در مرحله کاشت	۲/۲۵	۱/۰۶
اثر شرکت تعاونی بر افزایش کار در مرحله داشت	۲/۷۵	۰/۸۸
اثر شرکت تعاونی بر افزایش کار در مرحله برداشت	۲/۸۱	۱/۰۴
اثر شرکت تعاونی بر افزایش اشتغال خانوار	۲/۶۰	۰/۷۵
اثر شرکت تعاونی بر افزایش خرید کالاهای مصرفی	۱/۶۶	۰/۹۸
اثر شرکت تعاونی بر افزایش خرید وسایل منزل	۲/۱۵	۰/۸۸
اثر شرکت تعاونی بر افزایش خرید وسایل نقلیه	۲/۲۹	۰/۹۸
اثر شرکت تعاونی بر افزایش قدرت سرمایه‌گذاری در سایر امور تولیدی	۲/۸۴	۱/۰۰۱
اثر شرکت تعاونی بر افزایش رفاه خانوار	۲/۲۴	۰/۷۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۴- آزمون فرضیات

فرض اول: فعالیت شرکت های تعاونی تولید کشاورزی اثر معناداری بر سطح

زیرکشت محصولات زراعی و باغی داشته است.

در بررسی تأثیر شرکت های تعاونی تولید کشاورزی بر افزایش تولیدات کشاورزی از

آزمون t وابسته استفاده شد که نتایج خروجی آزمون به قرار جدول ۶ بوده است.

از آن جا که مقدار p -value به دست آمده برای محصولات گندم، جو، ذرت و یونجه

کمتر از $0/05$ می باشد می توان نتیجه گرفته سطح زیرکشت این محصولات به طور

معناداری افزایش یافته است اما در دو محصول پنبه و پسته این اختلاف معنادار به دست

نیامده است.

جدول ۶- نتایج خروجی آزمون t وابسته برای فرض اول تحقیق

متغیر	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	P-value
سطح زیر کشت محصول گندم قبل از عضویت	۲۷۳	-۲۷/۹۳	۰/۰۰۰
سطح زیر کشت محصول گندم بعد از عضویت			
سطح زیر کشت محصول جو قبل از عضویت	۲۴۹	-۱۸/۶۳	۰/۰۰۰
سطح زیر کشت محصول جو بعد از عضویت			
سطح زیر کشت محصول پنبه قبل از عضویت	۲۳	-۱/۶۹	۰/۱۰۳
سطح زیر کشت محصول پنبه بعد از عضویت			
سطح زیر کشت محصول ذرت قبل از عضویت	۳۲	-۲/۱۰	۰/۰۴۴
سطح زیر کشت محصول ذرت بعد از عضویت			
سطح زیر کشت محصول یونجه قبل از عضویت	۲۵۰	-۲/۲۵	۰/۰۲۵
سطح زیر کشت محصول یونجه بعد از عضویت			
سطح زیر کشت محصول پسته قبل از عضویت	۸۹	-۱/۴۲	۰/۱۵۸
سطح زیر کشت محصول پسته بعد از عضویت			

منبع: یافته های تحقیق

فرض دوم: فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی اثر معناداری بر کاهش هزینه‌های تولید داشته است.

برای بررسی تأثیر شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی بر کاهش هزینه‌های تولید از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده گردید و نتایج به دست آمده در جدول ۷ بیان شده است. با توجه به این که مقدار p -value به دست آمده برای کاهش هزینه‌ها در هر سه مرحله کاشت، داشت و برداشت کمتر از $0/05$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی ارتباط مستقیم و معناداری با کاهش هزینه‌های تولید در این بخش دارد.

جدول ۷- نتایج خروجی آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض دوم تحقیق

متغیر	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	P-value
اثر شرکت تعاونی بر کاهش هزینه‌های تولید در مرحله کاشت	۲۹۵	-۲/۴۵	۰/۰۱۵
اثر شرکت تعاونی بر کاهش هزینه‌های تولید در مرحله داشت	۲۹۵	-۹/۸۹	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر کاهش هزینه‌های تولید در مرحله برداشت	۲۹۵	-۱/۷۲	۰/۰۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

فرض سوم: در نتیجه فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی، شاخص‌های اقتصادی در سطح خانوارها افزایش یافته است.

در بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد و نتایج خروجی آزمون به شرح جدول ۸ بوده است. از آن جا که مقدار p -value محاسبه شده برای تمامی عوامل افزایش درآمد، افزایش پس انداز، افزایش کار در مرحله کاشت، داشت و برداشت، افزایش اشتغال خانوار، افزایش خرید کالاهای مصرفی، افزایش خرید وسایل منزل، افزایش خرید وسایل نقلیه، افزایش قدرت سرمایه گذاری در سایر امور تولیدی و افزایش رفاه خانوار کمتر از $0/05$ بوده است، می‌توان نتیجه گرفت با فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی،

شاخص های اقتصادی در سطح خانوارها افزایش یافته است.

جدول ۸- نتایج خروجی آزمون t تک نمونه ای برای فرض سوم تحقیق

متغیر	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	P-value
اثر شرکت تعاونی بر افزایش درآمد	۲۹۵	۳/۰۷۱	۰/۰۰۴
اثر شرکت تعاونی بر افزایش پسانداز	۲۹۵	۴/۰۳۷	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش کار در مرحله کاشت	۲۹۵	-۱۱/۹۷	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش کار در مرحله داشت	۲۹۵	-۴/۷۹	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش کار در مرحله برداشت	۲۹۵	-۳/۰۴	۰/۰۰۳
اثر شرکت تعاونی بر افزایش اشتغال خانوار	۲۹۵	-۸/۹۵	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش خرید کالاهای مصرفی	۲۹۵	-۲۳/۲۴	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش خرید وسایل منزل	۲۹۵	-۱۶/۳۳	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش خرید وسایل نقلیه	۲۹۵	-۱۲/۲۳	۰/۰۰۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش قدرت سرمایه گذاری در سایر امور تولیدی	۲۹۵	-۲/۶۱	۰/۰۱۰
اثر شرکت تعاونی بر افزایش رفاه خانوار	۲۹۵	-۱۸/۵۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

نتیجه

کشاورزی به عنوان یکی از بخش های اقتصادی که در ارتباط با حیات جامعه ملی و در بعد فضایی - مکانی در پیوند با سکونتگاه های روستایی قرار دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در کشور ما پس از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ شمسی قرن حاضر این بخش اقتصادی- زیستی با چرخه رکود شدید مواجه گردید. در راستای تعدیل آثار و پیامدهای منفی ناشی از این برنامه که از جمله آن می توان به خرد شدن اراضی، نبود بنیه اقتصادی لازم در خانوارهای بهره بردار برای تجهیز و نوسازی ابزار تولید و بهره وری پایین عوامل تولید اشاره داشت، راهکار ایجاد و توسعه نظام های تعاونی مدرن در قالب شرکت تعاونی های تولید کشاورزی پیگیری شد. در رؤوس اهداف این شرکت ها بهبود وضعیت

اقتصادی - اجتماعی خانوارهای بهره‌بردار در کنار افزایش بازده تولید را می‌توان دید. در تحقیق حاضر سعی بر این بوده تا به بررسی و پویش اثرات اقتصادی شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی بر خانوارهای روستایی شهرستان بیرجند پرداخته شود.

مطالعات صورت گرفته در سطح تولید حاکی از آن است که نسبت به گذشته سطح زیر کشت محصولات تولیدی نظیر گندم، جو، ذرت و یونجه افزایش داشته است. زیرا از یک سو، برخی از بهره‌برداران زراعی در گذشته از کهولت سن برخوردار بوده‌اند و از سوی دیگر برخی نیز میزان زمین زراعی آن‌ها به جهت کم صرفه بودن کاشت نداشته است که با برپایی شرکت تعاونی‌های تولید کشاورزی و اضافه شدن آن بر اراضی تحت استفاده تعاونی‌ها، سطح زیر کشت محصولات نیز افزایش یافته است.

هم‌چنین با ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی هزینه‌های تولید در سه بخش کاشت، داشت و برداشت کاهش یافته است که بیشترین میزان کاهش هزینه را در مرحله برداشت می‌توان دید چرا که در نظام سنتی تولید، تمامی مراحل اعم از مرحله برداشت توسط نیروی‌های انسانی صورت می‌گرفته است، هم اکنون با نظام جدید تولید و استفاده از ابزارهای جدید (نظیر کمباین)، سهم هزینه‌ای مرحله برداشت به واسطه کم‌تر شدن حضور نیروی انسانی کاهش یافته است.

بررسی اثرات شرکت تعاونی‌های تولید کشاورزی در سطح خانوار نیز نشان داد این شرکت‌های تعاونی درآمد بیشتری را عاید خانوارها می‌سازد که در پی آن هم میزان پس‌انداز افزایش یافته و هم زمینه و فرصت سرمایه‌گذاری در سایر فعالیت‌های اقتصادی خارج از بخش کشاورزی برای خانوار فراهم می‌گردد. به عبارتی، بستر جهت تنوع اشتغال در فضاهای روستایی که یکی از اصول مهم توسعه آن به شمار می‌آید، فراهم می‌گردد و ضمن این که در خود بخش کشاورزی نیز تعدد فرصت‌های شغلی (البته با رویکرد تخصصی گرایشی) پدید می‌آید. نتایج به دست آمده همسو با یافته‌های نجفی (۱۳۵۷) و طاهرخانی و حیدری ساربان (۱۳۸۳) می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌گردد: - به منظور رونق اقتصادی بیشتر این تعاونی‌ها، تنوع کارکردی و گرایش به فعالیت‌هایی نظیر باغداری و دامداری با رویکردی تکمیل‌کننده فعالیت‌های زراعی در دستور کار

- شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی قرار گیرد؛
- توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌سازان کلان ملی، بودجه‌ای ویژه جهت حمایت تقویت و به‌روز رسانی فناوری مورد استفاده در تعاونی‌ها تخصیص یابد؛
- آموزش و ترویج دانش روز کشاورزی در میان اعضای تعاونی‌ها با روش‌های نوین مشارکتی - ترویجی صورت پذیرد.

منابع و مآخذ

۱. آبوتر، فرد (۱۳۴۸). *اصول تعاون در دنیای معاصر*. ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور. تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.
۲. آسایش، حسین (۱۳۸۴). *برنامه ریزی روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه پیام نور.
۳. احمدی فیروزجانی، علی؛ صدیقی، حسن؛ علی محمدی، محمد (۱۳۸۵). "مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید روستایی". *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳ (زمستان): ۹۳-۱۱۱.
۴. انوشیروانی، احمد؛ طه، مهدیه (۱۳۷۲). "شرکت‌های تعاونی روستایی، مروری در پیشینه و نگاهی به مسائل و مشکلات". *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال اول، شماره ۳ (پاییز): ۱۱۸-۱۲۶.
۵. استانداری خراسان جنوبی. دفتر آمار و اطلاعات (۱۳۸۹). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی*. بیرجند: استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه‌ریزی.
۶. بذرافشان، جواد؛ حاتم، شاهین (۱۳۸۹). "آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران". *چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام*، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۷۰-۲۹۱.
۷. بوگاردوس، اموری (۱۳۵۲). *تصورات بنیادی از تعاون واقعی*. ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور. تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور.
۸. پاک نژاد، عباسعلی (۱۳۸۶). "طرفیت صنایع فرآوری محصولات کشاورزی". [پيوسته]. قابل دسترس در: <http://Xn--mgb7owe.worldfood.ir/T3735>.

۹. پزشکی‌راد، غلامرضا؛ کیانی‌مهر، حمید (۱۳۸۰). "نقش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در بهبود وضعیت فنی و اقتصادی کشاورزان گندم‌کار شهرستان سبزوار". *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۴ (تابستان): ۳۴۳-۳۶۳.
۱۰. سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵). مرکز آمار ایران.
۱۱. جعفرزاده، مسعود (۱۳۸۷). *تعاون را بهتر بشناسیم*. تهران: پایگان.
۱۲. حسینی ابری، حسن (۱۳۸۳). *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۳. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۸۵). "تشکیل تعاونی‌های روستایی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه پایدار محیطی". *فصلنامه جهاد، سال پانزدهم*، شماره ۲۷۵ (بهمن و اسفند): ۲۵۸-۲۷۶.
۱۴. دبیرخانه شورای عالی توسعه صادرات (۱۳۹۱). "استان خراسان جنوبی". [پيوسته]. قابل دسترس در:
<http://fa.tpo.ir/UserFiles/File/south20%khorasan.pdf> [1391/7/19]
۱۵. دیویس، پیت (۱۳۸۱). "ارزش‌ها و مدیریت تعاونی‌ها در قرن ۲۱". *مجله تعاون، سال بیست و سوم*، شماره ۱۳۷ (بهمن): ۳۲-۳۵.
۱۶. رسولی، فاطمه؛ محمدزاده نصرآبادی، مهناز؛ شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۶). "بررسی وضعیت آموزشی شرکت‌های تعاونی زنان در ایران". *ماهنامه تعاون، سال بیست و سوم*، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰ (خرداد و تیر): ۱۹-۳۴.
۱۷. روحانی، سیاوش (۱۳۷۸). "بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان همدان". *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سی و ششم، شماره ۲۵ (بهار): ۱۸۷-۲۱۰.
۱۸. صدیقی، حسن؛ درویشی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۱). "بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران". *مجله علوم کشاورزی ایران، سال چهارم*، شماره ۲ (خرداد و تیر): ۳۱۳-۳۲۳.
۱۹. طالب‌بیگی، فیروز (۱۳۵۰). *اندیشه تعاون و تجربیات تعاونی در کشورهای در حال توسعه ایران*. تهران: دانشگاه تهران.

۲۰. طالشی، مصطفی (۱۳۸۳). "ناپایداری سکونتگاه های کوهستانی". مورد: ناحیه آلاداغ، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. طاهرخانی، مهدی؛ حیدری ساربان، وکیل (۱۳۸۳). "نقش تعاونی های تولیدی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: مشکین شهر)". پژوهش های جغرافیایی، سال سی و ششم، شماره ۴۹ (پاییز): ۱۱۳-۱۲۴.
۲۲. طرح و برنامه (۱۳۹۰). سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی.
۲۳. عربی، قادر (۱۳۷۷). "تعاونی های تولید، راهبردهای توسعه تعاونی های تولید در ایران". مجله جهاد، سال هجدهم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱ (بهار): ۴۴-۴۷.
۲۴. کلانتری، خلیل؛ شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۴). جامعه شناسی روستایی (رشته اقتصاد کشاورزی). تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۵. کوهن، یوهانس (۱۳۷۹). سازمان های تعاونی برای توسعه روستایی جنبه های سازمانی و مدیریتی شهرگویی کهن مهرداد. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۲۶. لطیفیان، احمد (۱۳۸۵). "بررسی عملکرد شرکت های تعاونی کشاورزی استان خراسان بزرگ". دانشور رفتار علوم تربیتی و روانشناسی، دو ماهنامه، سال هفتم، شماره ۲۰ (دی): ۶۱-۸۴.
۲۷. مؤمنی، جواد (۱۳۸۶). "نقش بخش تعاون در بستر سازی اهداف جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی". ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰ (خرداد و تیر): ۶۳-۷۰.
۲۸. نجفی، بهالدین (۱۳۵۷). "بررسی تأسیس شرکت های تعاونی تولید در شهرستان ممسنی در استان فارس"، مجله علوم کشاورزی/ایران، سال دوم، شماره ۱۳ (پائیز): ۴۱-۵۰.
۲۹. نظام شهیدی، مهراندخت (۱۳۸۰). اصول مدیریت تعاونی ها در ایران. تهران: روشنگران نصر.
۳۰. وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۲). گفتارهای تعاونی. تهران: وزارت تعاون.
۳۱. هودر، رابرت (۱۳۸۵). جغرافیای توسعه در جهان و ایران. ترجمه فضیله خانی و حسین جوادی. تهران: قومس.

بررسی نقش گردشگری در توسعه روستایی با استفاده از مدل SWOT،

مورد مطالعه: روستای خور شهرستان خوسف

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۱۷

محمود مرادی^۱

سمیه خاتمی^۲

چکیده

شرایط اقلیمی نامساعد و خشکسالی‌های دوره‌ای یکی از علل آسیب‌پذیری نواحی روستایی محسوب می‌شود. روستای خور نیز که در ناحیه بیابانی ایران واقع شده، از این شرایط متأثر گردیده و از آن جهت که دارای بافت تاریخی با ارزش می‌باشد، لزوم توجه به آن بیشتر احساس می‌شود چرا که گردشگری روستایی می‌تواند علاوه بر حفظ آثار تاریخی، باعث بدست آوردن درآمدهای ثانویه برای خانوار روستایی شده و زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم آورد. نوشتار حاضر با هدف بررسی نقش گردشگری در توسعه روستایی و با تکیه بر مدل SWOT^۳، به تحلیل قابلیت‌های گردشگری در روستای خور پرداخته است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جهت بررسی‌های میدانی ۳۰ درصد از خانوار ساکن روستای خور به تعداد ۵۰ خانوار و نیز تعدادی از کارشناسان حوزه گردشگری به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود جاذبه‌های تاریخی و بافت سنتی در روستای خور با هدایت مدیریت محلی و نیز مشارکت روستائیان بویژه زنان در توسعه فعالیت‌های تولیدی - صنایع دستی و... و ارائه خدمات مورد نیاز گردشگران، می‌تواند زمینه توسعه روستایی را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: گردشگری روستایی، توسعه روستایی، مدل SWOT، خور، خوسف.

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور بیرجند، نویسنده مسؤول. moradi_m@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مدرس دانشگاه پیام نور بیرجند.

Khatami. somayeh@gmail.com

مقدمه

با وجود بروز مسائلی از قبیل خشکسالی، مهاجرت و خالی از سکنه شدن شمار زیادی از نواحی روستایی، وجود چشم اندازهای طبیعی و آثار تاریخی در برخی از روستاها زمینه را برای احیاء و رشد نواحی روستایی و ایجاد سطحی از رفاه و معیشت برای خانوار روستایی را فراهم می سازد. هدف توسعه روستایی تنها بهبود فرصت‌های اقتصادی نیست و ارتقاء سازماندهی اجتماعی، حفاظت میراث بومی، آداب و رسوم فرهنگی و بهبود خدمات و تسهیلات رفاهی همراه با نگه‌داشت و حفاظت محیط زیست روستایی نیز مدنظر قرار می‌گیرد (شهیدی، اردستانی و گودرزی سروش، ۱۳۸۸: ۱۰۴). امروزه گردشگری روستایی به عنوان راهکاری مطلوب در جهت توسعه روستایی علاوه بر حفاظت از چشم‌اندازهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی باعث ایجاد اشتغال و افزایش درآمد برای روستائیان نیز شده است. جدول (۱) برخی مطالعات صورت گرفته پیرامون جایگاه گردشگری در توسعه روستایی

سال تحقیق	محقق	نتایج تحقیق
۱۹۹۴	پاتریک و جانل	مدیریت، برنامه ریزی و کمک های فنی نقش مهمی در توسعه گردشگری روستایی دارد.
۱۹۹۵	بورک و لولاف	مشارکت روستائیان و مدیریت محلی در موفقیت گردشگری روستایی بسیار مؤثر است.
۲۰۰۲	کوکایر و همکارانش	گردشگری باعث ایجاد مشاغل غیر رسمی برای نوجوانان ۱۳ تا ۱۹ ساله شده است.
۱۳۸۸	غفاری و ترکی هرچگانی	میان افزایش شمار گردشگران، رونق گردشگری و شاخص های اجتماعی - اقتصادی رابطه معنیدار وجود دارد.
۱۳۸۸	میرزایی	گردشگری زمینه اشتغال فصلی را در منطقه فراهم کرده است.

براساس جدول شماره (۱)، مطالعات صورت گرفته در این زمینه حاکی از آن است که گردشگری روستایی با مشارکت روستائیان و مدیریت محلی توانسته است فرصت‌های درآمدی و شغلی فراوان و متنوعی با توجه به ویژگی‌های مناطق روستایی فراهم آورد. این مقاله نیز با هدف پاسخگویی به این سؤال که، "چگونه گردشگری روستایی می‌تواند زمینه را برای توسعه روستایی فراهم سازد؟" آثار گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه روستایی خور و نیز فرصت‌ها و قوت‌ها، ضعف‌ها و چالش‌های موجود در این رابطه را در محدوده مورد مطالعه، بررسی و تحلیل نموده است.

مبانی نظری

از دیدگاه بانک جهانی، توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستائیان فقیر طراحی شده است. این فرایند شامل گسترش منافع در بین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲۶۷)، تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب تغییر دهند.

در واقع، هدف توسعه روستایی صرفاً تحول وضعیت روستاها از نظر اقتصادی نیست، بلکه توسعه متعادل اجتماعی و اقتصادی همراه با حداکثر بهره‌برداری از منابع محلی و توزیع عادلانه منافع حاصل از توسعه می‌باشد. مطالعات در زمینه توسعه روستایی از اوایل دهه ۱۹۷۰ بر افزایش درآمد، اشتغال بیشتر، برآورده نمودن نیازهای اساسی و فقرزدایی تأکید داشته است. بر این مبنا برنامه‌های توسعه کشاورزی، صنعتی کردن سکونتگاه روستایی، ارائه امکانات و خدمات رفاهی و اجرای طرح‌های فیزیکی و کالبدی در چند دهه گذشته اجرا شده است. اما از آن جایی که این برنامه‌ها فقط بخشی از توسعه جامع را شامل می‌شوند، توجه به سطوح دیگر توسعه از پیش‌شرط‌های توسعه ملی است. در این میان گردشگری روستایی به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی می‌باشد که در توسعه روستایی کمتر به آن پرداخته شده است (رکن‌الدین افتخاری و قادری، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۶). در زمینه ارتباط بین گردشگری و توسعه روستایی سه دیدگاه مطرح است. دیدگاه اول، گردشگری را به عنوان راهبردی برای توسعه روستایی به کار می‌گیرد. این دیدگاه با توجه به روند روزافزون تخریب روستاها و افول کشاورزی، سعی در ارائه راهبردهای جدیدی برای احیاء نواحی روستایی از طریق ایجاد فعالیت‌های مکمل و یا متحول نمودن این نواحی با توجه به منابع طبیعی و انسانی آنها دارد و تنها راه احیاء مجدد این روستاها را ارائه برنامه‌هایی می‌داند که بتواند هم از منابع طبیعی و انسانی آنها بهره‌برد و هم باعث ایجاد درآمد و افزایش رفاه ساکنان نواحی روستایی گردد. در دیدگاه دوم، گردشگری به عنوان سیاستی برای بازساخت سکونتگاه‌های روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که می‌توان از اتکاء بیش از حد تولید کنندگان روستایی به کشاورزی

کاست و آنها را در فرصت‌های اقتصادی جدیدی مشارکت داد. در کشورهای اروپای شرقی بر این دیدگاه یعنی توسعه گردشگری به عنوان ابزاری برای بازسازی مجدد روستاها پس از فروپاشی کشاورزی تأکید شده است. در دیدگاه سوم، گردشگری روستایی به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی مطرح است. این دیدگاه خواهان رشد بلندمدت گردشگری بدون اثرات مخرب بر زیست بوم‌های طبیعی است. در واقع گردشگری با ایجاد اشتغال، افزایش سطوح درآمد، متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح آگاهی‌های اجتماعی و ایجاد روابط اجتماعی گسترده بین جامعه میزبان و میهمان، به حفاظت از میراث فرهنگی و محیط زیست طبیعی کمک کرده و با جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه و بهینه‌سازی بهره‌برداری از زمین به توسعه روستایی پایدار کمک می‌کند (همان: ۳۲-۳۵).

گردشگری مفهومی فراگیر و گسترده است که تاریخچه آن به سال ۱۸۱۱ یا پیش از آن باز می‌گردد و تعریف آن همچنان دستخوش تغییر و دگرگونی است. اصطلاح گردشگری شامل مسافرت‌های افراد در خارج از خانه و تجارت‌ها و افرادی می‌شود که در خدمت این بنگاه‌ها هستند که برای آنها انجام مسافرت‌ها را آسان‌تر و لذت بخش‌تر ساخته و یا انجام آنها را تسریع می‌کنند (لاند برگ، ۱۳۸۳: ۴). گردشگری روستایی به عنوان یکی از زیربخش‌های گردشگری علاوه بر حفظ ارزش‌ها و باورها با ایجاد فرصت‌های شغلی و کسب درآمد برای ساکنین محلی و توسعه ساختارهای زیربنایی امکان توسعه پایدار و یکپارچه روستایی را فراهم می‌سازد (محمدی یگانه و رستمی، ۱۳۸۸: ۲۰). اصولاً گردشگری روستایی بر انطباق با شرایط روستایی پایه‌گذاری شده است (Hampton and Chrstensen, 2007: 1005) و شامل فعالیت‌های متنوعی است که گردشگران در نواحی روستایی انجام می‌دهند. انواع مختلف آن تحت عنوان گردشگری طبیعی، گردشگری فرهنگی، گردشگری بومی، گردشگری دهکده‌ای و گردشگری کشاورزی تفکیک و طبقه بندی شده‌اند (Mitchell, 2006: 1302).

گردشگری در نواحی روستایی یک پدیده جدید نیست، بلکه موضوعی است که از انقلاب صنعتی با مفاهیم بازگشت به زادگاه وجود داشته است (Perales, 2002: 1101) و به سبب عواملی چون خستگی از محیط پرتلاطم شهری و شهرنشینی همراه با علاقه‌مندی به میراث فرهنگی، نگرانی‌های محیط زیست و شیوه زندگی سالم و امتناع از فرهنگ

مصرف گرایی توسعه یافته است (شارپلی، ۱۳۸۰: ۴). لذا نمی‌توان آن را نادیده گرفت، بلکه باید بدان به مثابه پدیده‌ای نگرینست که خوب یا بد وجود دارد (Kuban, 1983: 84). در دهه ۱۹۷۰ حمایت از این صنعت بواسطه جنبه های منفی آن کاهش پیدا کرد، اما در حال حاضر بر هر دو جنبه آن تأکید می‌شود (Neidig, 2006 : 27).

صنعت گردشگری امروزه بزرگترین صنعت در جهان است و توانسته فرصت‌های شغلی متنوع و مهیجی را فراهم سازد. به گونه‌ای که در دهه گذشته میلادی در ایالات متحده آمریکا نرخ رشد اشتغال این صنعت در مقایسه با سایر صنایع دو برابر بوده است و انتظار می‌رود این روند در سراسر جهان ادامه یابد (oeldner and Brent, 2006 : 86). در برخی کشورها درآمدهای ناشی از آن، یکی از منابع عمده در جهت تقویت اقتصاد ملی می‌باشد (سنایی، ۱۳۸۶: ۲). لذا بالا رفتن سطح درآمد، افزایش ایام فراغت، تغییرات و نگرش‌های جدید به مفاهیم زندگی، ایجاب می‌کند که گردشگری به شدت گسترش و توسعه یابد (Sharpley and Vassh, 2006 : 27).

تأثیرات گردشگری در توسعه روستایی

توسعه گردشگری در نواحی روستایی از یک طرف می‌تواند نقش مهمی در متنوع سازی اقتصاد جوامع روستایی داشته باشد و از طرف دیگر، وسیله‌ای برای تحریک رشد اقتصاد ملی از طریق غلبه بر انگاره‌های توسعه نیافتگی و بهبود استانداردهای زندگی مردم محلی به حساب آید (شریف زاده و مرادی نژاد، ۱۳۸۱: ۵۳) و از محل زندگی روستائیان نیز در حکم یک نقطه تبادل اشتغال و سرمایه‌گذاری حمایت کند (Sonnina, 2003 : 67).

– اثرات اقتصادی

توسعه گردشگری روستایی به متنوع سازی اقتصاد محلی، افزایش تقاضا برای خدمات و کالاهای ویژه، جذب تعداد زیادی نیروی کار، تقویت کشاورزی (خانی، قاسمی و قنبری نسب، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۵)، افزایش درآمد خانوار روستایی، فروش محصولات کشاورزی و تولید و فروش صنایع دستی می‌انجامد (Gunn, 1998 : 8). و در عین حال پیامدهای منفی از قبیل افزایش قیمت کالا و خدمات در مقاصد گردشگری، افزایش قیمت املاک

محلی (خانی، قاسمی و قنبری نسب، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۵)، ایجاد شکاف بین جوامع روستایی بر اثر توزیع درآمد و گسترش گردشگری و نیز ناپایداری درآمدهای حاصل از آن را به دنبال دارد. (Dot, 1995 : 27) در واقع، می‌توان گفت گردشگری روستایی با این که بعد مهمی از درآمد خانوار را تشکیل نمی‌دهد اما در رونق فعالیت‌های کشاورزی و نگهداشت نیروی انسانی روستا نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (Fleischer and Pizam, 1997 : 371).

- اثرات اجتماعی - فرهنگی

اثرات اجتماعی - فرهنگی مثبت گردشگری در جوامع بومی عبارت است از خود کفایی و تقویت اقتصاد محلی، احترام بیشتر به جوامع محلی و فرهنگ آنها، سرمایه‌گذاری مجدد درآمد گردشگری در منابع فرهنگی، تقویت و تداوم سنت‌های فرهنگی، عرضه صنایع محلی (رضوانی و صفایی، ۱۳۸۴: ۱۱۱)، افزایش توانایی جوانان در اداره سکونتگاه روستایی، افزایش فرصت شغلی و احساس استقلال در زنان روستایی (Oppermann, 1996 : 6). در واقع، گردشگری روستایی دادوستدهای کوچک و خانواده محور و نیز مشارکت زنان به صورت نیروی کار را تشویق می‌کند (Fleischer and Tchetchik, 2005 : 495). با این وجود، افزایش میزان کار برای زنان، تغییر در الگوی سنتی تربیت کودکان، احساس نگرانی از وضعیت ظاهری و رفتارهای نادرست گردشگران و تقلید جوانان روستایی از گردشگران (Mansperger, 1995 : 88)، تشدید تضاد اجتماعی بین طبقات مختلف مردم و گسترش مصرف‌گرایی از پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی گردشگری روستایی می‌باشد (خانی، قاسمی و قنبری نسب، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۵).

- اثرات زیست محیطی

ایجاد انگیزه و اقدام برای برنامه‌ریزی و مدیریت محیط طبیعی، نوسازی ساختمان‌ها و مکان‌های تاریخی (همانجا)، بهبود زیرساخت‌های روستایی و افزایش ادراک روستائیان در حفاظت محیط زیست روستایی (Dot, 1995 : 29)، از جمله پیامدهای مثبت گردشگری روستایی می‌باشد. با این وجود، ایجاد تأسیسات فیزیکی، تمرکز ناکارآمد خدمات رفاهی باعث بروز صدمه به مکان‌های تاریخی و چشم‌اندازهای طبیعی، وارد آمدن فشار بیش‌ازحد به توان محیط زیست، فرسایش خاک، افزایش زباله، آلودگی هوا و منابع آب می‌شود (Woods, 2000 : 20).

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی -تحلیلی با رویکرد پیمایشی بوده و جهت گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از دو شیوه اسنادی- کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی بهره گرفته شده است. محدوده مورد مطالعه روستای خور است که جهت بررسی‌های میدانی ۳۰ درصد از خانوار ساکن آن به تعداد ۵۰ خانوار و نیز تعدادی از کارشناسان حوزه گردشگری به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. جهت بررسی قابلیت‌های گردشگری در راستای دستیابی به توسعه روستایی از مدل تحلیلی SWOT استفاده شده است. بدین منظور شاخص‌های ذکر شده در جدول شماره (۲) در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی، با توجه به ویژگی‌های روستای خور انتخاب شده است.

جدول (۲) شاخص‌های مورد بررسی جهت تبیین قابلیت‌های گردشگری روستای خور

زمینه	عوامل درونی	عوامل بیرونی
اقتصادی	کیفیت کشاورزی کیفیت مراتع سطح درآمد میزان پایداری درآمد	زمینه‌های سرمایه‌گذاری کیفیت همکاری مسؤولان میزان ارتباط با شهرها و بازارهای اطراف زمینه سوداگری
اجتماعی	آداب و رسوم محلی مراسم مذهبی سطح سواد کیفیت خدمات بهداشتی و ارتباطات میزان آگاهی افراد محلی	میزان مشارکت روستائیان وجود محدوده‌های گردشگری پذیر میزان ناهنجاریهای فرهنگی
محیطی	کیفیت بافت سنتی کیفیت جاذبه‌های طبیعی کیفیت زیرساختهای روستا وجود تجهیزات اقامتی وجود مخاطرات طبیعی	کیفیت دسترسی به روستا وجود جاذبه‌های طبیعی اطراف روستا میزان خسارت به منابع طبیعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

بر مبنای مدل SWOT و با توجه به نظر مردم و مسؤولان به هر کدام از عوامل درونی و بیرونی وزن داده شده و سپس به هر کدام رتبه‌ای از ۱ تا ۴ اختصاص یافته که در عوامل داخلی رتبه ۱ بیانگر ضعف اساسی، ۲ ضعف کم، ۳ نقطه قوت و ۴ نقطه قوت بسیار بالا می‌باشد. جهت بررسی عوامل خارجی نیز رتبه ۱ نشانگر واکنش ضعیف، ۲ واکنش

متوسط، ۳ تأثیر متوسط به بالا و ۴ با اثرگذاری بالاتر عنوان شده است. در نهایت عوامل مؤثر بر گردشگری در راستای توسعه روستایی تعیین و راهکار مناسب جهت دستیابی به وضعیت مطلوب ارائه شده است.

معرفی مدل مورد استفاده

تکنیک یا ماتریس SWOT، ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی یک سیستم و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل آن سیستم است. این مدل یک نوع تجزیه و تحلیل سازمانی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند منابع داخلی خود را در دوره‌های قدرت و ضعف تجزیه و تحلیل کرده و آنها را در برابر محیط خارجی در دوره‌های فرصت و تهدید با هم هماهنگ کنند. این روش بهترین استراتژی برای سازمان‌دهی فضاست (مرادی مسیحی، ۱۳۸۱: ۴۰). در واقع بر حسب وضعیت سیستم چهار دسته راهبرد می‌توان تدوین کرد:

۱- راهبردهای تدافعی (WT): هدف کلی راهبرد دفاعی یا حداقل - حداقل که می‌توان آن را راهبرد "بقا" نیز نامید، کاهش ضعفهای سیستم برای کاستن و خنثی سازی تهدیدهاست. در این راهبرد تأکید بر رفع آسیب پذیری منطقه مورد مطالعه است.

۲- راهبرد رقابتی (WO): راهبرد انطباقی یا حداقل - حداکثر تلاش دارد تا با کاستن از ضعفها بتواند حداکثر استفاده را از فرصت‌های موجود ببرد.

۳- راهبرد محافظه کارانه (ST): این راهبرد مبتنی بر حداکثر - حداقل در تنوع بخشی بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی متمرکز بوده و بر پایه بهره گرفتن از قوت‌های سیستم برای مقابله با تهدیدات تدوین می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و به حداقل رساندن تهدیدات است.

۴- راهبردهای تهاجمی (SO): در این راهبردها تمرکز بر حداکثر - حداکثر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی استوار است. در چنین وضعیتی سازمان با استفاده از نقاط قوت خویش برای گسترش بازار تولیدات و خدمات خود گام بر می‌دارد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹: ۸۳).

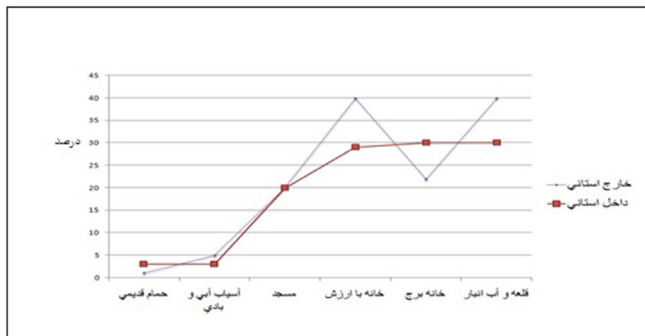
کلیاتی در مورد محدوده مورد مطالعه

روستای خور از توابع شهرستان خوسف، با مختصات جغرافیایی ۳۲ درجه و ۵۶ دقیقه طول شرقی و ۵۸ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی در ۵۰ کیلومتری شمال غربی خوسف و ۸۸ کیلومتری غرب بیرجند واقع شده است. این روستا با وسعت ۱۳۱۴۴ کیلومتر مربع در مسیر ارتباطی طبس- بیرجند قرار دارد. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵، روستای خور ۱۴۹ خانوار و ۶۱۱ نفر جمعیت داشته که در سال ۱۳۸۵، به ۲۲۸ خانوار و ۸۸۸ نفر جمعیت افزایش یافته است. نسبت باسوادی در این روستا برابر با ۸۱/۲۸٪ می باشد، از جمعیت باسواد، ۵۶/۷٪ را مردان و ۴۳/۲۹٪ را زنان تشکیل می دهند. در این روستا نرخ فعالیت ۴۰/۲۹٪ و نرخ بیکاری ۳۰/۵۶٪ می باشد. از تعداد ۳۰۱ نفر شاغل این روستا ۸۸/۰۳٪ را مردان و ۱۱/۹۶٪ را زنان تشکیل می دهند (استانداری خراسان جنوبی، ۱۳۹۰).

بیشتر درآمد مردم این روستا از فعالیت های دامداری، زراعی، باغداری، کارگری و کامیون داری تأمین می شود. محصولات عمده زراعی این روستا مشتمل بر گندم، جو، پنبه، کنجد و زعفران است. باغداری رونق نسبی دارد و زردآلو، توت و گردو از مهمترین محصولات سردرختی آن است. قالی بافی به دلیل تحصیل زنان و نیز کم بودن درآمد حاصل از آن، مثل گذشته در روستا رایج نیست. نخ ریزی و بافت خورجین و وسایل تزئینی هم به شکل محدود در روستا وجود دارد. ۹۵٪ روستائیان تحت پوشش کمیته امداد هستند. بررسی وضعیت مهاجرت نشان می دهد که بیشترین میزان مهاجرت از روستا مربوط به سال ۱۳۸۲ بوده است که ۱۳ نفر از روستا مهاجرت کرده اند. اما از سال ۱۳۸۲ به بعد، از میزان مهاجرت از روستا کاسته شده است به طوری که در سال ۱۳۸۵، این میزان به ۵ نفر رسیده است. بیشتر مهاجرت هایی که صورت گرفته به شهر بیرجند و مشهد بوده است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان جنوبی، ۱۳۹۰).

جاذبه‌های گردشگری روستای خور

روستای خور در میان دشت استقرار یافته و بافت مسکونی متمرکزی دارد. بافت قدیمی روستا از شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه تأثیر پذیرفته است. خانه‌های گلی با سقف گنبدی، حیاط مرکزی، بادگیرها، هشتی و دهلیز، حوض و باغچه‌های میانسرا به گونه‌ای هماهنگ و سازگار با شرایط آب و هوایی و اقلیم روستا طراحی و اجرا شده‌اند. چندین بنای تاریخی مانند قلعه، آب‌انبار، مسجد، حسینیه و حمام در بافت قدیمی روستا به جا مانده‌اند که اکثر آنها از آثار دوره صفوی است. قلعه خور بر روی صخره‌ای به ارتفاع ۵-۱۰ متر در مجاورت روستا بنا گردیده است. این قلعه به سبک و سیاق قلعه‌های بیابانی احداث گردیده است. مصالح عمده به کار رفته در ساخت اغلب خانه‌های روستا خشت، گل، چوب و سنگ می‌باشد. بافت روستا کاملاً سنتی و تحت تأثیر معماری نواحی کویری است. آب‌انبار نیز همزمان با حمام، مسجد و بافت تاریخی خور احداث شده است. برای دسترسی به ورودی آب‌انبار باید از یک مسیر طبیعی و رسوبی عبور کرد. بر خلاف سایر آب‌انبارها، راه پله ندارد و برای رسیدن به آب آن، عبور از دالانی در زیر کوه ضروری است. مصالح به کار رفته در ساخت این آب‌انبار شامل آجر، سنگ و ملات آهک و ساروج است (زنده دل و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰). خانه‌های تاریخی و بازارش، قلعه و آب‌انبار بیشترین گردشگران خارج استانی و داخل استانی را جذب کرده، آمار گردشگران بر حسب تعداد و طیف بازدیدکنندگان با توجه به جاذبه‌های گردشگری در نمودار شماره (۱) آورده شده است. نمودار (۱) تعداد بازدیدکنندگان جاذبه‌های گردشگری روستای خور (نفر در ماه)



مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۰.

توسعه مقاصد گردشگری بدون وجود جاذبه‌های بارزش و مهیا امکان‌پذیر نمی‌باشد. جاذبه‌ها و فعالیت‌های گردشگری بسیار متنوع‌اند و عمدتاً ویژگی‌های ذاتی، فرهنگی و طبیعی منحصر به فرد یک ناحیه را منعکس می‌نمایند. اصالت و منحصر به فرد بودن منطقه یکی از مهمترین امتیازات رقابتی آن نسبت به مقاصد دیگر به‌شمار می‌آید. این امر هم برای منطقه گردشگرپرست و هم منطقه گردشگرپذیر واجد اهمیت است. با این وجود صرف وجود، منابع گردشگری (جاذبه‌ها)، لزوماً رشد را تضمین نمی‌کند، بلکه از عوامل بالقوه رشد به‌شمار می‌رود (آسایش و استعلاجی، ۱۳۸۲: ۷۱). روستای خور با داشتن جاذبه‌های متنوع بویژه بافت تاریخی زمینه را برای افزایش سهم گردشگری در ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمدزایی فراهم می‌سازد. در شروع بهره‌برداری از طرح گردشگری میزان اشتغالزایی به‌صورت مستقیم (هتلداری، آژانس خدمات مسافرتی، تورگردانی، رستوران‌داری و...) و غیرمستقیم (شبکه حمل و نقل، صنایع دستی، هتل‌سازی، مبل‌مان، تبلیغات و...) در حدود ۴ درصد پیش‌بینی می‌شود که با توسعه مرحله‌ای و بلوغ گردشگری این نسبت می‌تواند تا ۱۰ درصد یا بیشتر ارتقاء یابد و این امر بستگی به ترتیبات سازمانی جهت بهره‌برداری از منطقه و استفاده از نیروهای محلی دارد (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۰).

یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر، عوامل درونی - قوت‌ها و ضعف‌ها - و عوامل خارجی - فرصت‌ها و تهدیدات - که صنعت گردشگری روستای خور با آن مواجه است، با استفاده از مدل تحلیلی SWOT ارزیابی شده است. بررسی‌ها نشان داد که در عوامل داخلی ۱۱ نقطه قوت در برابر ۸ نقطه ضعف در گردشگری قرار دارد. مجموع امتیاز نهایی عوامل داخلی برابر با ۲/۶۳۲ می‌باشد، که این بدان معناست که گردشگری روستای خور از نظر عوامل داخلی دارای قوت می‌باشد. در میان عوامل داخلی، عوامل محیطی (۰/۹۱۹) بیشترین تأثیر را دارا می‌باشد و عوامل وجود بافت سنتی (۰/۴۴) و قلعه و خندق (۰/۲) قوت بالاتری دارند. از سوی دیگر، عوامل نامناسب بودن تجهیزات اقامتی و پذیرایی (۰/۱۲۲) و نامناسب

بودن زیرساخت‌های محیطی-کالبدی (۰/۱۲۶) ضعف اساسی در توسعه گردشگری می‌باشد (جدول شماره ۳).

جدول (۳) عوامل درونی گردشگری روستایی

S	قوت	وزن	رتبه	امتیاز
اقتصادی	رونق نسبی باغداری	۰,۰۳۰	۳	۰,۰۹
	وجود مراتع غنی و سرسبز و رونق دامداری	۰,۰۳۸	۳	۰,۱۱۴
	امکانات بالقوه معادن و پتانسیل‌های پرورش دام و شتر	۰,۰۴۳	۴	۰,۱۷۲
اجتماعی	آداب و رسوم و فرهنگ محلی	۰,۰۴۸	۴	۰,۱۹۲
	داشتن مراسم مذهبی و آیینی متنوع	۰,۰۴۲	۴	۰,۱۶۸
	اکثریت جمعیت روستا باسوادند	۰,۰۳۰	۴	۰,۱۲
	احداث خانه بهداشت، مرکز اورژانس ۱۱۵ و مرکز مخابرات	۰,۰۴۰	۴	۰,۱۶
محیطی	وجود بافت سنتی	۰,۱۱	۴	۰,۴۴
	قلعه و خندق	۰,۰۵۰	۴	۰,۲
	خانه‌های تاریخی	۰,۰۴۳	۳	۰,۱۲۹
	وجود جاذبه‌های طبیعی متنوع	۰,۰۵۰	۳	۰,۱۵
W	ضعف	وزن	رتبه	امتیاز
اقتصادی	اکثریت روستائیان تحت پوشش کمیته امداد هستند	۰,۰۶۰	۱	۰,۰۶۰
	ناپایداری درآمد مردم روستا از فعالیت گردشگری	۰,۰۵۴	۲	۰,۱۰۸
اجتماعی	فقدان نهادهای آموزشی برای ارتقاء سطح آگاهی افراد محلی	۰,۰۵۰	۲	۰,۱
	تشدید تضاد اجتماعی بین طبقات مختلف مردم	۰,۰۳۰	۱	۰,۰۳۰
	عدم آگاهی روستائیان از چگونگی کسب درآمد در این زمینه	۰,۰۵۵	۱	۰,۰۵۵
محیطی	نامناسب بودن زیرساخت‌های محیطی کالبدی	۰,۰۶۳	۲	۰,۱۲۶
	نامناسب بودن تجهیزات اقامتی و پذیرایی	۰,۰۶۱	۲	۰,۱۲۲
	رخداد خشکسالی، کاهش منابع آب و خسارت زدن به کشاورزی	۰,۰۴۸	۲	۰,۰۹۶
SW	امتیاز عوامل درونی	۱	-	۲/۶۳۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

در جدول شماره (۴) نیز ۱۲ فرصت در مقابل ۸ تهدید قرار دارد که در میان فرصت‌ها، عوامل اجتماعی (۰/۹۱۶) بیشترین نقش را دارا می‌باشد. پارامترهای تقاضا برای صنایع دستی و فراهم‌سازی مشارکت زنان با ۰/۲۳۴ امتیاز و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با ۰/۲۰۸، بیشترین امتیاز را دارا می‌باشد. در میان عوامل تهدیدزا نیز، عوامل محیطی با ۰/۱۹۵ امتیاز بیشترین اثرگذاری را دارا می‌باشد. با این حال عدم آشنایی روستائیان در

نحوه برخورد با گردشگر (۰/۱۱۶) و وارد آوردن خسارت به باغات و مزارع توسط گردشگران (۰/۱۰۴) که جزء عوامل اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، بالاترین عوامل اثرگذار در میان عوامل تهدید می‌باشد.

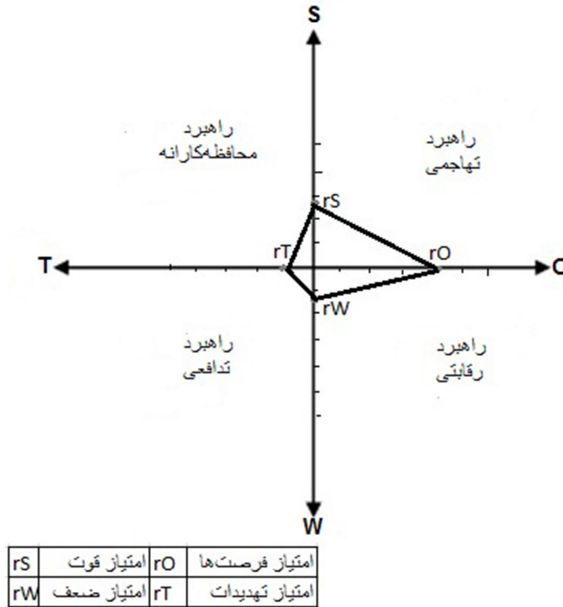
جدول (۴) عوامل بیرونی گردشگری روستایی

O	فرصت	وزن	امتیاز	رتبه
اقتصادی	مستعد بودن روستا برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی	۰,۰۵۷	۳	۰,۱۷۱
	افزایش انگیزه بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری	۰,۰۵۲	۴	۰,۲۰۸
	اعتقاد مسئولان به جنبه اشتغال زایی گردشگری	۰,۰۷۵	۴	۰,۰۳
	ایجاد میدان در ورودی روستا و ارتباط با شهرک بنیاد مسکن	۰,۰۳۱	۳	۰,۰۹۳
	وجود بازار مناسب برای محصولات باغی روستا	۰,۰۳۸	۳	۰,۱۱۴
اجتماعی	وجود حس همکاری و مشارکت بین روستائیان	۰,۰۵۰	۳	۰,۱۵
	وجود شهر خوسف با جاذبه های تاریخی	۰,۰۴۱	۴	۰,۱۶۴
	احداث مجتمع رفاهی خدماتی بین راهی گردشگری	۰,۰۴۴	۴	۰,۱۷۶
	با رشد تقاضای صنایع دستی امکان افزایش مشارکت زنان روستایی فراهم شده	۰,۰۷۸	۳	۰,۲۳۴
	احیاء هنرهای سنتی و دستی	۰,۰۴۸	۴	۰,۱۹۲
محیطی	دسترسی آسان و مناسب به روستا	۰,۰۵۲	۳	۰,۱۵۶
	وجود روستاهای نواغاب، آرک و بیناباد با چشماندازهای زیبای طبیعی	۰,۰۴۱	۳	۰,۱۲۳
T	تهدید	وزن	امتیاز	رتبه
اقتصادی	عدم وجود سرمایه‌گذاری دولتی در روستا	۰,۰۳۸	۱	۰,۰۳۸
	افزایش سوداگری و خرید و فروش زمین	۰,۰۳۲	۱	۰,۰۳۲
	وارد آوردن خسارت به باغات و مزارع توسط گردشگران	۰,۰۵۲	۲	۰,۱۰۴
اجتماعی	ازدیاد تخلقات و ناهنجاریها با ورود گردشگران	۰,۰۳۶	۱	۰,۰۳۶
	عدم آشنایی روستائیان با نحوه برخورد با گردشگر	۰,۰۵۸	۲	۰,۱۱۶
محیطی	آلودگی هوا، آب و خاک	۰,۰۵۰	۲	۰,۱
	بی توجهی به مرمت و بازسازی آثار باستانی	۰,۰۴۵	۱	۰,۰۴۵
	خشکسالی و تهدید منابع آب	۰,۰۵۰	۱	۰,۰۵۰
OT	امتیاز عوامل بیرونی	۱	-	۲/۶۰۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

با توجه به یافته‌های تحقیق، آن گونه که در نمودار شماره (۲) نشان داده شده است، قوت‌ها در میان عوامل درونی و فرصت‌ها در میان عوامل بیرونی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. لذا جهت رونق گردشگری خور در راستای توسعه روستایی باید با استفاده حداکثری از قوت‌ها و فرصت‌ها، به سمت راهبردهای تهاجمی گام برداشت.

نمودار (۲) ماتریس ارزیابی موفقیت و اقدام راهبردی



مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

جهت حداکثرسازی قوت‌های درونی و حداقل‌رسانی تهدیدات بیرونی، می‌توان پیشنهادات زیر را با تأکید بر راهبردهای تهاجمی در جهت رونق گردشگری و توسعه روستایی ارائه داد.

راهبرد تهاجمی (SO)

- ۱- با توجه به این که در برنامه‌های دولتی به نقش مؤثر گردشگری در اشتغالزایی اشاره شده است، لذا سرمایه‌گذاری دولت در این زمینه و ارائه تسهیلات در جهت تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این روستا به رونق گردشگری می‌انجامد؛
- ۲- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان می‌تواند با معرفی بافت تاریخی روستای خور و مرمت و احیاء آن، توجه نهادهای دولتی و خصوصی را به سمت این روستا جلب کند تا زمینه توسعه آن فراهم گردد؛

۳- توجه به صنایع دستی، اشتغال و مشارکت زنان از طریق سرمایه‌گذاری آموزشی و طراحی سازوکارهای جلب مشارکت، تبلیغات در سطح محلی و ملی و برگزاری نشست‌هایی پیرامون زمینه‌های مشارکت زنان می‌تواند به رونق گردشگری و توسعه روستایی کمک کند.

راهبرد رقابتی (WO)

تقویت زیرساخت‌های محیطی - کالبدی و فراهم‌سازی امکانات و تجهیزات اقامتی در روستا.

راهبرد محافظه کارانه (ST)

۱- برگزاری همایش‌ها و نشست‌هایی در جهت احیاء بافت باارزش روستا و توسعه گردشگری روستایی،

۲- با توجه به این که اکثریت روستائیان (۸۱/۲۸٪) باسوادند، می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نحوه برخورد با گردشگران، روش‌های معرفی جاذبه‌ها به گردشگران و راه‌های مشارکت روستائیان در جهت توسعه گردشگری را به روستائیان آموزش داد.

راهبرد تدافعی (WT)

- ۱- استفاده از برنامه‌های تبلیغاتی متنوع برای معرفی جاذبه‌ها و جذب گردشگران،
- ۲- تنوع‌بخشی به امکانات و خدمات گردشگری به منظور جلب رضایت گردشگران،
- ۳- توسعه گردشگری کشاورزی جهت بهره‌برداری مطلوب از باغات و مزارع روستا.

بحث و نتیجه

در این پژوهش با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه در روستای خور، مصاحبه با کارشناسان حوزه گردشگری و تحلیل یافته‌ها مبتنی بر مدل SWOT به بررسی نقش گردشگری در توسعه روستایی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود جاذبه‌های تاریخی و بافت سنتی در روستای خور نقش مهمی در توسعه گردشگری روستایی دارد. به‌طوری که با تکیه بر مدیریت محلی و فراهم‌سازی مشارکت روستائیان بویژه زنان روستایی، می‌توان زمینه جذب گردشگران بیشتری را به روستای خور فراهم کرد.

گردشگری روستایی از جمله در روستای خور بر خلاف سایر صنایع که وابسته به فناوری و صنعت ماشینی می‌باشد، قابلیت جذب نیروی انسانی (کاربر بودن) را داراست و می‌تواند در کنار کشاورزی و نیز توسعه فعالیت‌های تولیدی از قبیل صنایع دستی و ارائه خدمات مورد نیاز گردشگران، باعث بدست آوردن درآمدهای ثانویه برای خانوار روستایی شده و با ایجاد فرصت‌های شغلی متنوع، زمینه را برای رشد و توسعه روستا فراهم آورد. پاتریک و دیگران و لولاف و دیگران نیز گردشگری را عاملی اثرگذار در توسعه روستایی عنوان کرده‌اند و در این راستا بر مدیریت محلی و مشارکت تأکید بسیار دارند (Luloff and et al, 1995: 46; Patrick and et al, 1994: 19). بنابراین می‌توان اذعان داشت که بر اساس دیدگاه‌های نظری مطرح شده پیرامون گردشگری و توسعه روستایی، اگر گردشگری با شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها صورت گیرد، می‌تواند اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مثبتی در توسعه روستایی داشته باشد.

منابع و مأخذ

۱. آسایش، حسین؛ استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۲). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*. ری: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
۲. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹). *آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران*. تهران: اطلاعات.
۳. استانداری خراسان جنوبی (۱۳۹۰). *اطلاعات جمعیتی شهرستان بیرجند* (فایل اکسل). بیرجند: استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه‌ریزی. [چاپ نشده]
۴. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان جنوبی (۱۳۹۰). *طرح بهسازی بافت با ارزش روستای خور*. بیرجند: بنیاد مسکن شهرستان بیرجند. [چاپ نشده]
۵. خانی، فضیله؛ قاسمی، ابوطالب؛ قنبری‌نسب، علی (۱۳۸۸). "بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تأکید بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی". *فصلنامه جغرافیای انسانی*، سال اول، شماره ۴ (پاییز): ۵۱-۶۴.
۶. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲). "توسعه روستایی اهمیت و ضرورت آن در محرومیت‌زدایی". *اندیشه*، سال نهم، شماره ۴۳ و ۴۴ (زمستان): ۲۶۲-۲۷۵.
۷. رضوانی، محمدرضا؛ صفائی، جواد (۱۳۸۴). "گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی". *پژوهش‌های جغرافیایی*، سال سی و هفت، شماره ۵۴ (زمستان): ۱۰۹-۱۲۱.
۸. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ قادری، اسماعیل (۱۳۸۱). "نقش گردشگری روستایی در توسعه روستایی (نقد و تحلیل چارچوب‌های نظریه‌ای)". *فصلنامه مدرس، دوره ۶*، شماره ۲ (تابستان): ۲۳-۴۱.
۹. زنده‌دل، حسن و دیگران (۱۳۸۶). *مجموعه راهنمای گردشگری روستاهای ایران*، ج ۹. تهران: ایرانگردان.
۱۰. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی (۱۳۹۰). *طرح روستای هدف گردشگری خور بیرجند*. اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بیرجند. [چاپ نشده]

۱۱. سنائی، مهدی (۱۳۸۶). "عملکرد و نقش گردشگری در توسعه پایدار نواحی روستایی". پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۱۲. شارپلی، جولیا (۱۳۸۰). گردشگری روستایی. ترجمه رحمت‌الله منشی زاده و فاطمه نصیری، تهران: نشر منشی.
۱۳. شریف زاده، ابوالقاسم؛ مرادی نژاد، همایون (۱۳۸۱). "توسعه پایدار و گردشگری روستایی". ماهنامه جهاد، سال بیست و دوم، شماره ۲۵۱ (خرداد و تیر): ۵۲-۶۳.
۱۴. شهیدی، محمدشریف؛ اردستانی، زهراسادات؛ گودرزی سروش، محمدمهدی (۱۳۸۸). "بررسی تأثیرات توریسم در برنامه‌ریزی نواحی روستایی". پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، سال چهل و یکم، شماره ۶۷ (بهار): ۹۹-۱۱۳.
۱۵. غفاری، رامین؛ ترکی هرچگانی، معصومه (۱۳۸۸). "نقش گردشگری در توسعه اجتماعی-اقتصادی مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری". فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲ (تابستان): ۱۱۳-۱۲۶.
۱۶. لاندبرگ، داندل، ام و دیگران (۱۳۸۳). اقتصاد گردشگری. ترجمه محمدرضا فرزین. تهران: نشر بازگانی.
۱۷. محمدی یگانه، بهروز؛ رستمی، یسرا (۱۳۸۸). "گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه پایدار اقتصادی". در: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی. کرمانشاه: دانشگاه رازی، دانشکده کشاورزی، گروه ترویج و توسعه روستایی: ۱۷۲-۱۸۳.
۱۸. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۱). برنامه ریزی/استراتژیک در کلان‌شهرها. تهران: نشر شهرداری، شرکت پردازش.
۱۹. میرزایی، رحمت (۱۳۸۸). "تأثیر توسعه گردشگری روستایی بر اشتغال در منطقه اورامانات کرمانشاه". فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۴ (زمستان): ۴۹-۷۶.
20. Cukier-Snow, Judith, et al. (2002). "Tourism employment perspectives from Bali". *Tourism Management*, Vol. 14, No. 3. p: 195-201.
21. DOT (1995), "Cultivating rural tourism". *Department of*

- tourism*, AGPS, Canberra.
22. Fleischer, Aliza; Pizam, Abraham (1997). "Rural tourism in Israel", *Tourism Management*, Vol. 14, No. 6. p: 367-372.
 23. Fleischer, Aliza; Tchetchik, Anat (2005). "Does rural tourism benefit from agriculture?". *Tourism Management*, Vol. 26, No. 4. p: 493-501.
 24. Geoldner, Charles; Brent, Richie (2006). *Tourism, principles, practices, philosophies*. New Jersey: John wiley and sons.
 25. Gunn, C. A. (1988). *Tourism planning*. 2n d Ed. New York: Taylor and Francis.
 26. Hampton, Markp; Chrstensen, John (2007). "competing industries in islands, a new tourism approach". *Annals of tourism research*, vol. 34, No. 4. p: 998-1020.
 27. Kuban, D. (1983). Conservation of the historical environment for cultural survival. In: Holod, R and Rastorfer, D. Architecture and community. New York: Aperture.
 28. Luloff, A. E. et al (1995). "Assessing rural tourism efforts in the u.s", *Annals of tourism research*, Vol. 21, No. 1. p: 46-64.
 29. Mansperger, M. C. (1995). Tourism and cultural change in small-scale societies. *Human Organization*, vol. 54, No. 1. p: 87-94.
 30. Mitchell, J. T. (2006). "Conficting threat perceptions at a rural agricultural fair". *Tourism management*, Vol. 27, No. 6. p: 1298-1307.
 31. Neidig, Adam. H. (2006). Rural leaders perception of tourism development in Sun Juan county, Utah: A case stady. Unpublished M.S Thesis in recreation resources management.

- logan: Utah state university.
32. Oppermann, M. (1996). "Rural tourism in southern Germany", *Annals of tourism research*, Vol. 23, NO. 6, pergamon press, USA. Vol. 23, No. 86-102 :1.
 33. Patrick, T. et al. (1994). "Organizing resources for rural tourism development", *Tourism research*, Vol. 19, No. 2. p: 19-34.
 34. Perales, Rosamaria Yague (2002). "Rural tourism in Spain". *Annals of tourism research*, Vol. 29, No. 4. p: 1101-1110.
 35. Sharpley. A, Richard; Vassh. Adrian (2006). "Tourism, farming and diversification: anattitudinal stady", *Tourism management*, Vol. 27, No. 5. p: 1040-1052.
 36. Sonnina, Roberta (2003). For a piece of bread? Interpreting sustainable development througe agritourism in southern Tuscany, Italy. unpublished ph.d dissertation Kansas:university of Kansas, Department of Anthropology.
 37. Woods, Mike (2000). Diversifying the rural economy: tourism development. Available: SRDc, ms. State. Edupublications.

بررسی روند ساخت خط تلگراف مشهد - بیرجند - سیستان و مشکلات آن در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۳ هجری قمری

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۰

علی نجف زاده^۱

محمد حسن الهی زاده^۲

چکیده

خطوط تلگراف یکی از مهم‌ترین و سریع‌ترین وسایل ارتباط همگانی در دوره قاجار بود. با تأسیس تلگراف‌خانه در نقاط مختلف دور و نزدیک، اخبار و گزارش‌ها سریع‌تر مبادله شد و تصمیم‌گیری‌ها و واکنش‌ها سریع انجام گرفت. خط تلگراف در شرق ایران ابتدا در سال ۱۲۹۳ ق. به مشهد رسید و سپس شاخه‌های فرعی آن به سرخس، سیستان و درگز کشیده شد و نقاط مرزی و دورافتاده را به مراکز قدرت متصل کرد. یکی از مهم‌ترین خطوط تلگراف شرق ایران خط مشهد-سیستان بود که در سال ۱۳۲۰ ق. تأسیس شد. ایجاد خط تلگراف از مشهد به سیستان به‌خاطر دوری مسافت و شرایط اقلیمی، مشکلات زیادی داشت. تفاوت نگرش روس و انگلیس نسبت به ایجاد این خط ارتباطی، شکل همکاری حکام قایمات و سیستان از دیگر مسائل پیش‌رو در این طرح بزرگ بود. نحوه تأمین و آماده کردن تیر تلگراف در مسیر خط، تدارک وسایل حمل و نقل، تأمین کرایه حمل و نقل، تعیین محل تلگراف‌خانه و محل اقامت اعضای هیأت سیم‌کشی، عبور از مناطق کویری خراسان و قانات، باتلاق اطراف دریاچه هامون و شیوه محافظت از سیم‌های تلگراف، از جمله مسائل و مشکلاتی بود که در هنگام سیم‌کشی پیش آمد که در این مقاله، مسائل فوق با تکیه بر اسناد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: خط تلگراف، بیرجند، مشهد، سیستان، قاجار.

۱. عضو هیأت علمی تاریخ دانشگاه بیرجند. نویسنده مسؤول. anajaf@birjand.ac.ir
۲. استادیار تاریخ دانشگاه بیرجند. mhelahizadeh@birjand.ac.ir

مقدمه

تلگراف یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباطی در دوره‌ی قاجار بود. از زمان ورود تلگراف به ایران در ۱۲۷۴ ق. که به اهتمام علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه و توسط موسیو کریشش معلم توپخانه از عمارت سلطنتی تهران تا باغ لاله زار ایجاد شد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۸۰۳) به تدریج در مناطق مختلف ایران سیم تلگراف کشیده شد و در رجب ۱۲۹۳ ق. سیم تلگراف زیر نظر هوتوم شیندلر^۱ توسط حیدرعلی خان سرهنگ وارد مشهد شد (صفایی، ۱۳۴۶: ۲۲). افتتاح خطوط تلگرافی فواید سیاسی زیادی برای دربار داشت. فاصله بین تهران و ایالت‌های دور دست را از میان برمی داشت و در ایجاد امنیت نیز تأثیر بسزائی داشت. رؤسای تلگراف‌خانه از طرف شاه موظف بودند وقایع حوزه مأموریت خود را روزانه به تهران گزارش دهند و خط تلگراف برای تظلم دادخواهان نیز وسیله خوبی بود، از این رو رؤسای تلگراف‌خانه در هر محل خبرنگار شاه بودند و نفوذ اجتماعی زیادی داشتند (همانجا).

زمانی که هنوز تلگراف به قاینات کشیده نشده بود، تلگراف‌های بیرجند برای سبزواری مخابره و از آنجا به بیرجند آورده می‌شد. گزارش قرائت یکی از تلگراف‌هایی که از سبزواری برای میر علم خان، امیر قاینات آورده شده برای مردمانی که هنوز از وجود خط تلگراف بی‌بهره بودند در نوع خود جالب توجه است. در روز یکشنبه اول محرم ۱۲۹۵ ق. بعد از ظهر بنا بر رسمی که از قدیم وجود داشت، همه مردم در مسجد عاشورا جمع شدند، خطبه و روضه خواندند و تعزیه‌داری کردند. در آن مجلس، امیر قائنات دو سه تلگراف بیرون آورد که تاریخ صدور آن ۲۳ ذیقعد ۱۲۹۴ ق. و از سبزواری رسیده بود، یکی از معتمدالملک که در جواب امیر قائنات صادر شده بود. یکی هم از حاجی کاظم خان که نوشته بود «دو روز دیگر جواب‌ها را خودم با خلعت می‌آورم» (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۲۸۵). دو دهه پس از این تلگراف، هنوز خط تلگراف به بیرجند نرسیده بود و در سال ۱۲۹۱ م/۱۳۰۸ ق. که کرزن^۲ از خراسان عبور

۱. هوتوم شیندلر از صاحب‌منصبان آلمانی بود که به تابعیت انگلستان درآمد و بعد در ایران بوسیله مخابراتالدوله استخدام گردید و با عنوان «ناظم تلگراف‌خانه مبارکه دولت علیه ایران» به دستور مخابراتالدوله در نهم صفر ۱۲۹۳ ق. از تهران به سمت مشهد حرکت کرد تا مسیر شاه‌رود تا مشهد را برای ایجاد خط تلگراف مطالعه کند. سفر شیندلر از نهم صفر تا دوم رمضان ۱۲۹۳ ش. به طول انجامید و در ۲۰۰ روز تقریباً ۵۵۰ فرسخ طی کرد و خط تلگراف شاه‌رود تا مشهد را به طول ۲۹۰ میل در مدت ۶۸ روز کشید (ییت، ۱۳۶۵: ۳۸۰؛ سه سفرنامه، ۱۳۵۶: ۱۴۷ و ۲۱۱).

Houtum Schindler

کرد خبر داد در سال جاری بین مشهد و جنوب ارتباط تلگرافی نیست، ولی می‌گویند شاید سیمی بین بیرجند و پایتخت کشیده شود (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۴۳) و بالاخره یک دهه بعد از این سخنان کرزن، خط تلگراف مشهد - سیستان کشیده شد. سیم‌کشی خط تلگراف در هر منطقه از ایران شرایط و مشکلات خاص خود را داشت و منطقه شرق ایران شامل قاینات و سیستان موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی متفاوتی داشت و به همین جهت، هنگام سیم‌کشی خط مشهد - سیستان مسائل و مشکلات زیادی پیش آمد. علاوه بر مسائل طبیعی، عوامل انسانی نظیر قدرت‌های بیگانه و حکام محلی نیز مؤثر بودند و از این رو، سیم‌کشی خط مشهد - بیرجند - سیستان با مجموعه‌ای از مشکلات طبیعی و انسانی همراه بود که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله، با تکیه بر اسناد منتشر نشده مرکز اسناد آستان قدس رضوی که با شیوه پژوهش تاریخی و شیوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای فراهم گردید. به صورت توصیفی - تحلیلی مجموعه مسائل و مشکلات فراروی سیم‌کشی تلگراف در مسیر طولانی مشهد - بیرجند - سیستان را مورد بررسی قرار داده است.

سؤالات تحقیق

- ۱- رقابت روس و انگلیس چه تأثیری بر ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان داشت؟
- ۲- موقعیت جغرافیایی و طبیعی، چه مشکلاتی برای ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان ایجاد کرد؟
- ۳- حکام قاینات و سیستان، چه نقشی در ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان داشتند؟

ساخت خط تلگراف مشهد - سیستان

نفوذ روس و انگلیس در ایران دوره‌ی ناصرالدین شاه به اوج خود رسید و هر یک امتیازات مهمی به دست آوردند و درصدد توسعه قلمرو نفوذ در نقاط مختلف ایران بودند. یکی از راه‌های نفوذ روس و انگلیس در ایران تسلط بر خطوط تلگراف بود، زیرا از این طریق علاوه بر درآمد هنگفت، تبادل اطلاعات را نیز به کنترل خود در می‌آوردند.

خط تلگراف مشهد - سیستان از جمله خطوط مهم شرق ایران محسوب می‌شد و ایجاد آن به عوامل داخلی و خارجی بستگی داشت. مهم‌ترین عامل خارجی، سیاست روس برای

نفوذ در سیستان بود. روس‌ها از سال ۱۸۹۱م/۱۳۰۸ ش. نخستین عامل خود به نام رحیم خان را به سیستان فرستادند. ولی وی به دستور حاکم محلی، میرزا علی اکبر خان حشمت‌الملک^۱، به جرم ارتکاب اعمال نامشروع گرفته و شلاق زده شد و اموالش ضبط گردید. سفارت روس در تهران علناً در مورد رحیم خان مداخله کرد و دارایی او پس داده شد و به‌رغم میل حشمت‌الملک همچنان در سیستان زندگی کرد (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۸).

روس‌ها ۸ سال پس از ورود رحیم خان به سیستان در سال ۱۸۹۸م/۱۳۱۶ ق. کنسولی برای آنجا تعیین کردند و این اقدام به‌دلیل عدم وجود اتباع روس در آنجا و نداشتن تجارت یا منافع دیگری (همان: ۳۹۱)، باعث احساس خطر برای انگلیسی‌ها شد. به همین جهت، سایکس^۲ از کرمان رهسپار سیستان گردید که پس از استقرار در آنجا، در اکتبر ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ ق. سفری به بیرجند، مرکز سیاسی مهم شرق ایران کرد. وی پس از بازگشت از بیرجند، کنسولگری انگلیس در سیستان را تأسیس نمود (وین، ۱۳۸۳: ۱۲۰). دو سال بعد آرنولد هانری ساویچ لندور^۳ (۱۳۸۸: ۴۰۸) در ۱۹۰۱م/۱۳۱۹ ق. به بیرجند سفر کرد از رقابت تجاری روس و انگلیس سخن گفت و تأکید کرد روس‌ها به شدت در حال پیشروی به سوی سیستان هستند و نفوذ آنها به خوبی احساس می‌شود. وی درباره بیرجند نیز نوشت باید در اینجاها کنسول‌های انگلیس مقیم باشند. با اوج گرفتن رقابت روس و انگلیس در سیستان، تصمیم احداث خط تلگراف مشهد - سیستان گرفته شد و روس‌ها نقش اصلی را در اتخاذ این تصمیم ایفاء کردند و به‌عنوان مجری این طرح بزرگ انتخاب شدند. روس‌ها در قسمت شمال و شمال شرق ایران نفوذ سیاسی زیادی پیدا کرده بودند و قصد داشتند این نفوذ را از طریق خط تلگراف در شرق ایران تکمیل کنند. ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان به‌وسیله ایران به عنوان بخشی از توافق ایران و روسیه بر سر دریافت وام سال ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ ق. بود و مقرر گردید بخشی از وام برای این هدف صرف و خط به‌وسیله وزارت تلگراف ایران ساخته شود، اما گزارشگران روس برای ارسال پیام، مجاز به استفاده از این خط بودند و این امتیاز متعاقباً

۱. امیر علی اکبر خان حسام‌الدوله دوم، پسر بزرگ میر علم خان حشمت‌الملک که بعد از مرگ پدر لقب وی، حشمت‌الملک به همراه حکومت سیستان و طبرستان به وی داده شد و تلاش زیادی کرد تا حکومت قایمات را به دست آورد. وی در سال ۱۳۳۳ ق. فوت کرد و جنازه اش به مشهد حمل شد (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۷-۱۱۸).

2- sir perce sykes

3- A. Henry. savage. landor

به گزارشگران انگلیسی هم داده شد (Stebbins, 1997 : 185).

انگلیسی‌ها که پیشتر امتیاز خط تلگراف عراق تا هندوستان را به دست آورده و آن را از طریق بوشهر به هندوستان متصل کرده بودند، چندان بی میل به کشیده شدن تلگراف به سیستان نبودند. در سال ۱۹۰۱ م. / ۱۳۱۹ ق. که آرنولد هنری ساویچ لندور از سیستان عبور کرد، هنوز سیم کشی خط تلگراف مشهد - سیستان شروع نشده بود، ولی لندور برای حفظ منافع انگلستان در سیستان پیشنهاد کرد سیم تلگراف و راه آهن به سیستان کشیده شود (لندور، ۱۳۸۸: ۴۱۲).

همچنان که انگلیسی‌ها پیش‌بینی می کردند تصمیم ایجاد خط تلگراف شرق ایران گرفته شد و ایران در سال ۱۳۱۶ ق. به دنبال عملی کردن طرح افتاد. طبق گزارش انگلیسی‌ها در سال ۱۸۹۹ م. / ۱۳۱۶ ق.، رئیس تلگراف ایرانی در مشهد در ماه مارس، دستوری برای راه اندازی یک خط تلگراف جدید از مشهد به بیرجند، دریافت کرد. یک روس به طور مخصوص برای این سمت منصوب شد تا بین مشهد و سیستان خط تلگراف ایجاد کند و به وسیله ژنرال کنسول روسیه در مشهد فردی برای سازماندهی آن فرستاده شد. این خط با پست روسی سرخس تا کاریز، مرتبط بود (Iran political diaries 1881-1965, 1997, V. 1: 618).

دولت ایران نیز دلایلی برای ایجاد این خط تلگراف داشت. برقراری ارتباط با مناطق مختلف و کسب اطلاع از گوشه و کنار قلمرو، یکی از مهم ترین سیاست های دولت قاجار بود. به همین جهت، برنامه ارتباط تلگرافی با نقاط مختلف دور افتاده و مرزی در اولویت بود و ایجاد خط تلگراف سیستان نیز در همین راستا انجام گرفت.

پس از تصویب ایجاد خط تلگراف مشهد - سیستان، فراهم کردن مقدمات اجرای طرح حدود سه سال طول کشید. هاردینگ^۱ در ۳ مه ۱۹۰۱ م. گزارش داد مدیر تلگراف خانه مشهد گفته حکومت مرکزی نسبت به بهترین راه برای ایجاد یک سیم تلگراف تا تربت حیدریه پرس و جو کرد و مدیر پست ایالتی که ترتیب پستی را از بیرجند به سیستان توسعه داد، مصمم به رسیدگی این مسأله بود (همان، ج ۱: 13). هاردینگ هم چنین در گزارش ۴ مارس تا ۱ آوریل ۱۹۰۲ م. ساخت یک خط تلگراف بین مشهد و سیستان به وسیله

دولت ایران را گزارش داد (همان، ج 2: 53) شروع سیم‌کشی خط تلگراف از مشهد به سیستان در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۹ ق. طی مراسمی رسمی در تلگراف‌خانه مشهد آغاز شد. برای این مجلس شاهزادگان، رجال دولتی، ژنرال کنسول‌های روس و انگلیس به صرف شربت دعوت شده بودند (ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۱۴۸). اخبار این مراسم روز ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۹ ق. در مطبوعات با عنوان "تلگراف سیستان" درج شد و اعلام گردید «در این ایام حسب الامر اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خط تلگراف از مشهد تا سیستان دایر می‌شود. لذا در روز ۲۴ ذی‌حجه خیبرالدوله^۱ رئیس کل تلگراف‌خانه‌های خراسان در تلگراف خانه مبارکه مجلسی منعقد کرد و نایب‌الایاله، منتخب‌الملک^۲ کارگزار امور خارجه، جنرال قونسول‌های دولت‌های روس و انگلیس و سایر صاحب منصبان و رؤسای ادارات دولتی از داخله و خارجه در آن انجمن حاضر شدند و پس از صرف چای، شربت و شیرینی جنرال قونسول روس نطقی مفصل بیان کرد.

روزنامه ادب درباره جزئیات مراسم آورده است: امروز که بیست و چهارم ذی‌حجه و چهاردهم عید نوروز است چهار ساعت مانده به غروب مجلسی در تلگراف‌خانه مبارکه منعقد شد و نایب‌الایاله، متولی باشی، کنسول روس، کنسول انگلیس، رؤسای گمرک، بانک و سایر اعیان، اشراف، تجار، جمعی از صاحب منصبان دعوت شدند و شروع به سیم‌کشی خط سیستان شد. ستون اول که نصب شد یک پرده شیر و خورشید به اسم شاه در آن نصب گردید و تمام اعیان خارجی و داخلی با صدای بلند به پادشاه ایران سلامت باد گفتند و کنسول روس شرحی مفصل به شرح زیر بیان کرد:

«حضرات حاضرین در این حوزه محترم که مجتمع برای مهم بزرگ شده‌ایم و آن این است که بر حسب امر اقدس اعلی حضرت همیونی شاه خلد الله ملکه که بوسیله خیریه ممتد سیم تلگراف بلاد بعیده را بمشهد مقدس اتصال می‌دهند این شاهد

۱. میرزا احمدخان خیبرالدوله، رئیس تلگراف خراسان پسر مستوفی فارس، و متولد شیراز بود. خیبرالدوله در ماه مه ۱۹۰۵م. به درخواست سفارت روس به تهران احضار شد (چرچیل، ۱۳۶۹: ۷۴).

۲. میرزا محمد قلی خان منتخب‌الملک متولد حدود ۱۸۴۸م. مدتی نماینده وزارت خارجه در بجنورد بود و برای سال‌های زیادی به عنوان نماینده وزارت خارجه در سیستان منصوب شد. سپس به عنوان کارگزار مشهد منصوب گردید و این پست را تا ماه ۱۹۰۴م. هنگامی که به تهران فراخوانده شد، در دست داشت

(۱۹۹۷، ۱۶۶۵-۱۸۸۱ IRAN POLITICAL DIARIES، ۲: ۶۰۸).

دلیلی است که نتیجه توجه خاطر مآثر اعلیحضرت همایونی شاه سهولت و خیریت و منفعت عامه رعیت و آبادی تمام صفحاتت و خود این مجلس محترم جشن گواه بر این نطق است. پس لازم است که این محضر را مغتم دانسته از صمیم قلب سلامت وجود مبارک اعلی حضرت پادشاه کل ممالک ایران و تمام سلسله عظمی سلطنتی و امتداد دولت و ترقی ایران را از خداوند مسئلت و ادای تبریک نمائیم.

و نیز در این موقع غنیمت بدانیم سلامتی حضرت مستطاب اشرف ارفع اسعد اکرم اتابک اعظم و جنابان مستطابان اجل اکرم وزیر کل ادارات جلیله تلگرافی مخبرالدوله^۱ و وزیر امور خارجه مشیرالدوله و حضرت اشرف ارفع امجد والا شاهزاده نیرالدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان و جناب جلالتمآب منتخب الملك کارگزار اول محترم خراسان و سیستان و جناب فخامت نصاب خبیرالدوله رئیس کل تلگرافات مملکت خراسان و سیستان و نواب والا کنیاز و اچاندزه^۲ که خدمات سابقه ایشان در امتداد تلگرافات در ایران مقبول دولت و امیدواریم که این خدمت پسند دولت علیه افتد و از خداوند می خواهیم» (ادب، شماره ۱۸، سال دوم، ۱۳۸-۱۳۹).

میرزا محمد قلی خان منتخب الملك کارگزار خارجه خراسان با خبیرالدوله رئیس تلگراف خانه خراسان مهمان داران این مجلس بودند که به خوبی مجلس را اداره کردند و جواب نطق پوناقدین^۳ ژنرال کنسول روس و کلنل ترنج^۴ ژنرال کنسول انگلیس را که تبریک گفتند، ادا نمودند (ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۱۴۸).

موزیک چیان هم به زدن موزیک مشغول بودند و مهمانان شیرینی، شربت و عصرانه صرف نمودند و تمام اهالی از کشیدن سیم خط سیستان خوشحال بودند. شاهزاده نیرالدوله، والی خراسان، به واسطه پادرد نتوانست خودشان به تلگراف خانه بیاید و در این مجلس حاضر نبود ولی مراسم شروع سیم کشی خیلی باشکوه آغاز شد (ادب، شماره ۱۸، سال دوم: ۱۳۸-۱۳۹).

۱. حسین قلی خان مخبرالدوله پسر علی قلی خان مخبر الدوله بود که بعد از پدرش در ۱۸۹۷م./۱۳۱۴هـ.ق. به نیابت از وی سرپرست وزارت تلگراف شد (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۶۰-۱۶۱).

۲. روزنامه ادب به صورت قنیاژواجی ناددی نوشته ولی عموماً کنیاز یا کنیاس نوشته می شد.

m.knyaz (Iran political Diaries 1881-1997, V. 2: 608)

۳. m.ponafdien م. پوناقدین جانشین ولانسف اولین سرکنسول روسیه در مشهد، در نهم ژوئیه ۱۸۹۷م./۱۳۱۴ ق.

همراه خانواده اش وارد مشهد شد و تا سال ۱۳۲۲ ق. سرکنسول روسیه در مشهد بود (بیت، ۱۳۶۵: ۲۸۳).

4. colonel trench

به مناسبت این اتفاق مهم شعرای خراسان نیز اشعاری سرودند و با تبریک و تهنیت ماده تاریخ آن را ذکر کردند. حاجی میرزا صبوری، ملک الشعرای آستان قدس، قصیده مفصلی سرود که از شاه و اتابک اعظم یاد کرد و سیم تلگراف را به زنجیر عدل و داد و مخبرالدوله را به جبرئیل تشبیه نمود که پیام وحی را می‌رساند و از خبیرالدوله نیز یاد کرد که این خط را از مرکز خراسان به سیستان کشید. وی درباره سال این واقعه گفت:

ناگاه از آن میانه یکی شد برون و گفت پیوست سیم عدل الهی بسیستان (۱۳۲۰ قمری) (صبوری، ۱۳۴۲: ۵۷۶).

سالک سبزواری نیز شعری سرود و از شاه و اتابک اعظم یاد کرد و مخبرالدوله را نخستین آصف روشن ضمیر قلمداد نمود و اشاره کرد که در زمان حکومت نیرالدوله بر خراسان، خبیرالدوله سعی وافر در محکم ساختن این بنیاد نمود و به حکم شاه به سوی زابل تلگراف کشید. آقا میرزا متخلص به مشکوه نیز در شعر خود مخبرالدوله را وزیر ابن وزیران خواند که سیم به سوی سیستان کشید و درباره تاریخ آن سرود:

گفت مشکوه از پی تاریخ ز اقبال ملک نیمروز امروز شد آباد زین زنجیر عدل (ادب، شماره ۱۸، سال دوم: ۱۳۸-۱۳۹).

مرحله اول: مشهد - خواف

اجرای خط تلگراف مشهد - سیستان در چهار مرحله اصلی انجام شد. مرحله اول از مشهد تا خواف، مرحله دوم از خواف تا قاین و بیرجند که در حوزه حکومت شوکت‌الملک^۱ بود. مرحله سوم از بیرجند تا سربیشه که باز هم در حوزه قلمرو شوکت‌الملک بود و مرحله چهارم از سربیشه تا سیستان که در حوزه حکومت حشمت‌الملک قرار داشت.

مرحله اول که حدود ۵ ماه به طول انجامید در اواخر جمادی الاولی و اوایل رجب ۱۳۲۰ ق. به پایان رسید. روزنامه ادب درباره شهرهای مسیر تلگراف و فواید آن در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۰ ق. به طور مفصل چنین نوشت:

۱. امیر اسماعیل خان شوکت‌الملک اول فرزند میرعلم خان سوم حشمت‌الملک و نوابه خفی دختر میرزا محمدخان نهی که بعد از فوت پدر حکومت قاین را به دست گرفت و منصب و مرتبه او امیر تومانی بود و شوکت‌الملک لقب جدیدی بود که بعد از مرگ پدر به وی داده شد. وی تا سال ۱۳۲۰ ق. که به تهران فراخوانده شد بر قاینان حکومت کرد و بالاخره در سال ۱۳۲۲ ق. فوت کرد (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

«از قرار معلوم به زودی به واسطه مساعی و مجاهدت خبیرالدوله سیم تلگراف دولت ایران که پنج ماه قبل کشیدن آن شروع شده تا سرحد سیستان ممتد خواهد شد و از این خط در مراکز حکومتی جزئی از قبیل تربت، خوف، قاین، بیرجند و سیستان و بعضی قصبات مهم متعلق به آنها که در عرض راه واقع شده‌اند، تلگراف خانه دایر خواهد گشت و بدین وسیله اسباب و وسائل راحتی و امنیت عموم رعایا حاصل و لوازم تسهیل مخابرات فراهم می‌شود» (ادب، شماره ۳۴، سال دوم: ۲۶۹-۲۷۰). خبیرالدوله مجری و مسئول ایرانی این خط بود و روزنامه ادب درباره نقش او نوشت: «انصافاً جناب خبیرالدوله در فراهم آوردن این اسباب خیلی متحمل زحمت و مشقت شده‌اند و با وجود آنکه در وقت حرکت از مشهد آگاه بودیم که حالا مریض و کسل بودند چشمشان هم بواسطه بعضی نزولات بی‌نهایت خسته بود مع ذالک روشنی چشم خود را در خدمت بدولت دیده و توتیای چشم بصر و کحل الجواهر بینائی را از گرد این راه و خاشاک این طریق به دست آورده و در طی این وادی سر از پا نشناخته است» (همانجا). روزنامه ادب سپس شرح تلگراف خبیرالدوله به یکی از محترمین، میرزا فتحعلی خان منشی مخصوص، شده بود، محض آن که هموطنان بدانند تا کدام نقطه می‌توان تلگراف مخابره کرد و در روزنامه درج نمود:

تلگراف جناب خبیرالدوله از خوف

خدمت جناب آقای میرزا فتحعلی خان منشی مخصوص دام اقباله عرض سلام دارم و ظهور الطاف عالی را متشکرم استعلام از سیم کشی خط سیستان فرموده بودید که تا کجا رسیده و چه شده است بحمدالله تعالی بیاری خداوند و از توجهات و همراهی حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد والا ایالت کبری مدظله العالی سیم از مشهد تا روی که پایتخت خوف است تمام است چهار دستگاه تلگراف خانه از مشهد تا خوف معین و برقرار شده باین تفصیل. یک تلگراف خانه و دو دستگاه در بازه (حوض) هور که میانه مشهد و تربت است نصب و برقرار شده و یک تلگراف خانه هم در تربت برقرار شده و یک تلگراف خانه و دستگاه هم در قصبه رشتخوار که فیما بین تربت و خوف است نصب شده و یک تلگراف خانه هم در قصبه روی که پای تخت خوف است، برقرار شده است» (همانجا).

خط مشهد - سیستان بعد از خروج از مشهد همان مسیر خط مشهد - تهران را پیمود تا به برج لنگر، برجی در سمت چپ جاده بین تربت حیدریه و مشهد در فاصله ۶۲ مایلی (۱۰۰ کیلومتری) تربت رسید. در این جا جاده و خط تلگراف تهران از طرف غرب و خط سیستان در امتداد جاده مشهد - سیستان کشیده شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۵۱). خط تلگراف سپس به جلگه رخ می رسید و از کنار اسداباد، روستایی در کنار جاده تربت حیدریه - مشهد در فاصله ۲۸ مایلی (۴۵ کیلومتری) تربت و ۵۵ مایلی (۸۸/۵ کیلومتری) مشهد عبور می کرد (همان: ۷۶). تربت یکی از مهم ترین شهرهای مسیر خط تلگراف مشهد - سیستان بود. تلگراف خانه های بین راه از همان زمان عبور خط، فعالیت خود را شروع کردند. تربت یکی از اولین شهرهای این مسیر بود که خدمات تلگرافی آن آغاز شد. شاهزاده ابراهیم خلیل میرزا رئیس تلگراف خانه تربت طی اطلاعیه ای درباره شروع این فعالیت اعلان کرد هر کس در آن حدود طالب اشتراک است به ایشان رجوع کند (ادب، شماره ۳۴، سال دوم: ۲۷۲).

انگلیسی ها نیز یک سال پس از عبور خط تلگراف از تربت در سال ۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ق. در آن جا کنسولگری تأسیس کردند که دارای یک کنسول، یک تلگرافچی انگلیسی، یک کارمند پزشک، یک کارمند جزء و گروه اسکورت متشکل از ۲۵ سوار هندی بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

خط تلگراف پس از تربت به جای مسیر مستقیم ارتباطی تربت - گناباد - قاین به سوی شرق رفت. یکی از علل این تغییر مسیر وضعیت طبیعی منطقه مرکز خراسان بود. بیابان های بین گناباد - تربت در اواخر دوره قاجار یکی از ناامن ترین مسیرهای خراسان بود و شرایط آب و هوایی گرم و بیابانی این مسیر نیز عبور خط تلگراف را از آنجا سخت تر می کرد. علاوه بر این، امتداد خط تلگراف به رشتخوار و خواف روس ها را به مرز افغانستان نزدیک تر می کرد، زیرا علاوه بر مسائل سیاسی، تجارت روس ها با افغانستان نیز اهمیت خاصی داشت. در رجب ۱۳۲۰ ق. سیم تلگراف تا [روی] که پایتخت خواف بود، امتداد یافت (سپهر، ۱۳۸۶: ج ۱: ۶۲۷). گزارش ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۲ م/ ۱۳۲۰ ق. حکایت از آن دارد که خط تلگراف از مشهد - سیستان به خواف رسید (Iran political diaries 1881-1965, 1997, V. 2: 78).

مرحله دوم: خط خواف - بیرجند

خط تلگراف از خواف به سوی جنوب پیش رفت و به خاطر وضعیت اقلیمی و آب و هوایی سختی‌های خاص خود را داشت. خبیرالدوله در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۰ ق. برخی از مشکلات این قسمت از خط را در تلگراف خود آورد و نوشت: «از خواف به سمت قاین و بیرجند شروع شده، تاکنون سیم به این زحمت و سختی در ایران کشیده نشده چون در هر جای هر سه فرسخ، چهار فرسخ تیر پیدا می‌شود و از خواف تا سیستان تیر پیدا نمی‌شود و اغلب راه بی‌آبادی و آب و باید از خواف تا سیستان که صد و بیست فرسخ است، حمل شود با این حالت تیرها را حاضر کرده مشغول حمل هستند و تیرها هم سرو کوهی است که بادوام زیاد و خیلی محکم و وزین است و با این سختی راه و گرانی اجناس و جمعیت زیاد نگذاشته‌ام یک روز کار معطل و دیناری به احدی تعدی و بی‌حسابی شود» (ادب، شماره ۳۴، سال دوم: ۲۶۹ - ۲۷۰). خبیرالدوله پس از آن با آماده کردن شرایط امتداد سیم کشی از خواف به سوی قاین به مشهد بازگشت و در اواخر جمادی الاولی ۱۳۲۰ ق. از جانب خود محمدحسین خان سرتیپ را به عنوان رئیس تلگراف قاینات روانه بیرجند نمود و برنامه‌های فعالیت او را طی نامه‌ای به شوکت الملک حاکم قاینات نوشت و وعده داد زمانی که سیم به بیرجند رسید از مشهد به بیرجند خواهد آمد.

خبیرالدوله درباره انتخاب محمدحسین خان سرتیپ به عنوان رئیس تلگراف خانه بیرجند نوشت: «جناب سرتیپ را برای بیرجند انتخاب نمود که محل توقف خود را آنجا قرار دهد. چون این بنده دوست صمیمی هستند و با جنابعالی هم سابقه دارند باید خیلی ممنون مخلص باشد که ایشان را معین کرده‌ام. از هر جهت قدر ایشان را بدانید ایشان هم در هر قسم دوستی و فرمان جنابعالی حاضرند و با ایشان مذاکره شده است. قدر این مسأله را خیلی بدانید» (آستان قدس ضوی: سند شماره ۱/۳-۲۵۰). خبیرالدوله اهمیت و مشکلات کار در قسمت قاینات را نیز برای شوکت‌الملک تشریح کرد. در قاین و بیرجند باید پنج شش هزار تیر جهت ستون تلگراف تهیه می‌شد و از شوکت‌الملک خواست دستور دهد زودتر آنها را حاضر کرده و به قیمت مناسب واگذار نمایند تا معطلی برای احداث خط تلگراف پیش نیاید. خبیرالدوله هم چنین تأکید کرده در این باب با جناب سرتیپ باید کمال همراهی شود. وی هم چنین

وعده‌ها و تشویق‌هایی نیز برای همکاری داد و نوشت: «خوب می‌دانید که در این کار بزرگ مهم دولتی هر کس همراهی و خدمت نماید از طرف اولیای دولت همه قسم مرحمت خواهید دید چنانچه تمام حکام تا خواف همه قسم خدمت و همراهی کردند به زودی سیم ممتد شد. البته جنابعالی هم در خاک قلمرو حکم‌فرمایی خودتان همه قسم همراهی و التفات خواهید فرمود». انتخاب سرتیپ محمدحسین خان برای نظارت مستقیم بر این قسمت از خط تلگراف بود و خبیرالدوله علت دیگر انتخاب سرتیپ محمدحسین خان را چنین نوشت: «سرتیپ را به بیرجند روانه نمودم که جنابعالی از هر جهت راحت باشد و امورات آن خط بر عهده ایشان است و البته لازمه دوستی را از هر جهت معمول خواهید فرمود. مخلص هم تا در ارض اقدس هستم هرگونه فرمایش و خدمتی باید مرجوع فرمایند که در خدمت حضرت ایالت کبری و سایر انجام داده اطاعت نمایم» (همانجا).

احمد تلگرافچی از دیگر مسؤولان این طرح و مسؤول تدارک امکانات و پرداخت هزینه‌ها بود. وی در نامه به شوکت‌الملک نوشته با خبیرالدوله رئیس کل ملاقات کرده و سوگند یاد کرد شهدالله تاکنون همه نوع همراهی در عمل سیم‌کشی فرموده‌اند. لازم است که تا آخر هم همراهی فرمایند. یکی از مسائل و مشکلات مهم در این مسیر انتقال چوب از بنی‌آباد به دیگر مسیرهای جنوبی‌تر بود. دو موضوع تهیه شتر و کرایه حمل، از نکات قابل توجهی بود که در مذاکرات به آنها اشاره شده است. احمد تلگرافچی در این زمینه می‌خواست از حاکم قاینات بهره بگیرد و نوشت از قرار معلوم در اطراف بنی‌آباد و مژن‌آباد که در قلمرو حکمرانی جنابعالی است، شتر بسیاری هست و تقاضا کرد تلگرافاً حکمی به آنجا بفرمایند در صورتی که شتر هست ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر شتر تیر از بنی‌باد بیاورند. درباره کرایه حمل چوب نیز نوشت از قرار فرسخی سی شاهی می‌پردازیم. احمد تلگرافچی جهت همراهی بیشتر حکام قاینات تأکید کرد این التفات را برای پیشرفت خدمت به دولت باید بفرمایند. با این که محاسبات کلیه این خط با این بنده است و تلگراف‌خانه را هم به بنده سپرده‌اند هر نوع خدمات و امری باشد در کمال اطاعت برای انجام حاضرم (همان: سند شماره ۲۵۰۲/۲).

یکی از نتایج احداث خط تلگراف ایجاد یک جاده ارتباطی از مسیر خط برای عبور و مرور و سرکشی از آن بود. به همین جهت، یک راه ارتباطی در شرق ایران ایجاد شد که تا آن زمان بی

سابقه بود و قاین را به خواف متصل می کرد. این راه در مسیر خود از روستاهای متعددی عبور می کرد و تلگراف خانه هایی در آنها ایجاد شده بود. سلطان آباد زوزن در جلگه زوزن خواف، روستایی متروک در اواخر دوره قاجار بود که در امتداد جاده ای موازی با خط تلگراف مشهد - سیستان و در فاصله ۴۴ مایلی (۷۰/۸ کیلومتری) قاین و ۲۴ مایلی (۳۸/۵۷ کیلومتری) خواف قرار داشت و به خاطر عبور خط تلگراف حائز اهمیت بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۵۶۳). پس از آن بوهن آباد^۱ روستایی در حد فاصل بین قاین و خواف و در کنار جاده در امتداد خط تلگراف واقع شده بود و اگرچه در ابتدا اداره تلگراف داشت، ولی در سال ۱۹۰۵ م/ ۱۳۲۳ ق. تلگراف خانه آن منحل شده بود و تماس های تلگرافی فقط به منظور تعمیرات خط انجام می گرفت (همان: ۱۷۴). بنی آباد نیز یکی از مهمترین تلگراف خانه های مسیر خواف به قاین بود. محمد تلگرافچی در ربیع الاول ۱۳۲۲ ق. مسؤول تلگراف خانه بنی آباد بود و درباره اثرات مثبت خط تلگراف بر اهالی نوشت از زمانی که وارد بنی آباد شده همه قسم در حق رعیت قاینات حمایت نموده، دنبال دردشان رفته و اگر سایر تعدی نمودند رفع کرده است (آستان قدس رضوی: سند شماره ۷۵۹۴۳/۴-۱). فرخی نیز دیگر روستایی بود که در حد فاصل بین خواف و قاین در کنار جاده کنار خط تلگراف مشهد - سیستان قرار داشت و فاصله این آبادی از قاین ۴۱ کیلومتر بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۶۷۴).

عدم استقبال از مأموران تلگراف در قاین

سیم تلگراف با تلاش هیأت ایرانی و روسی به شهر قاین رسید و مخبرالدوله طی تلگرافی به شوکت الملک از شنیدن خبر رسیدن سیم به قاین و همکاری وی اظهار خوشحالی کرد (آستان قدس رضوی: سند شماره ۳۷۰۷)، ولی با وجود وقوع چنین اتفاق مهمی، در شهر قاین تدارک و استقبالی از مجریان و مسؤولان سیم کشی نشد. حتی نایب الحکومه قاین نیز در شهر نبود تا مقدمات چنین استقبالی را فراهم نماید. احمد، خادم پست خانه قاینات درباره

۱. بوهن آباد یا بهمن آباد کنونی در فاصله ۸۷ کیلومتری قاین و ۶۴ کیلومتری خواف، آبادی در دشتی بین کوه خواجه شاز و کوه کبیر است. آب فراوان داشت و از قناتی تأمین می شد و در اواخر دوره قاجار ۲۰ واحد مسکونی و ۴۰ نفر جمعیت داشت (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

رسیدن سیم تلگراف به قاین در نامه‌ای بدون تاریخ نوشت: «یوم یکشنبه نهم شهر حال سیم دولتی وارد بلده قاین شد» (همان: سند شماره ۲/۲۵۰۶). این عدم تدارک استقبال که شاید تا آن زمان بی سابقه بود، واکنش بسیاری از مسؤولان این طرح بزرگ را برانگیخت. به طوری که خبر آن به تهران نیز رسید و حتی صدراعظم را دچار شگفتی کرد و به طور تلگرافی از اینکه در قاین به مأموران تلگراف جا نداده‌اند اظهار تعجب کرد (همان: سند شماره ۱/۳۷۰۶). محمدحسین خان سرتیپ تلگراف‌خانه بیرجند که عالی‌ترین مقام ایرانی در این مأموریت در قسمت قاینات بود، طی نامه‌ای به شوکت‌الملک حکمران قاینات، ضمن انتقاد به خاطر عدم استقبال اهالی از هیأت وارده به قاین، اعضای این هیأت را چنین معرفی کرد: «روز سه شنبه جناب کنیاز و اچاندازه جهت امتداد خط تلگرافی و یک نفر شاهزاده سرتیپ و یک نفر سرهنگ و مأمورین دیگر وارد بلده قاین شدیم که مأموریت خود را از جهت دیدن خط راه و حاضر نمودن تیر و آذوقه مأمورین و گاریچیان و غیره انجام داده پس از آن عازم بیرجند شوم» (همان: سند شماره ۱/۲۵۰۷). وی درباره عدم استقبال از این هیأت عالی‌رتبه، چنین انتقاد کرد که «چون ترتیب کار در نقطه قاین، به واسطه نبود نایب‌الحکومه و مأمور جنابعالی نقص کلی داشت و انجام این مقاصد، در قدرت رعایای بلده نبود و گفتگوی آنها را بی‌اطلاع جنابعالی صحیح ندانستم. بنابراین روز جمعه هفدهم از بلده قاین به سوی بیرجند حرکت می‌کنیم» (همانجا). این تجربه تلخ در قاین باعث شد تا محمدحسین خان سرتیپ تلگراف‌خانه درباره تدارک ورود به بیرجند تأکید خاصی بنماید و بنویسد و الساعه فردا که یک‌شنبه نوزدهم است خدمت جنابعالی خواهیم رسید و تهیه منزلی که مناسب ورود این بنده و محل تلگراف‌خانه مبارکه باشد متوجه جنابعالی است (همانجا).

سرتیپ تلگراف‌خانه برنامه سفر کنیاز به بیرجند را نیز برای شوکت‌الملک نوشت که روز پنجشنبه قصد بلده بیرجند داشت تا شوکت‌الملک را ملاقات و نقشه سیم را هم ملاحظه نمایند که از کدام مسیر باید کشیده شود (همان: سند شماره ۲/۲۵۰۶) با عزیمت سرتیپ محمدحسین خان به بیرجند مأمورین تلگراف‌خانه و اجزاء در قاین ماندند تا بعد از ورود وی به بیرجند تکلیف آنها معلوم شود (همان: سند شماره ۱/۲۵۰۷).

تأسیس تلگراف خانه بیرجند

بیرجند مهم ترین مرکز خط تلگراف در قطعه دوم بود، زیرا مرکز قلمرو خاندان علم و قاینات محسوب می شد. به همین جهت تأکید خاصی درباره محل تلگراف خانه بیرجند شد. با وجود این اهمیت، در عمل ایجاد تلگراف خانه بیرجند مشکلات محلی داشت. احمد، خادم پست خانه که مسؤول دایر کردن تلگراف خانه بیرجند بود، در نامه به مدیر کل خراسان و سیستان بخشی از این مشکلات را توضیح داد. بر حسب امر دولت، به وی حکم دادند دو سه اطاق جهت تلگرافچی روس ساخته شود و این تلگراف خانه باید در پشت تلگراف خانه ایرانی درست می شد. وقتی وی حسب الحکم، معماری برد و جایی برای تلگراف خانه روس پیدا کرد، کربلانی علی اصغر نامی مانع شد و مدعی بود که این زمین را خریده است و تقاضا می کرد پول مرا بدهند و بعد تلگراف خانه بسازد. احمد، خادم پست مدعی بود در این دستور حکم به خریدن زمین نشده و از مدیر کل خراسان و سیسان تکلیف خواست تا به ریاست کل اطلاع دهد (همان: سند شماره ۲۵۰۳/۱).

از آنجا که ساخت تلگراف خانه وقت زیادی می گرفت و اعضای هیأت سیم کشی در حال ورود به بیرجند بودند، شوکت الملک خانه میرزا قوشیدخان را به زور تخلیه و در اختیار آنان قرار داد. این اقدام زورگویانه حاکم قاینات، خیلی زود به صورت شکایت به گوش نیرالدوله حاکم خراسان رسید. نیرالدوله نیز در ۲ شعبان ۱۳۲۰ ق. طی نامه ای به شوکت الملک او را توبیخ کرد و چنین نوشت:

از قراری که از قاینات شکایت کرده اند خانه میرزا قوشیدخان را به عنف گرفته به اجزای تلگراف خانه داده اید. برای تلگراف خانه می بایست خانه ای باشد که صاحبش به رضایت خاطر اجاره بدهد. حکمی به شما نشده است که خانه مردم را با غرض بگیرید به اجاره بدهید. وانگهی میرزا قوشیدخان خودش تازه عیال اختیار کرده، به آنجا آورده است جهت ندارد که خانه او را از راه غرض بگیرید به تلگراف خانه بدهید. البته خانه دیگر برای اجزای تلگراف خانه معین کرده و خانه میرزا قوشیدخان را بخودش واگذاری و مشارالیه را آسوده نمائید (همان: سند شماره ۳۷۰۸/۱).

احمد، خادم پست به تلاش خود برای ایجاد یک تلگراف خانه ادامه داده بود و برای تهیه

منزل جهت تلگراف خانه «زمانی که سیم وارد بلده بیرجند شود منزلی جهت سر سیم تخلیه نمود و هر کجا خرابی داشت تعمیر کرد و سرهنگ تلگراف خانه در همان منزل اقامت نمود» (همانجا).

مرحله سوم: خط بیرجند - سربیشه

پس از رسیدن خط تلگراف به بیرجند نوبت به ادامه آن به سیستان رسید. طبق گزارش ۲۰ آوریل ۱۹۰۳م/۱۳۲۱ ق. کنسول روسیه با عجله یک خط جدید تلگراف از بیرجند تا سیستان را ترسیم و آن را با حکام محلی عملی کرد و با ۲۰۰ شتر برای فرستادن به نه جهت حمل تیرهای تلگراف از آنجا تا سیستان کمک کرد (V. 1: 104, 1997, Iran political diaries 1881-1965).

تهیه وسایل و تدارک تلگراف مشهد- سیستان به دو شکل انجام گرفت. در بخش اول قبل از ورود به قاینات حمل تیر، سیم و مقره به صورت کنترات به گاریچی‌ها داده شد و محمد گاریچی یکی از کنترات‌چی‌ها بود که مدتی نیز در مسیر قاینات فعالیت کرد. در این قسمت، اداره تلگراف هزینه را پرداخت می‌کردند، اما از زمانی که خط تلگراف وارد منطقه قاینات شد مشکل تازه‌ای به خاطر شرایط اقلیمی و آب و هوایی به وجود آمد. به خاطر فقدان تیر در مسیر خط باید تیرهای تلگراف از نشتیفان^۱ و بنی‌آباد در خواف به قاینات حمل می‌شد و مسافت بسیار طولانی تا سیستان این مشکل را بیشتر می‌کرد. تعداد زیادی درخت کاج در نشتیفان و روستاهای اطراف وجود داشت و به منظور استفاده به عنوان تیر تلگراف خط مشهد - سیستان به کار رفت که قیمت متوسط هر یک از آنها ۲ و نیم قران بود (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۰۲۹). مشکل دوم عدم کارایی گاریچی‌ها در این مسیر کویری بود. در این منطقه کویری مهم‌ترین ابزار حمل و نقل شتر بود. از آنجا که حکام محلی خود بزرگترین شتردارها بودند، مسؤولیت این کار برعهده آنها گذاشته شد. به همین جهت، چون از بیرجند تا سیستان ممکن نبود گاریچی بتواند تیر حمل نماید، این کار بر عهده شوکت‌الملک و حشمت‌الملک حکام قاینات و سیستان گذاشته شد (آستان قدس

۱. نشتیفان یا نشتفون روستایی در منطقه خواف، در دره‌ای در فاصله ده مایلی جنوب شهر خواف که در اواخر دوره قاجار دارای ۳۰۰ واحد مسکونی بود و آب آن از ۵ کاریز تأمین می‌شد. تعداد ۲۳ دستگاه بادی و ۳ دستگاه آسیاب آبی داشت. اکثریت جمعیت آن سنی بودند (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۱۰۲۹).

رضوی: سند شماره ۱-۲۵۰۱/۳).

قبل از عبور سیم تلگراف از بیرجند، مهم‌ترین وسایل حمل و نقل در سیم‌کشی اسب بود و بخش مهمی از فعالیت مسؤولان، تهیه علوفه برای این حیوانات بود. طبق گزارش احمد، خادم پست برای هر اسب در شبانه روزی سه من جو می‌دادند. جو را از جنگل^۱ می‌آوردند ولی این مقدار کافی نبود. وی میزان مصرفی جو را تا ۲۰۰ خروار برآورد کرد و دستور داد مقداری از آن را از کُره^۲ بیاورند (همان: سند شماره ۱/۲۵۰۸). وی انتقاد کرده که با سواره و عمله قدری بی‌قاعده رفتار می‌نمایند (همانجا).

مشکل اصلی این خط تلگراف تأمین چوب و تیرها بود. خبیرالدوله رئیس تلگراف خراسان از مشهد برای مهندس کنیز تلگراف کرد و وی این پیام را برای حاکم بیرجند فرستاد. خبیرالدوله گفته بود باید آنچه گاو و الاغ در بلده قاین ممکن است، آماده کنید که از نشتی‌فان خواف چوب بار کرده سر راه تلگراف بیاورند و تمام مال‌های رعیت خواف را پس فرستند (همان: سند شماره ۲/۲۵۰۸). با همکاری حکام محلی، پیشرفت سیم‌کشی تلگراف تا بیرجند خوب بود. ابوالفتح قاجار در نامه سه‌شنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۰ ق. به بلدیّه بیرجند نوشت: «مأموری که برای آوردن تیر به دهات فرستاده بودند به قریه مسک رسید» (همان: سند شماره ۱/۲۵۱۱). وی ضمن تشکر از شوکت الملک درباره پیشرفت کار نوشت: «از مرحمت عالی تا امروز ۳۹۰۰ تیر تهیه شده است. انشاءالله قدری هم در قریه مسک و چند کلاته دیگر این دو روزه تهیه کرده بعد در بلده بیرجند خدمت سرکار شرفیاب خواهد شد» (همانجا). یکی دیگر از مشکلات سیم‌کشی در مسیر قاینات تأخیر و دیر رسیدن پول بود. ابوالفتح قاجار در این باره نوشته بخشی برای نرسیدن پول معطل شده و الا کارها همه در تحت انتظام است. آن هم انشاءالله با ورود به بیرجند پول خواهد رسید و برای رعایا و غیره فرستاده خواهد شد. تهیه تدارکات توسط مأموران تلگراف به تنهایی انجام نمی‌گرفت بلکه باید مأموران و سربازانی از سوی حکومت در اختیار هیأت و تهیه کنندگان تیر قرار می‌گرفت. ابوالفتح خان قاجار از شوکت الملک تقاضا کرد چند نفر مأمور معین نمایند و حاضر باشد تا رسیدن وی ترتیب کارها را داده، فوراً برای روانه کردن تیر و حمل به سر راه رفته، مشغول باشند و درباره نقش سربازان

۱- (۵۰ کیلومتری جنوب غربی رشتخوار).

۲- (۲۰ کیلومتری غرب قاین).

در این تدارکات نیز نوشت: «چون تاکنون تیر تهیه شده دیگر محتاج به احضار سرباز نیست» (همانجا). تهیه تیر تلگراف برای خط بیرجند - سیستان آن قدر حائز اهمیت بود که از سوی بالاترین مقام اجرایی کشور، اتابک اعظم یا صدر اعظم نیز به شوکت الملک دستوری صادر شد. اتابک اعظم دستور داده بود ۵۰۰ نفر شتر برای حمل تیر تلگراف تهیه نمایند و برای هر شتری دو تومان کرایه داده شود. شوکت الملک گوشه‌ایی از فعالیت‌هایش را در جواب اتابک اعظم چنین نوشت:

«مکرر شرح خدمات اهالی در این سیم‌کشی دولت بعرض رسانیده و خاطر مبارک کاملاً مسبوق است که دیگر محتاج به عرض و جسارت نیست. با این تفصیل، هر شتری که حامل دو حلقه ستون تلگرافی است هشت تومان زیاده‌تر کرایه‌بندی و معمول شده است. ۵۰۰ نفر شتر در این قرار ۴۰۰۰ تومان کرایه می‌شود. ۱۰۰۰ تومان از طرف دولت مرحمت می‌شود. چون اهالی این ولایت بواسطه قحطی دیگر جانی برای اینها نمانده که چاکر بتواند مجدداً تحمیلی بر آنها نماید، خود چاکر متحمل این تفاوت خواهد شد و بطوری که امر و مقرر فرموده‌اند تهیه دیده، به‌زودی شتر را روانه خواهد نمود که مشغول حمل تیر تلگراف شود و بقدری که مقدور این چاکر جان‌نثار است در خدمتگذاری و جان فشانی در همراهی دولت ابدمدت ابداً قصور نخواهد شد» (همان: سند شماره ۲۵۰۹/۱).

با این تدارکات، تأخیرهای جزئی نیز در اجرای سیم‌کشی وجود داشت. به‌طور مثال در نامه‌ای به شوکت‌الملک آمده: «دور بلده فعلاً کار جهت چوب که باید از بیابان بیاورند قدری معطل است. باید از بیابان بیایند و چوب بیاورند» (همان: سند شماره ۲۵۰۶/۲). مجریان بر این عقیده بودند که حکام قایمات و سیستان باید این مسیر را بین خود تقسیم کنند. یکی از مسؤولان سیم‌کشی در این باره نوشته: «سعی سرکار و سرتیپ و کمترین غلامان هم اینست که انشاء الله راه را از بنی‌آباد تا سیستان دو قسمت نموده یک نصف با کارگزاران شوکت‌الملک و نصف دیگر با حشمت‌الملک باشد» (همانجا).

در تلگرافی دیگر قبل از این که سیم به بیرجند برسد به نقل از تلگراف خیبرالدوله نوشته شده: «از اینجا تا سیستان هم که با دو سرکار بندگان اجل اعظم است» (همان، سند شماره

۲/۸/۱۲۵۰). مهندسین سیم‌کشی نیز این راه را پس از بررسی تقسیم کردند. در نامه حشمت السلطان به شوکت‌الملک، در ۱۳ محرم الحرام ۱۳۲۲ ق. نیز به این مسأله اشاره شده که سرتیپ جهت تقسیم راه سیم از قریه بنی‌آباد تا سربیشه راه را سنجیده‌اند که باید مخارج سیم تلگراف خانه با کارگزاران شوکت‌الملک و از سربیشه تا سیستان با کارگزاران حشمت‌الملک باشد. سرتیپ هم در این کار خیلی ساعی بود که بلکه یک نوع خدمت را جهت شوکت‌الملک کرده باشد (همان: سند شماره ۱/۲۵۰۶).

یکی از علل واگذاری این قسمت از کار به حکام قایمات و سیستان مشکلات تأمین وسایل حمل و نقل بود. در نامه خبیرالدوله به شوکت‌الملک تأکید شده تیر باید از بیرجند تا سیستان حمل شود بر ذمه جنابعالی و جناب حشمت‌الملک است که باید با شترهای خودتان حمل نمائید. این نامه نشان می‌دهد این اقدام گریز ناپذیر بود ولی برای هزینه آن دو پیشنهاد و راهکار وجود داشت: یا شوکت‌الملک و حشمت‌الملک تیرها را از بیرجند تا سیستان حمل نمایند و کرایه آن را به دولت پیشکش کنند یا در مقابل این خدمت، دستمزد بخواهند. در این صورت، بر عهده خبیرالدوله بود که وجه را گرفته و برساند. در این صورت، هزینه حمل تیرها باید محاسبه می‌شد. به هر قسم که به گاریچی‌ها کرایه داده بودند برای آنها هم به دهند و با شتر حمل نمایند. ولی خبیرالدوله توصیه کرد حکام قایمات و سیستان تیرها را با شترهای خودشان حمل کنند و کرایه را پیشکش دولت نمایند که این کار «همه قسم نیک نامی و افتخار در دولت حاصل نماید» (همان: سند شماره ۱-۱/۲۵۰). به نظر وی این کار نتایج خوبی داشت و تفصیل آن را به محمدحسین سرتیپ گفته بود که محرمانه به شوکت‌الملک بگوید و قرار بود تفصیل را سرتیپ بگوید. وی به شوکت‌الملک پیشنهاد کرد زودتر اقدام نماید، زیرا اعتقاد داشت برای وی کار مشکلی نیست و خیلی بهتر است با داشتن شتر زیاد زودتر اقدام نماید. علت پیشنهاد خبیرالدوله به شوکت‌الملک این بود که در آن زمان در تهران مذاکراتی درباره وی می‌شد و باید وی به قسمی رفتار می‌کرد که نیک نامی حاصل گردد و از این بهتر کاری نمی‌شد تا خیلی دسائس رفع شود (همانجا).

درباره حمل سیم حکمی نیز به نایب سربیشه نوشته و تقاضا شد «سی چهل شتر جهت حمل سیم‌های بیرجند از هر جا هست تهیه شود» (همان: سند شماره ۱/۲۵۱۰). بالاخره

تلگراف به سربیشه در ۱۲ فرسنگی بیرجند رسید. طبق گزارشی در ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م. خط تلگراف جدید به سربیشه رسید (Iran political 1881-1965, 1997, V. 2: 107). این خبر را روزنامه ایران در پنجشنبه هفتم ماه ذی القعدة الحرام ۱۳۲۰ ق. اعلام کرد که دستگاه تلگرافی در آنجا نصب شده و عامه اهالی از این نعمت و موهبت کمال شکرگزاری و مسرت را دارند (ایران، شماره ۱۰۲۹، ۴).

برای مسیر جنوب سربیشه نیز از شوکت‌الملک خواسته شد همکاری نماید. خبیرالدوله در ۱۹ محرم ۱۳۲۱ ق. طی تلگرافی از شوکت‌الملک خواست با عجله شتر بفرستد، تیر را از بنی‌آباد حمل نمایند تا کار سیم‌کشی بیش از این معوق نماند و درباره کرایه هم نوشت هر قسم قرار کرایه را بفرومائید انجام می‌شود. وی درباره فواید سیاسی آن نیز قید کرد «هر چقدر زودتر این خدمت انجام شود مایه روسفیدی جنابعالی در خاکپای مبارک همایونی روحانفاده و امتنان جمعی خواهد شد و نتیجه‌های خوب دارد. منتظرم زودتر شتر حاضر و این کار انجام شود» (آستان قدس رضوی: سند شماره ۹۱۸۵/۳۱) پس از این که مقرر شد برای شترهای کرایه به دهند خبیرالدوله درباره کرایه شتر هم یادآور شد «در صورتی که مخبر الدوله امر فرموده‌اند هر قسم خود جنابعالی کرایه را معین فرمائید التفات خواهند نمود دیگر جای حرفی باقی نمی‌ماند» (همانجا).

تصمیم‌گیری درباره کرایه شترهای حامل تیر تلگراف برای این طرح عظیم فراتر از مسأله ایالتی بود و به همین جهت، مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف در ۲۱ محرم ۱۳۲۱ ق. تلگرافی به بیرجند مخابره کرد و برای رفع نگرانی شوکت‌الملک بابت همکاری و کرایه شترها توضیح داد که «مقصود از احکام دولتی که بر عهده جنابعالی در خصوص عمل شتر و حمل تیر صادر شده این نیست که کرایه و مخارج آن را از خودتان بدهید بلکه هر چه وجه کرایه معمول آن است و خود جنابعالی بفرومائید که چه مبلغ است تا دینار آخر داده می‌شود و در این زمینه از وی تشکر کرد» (همان: سند شماره ۲۵۶۸/۱).

هم‌چنان که از محتوای بیشتر تلگراف‌ها و نامه‌های باقی مانده در این زمینه برمی‌آید، هزینه‌های حمل و نقل یکی از مهم‌ترین مشکلات این سیم‌کشی طولانی بود. نمونه‌ای از این مشکلات پرداخت ۷۰۰ تومان توسط محمدحسین خان سرتیپ تلگراف‌خانه بیرجند به

محمد گاریچی بود. شوکت‌الملک ۱۰۰۰ تومان به محمد گاریچی داده بود و وقتی این رقم را از خبیرالدوله، رئیس تلگراف خراسان خواست طی تلگرافی در ۱۹ محرم ۱۳۲۱ ق. سخت مورد انتقاد قرار گرفت. خبیرالدوله تلگراف وی را خیلی مایه حیرت و تعجب دانست، زیرا وی را آدم درست، درستکار و قاعده‌دان می‌دانست و انتظار چنین اظهار نظری نداشت و در این باره اشاره کرد اولاً در باب ۷۰۰ تومان که توسط محمدحسین خان سرتیپ به محمد گاریچی داده‌اید، جنابعالی نباید دیناری بدهید و اگر هم می‌دادید باید به حواله کرد بنده یا حواله ایالتی باشد. خبیرالدوله از وی انتقاد کرد که بدون اطلاع همه ۱۰۰۰ تومان به محمدحسین خان دادید. ۳۰۰ تومان آن که خرج اداره کرده بود، فوراً نقد داده شد و به جنابعالی رسانیدند. ۷۰۰ تومان که به محمد گاریچی داده شده چون بدون اطلاع و حواله بنده بوده، بنا شد از سرتیپ تلگراف‌خانه دریافت دارید و از او مطالبه نمائید. سبحانقلی خان سرتیپ ضمانت این پرداخت را نمود که محمد گاریچی یا ۷۰۰ تومان را بدهد یا گاری‌ها را تسلیم نماید. وی پیشنهاد کرد به موجب ضمانتی که نموده گاری‌ها را باید تسلیم گماشتگان شوکت‌الملک نمایند و گاری‌ها حاضر بود که تسلیم نمایند و ضمانت نامه او را مسترد دارند. شوکت‌الملک به خبیرالدوله نوشته بود محمد گاریچی ۱۰۰۰ تومان از رعایا جنس گرفته و قیمت آن را نداده است. خبیرالدوله نیز در جواب، اظهار بی‌اطلاعی کرده و نوشت: «بنده ابداً مطلع نیستم و محمد گاریچی اجزای اداره نبوده است. آدمی است گاریچی و کرایه بگیر. سیم، مقره و تیر به مبلغ معین کنترات نموده و تمام و کمال کرایه خود را گرفته است. علاوه بر کرایه محض رعایت حال او ۲۰۰ تومان هم انعام به او داده شد، جز کرایه حق دیگری به اداره ندارد چون تا دینار آخر گرفته شده است» (همان: سند شماره ۱ و ۳/۹۱۸۵). خبیرالدوله درباره پیامدهای این گونه رفتارها به تمهیدات خود اشاره کرد که مکرر به شوکت‌الملک و کنیازه تأکید نمود که ممنوع نمایند کسی به او قرض ندهد و اگر کسی قرض بدهد مربوط به اداره تلگراف‌خانه نیست. خبیرالدوله در این زمینه دستور داد در این صورت اگر بدهی به رعایا دارد امر و مقرر فرماید او را نگاهدارند و از او حتماً دریافت کنند. وی برای پرداخت بدهی‌های محمد گاریچی نیز نوشت حدود ۲۰۰۰ تومان گاری دارد بفروشد بدهی مردم را بدهد آنچه مخارج اداره شده از بابت قیمت تیر و غیره بر عهده بنده است که تا دینار آخر می‌رسانم ولی اعمال محمد

گاریچی به ما مربوط نیست آنچه تیر و غیره داده شده حساب نمایند. هر مبلغ که مسیو کنیاز می نویسد صحیح است. خیرالدوله اظهار امیدواری کرد که اجزای تلگراف خانه دیناری بی حسابی به احدی ندهند و خطاب به شوکت الملک نیز نوشت «خود جنابعالی را در این عرایض منصف قرار می دهم. محمد گاریچی شاید ۱۰۰۰۰ تومان از رعیت می گرفت به اداره چه ربطی دارد» (همانجا) و دستور داد امر فرماید تا دنیار آخر از او بگیرند.

همکاری شوکت الملک در سیم کشی تلگراف به قاینات علی رغم مشکلات مالی خوب بود و باعث شد از وی تقدیر شود. تلگرافی توسط کنیازه و اچنادزه برای شوکت الملک نوشته شد و از بذل همراهی و... همدستی و مساعدتی که در خصوص عمل سیم کشی این خطه، که از خدمات بزرگ دولت بود، ابراز امتنان و خوشنودی شد و از اثرات آن گفت که در حضور شاه و دولت خیلی به طور شایسته جلوه خواهد کرد که مورد تمجید و تحسین واقع گردید و پیش بینی کرد که کارها قریب به اتمام است همین قسم ملاطفت و همراهی نماید که جلوه آن بهتر و کامل دیده شود (همان: سند شماره ۲۵۶۸/۱).

اتابک اعظم نیز در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۱ ق. تلگرافی درباره فراهم کردن وسایل تلگراف برای شوکت الملک ارسال کرد (همان: سند شماره ۷۳۳۰۹/۱). با وجود تأکیدهای زیاد درباره هزینه سیم کشی تلگراف، سوء استفاده هایی کلی نیز در هزینه ها وجود داشت. خیرالدوله در ۲۲ شوال ۱۳۲۱ ق. به شوکت الملک نامه ای نوشت و از نامه ای یاد کرد که در اواخر سال قبل از طریق پست خراسان، جهت عین الدوله صدراعظم توسط وی ارسال شد و محتوای آن درباره وجه تیر و سیم تلگراف بود. خیرالدوله این بار از شوکت الملک پرسید: «در باب وجه تیر و سیم تلگراف ندانستم با جناب مخبرالدوله چه کردید بکلی صرف نظر کردید یا نه؟ هرگاه میل خاطر مبارک باشد روغن ریخته وقف امامزاده کنید» (همان: سند شماره ۳۷۴۶/۲). اما در صورت درخواست آن وجه، پیشنهاد داد تفصیل را به عین الدوله بنویسد و خیرالدوله را وکالت دهد و اسناد آن را بفرستد تا از مخبرالدوله مطالبه نماید. خیرالدوله درخواست کرد آنچه اسناد دولتی حواله جات جناب اتابک قبض رسید تلگراف خانه است، بفرستد، زیرا از نظر وی دولت از این معامله اطلاع ندارد. وی در پایان علیه مخبرالدوله نوشت: «چرا باید مخبرالدوله بخورد؟» (همانجا).

مرحله چهارم: سرپیشه - سیستان

هر چه خط تلگراف به سوی جنوب پیش می‌رفت مشکلات آن بیشتر مشخص می‌شد. ابراهیم تلگرافچی در گزارشی به شوکت‌الملک نوشته این فدوی چند روز است وارد شده به واسطه مشغله زیاد و مخابرات تلگرافی، محروم از عرض حال و شرفیابی شده به موجب این عریضه برای همه قسم خدمتگزاری حاضر و امیدوارم خادم باشم نه خائن. هر وقت هم رأی مبارک اقتضا فرماید شرفیابی حاصل کند. در قسمتی از این نامه عدم همراهی حکام و نیروهای محلی بازگو و انتقادهایی شده است. یکی از این موارد، عدم همکاری نایب‌الحکومه نه با مهندس کنیاز بود. کنیاز وارد نه شد و پانزده نفر شتر زیر بار داشت که از سیستان همراه خود آورده بودند و در نه مرخص کرد و به جای آنها، از نائب نه درخواست شتر نمود. با وجود اینکه مسیو کنیاز کرایه هم می‌داد حاکم تمکین نکرده و شتر برایش راه نینداخت. نمونه دیگر، عدم همراهی ده سلمی‌ها بود. ده سلمی هم تیرهایی که برده بودند در ده سلم ریختند و به سیستان نبردند. کنیاز از طریق ابراهیم تلگرافچی از شوکت‌الملک تقاضا کرد دو تلگراف یکی به نائب نه مخابره کند که پانزده نفر شتر بدهد و تلگراف دیگری برای ده سلمی‌ها مخابره کند که تیرها را حمل کنند تا وی زودتر حرکت نماید (همان: سند شماره ۷۰۶۱۹).

کنیاز نیز از نه به شوکت‌الملک تلگراف کرد و درباره کرایه شتر برای حمل تیر سؤال نمود و نوشت: «از تهران به اینجانب حکم شده که برای فراهم نمودن شتر و حمل چوب از بنی آباد با جنابعالی گفتگو نمایم» (همان: سند شماره ۲۵۶۸/۱). وی در تلگراف نوشت «۱۰۰۰ نفر شتر از خاک قاینات برود از بنی‌آباد چوب برای خط سیستان حمل نماید» (همانجا) و از وی خواست هر چه قدر کرایه ۱۰۰۰ نفر شتر می‌شود، معین نموده اطلاع بدهد تا به تهران اطلاع داده شود و الا طوری رفتار خواهند فرمود که نیک نامی و صرفه دولت هم منظور گردد. تأمین این تعداد شتر برای بخش‌های اقتصادی نیز زیان بار بود، زیرا برخی از شتردارها در انتقال کالا نقش اساسی داشتند و برای فرار از بیگاری حکومت محلی، تدابیری تازه ای اندیشیدند. طبق گزارش ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م، ۱۳۲۱ ق. زمانی که به وسیله کنسول روس ۱۰۰۰ شتر نشان‌گذاری و با دستور نماینده حکومت به نه فرستاده شد. این امر سبب گردید تعدادی از تاجر از ترس توقیف شترانشان به کویته فرار کنند (1997, V. 2: 107). (Iran political diaries 1881-1965).

خط تلگراف در ۲۴ مارس ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. به نه رسید و یک تلگراف خانه آنجا باز شد. انگلیسی ها احتمال دادند خط قبل از رسیدن به نصرت آباد تأخیر داشته باشد. گفته می شد مهندسین روسی راهی تا سیستان طرح کردند که خط را دوبرابر طولانی می کرد. آنها برای این کار دو جاده داشتند: یکی از هامون که بیشتر باتلاق بود دیگری از مسیر دورتر از واحه علی آباد و ماده (از روستای پلنگ کوه) تا سهوک و از آنجا تا مرکز سیستان. برآورد کردند این خط تا نیمه ماه مه به نصرت آباد نرسد (همان، ج ۲: ۱۱۵).

در مقابل شوکت الملک که بر سر هزینه چانه زنی هایی داشت، حشمت الملک حاکم سیستان همکاری جدی با مهندسین تلگراف نمود. طبق گزارش ۱۳ اکتبر ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. امیر سیستان دستور داد از جیب خودش هزینه تأسیس خط تلگراف از قاین تا سیستان را پرداخت کنند و او به عنوان اولین قسط، ۲۰۰۰ تومان برای میلیر^۱، کنسول روسیه در سیستان فرستاد (همان، ج ۲: ۱۳۵). همگام با امتداد خط تلگراف تلگرافچی های ایرانی، روسی و انگلیسی هم در مسیر مستقر شدند که تلگراف های آنها در سال های اولیه گزارش های مستندی از یک طرح عظیم است. کوپر تلگرافچی انگلیسی مستقر در شوسف در ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. گزارش داد که مهندسین روسی سازنده تلگراف خط بیرجند - سیستان در ۳۱ اکتبر ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۱ ق. وارد شدند و گفتند انتظار دارند خط تلگراف در ۲۰ نوامبر به بندان و در ۱۰ دسامبر لب برینگ برسد، اما هامون همچنان یک مانع بود و نمی شد اظهار نظر کرد چه زمانی تا نصرت آباد تمام می شود (همان، ج ۲: ۱۸۹). خط تلگراف هر چه به سیستان نزدیک تر می شد با مانع طبیعی جدی تری برمی خورد. در دسامبر ۱۹۰۳ م. به لب برینگ رسید، اما قبل از اینکه بتواند از وسط هامون عبور و به نصرت آباد برسد، مقداری با تأخیر مواجه شد (همان، ج ۲: ۱۹۸). براساس گزارش ماه دسامبر ۱۹۰۳ م. تلگراف مشهد - سیستان به کناره غربی هامون رسید و مهندسین روسی امیدوار نبودند که آن را به سادگی به اتمام برسانند، چون هامون اکنون یک مانع جدی بود (همان، ج ۲: ۲۰۴).

سپس در ماه مه ۱۹۰۴ م. / ۱۳۲۲ ق. یک پیام تلگراف روسی از بیرجند رسید و رئیس

1. M. Miller

لندور سیاح انگلیسی از میلر قونسول روس در سیستان بسیار تعریف کرده او را مردی لایق و با هوش معرفی نموده که چند زبان را به خوبی صحبت می کرد و مأمور قابلی برای دولت متبوع خود بود (لندور، ۱۳۸۸: ۳۹۹).

تلگراف آنجا گفت دستورات برای ساخت دریافت کرده است (همان، ج ۲: ۲۳۲). بالاخره طبق گزارش ژانویه ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. خط تلگراف در ۲۱ دسامبر ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. کامل شد و در آن تاریخ یک تلگراف خانه در شهر نصرت آباد افتتاح گردید (همان، ج ۲: ۲۹۹). بدین ترتیب یکی از مهمترین خطوط تلگرافی ایران به طول ۶۰۸ مایل (۹۸۷ کیلومتر) کشیده شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۹۴۳).

کنترل روس ها بر خط تلگراف مشهد - سیستان

خط تلگراف مشهد - سیستان طبق برنامه روس ها آغاز و توسط مهندسین روسی احداث شد. مسیو کنیاز واجنادزه مسؤول اصلی ساخت و بهره‌برداری از آن بود. طبق گزارش ۲۰ آوریل ۱۹۰۳ م. ۱۳۲۱ ق. کارگزار خارجه خراسان، خط مشهد - سیستان کاملاً تحت سرپرستی روس ها بود (Iran political diaries 1881-1965, 1997, V. 2: 104). تلگرافچی روس تمام این خط تلگراف را کنترل می کردند. روی مرکز خواف از سال ۱۳۲۰ ق. که خط تلگراف مشهد - سیستان از آن عبور کرد، اهمیت خاصی در شرق ایران یافت و یک تلگرافچی روس در آنجا مستقر شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۴۰۹). کنیاز واجنادزه مسؤول اصلی خط، بیشتر اوقات در خواف اقامت داشت تا بالاخره در سال ۱۳۳۸ ه.ق. در همان جا درگذشت.^۱

هر چه خط تلگراف مشهد - سیستان تکمیل تر می شد استخدام و به کارگیری تلگرافچی ها بیشتر می شد و روس ها جایگاه مهمی در بین این نیروها داشتند. طبق گزارش ۸ اگوست ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. دو تلگرافچی تازه روس به مشهد رسیدند. یکی برای بیرجند و دیگری برای اقامت در مشهد انتخاب شدند (Iran 1881-1965, 1997, V. 2: 237, political diaries). مکفرسون از یک افسر تلگراف ایرانی شنید یک بازرس روس برای کنترل فعالیت های خط خواف - سیستان منصوب شده است (همان، ج ۲: ۳۶۲). در گزارش ۳ اکتبر ۱۹۰۴ م. ۱۳۲۲ ق. نیز آمده برای کنترل ایستگاه های خط تلگراف

۱. روزنامه رعد در ۲۷ شوال ۱۳۳۸ ق. ۲۳/ سرطان ۱۲۹۹ ش. خبر داد کنیاز واجنادزه مهندس سیم سیستان که در خواف مقیم بود و قریب چهار ماه مبتلا به سینه درد و امراض دیگر شده بود، دیشب فوت نمود. صاحب منصب دولت فخمیه در منزل مشارالیه قراول گذارده است (رعد، شماره ۷۷، سال یازدهم: ۱).

مشهد - سیستان برای خط جنوب خواف یک بازرس جدید روسی منصوب شد و بازرس اول متصدی ایستگاه‌های مشهد - خواف باقی ماند (همان، ج ۲: ۲۴۵). کنترل روس‌ها بر این خط با سوء استفاده‌های مالی نیز همراه بود. مکفرسون^۱ در نوامبر ۱۹۰۵ م. گزارش داد که یک مسؤول تلگراف ایران در مشهد، بودجه‌ای برای بازرس روس فراهم کرد تا خط را تعمیر کند. همچنین اطلاعاتی از بیرجند دریافت می‌شد که کارکنان تلگراف ایران، موظف به کمک به این پروژه بودند. یک ماه بعد مکفرسون کشف کرد بودجه تعمیرات، توسط مقامات ایرانی خرج نشده بلکه توسط ژنرال کنسول روسیه در مشهد خرج شده است. مقامات روسی بعد از آن برای نگهداری خط و دستورات صادر شده برای مسؤولان تلگراف ایرانی در دفاتر تلگراف خانه پاسخگو بودند (Stebbins, 1997: 185). نگهداری این خط تا زمان انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ م. در اختیار روس‌ها بود. این کنترل از همان ابتدا مشهود و از نظر انگلیسی‌های حاضر در خراسان، مهم بود. این خط تلگراف، قرار بود علاوه بر روس‌ها مورد استفاده ایرانی‌ها و انگلیسی‌ها قرار گیرد. در گزارش سال ۱۹۰۴ م./ ۱۳۲۲ ق. انگلیسی‌ها، آمده خط مشهد - سیستان صرفاً مقاطعه ایرانی است و تلگرافچی‌های روسی و انگلیسی نیز ممکن است استخدام شوند و یک کارمند روسی نیز استخدام شد. این خط جزو سیستم دولتی ایران بود و در اواخر دوره قاجار در حدود ۱۵ نفر کارمند روسی در طول خط مشغول به کار بودند که مسؤولیت تعمیرات و راه‌اندازی آن را به عهده داشتند، اما پس از جنگ جهانی اول، در مسیر خط تربت حیدریه، بیرجند و نصرت‌آباد عمدتاً تلگرافچی‌های انگلیسی مستقر شدند (کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰: ۹۴۳).

نفوذ روس‌ها نه تنها در خط مشهد - سیستان بلکه در کل شبکه تلگرافی خراسان بود و به‌طور پنهان با انگلیسی‌ها در زمینه نفوذ بر مدیران تلگراف خراسان رقابت می‌کردند. کنیاز وچنادزه نیز در این رقابت نقش مهمی داشت. به‌طوری که نفوذ وی منجر به خلع خبیرالدوله رئیس تلگراف خراسان در سال ۱۹۰۵ م./ ۱۳۲۳ ق. گردید. خبیرالدوله را در ماه مه ۱۹۰۵ م./ ۱۳۲۳ ق. به درخواست سفارت روس به تهران احضار کردند (چرچیل، ۱۳۶۹: ۷۴). طبق گزارش ۱۴ ژوئن ۱۹۰۵ م./ ۱۳۲۳ ق. مدیر تلگراف مشهد مخفیانه با خبر تلگرافچی

روسی در خواف، کنیاز که ابزاری در تصرف داشت، از ریاست منفصل شد، اما سرآرتور هاردینگ مسئولیت مدیر تلگراف مشهد را تعهد کرد (1965, 1997, V. 2: 411- Iran political diaries 1881). این اقدام روس‌ها چندان بی‌پایه و اساس نیز نبود، زیرا انگلیسی‌ها همواره تلاش می‌کردند مأموران ایرانی را تطمیع و به نفع خود خریداری نمایند. سرپرسی سایکس که مدتی سرکنسول انگلیس در مشهد بود، از تطمیع خیبرالدوله مسئول تلگراف خراسان یاد کرده که با اعتراض روس‌ها تغییر کرد و خیبرالسلطنه جای وی را گرفت (وین، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

روس‌ها در رقابت با انگلیسی‌ها کنترل بر خط تلگراف مشهد - سیستان را در سال ۱۳۲۴/م. ۱۹۰۶ ق. تکمیل کردند. روس‌ها در سپتامبر ۱۳۲۴/م. ۱۹۰۶ ق. خط تلگراف را از طریق دفتر تلگرافی جدیدشان در سیستان قطع و منحرف کردند. در نتیجه، روس‌ها به همه پیام‌های فرستاده یا دریافت شده در دفتر تلگراف ایران در نصرت آباد از جمله تردد انگلیسی‌ها، دست می‌یافتند. تلگراف‌های کنسول بریتانیا رمزگذاری شده بودند، اما وضعیت آنها ایده‌آل نبود (Stebbins, 1997: 186).

در همین راستا، انگلیسی‌ها در تلاش برای کاستن از اهمیت این خط تلگراف تحت کنترل روس‌ها بودند و طبق گزارش انگلیسی‌ها، هنگامی که خط کاشان - کرمان بخشی از سیستم تلگراف هند و اروپایی که مقاطعه انگلیسی‌ها و در حال ساخت بود، تکمیل می‌شد. پیام‌های آنها از سیستان کاهش می‌یافت (1881-1965, 1997, V. 2: 264- Iran political diaries).

نتیجه

تلگراف یکی از مهمترین ابزارهای ارتباطی در دوره قاجار بود و از دوره ناصرالدین شاه، خطوط مختلفی در ایران با حمایت روسیه و انگلیس کشیده شد. پس از ایجاد خط تلگراف تهران - مشهد، مهم‌ترین خط تلگراف خراسان در مسیر مشهد - بیرجند - سیستان کشیده شد. از آنجا که روس‌ها از اواخر دوره ناصرالدین شاه رقابت خود را با انگلیسی‌ها برای نفوذ بر سیستان گسترش دادند و موفق به تأسیس کنسولگری نیز شدند، برای تسهیل ارتباطات و

تحکیم دامنه این نفوذ، برنامه خط تلگراف مشهد - سیستان را از طریق پرداخت وام به ایران اجرا کردند که ۹۸۷ کیلومتر طول داشت و قلمرو خاندان علم را در قاینات و سیستان به مرکز قدرت در مشهد و تهران متصل می کرد. اگر چه روس ها در رقابت با انگلیسی ها در این زمینه پیشگام شدند ولی از آنجا که انگلیسی ها نیز می توانستند از فواید ارتباط سریع بین سیستان و هندوستان با مشهد بهره ببرند، مخالفتی با این طرح نداشتند. این خط تلگراف، کنترل مرکز بر حکام منطقه را سریع تر و راحت تر کرد و تحرکات دول خارجی در منطقه را بهتر کنترل می نمود. در عین حال، مشکلات مردم را نیز زودتر انعکاس می داد.

ساخت خط تلگراف در محدوده قاینات، مشکلات بسیاری داشت و برخی از مشکلات، مخصوص این منطقه جغرافیایی بود. مشکلات این خط به طور کلی به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می شود. تأمین تیرهای تلگراف مهم ترین مشکل این مسیر بود، زیرا وضعیت طبیعی منطقه قاینات و سیستان مناسب برای رویش چوب هایی که برای تیر تلگراف استفاده شود، نبود و باید تیرها از بنی آباد و نشتیفان خواب به قاینات حمل می شد. در سیستان نیز عبور خط تلگراف از دریاچه هامون که در فصل پرآبی به صورت باتلاق وسیعی درمی آمد، مشکل طبیعی دیگری بود. ولی این مشکلات طبیعی اجتناب ناپذیر بود. مشکل دیگر تهیه وسیله حمل و نقل بود. در مسیر مشهد - خواب، گاریچی ها به صورت قرارداد امور حمل و نقل را انجام می دادند ولی در حوزه قاینات و سیستان اسب و گاری کارایی نداشت و نمی توانست چند صد کیلومتر تیر را حمل کند به همین جهت، استفاده از شتر ضروری بود.

برخی از مشکلات خط تلگراف مشهد - سیستان به رفتارهای مأموران و حکام مربوط می شد. در قاین و بیرجند که در قلمرو شوکت الملک واقع بود، ابتدا همکاری و پذیرایی خوبی با مأموران تلگراف نشد. شوکت الملک و حشمت الملک حکام قاینات و سیستان، باید در زمینه حمل تیر تلگراف کمک می کردند و مقرر شد مسیر از بنی آباد تا سیستان بین این دو تقسیم شود. شوکت الملک از بنی آباد تا سریش و حشمت الملک از سریش تا سیستان را برعهده گرفت. ولی هزینه و کرایه حمل و نقل مسأله دیگری بود که بین شوکت الملک و مأموران حکومتی ایجاد مشکل کرد. با وجود این که مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف وعده ی تأمین کرایه حمل و نقل را داده بود، ولی پرداخت آن در عمل با تأخیرهایی همراه بود و سیم کشی را

با مشکل مواجه کرد. از سوی دیگر، در حالی که حکومت شوکت‌الملک بخاطر رقابت با برادرش حشمت‌الملک با چالش‌هایی مواجه شده بود تأمین هزینه سیم‌کشی تلگراف و هدیه آن به دولت می‌توانست موفقیتی برای وی به‌دنبال آورد. ولی این مسأله مورد سوء استفاده برخی از مدیران و مسؤولان در تهران نظیر مخبرالدوله قرار گرفت و خیبرالدوله خواستار پیگیری آن بود. سوء استفاده‌های مالی مدیران جزء، نظیر یک گاریچی تا مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف نیز قابل توجه بود. از آنجا که حکومت قایمات شترهای مردم را به بیگاری می‌گرفت، شتردارهای فعال در زمینه حمل و نقل کالا، در مسیر سیستان - قایمات نیز متضرر می‌شدند و برخی از شتردارها به سوی مناطق جنوبی‌تر متواری شدند که اثرات منفی آن بر تجارت منطقه قایمات وارد شد.

کنیاز وچنادزه مهندس روسی طراحی مسیر خط و اجرای آن را برعهده داشت و پس از تکمیل خط نیز با استقرار در خواف، نزدیک به دو دهه کنترل آن را در دست داشت. کنترل روس‌ها از همان ابتدای شروع فعالیت خط تا وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. روسیه ادامه یافت و با تلگرافی‌های انگلیسی به‌طور مستقل از این خط استفاده می‌کردند، ولی کنترل روس‌ها بر این خط، بیش از این که برای ایرانی‌ها ایجاد نگرانی کند، برای انگلیسی‌ها نگران کننده بود.

منابع و مآخذ

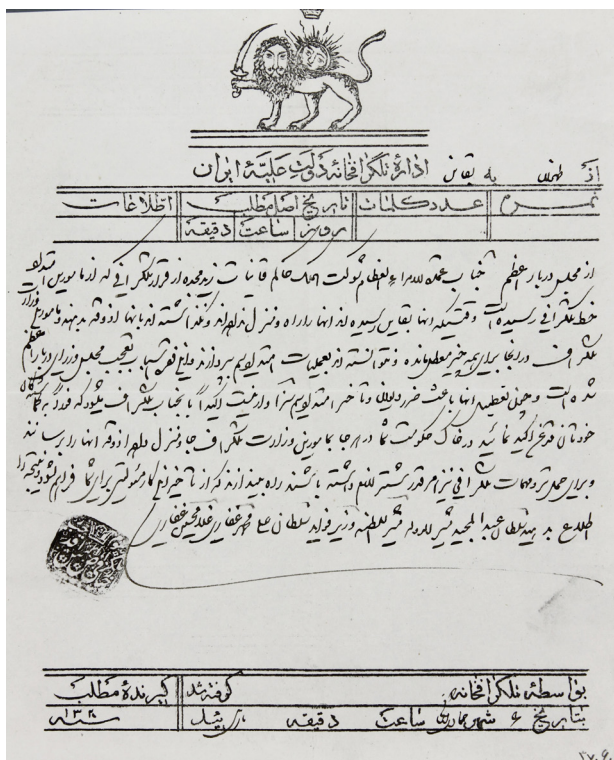
۱. آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قایمات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲. اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه خانلرخان/اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی، تهران: منوچهر محمودی.
۳. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمد اسمعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
۴. چرچیل، جورج پ. (۱۳۶۹). *فرهنگ رجال قاجار*. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: زرین.
۵. ریاضی هروی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *عین الوقایع*. تصحیح محمد آصف فکرت. تهران:

- انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۶. سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *مرآت الوقایع مظفری*، ج ۱. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.
۷. سه سفرنامه (۱۳۵۶). به کوشش قدرت الله روشنی. تهران: توس.
۸. صبور، میرزا محمدکاظم (۱۳۴۲). *دیوان حاج میرزا محمد کاظم صبور*، ملک الشعرای آستان قدس. تصحیح محمد ملک زاده. تهران: ابن سینا.
۹. صفایی، ابراهیم (۱۳۴۶). "افتتاح تلگراف طهران - مشهد". *مجله نگین*، سال سوم. شماره ۳۱.
۱۰. کاظم زاده، فیروز (۱۳۵۴). *روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴*، پژوهشی درباره /میریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی؛ فرانکلین.
۱۱. کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان (۱۳۸۰). *فرهنگ جغرافیای ایران: خراسان*. ترجمه کاظم خادمیان. مشهد آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۲. کرزن، جرج ناتائیل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*، ج ۱. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. لندور، آرنولد هانری ساویچ (۱۳۸۸). "اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت" در: *سرزمین آرزوها*. ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.
۱۴. وین، آنتونی (۱۳۸۳). *ایران در بازی بزرگ*. ترجمه هوشنگ مهدوی. تهران: پیکان.
۱۵. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). *سفرنامه خراسان و سیستان*. ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. تهران: یزدان.
۱۶. روزنامه ادب. شماره ۱۸. سال دوم و شماره ۳۴. سال دوم.
۱۷. روزنامه ایران. شماره ۱۰۲۹.
۱۸. رعد، شماره ۷۷. سال یازدهم.
۱۹. آستان قدس رضوی. مرکز اسناد: ۱-۲۵۰۱/۳ و ۲۵۰۲/۲ و ۲۵۰۳/۱ و ۲۵۰۶/۱ و ۲۵۰۶/۲ و ۲۵۰۷/۱ و ۲۵۰۸/۱ و ۲۵۰۸/۲ و ۲۵۰۹/۱ و ۲۵۱۰/۱ و ۲۵۱۱/۱ و ۲۵۶۸/۱

و ۳۷۰۶/۱ و ۳۷۰۷ و ۳۷۰۸/۱ و ۳۷۴۶/۲ و ۱ و ۹۱۸۵/۳ و ۲ و ۷۰۴۴۳ و ۳ و ۷۰۴۴۳/۳ و ۴ و ۷۰۴۴۳/۵ و ۷۰۶۱۹ و ۱ و ۷۳۳۰۹/۱ و ۴-۱ و ۷۵۹۴۳/۴.

20. Iran political diaries 1881 -1965 (1997), General Editor Dr R.M.Burrel.

21. British consuls and "local" imperialism in Iran, (2009) stebbins, h.lyman, 1889-1921, Illinois, the university of chicago, chicago.



تلگرافی دربار در توییخ شوکت الملک بخاطر عدم استقبال از ماموران تلگراف



بیرجند ایالتی تلگراف خط و ملک حلیه لایزال

از	عدد کلغات	انوار و اصل مطلب	الخلاعات
روز	روز	روز	روز

توضیح: این خط از دوازده هزار و سیصد و هشتاد و پنج متر است که در یک سال و نیم و نیمه ساخته شده است. این خط از دوازده هزار و سیصد و هشتاد و پنج متر است که در یک سال و نیم و نیمه ساخته شده است. این خط از دوازده هزار و سیصد و هشتاد و پنج متر است که در یک سال و نیم و نیمه ساخته شده است.

مهر

بواسطه تلگراف خط و ملک حلیه لایزال	گرفته شد	گرفته شد	گرفته شد
شماره ۲۲	شماره ۲۲	شماره ۲۲	شماره ۲۲

۸۵۴۹۱

تلگراف مخبر الدوله وزیر پست و تلگراف به شوکت الملک
درباره همکاری با سیم کشی تلگراف

The comparison of education and learning in two generation of faculty members of Birjand University

From the sight of master role

Khoshdaman, sedigheh¹

Ayati, Mohsen²

Abstract

The cultural view to the studies of higher education is among the points that recently has been taken into consideration from the researchers of this field and has been caused new chapter of studies in pivot of university cultures. The culture of educating and learning is an aspect of these studies that has been explored the prevalent cultures of higher education from the aspect of the credence and belief of the faculty members to the process of teaching-learning. The reciprocal relationship between culture and education causes the culture movements through the headstock of time and transmit from generation to generation. Through this transmission and from the headstock cultural movements it is possible that the values and customs to be the subjects of changes and transitions and produces the difference between generations in the way that to being to speech of intergeneration changes. In this way, the study of the culture of education and learning among two generations of faculty members is not only justifiable but also is essential. In the direction of recognizing

1. MA Student in curriculum planning of Birjand University.

sedighekhoshdaman@yahoo.com

2. Associate professor in education science of Birjand University

mayati@birjand.ac.ir

the current culture and from the “the role of university master” prospective as one of the components of educating and learning, these two questions has been set forth to discussion which are: in what things he sees his apostleship as a university master? And how he explains his relationship with students? In this direction, by the use of qualified approach (demography method) and on the base of aimed sampling, the perception of 26 persons of the faculty members of Birjand University has been explored. The data collected from the tools of deep interview of semi-structural constructed method and has been analyzed from coding method. The findings of research show that the faculty members of two generations have different perspectives towards “the master’s duties” and “the master-student relations”.

Key Words: Culture, University Culture, Education and learning Culture, demography.

Khavarn Nameh Ibn Hisam Khosfi in domain of religious and historic Epic

Bidokhti, Fatemeh¹

Vaezi, Moradali²

Abstract

Epic is one of the literary types. It has special definition and characteristic and divided in some kinds and types from different views. From one of these divisions, religious and historic Epics are of epic kinds. In this article beside the abstract representation of religious and historic Epics, with Khavarn Nameh Ibn Hisam Khosfi as pivotal domain which is one of the successful kinds of religious epics, the explanation of the characteristics of religious epics has been probed and with comparison of the structural characteristics of Khavarn Nameh with the features which has been specified to epics, the importance of the literary stance of this great religious epic in the domain of religious and historical epics has been emphasized.

Key Words: Epic, Historical Epic, Religious Epic, Khavarn Nameh, Ibn Hisam Khoosfi

1. Lecturer of Birjand's Educational University of Imam Sajad. the responsible Writer.
Email ,fbidokhti@yahoo.com

2. The faculty Member of Literature group of Birjand University

**The economic effects of agricultural production cooperatives
on rural family (Case study: of agricultural production
cooperatives of Birjand province)**

Shateri, Mofid¹

Hjipoor, Mohammad²

Nejati, Behnaz³

Dezgi, Aliyeh⁴

Abstract

The economy of villages of Iran is in profound connection with agricultural section. In direction of the promotion of exploitation and production output, so far, the improving of traditional exploitation systems and dissemination of production cooperatives is one of the common strategies which have been used in our country such as South Khorasan. The present study tried to probe the inspection and examination of the economic effects of agricultural production cooperatives on rural districts of Birjand province. This research from the methodological point of view is descriptive-analytical. The community under study contains the members of five agricultural production cooperatives in Birjand province from which the number of 296 individuals selected and ordered with the use of

1. Faculty Member of Geography of Birjand University, The responsible writer, Email; mshateri@birjand.ac.ir

2. Undergraduate PhD student in Geography and rural planning of Kharazmi University

3. MA in Geography and rural planning

4. MA student in Geography and rural planning

Kokaran Formula and the method of two stages cluster sampling for questioning. The results showed that in production section in company with expansion of the level of under cultivation of the products like wheat, barley, corn and alfalfa, the expenditures also has been reduced. In addition, the indexes like income, saving, employment and welfare of the family members the agricultural production cooperative has been increased in comparison to the past.

Key Words: Agricultural development, Exploitation system, the rural production cooperatives, Birjand

**The Aspects of Organizational Culture based on Denison
Model and Its Relation with the air of Human Recourses
Development (From the view point Birjand University Personals)**

Poorshafei, Hadi¹

Askari, Ali²

Niyazi, Fatemeh³

Abstract

Today the development of human recourses is the important aim of the organizations and the establishment of suitable fields for such development is placed in priority. In building the infrastructure for this development different factors has roles among them is organizational culture. On this base, the present research accomplished with the aim of exploration of the relation of organizational culture and the air of human recourses development from the view point Birjand university personals which answer to eight hypotheses. The methodology of the research is descriptive and unitary and from the aim point of view is applied. The statistical community of the research includes the personals of Birjand University which are selected totally 130 persons in randomly method. The data are collected from questionnaires of organizational culture Denison. For analyzing the data, the inferential statistic such as Multiple Pearson and Regresion Test are

1. Faculty Member of the Educational Training Group of Birjand University. The responsible writer, pourshafei@yahoo.com

2. Faculty Member of the Educational Training Group of Birjand University

3. MA Student in Management Training Of Birjand University

used. The descriptive findings of the study showed that in sum the average of aspects of organizational culture meaningfully is high from the medium rank. The unitary results also indicate that there is a meaningful positive relation between organizational culture and the air of human recourses development. Beside, the results of the analysis of Regression in this study also showed that among the partnership aspects, compatibility, adaptability and mission, after the mission is the best forecasting index in air of human recourses development of university. This matter indicates that if the organization's future direction becomes clear, the air of the organization in the field of developing human recourses becomes desirable. On this base, it is suggested that the managers of the university accomplish their actions and affairs on the bases of strategic planning and also inform the personals from the planning and goals of the university and the means of its fulfillment.

Key Words: Organizational Culture, The air of Human Recourses Development, Denison Model

The Effect of Shahnameh in Khavaran Nameh

Behnamfar, Mohammad¹

Khosravi, Majid ²

Abstract

Shahnameh Ferdowsi is the richest complete Persian poetical work and the important documentary of majesty and rhetoric of the Persian language and culture in which the national stories and historical works of Iranian ethnic has been drown in its best manner. Khavaran Nameh Ibn Hisam is one of the best exemplar of religious epic and is the sign of the establishment of Shia religion between Iranian. Ibn Hisam in composing of Khavaran Nameh severely has been affected by Ferdowsi and considered in his view the masterpiece of the Toos poetry master as his pattern. So the writers of this article with the descriptive-comparative methods and text analyzing procedure tried to show the effect of Shnameh in Khavaran Nameh in different aspects. The results of the study indicate that this impressionability can be seen overtly and covertly in all of the Khavaran Nameh. From selection of rhythm and poetical meter to lexical impressionability, and guaranty of some literary hemistiches and Shahname verses, similarity in story characters, similarity in describing the battle fields and duel contests, rarities of customs, quarrel between truth and

1. Associate professor in Persian literature of Birjand University, Email: m_behnamfar@yahoo.co

2. MA In Persian literature of Birjand University, Email: m.khosravi1366@yahoo.co

fault, affectability from the former archeological works, combat with demons, devils and magicians and so on.

Key Words: Ferdowsi, Shahnameh, Ibn Hisam, Khavaran Nameh, National Epics, Religious Epics, Influence Criticism.

The study of the role of tourism in rural developing by the use of SWOT Model (Case Study: the village Khood of Khusf County)

Moradi, Mahmud¹

Khatami, Somayyeh²

Abstract

The unfavorable ecological conditions and periodical drought is one of the main reasons of vulnerability of these rural districts. The Khood village also located in desert region of Iran and influenced from these conditions and it feels to be noticed much for its valuable historical texture because the rural tourism beside the maintenance of the historic buildings, can provide the external secondary incomes to rural family members and path the way for economic grows. This paper with the aim of the inspection of the role of tourism role in village development has accomplished the capacities of tourism in Khood village with the emphasis of SWOT model. This research from the aim aspect is applicable and is descriptive-analytic from the methodological domain. From field inspections, about 30 percentages of the family residents of the Khood village of 50 family members and also some experts in tourism field has been selected. The results of the study shows that the existence of the historic attractions and traditional texture in Khood village with local management control

1. Assistant Professor in Geographic Rural Planning of Payam Noor University of Birjand, The responsible Writer. Email, moradi_m@pnu.ac.ir

2. MA in Geographic Rural Planning of Payam Noor University of Birjand . Email .Khatami. somayeh@gmail.com

and the cooperation of the villagers specifically the women in developing the manufacturing activities-handcrafts and so on and providing the demanded services for tourists can bring about the background for rural developments.

Key Words: Rural tourism, Rural Developments, SWOT Model, Khoor, Khoosf.

**The inspection of the construction process of Mashhad-
Birjand-Sistan telegraphs line and its difficulties in the years of
1323-1319 Hegira**

Najafzadeh, Ali¹

Elahizadeh, Mohammad Hasan²

Abstract

The telegraph lines were one of the important and fastest public communications means in Qajar era. With the establishment of telegraph office in near or far different places, the news and reports exchanged in a fast manner and decisions and reactions accomplished quickly. First the telegraph line in the east of Iran reached to Mashhad in 1293 Hegira and then its minor subsidiary branches has reached to Sarakhs, Sistan and Dargaz and combined the remote and frontier locations to the centers of power. One of the important east telegraph lines in Iran was the line of Mashhad-Sistan which was built in the year of 1320 lunar. The establishing of telegraph line from Mashhad to Sistan for the reason of distance aloofness and geographical conditions has lots of difficulties. The difference of Russian and Iranian outlook in respect to establishment of this communicational line, the form of collaboration of Ghayenat and Sistan rulers were of the other difficulties fronting them in this

1. Faculty Member of t History of Birjand University, the Responsible Writer,
anajaf@birjand.ac.ir

2. Assistant Professor in History of Birjand University

great plan. The way of providing and preparing of telegraph draft in line direction, preparing transportation means, determining the place of telegraph office and residing place to the members of wire board, passing from dissert regions of Khorasan and Ghayenat, mire around Hamoon lake, the method of protection from telegraph wires were among the difficulties and problems which come forward in the time of wiring that in this article these mentioned problems has been inspected with the emphasis of document.

Key Words: telegraph line, Birjand, Mashhad, Sistan, Qajar

Table of Content

The Effect of Shahnameh in Khavaran Nameh

Behnamfar, Mohammad/ Khosravi, Majid 7

Khavarn Nameh Ibn Hisam Khosfi in domain of religious and historic Epic

Bidokhti, Fatemeh/ Vaezi, Moradali 37

The Aspects of Organizational Culture based on Denison Model and Its Relation with the air of Human Recourses Development (From the view point Birjand University Personals)

Poorshafei, Hadi/ Asgari, Ali/ Niyazi, Fatemeh 59

The comparison of education and learning in two generation of faculty members of Birjand University. From the sight of master role

Khoshdaman, sedigheh/ Ayati, Mohsen 85

The economic effects of agricultural production cooperatives on rural family (Case study: of agricultural production cooperatives of Birjand province)

Shateri, Mofid/ Hjjipoor, Mohammad/ Nejati, Behnaz/ Dezgi, Aliyeh ...109

The study of the role of tourism in rural developing by the use of SWOT Model (Case Study: the village Khood of Khosf County)

Moradi, Mahmud/ Khatami, Somayyeh 129

The inspection of the construction process of Mashhad-Birjand-Sistan telegraphs line and its difficulties in the years of 1323-1319 Hegira

Najafzadeh, Ali/ Elahizadeh, Mohammad Hasan 149



Referees

1. Ayati, Mohsen. PhD, associate professor, Birjand University
2. Asghari, Aghdas. PhD, assistant professor, Birjand Azad University
3. Poorshafei, Hadi. PhD, assistant professor, Birjand University
4. Khorshidzadeh, Mohsen. PhD, assistant professor, Birjand University
5. Shateri, Mofid. PhD, assistant professor, Birjand University
6. Asgari, Ali. PhD, assistant professor, Birjand University
7. Azimzadeh Tehrani, Tahereh. PhD, assistant professor, Mashhad Azad University
8. Alizadeh Birjandi, Zahra. PhD assistant professor, Birjand University
9. Falsoleyman, Mahmud. PhD, assistant professor, Birjand University
10. Ghorbani, Kolsum. PhD, assistant professor, Birjand Azad University
11. Mohammadi, Ebrahim. PhD, assistant professor, Birjand University
12. Mekaniki, Javad. PhD, assistant professor, Birjand University
13. Noroozi, Hamed. PhD, assistant professor, Birjand University

khorasan

quarterly of Cultural - Social Studies

Serial: 26

ISBN 1735-8256

Vol.7 No.2. winters 2013

Concessioner: General office of Islamic culture and direction

Chairman: Motahharifar, Mohammad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra. PHD

Executive editor: Jafari, Mohammad Hossein

Executive manager: Bahari, Abbasali / Zerang, Mahin

Editorial Board:

1. Ahmadi, Habib, PhD, associate professor of sociology and urban planning, Shiraz University
2. Poorshafei, Hadi, PhD, assistant professor of Education, Birjand University
3. Rashed Mohassel, Mohammad Taghi, professor of Culture and Ancient languages; research center of humanities and cultural studies
4. Rashed Mohassel, Mohammad Reza, PhD, assistant professor of Persian language and literature, Ferdowsi Mashhad University
5. Sarmad, GholamAli, PhD, associate professor of Demography, Islamic Azad University, Tehran Branch
6. Shateri, Mofid, PhD, assistant professor Geography and rural planning, Birjand University
7. Shokoohi, Gholamhussein, professor of Educational science, Tehran University
8. Alizadeh, Birjandi, Zahra, PhD, assistant professor of History, Birjand University
9. Farbod, Mohammad Sadegh, PhD, assistant professor of Cultural sociology, Islamic Azad University, Tehran Central Branch
10. Kamyabi Mask, Ahmad, PhD, associate professor of the Theater and literature, Tehran University
11. Mikaniki, Javad, PhD, assistant professor Geography and rural planning, Birjand University
12. Sepehr, Mohammad Homayoun, assistant professor of Demography, Islamic Azad University, Tehran Branch

Literature editor (persian): Nasrollahi, Seyyed Noorollah. M. A

English Editor and translator: Azarkamand, Akbar MA

Typesetter: fekrebekr

Lithography and layout: Vasef.

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Mohallati st. General office of culture and

Direction, Research society office

Tel: 0561-4323393-4

Fax: 0561-4323277

Email: Daftareh-nashriyeh@yahoo.com

Ershad.shora@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the views of this quarterly. The writers are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translation. Material sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

